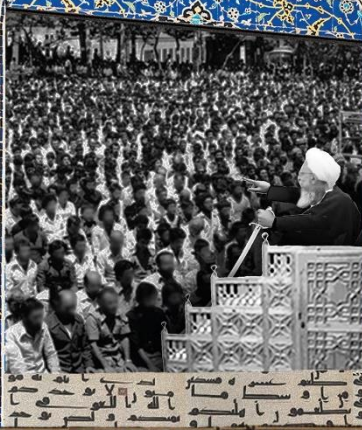


تحقیق در احکام اربعه در دوران غیبت

IV

نماز جمعه



نصر الله نجات بخش

تحقیق در احکام اربعه در دورانِ غیبت

۴

نماز های دسته جمعی

نماز جمعه

نصرالله نجات بخش

پاریس، دسامبر ۲۰۲۰

فهرست مطالب

مقدمه	۹
تاریخچه	۱۶

بخش اول

ویژگیهای سیاسی نماز جمعه در ابتدای اسلام

پیامبر و قرآن: نماز جمعه شعائری الهی یا مقابله سیاسی با یهود؟	۲۹
نماز جمعه از نگاه فقه امامیه	۳۷
امامان شیعه، تقیه پیشگان سیاسی در برگزاری نماز جمعه بودند؟	۳۸
نماز جمعه از دیدگاه صاحب نظران غرب	۴۹

بخش دوم

نماز جمعه و اقوال و نظریه های مهم فقها در دوران غیبت

چالش های مشروعیت نماز جمعه	۷۹
نظریه ها و رساله های وجوب عینی نماز جمعه	۸۳
نظریه های واجب تخییری	۹۷
نظریه های تحریم و عدم وجوب	۱۱۰

۱۲۱ نظریه عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت
۱۲۷ تحولی تاریخی در نماز جمعه در دوران صفویه
۱۴۴ تحولی تاریخی در نماز جمعه در دوران قاجار
۱۴۹ نماز جمعه از دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت
۱۵۵ جمع بندی نماز جمعه
۱۶۰ حاصل سخن احکام اربعه
۱۷۱ کتاب شناسی

پیوست ها

۲۱۵ ضمیمه ۱ - تقییه - توریه
۲۲۶ ضمیمه ۲ - کلیات نماز جمعه و امام جماعت از رسائل محقق کرکی
۲۴۴ ضمیمه ۳ - نماز عید فطر و قربان
۲۴۹ ضمیمه ۴ - خلاصه بر داری از جنبش رساله شناسی
۲۹۳ اندکس

نمازهای دسته جمعی

نماز جمعه

مقدمه

نماز جمعه یکی از احکام اربعه^۱ (چهار گانه) است، احکامی که از همدیگر جدایی ناپذیر و مربوط به مسائل جمعی جامعه اند که با هماهنگی و اجرای دسته جمعی همه باورمندان به این احکام اجرایی و بعمل در می آیند. این احکام بر خلاف شعائر و عبادات فردی مثل نماز، روزه و سایر عبادات فردی، نیاز به حضور امام زنده یا نماینده تعیین شده از طرف او دارد، نماز جمعه یکی از احکام اربعه است که انجام آن الزاماً عمومی و جمعی است، برگزاری آن بصورت دسته جمعی و منوط به شرایط اجتماعی و رضایت همگانی و حضور یک راهب یا پیش نماز جمعه دارد، عدم هماهنگی افراد جامعه، اجرای آن را غیر ممکن می سازد. نمازهای دسته جمعی و به ویژه اقامه نمازهای جمعه یکی از احکام فقه است که در اصطلاح فقهی، شرط وجوب آن همانا اجرای دسته جمعی و هماهنگی آن با پیش نماز یا امام جمعه بستگی دارد. برگزاری این گونه نمازهای دسته جمعی همانگونه که برای به اجرا گذاشتن جنگ و جهاد، جمع آوری وجوهات و یا اجرای امور قضایی، بنابر فقه شیعه، مستلزم حضور امام زنده، یا نماینده ای از سوی آن امام زنده می باشد.

در نمازهای دسته جمعی که به جماعت اقامه می شوند، کسی که در نماز جماعت جلو می ایستد و دیگران به او اقتدا می کنند، امام جماعت نامیده می شود و کسانی را که به امام

۱ - محمد جواد غروی، نبی اکرم مرسله دعائم الإسلام، نماز جمعه، اصفهان، ۱۹۷۵، ص ۲۱۶ - مرسله دعائم الاسلام از پیامبر، شامل: « أربع الی الولاة فی الحدود، الجمعة والصدقات » است، این چهار حکم بعدهه والیان یا ائمه هدی گذاشته شده است. نماز جمعه یکی از این چهار حکم است که باید با حضور امام یا مأذون (نماینده شخصی) امام برگزار شود.

اقتدا می کنند، مأوم می گویند. از نظر فقهای شیعه، شرکت در نماز هایی مانند: نماز جمعه، نماز عید قربان، نماز عید فطر، نماز میت، نماز آیات^۲ بصورت دسته جمعی واجب است. (در پیوست ها به ضمیمه شماره ۳، نمازهای عید فطر، قربان و ... نگاه کنید.)

نماز جمعه یکی از نمازهای دسته جمعی و نمازی است که مسلمانان در هر روز جمعه، اول ظهر به جای خواندن نماز ظهر برگزار می کنند. رعایت وقت بر انجام این نماز از اهمیت خاصی برخوردار است و باید رأس ساعت ۱۲ برگزار شود. نماز جمعه باید حتماً به صورت جماعت خوانده شود. نماز جمعه دو رکعت و دو خطبه است که به جای نماز ظهر خوانده می شود و خواندن نماز روزانه ظهر از عهده نماز گزاران جمعه ساقط می شود.

شرط اول نماز جمعه، تعداد شرکت کننده در این نماز است، تعداد شرکت کننده با محاسبه با خود پیش نماز بنابر دستورات فقه، باید حد اقل ۵ نفر باشند، این شرط برای شروع نماز می باشد و اگر بعد از شروع (و گفتن تکبیره الاحرام)، نماز گزاران پراکنده شدند و حتی اگر به غیر از پیش نماز یک نفر هم باقی نماند نماز جمعه باطل نمی شود.

شرط دوم این نماز، شرکت کننده در نماز جمعه است که باید حتماً مرد، مکلف، عاقل و مسلمان باشند، بنده آزاد شده، در صورتی که با اجازه ارباب خود باشد میتواند شرکت کند. شرکت زنان در نماز جمعه واجب نیست.^۳

شرکت در نماز جمعه برای: شخص بیمار، نابینا و معلولی که قادر به حرکت نیست و یا کسی که خطر جانی یا مالی او را تهدید می کند واجب نیست.

۲ - نماز آیات است که با وقوع حوادث غیر مترقبه در طبیعت، مانند زلزله، ماه گرفتگی و ... خواندن آن را بر مکلفان واجب شده است.

۳ - سیستانی، توضیح المسائل، مسئله ۷۲۰

بنابر قوانین فقه شروط دیگری نیز وجود دارند از جمله: عدالت پیش نماز جمعه است، پیش نماز یا امام در زبان عرب به معنی « در جلو » است که او باید بالغ، عاقل، مسلمان و عادل باشد.^۴ محل ایستادن مأموم از امام جلوتر نباشد. اگر مأموم بدون نیت اقتدا بکند نماز او باطل است. صفوف نماز جماعت باید شانه به شانه و در یک ردیف قرار بگیرند، قرار گرفتن غلامان و برده گان و کودکان در صف اول مکروه است!

نماز جمعه دو خطبه دارد که بعد از فرارسیدن ظهر و قبل از برگزاری خود نماز ایراد می شوند، هر یک از خطبه ها شامل: گفتن الحمد لله، درود بر پیامبر و خاندان پیامبر، پند و اندرز و خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه از قرآن با جملات روشن و کامل می باشد. خطیب جمعه باید بین دو خطبه کمی بنشیند و صدایش را به قدری بلند کند که همه حاضران صدای او را بشنوند. مستحب است که خطیب نماز جامه یمنی بر تن کند و بر چیزی در دست هر چند یک عصا باشد تکیه نماید و اول سلام بدهد. بر نماز گزاران واجب است جواب سلام او را بدهند و قبل از ایراد خطبه باید منتظر باشند تا مؤذن از گفتن اذان فراغت یابد.

در مذهب شیعه، در هر منطقه عموماً در یک مسجد، فقط یک نماز جمعه می تواند برگزار گردد، فاصله دو محل نماز جمعه باید حد اقل یک فرسنگ (حدود ۶ کیلومتر) فاصله داشته باشد. امروزه در کشورهای مختلف اسلامی نماز جمعه برگزار میشود و حتی در کشورهای غربی نیز جوامع اسلامی نماز جمعه برگزار میکنند و نکته قابل توجه افزایش این برگزاری ها است.

۴ - معجم المعانی عربی

وفا ابو چکرا Wafaa Abou-Chakra در تز دکترای نماز جمعه خود بر این نظر است که امروزه نماز جمعه به یک بحث کاملاً سیاسی تبدیل شده است، بطوری که بین همه امامان جمعه فقط مسائل سیاسی گفتگو می شود. بدون استثناء نماز جمعه متمرکز است روی انتقاد به رژیمهای فاسد یا رژیم های سیاسی که مذهب را نفی کرده و از « صراط مستقیم» اسلام سر بر گردانده اند، موضوع اصلی این بحث سیاسی نزد همه پیش نمازان نماز جمعه، همانا توطئه ای است که بر ضد اسلام و جوامع مسلمان شکل گرفته، و این توطئه ها از سوی امپریالیستها و دولتهای غربی پدید آمده است که بوسیله برخی از دولتهای عرب فاسد و مسلمانان دروغین به اجرا گذاشته شده است. بنا بر گفته خطبه خوانان، موضوع اصلی این نماز جمعه ها بصورت آشکار فقط یک چیز بیشتر نیست و آن دسیسه ای است که بر ضد جامعه اسلامی برای جنگ و ضربه زدن به آنها در پیش گرفته شده است، این نظریه همه امام جمعه ها است که گویی از زبان پیامبر است و از روز اول وجود داشته و ملل مسلمان را در مقابل دشمنان طمعکار قرار داده است، برای امامان جمعه این جنگ دیروز شروع نشده بلکه از روز پیدایش اسلام مسلمانان با این دشمنان در جنگ بین حق و باطل یا نور و تاریکی، شیطان و خدا بوده اند. امامان جمعه پیش بینی می کنند که جنگ خاتمه نیافته و اسلام به هدفی که داشته دست نیافته و راه دشوار و پر خطری را در پیش رو و در چشم انداز دارد.

گفتار سیاسی نماز جمعه در هر کجا و به ویژه در لبنان بوسیله امام جمعه های شیعه موضوع محوری خطبه ها است، اساس این بحثها انتقاد به اشغال سر زمینهای فلسطینی توسط اسرائیل است. این امامان جمعه مبلغینی هستند که از دولت شیعه ایران الهام می گیرند.^۵

5 - Wafaa Abou-Chakra, *Le sermon du vendredi en pays d'Islam*, Thèse de doctorat, Université Paris III-Sorbonne, 2000, p 267-269.

در جنوب لبنان امامان جمعه چه شیعی و چه سنی مذهب تمامی سعی خود را در تشویق مجاهدین فلسطینی در مقابل اسرائیل بکار می برند، تشویق در جهاد بر ضد یهودیانی که به مراکز مقدس مسلمانان تهاجم کرده و آن را اشغال کرده اند. در گفتار امامان نماز جمعه، دشمن بعنوان گروهی سلطه گر سیاسی، نفوذ گران معنوی اخلاقی، منافقین، بی دینان، کفار، دفاع گران ضد آزادی و آزادیخواهان، جنگجویان، مستکبرین، بربر های زمان، گرگان قرن و ... نامیده می شوند. این دشمنان، مقابله جویان، توطئه گران برنامه ریزی شده و مهاجمین به مسلمانان، استکبار جهانی اند که بر ضد مستضعفین می جنگند و دکترین اسلام را بعنوان موضوعی که با افکار آنان مطابقت ندارد نمی پذیرند. امامان جمعه در موعظه های خود می گویند: انسجام و همبستگی مسلمانان موضوع محوری است که هدف اصلی دشمنان فرار گرفته است، هدف توطئه گران و شیطان ها بر این است که این همبستگی را از بین ببرند.⁶

در مراکش وزیر مذهب وجود دارد بنام هبوس، در عمان مفتی اداره امور جمعه را اداره می کند در لبنان «زمین مذهب» و در مصر مساجد دولتی وجود دارد که امام آن باید فارغ التحصیل دانشگاه الاظهر باشد، در بحرین نماز جمعه زیر نظر اداره موقوفات کار می کند.

۷

6 - *Ibid.*, p 71.

7 - *Ibid.*, p. 100.

در مصر و مراکش مساجد آزاد وجود دارند یعنی مساجدی که هزینه آنها از سوی مردم تامین می شوند، در تونس، الجزایر، سوریه و ... به ویژه با دلائل بسیار قوی، دولت‌ها هستند که هزینه های این مساجد را می پردازند.^۸

اگر بحث را متمرکز کنیم روی حقوق برای ورود به مسجد به ویژه در خانه خدا، هیچ کس حق ندارد ورود ما را به خانه خدا ممنوع کند و حق ندارند ما از حق اظهار نظر و گفتن حرفهایمان در باره خدا ممنوع کنند.^۹

در شمال لبنان بوسیله سه امام شیعه (فضل الله، طراد و طوفیلی) موضوع محوری اساسی این انتقاد اشغال سرزمینهای فلسطینی توسط اسرائیل است.

در جنوب لبنان نیز سه امام جمعه سنی مذهب وجود دارد (قندور، خلیفه و عمری) که تمامی سعی خود را در تشویق مجاهدین بکار می برند.

بهر رو میتوان بر روی یک خط اساسی و موضوع محوری مهم، مراسم نماز جمعه امروز را با همه مناسباتی که بر آن حاکم است با مراسم برگزاری آن در دوران گذشته و فاصله جدی که در آن بوجود آمده مورد بررسی قرار داد. ابوچکرا نتیجه گرفته است که خطبه های نماز جمعه در قدیم وسیله مناسبی برای ارتباطات سالم بین مردم بود، در صورتی که امروز وسیله جدایی و تفرقه افکنی نه فقط بین کشورهای مسلمان با غرب که باعث دوری خود مردم مسلمان نیز شده است. نماز جمعه که به ادعای گذشته خود عاری از تناقض و عکس العمل بود و قادر بود همگرایی را در جامعه محور کار خود کند، امروز تبدیل به

۸ - یاسین، کتاب «الجماعت» ص ۱۰-۴۸

9 . Bruno Etienne, L'islamisme radical, L'appel ou Da'wa comme discours politique, Hachette, p. 150-151.

هیجان، نفرت، تجاوز و ناامیدی شده است. در گذشته امام جمعه به مردم و به مریدان می گفت باید از اعتماد بهره مند شوند، اما امروز بی اعتمادی را برای مریدان خود دامن می زند و این دستگاه تبلیغ نگرانی و بی اعتمادی و عدم امنیت را تبلیغ می کنند که چیزی جز انزوا، انتقام گیری، شکست و تجزیه شدن جامعه در چشم انداز ندارد.

با مطالعه روی تاریخچه نماز جمعه خواهیم دید که نویسندگان کمتر به دنبال یافتن نظام ارزشی در این موضوع بوده اند، و مطالعات معمولاً فقط روی اطلاعات حول محور نماز جمعه بوده که این اطلاعات نیز در حد بسیار نازل کار شده، بطوری که حتی خطبه خوانان به مخاطبان خود اطلاعات لازم را منتقل نمی کنند.

تاریخچه

نماز جمعه بطور تاریخی، منحصر به مسلمانان شیعه یا سنی نبوده است، این سنت بر گرفته از سنتهای ادیان پیش از اسلام به ویژه سنتی است که از یهودیان و مسیحیان گرفته شده است. یهودیان مشابه نماز جمعه را در شامگاه جمعه بر گزار می کنند، نماز شبات، جمعه شب با مینخا (Min'ha) شروع می شود و در بعضی فرق، با غزلها (نوشته هایی از حضرت سلیمان) خوانده می شود.^{۱۰} در اکثر فرق با کابالات شبات (Qabbalat Shabbat) که مقدمه عرفانی مراسم شبات است خوانده می شود و در برخی جوامع یهود این سنت به غزل آیینی معروف است که حاوی شش غزل (۲۹ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹) است که نماد شش روز هفته است و پس از آن، لخوا دودی به معنای بیا عزیزم خوانده می شود، شعری است که شلومو هالوی آلکابتز در قرن شانزدهم بر اساس سخنان هائینا تنظیم نمود. برای خواندن آن، رو به روی دربی باز می ایستند و می خوانند تا ورود شبات را تبریک گفته و از او استقبال کنند. دعای شمع که جمعه شب خوانده می شود کمی با داعی که در طول هفته خوانده می شود فرق دارد. بسیاری افراد شبات را با آیات ۱۶ و ۱۷ از باب ۳۱ کتاب سفر

۱۰ - کتاب تنخ، آیه ۱۱۷ - تنخ یا تناخ (به عبری: תנ"ך)، نام عبری کتاب مقدس یهودیان است که نزد مسیحیان، تورات عبری خوانده می شود و مخفف شده سه کلمه تورات، نویم و کتوویم می باشد.

خروج جشن می گیرند. این یک سنت قبایل لورانی است که باید در این زمان تورات بخوانند و تا پیش از قرن شانزدهم اتفاق نمی افتاد.^{۱۱}

عباداتی شبیه نماز جمعه روز های جمعه مسلمانان، مسیحیان روزهای یکشنبه را که روزی مقدس در آیین مسیح است و به دلیل اینکه روز یکشنبه را روز شروع آفرینش می پندارند در کلیسا دور هم جمع می شوند و با آرامش و وقار خاصی به صورت دسته جمعی با در نظر گرفتن اصول اخلاقی زیر دعا می خوانند:^{۱۲}

۱ - فراموش کردن منافع و کارها و ضایعات گوناگون.

۲ - احترام به خدا و مودب بودن در حضور او.

۳ - تفکر درباره چیز هایی که می خواهیم به حضور او تقدیم کنیم.

۴ - اظهار نمودن آن چیز ها با خشوع و خضوع.

۵ - پذیرفتن اجابت دعا.

۶ - خاتمه ای که با وقار همراه باشد.

چه این دعا ها پنج دقیقه یا پنج ساعت طول بکشد، الزام این است که این شش عمل انجام شوند. شکی نیست که خواندن خود دعا، وقت آن را تعیین می کند، هرگونه باشد، باید با وقار شروع، و با وقار خاتمه یابد.

امیل سیمونود **Emil Simonod** در کتاب نماز عیسی می نویسد: نماز رابطه ای است

بین انسانِ پشیمان و خدا.^{۱۳}

^{۱۱} - <https://afshin1939.persianblog.ir/vZgEvE76aRfE5GGArk6R...>

^{۱۲} - اصول اخلاقی مسیحی، کولسیان فصل ۳ آیه های ۱ تا ۶

13 - Emil Simonod, *La prière de Jésus selon l'évêque Ignace Brianchaninoff (1807-1867)*, Edition Presence, 1976, p. 59.

پدران روحانی قرون اول مسیحی سفارش به پیدا کردن رهبر الهام گرفته از خدا می کردند. ۱۴ سنت هوسیشویز می گوید: کسی که نماز ناب و خالص ندارد، در جنگ با دشمن ابزار دفاع از خود را ندارد. ۱۵

در اسلام تا پیش از آنکه أنصار، روز جمعه را جمعه بنامند، این روز «یوم العرویه» نامیده می شد، با آمدن پیامبر، محمد آن را روز جمعه نامید، و گفت: کسی که یک و جب از جمع دور شود، بند اسلام را از گردن خود فرو گذاشته است. ۱۶ نماز جمعه پیش از هجرت، در سال دوازدهم بعثت در مکه تشریح شد. در این سال پیامبر که امکان برگزار کردن نماز جمعه در مکه را نداشت، در نامه ای از مُصَعَب بن عُمَیر خواست که نماز جمعه را در مدینه برگزار کند. ۱۷ بر اساس نقل قول دیگر نخستین نماز جمعه را اَسَد بن زُرَّارَه در مدینه اقامه کرد. ۱۸

به نقل از محمد بن جریر طبری و امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی و اغلب منابع تاریخی و جوامع روایی فریقین، پیامبر در راه هجرت به یثرب که پس از ورودش، این شهر را «شهر پیامبر» یا «مدینه النبی» نامیدند، نزدیک ظهر روز دوشنبه دوازدهم ربیع الأول سال سیزدهم بعثت در محله قبا، به منزل عمرو بن عوف وارد شد و تا روز پنج شنبه در آن محل باقی ماند تا علی ابن ابی طالب به همراه فاطمه دختر پیامبر و فاطمه بنت الاسد و فاطمه بنت زبیر بن

14 - *Ibid.*, p. 64.

15 - *Ibid.*, p. 76.

۱۶ - محمد جواد غروی، نماز جمعه، ص ۳

۱۷ - طبرانی، المعجم الکبیر، بیروت، ج ۱۷، ص ۲۶۷ - احمدی میانجی، کتاب مکاتیب الرسول، ص ۲۳۹

۱۸ - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۴۴ - سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۵۰

العوام به او پیوندند. در آنجا نخستین مسجد که بعدها به نام مسجد قبا معروف گردید را بنا و نخستین نماز جمعه را نیز برگزار کرد.^{۱۹}

پس از پیوستن امام علی و همراهان، پیامبر در روز جمعه به سمت مدینه حرکت کرد. وقتی به داخل شهر رسید، در محله بنی سالم سکونت گزید که نزدیک به ظهر جمعه مقارن گردید و او در همان مکان که بعدها به مسجد تبدیل گشت، اولین خطبه جمعه را بیان کرده و با همراهان خویش و مسلمانان نماز جمعه را به جا آورد و این اولین نماز جمعه پیامبر بود.^{۲۰} بعد از شهر مدینه اولین مکانی که در آن نماز جمعه برگزار شد، روستایی بنام عبدالقیس در بحرین بود.^{۲۱}

ابوالقاسم پاینده به نقل از البدایه و النهایه می نویسد: پیامبر پیش از جنگ احد خطبه ای ایراد نمود که در آن از نماز جمعه صحبت کرده و سفارش به عمل به اطاعت از خدا و خودداری از محارم نموده است: « اختلاف و نزاع و دودلی از ناتوانی و زبونی است که خدا آن را دوست ندارد و بدان فیروزی و ظفر نمی بخشد، هر کس از مومن و کافر نیکوئی کند پاداش وی در دنیا و در آخرت با خداست. هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد باید مواظب جمعه باشد مگر طفلی یا زنی یا بیماری یا بنده مملوکی که از جمعه بی نیازی کند که خدا بی نیاز و ستودنی است.»^{۲۲} « و ... بدانید که خدای عز و جلیل، حضور در جمعه را در این سال و در این ماه تا روز قیامت بر شما واجب کرده است. هر کس امامی داشته باشد و جمعه

۱۹ - برای نمونه رک: مسعودی، مروج الذهب، بیروت، ج ۳، ص ۱۹

۲۰ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۴

۲۱ - حلبی، سیره الحلبیه، بیروت، ج ۲، ص ۵۹

۲۲ - ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، به نقل از ابن ابی الحدید، اشارات جاویدان، ص ۶۵۹

را ترک کند، خدا پراکند گیش را فراهم نیاورده و کارش را مبارک نمی کند.»^{۲۳} (به خطبه های دیگر پیامبر در ضمائم نگاه کنید).

آنچه از نماز جمعه در قرآن آمده است، تنها یک سوره با نام نماز جمعه نازل شده است، نمازی که باید به جماعت خوانده شود و صریحاً قرآن مؤمنان را به حضور در این نماز دعوت نموده و تأکید بر این دارد که هنگامی که صدای مؤذن بلند شد و دعوت به نماز شدید، معامله و تجارت را رها سازید و برای انجام این فریضه الهی حاضر شوید.^{۲۴} بر خلاف این که در قرآن کمتر روی نماز جمعه تأکید شده، اما در احادیث و روایات به تکرار درباب انجام آن سفارش شده است، در روایتی ثواب شرکت در نماز جمعه را برای غیر مستطیع، معادل با ثواب زیارت حج شمرده،^{۲۵} و یا در روایاتی دیگر تارکین این نمازها را سخت نکوهش کرده، هشدار می دهد: کسی که سه هفته نماز جمعه را ترک کند منافق خوانده می شود.^{۲۶} اندر فضیلت نماز جماعت به نقل از پیامبر نوشته اند: «نماز جماعت بیست و هفت مرحله از نماز فرادی برتر است».^{۲۷} از ابن بابویه نیز نقل شده است که: «هر کس سه نماز جمعه را پشت سر هم و بدون عذر ترک کند، او فریب کار است. از امام رضا نقل شده : (نماز جماعت از نماز فرادی در مسجد کوفه برتر است).»^{۲۸}

۲۳ - پاینده، به نقل از اعجاز القرآن، ص ۶۶۱-۶۶۲

۲۴ - سوره جمعه، آیه ۹

۲۵ - فضل الله راوندی، نوادر راوندی، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۲۷۷

۲۶ - ناصر مکارم، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ج ۲۴، ص ۱۳۳

۲۷ - حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۵، ص ۳۷۰، ابواب نماز جماعت

۲۸ - محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۵

چنین توصیه هایی نیز بعد از رحلت محمد دیده می شود، پس از عصر پیامبر، بر اساس گزارش های تاریخی اقامه نماز جمعه در دوره سه خلیفه اول و نیز در دوره حکومت علی ابن ابی طالب (۶۶۰-۴۰/۶۵۵-۳۵) و امام حسن (۴۰/۶۶۰) فرزند او متداول بود.^{۲۹} برخی از روایات شیعه مانند خطبه شعبانیه پیامبر و پاره ای از خطبه های نهج البلاغه امام علی یاد آور این نمازها هستند.

اقامه نماز جمعه در دوران خلفای راشدین و خلفای بنی امیه و بنی عباس در قرون نخستین هجری نیز رایج و تبلیغ می شد.^{۳۰} قدیمی ترین گزارش های موجود درباره برگزاری نماز جمعه در جوامع شیعی، اقامه نماز جمعه در مسجد بَرَاثَا (مسجد شیعیان در بغداد) در سال ۳۲۹/۹۴۱ به امامت احمد بن فضل هاشمی بود.^{۳۱} در سال ۴۲۰/۱۰۲۹ با انتصاب خطیبی سنی مذهب از جانب خلیفه، مدتی اقامه نماز متوقف شد در سال ۳۴۹/۹۶۰ نماز جمعه بغداد نیز تعطیل شد.^{۳۲}

در این دوران با حکم و با دستور مستقیم حاکمان وقت نماز های جمعه برگزار می شد، لیکن به دلیل اختلافاتی که بر سرِ وجوب یا تحریم نماز جمعه بوجود آمد و عده ای برگزاری نماز جمعه را در زمان غیبت امام حرام دانستند، نماز های جمعه کمتر اقامه گردید و یا در محدوده ای از زمان، نماز جمعه مورد تأیید علمای امامیه قرار نگرفت و برگزار نشد. در دوران امویان (۷۵۲-۱۳۲/۶۶۱-۴۱) و دوره عباسیان (۱۲۷۱-۱۳۲-۶۵۶/۷۵۲) نماز

۲۹ - تاریخ الطبری، بیروت، ج ۳، ص ۴۴۷ - ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، ج ۱۳، ص ۲۵۱

۳۰ - رسول جعفریان، نماز جمعه، زمینه های تاریخی، آگاهی های کتابشناسی، تهران، ص ۲۳- ۲۵

۳۱ - خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۴۳۰

۳۲ - ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۵، ص ۱۹۸-۲۰۱

جمعه را خلفا یا خود و یا کارگزاران آنها اقامه می کردند.^{۳۳} خلیفه مرکز خلافت، امامان جمعه را منصوب می کرد.^{۳۴} و انتخاب پیش نمازان جمعه سایر شهرها برعهده امیران و والیان زیر نفوذ آنها بود.^{۳۵}

تعطیل یا کم رونق شدن برگزاری نمازهای جمعه در دوران بنی امیه و بویژه اواخر دوره عباسیان انگیزه برای سلاطین بعدی و بخصوص رشد بی سابق آن در ابتدای دوران سلسله صفویه شد، در دوره سلسله صفوی، با افتادن قدرت سیاسی به دست شیعیان در ایران، نماز جمعه مجدداً اهمیت پیدا کرد و در سراسر ایران رواج تازه ای بخود گرفت، برای نخستین بار علی بن عبد العالی، محقق کرکی (۹۴۰/۱۵۳۳) به عنوان فقیهی که وظیفه خود را در هماهنگ کردن فقه شیعه، در کنار دولت جدید می دانست، نماز جمعه را احیاء و خود نیز امام جمعه شد. نماز جمعه توسعه بسیار پیدا کرد، در این دوره نهضت رساله نویسی پیرامون نماز جمعه به اوج خود رسید و بیش از یکصد رساله در باب نماز جمعه منتشر شد. در این رساله ها، نماز جمعه و مباحث مربوط به آن، یکی از موضوعات مهم فرهنگی و دینی دوره صفویه شد و برگزاری این نمازها ویژگیهای خاصی در این دوره به خود دید، نماز جمعه از واجبات و از شعائر دینی شد و با مباحث سیاسی و حکومتی پیوند خورد. ارتباط نماز جمعه با حکومت از آن رو اهمیت داشت که تعیین و انتخاب امام جمعه های رسمی در هر شهر، در اختیار حکومت بود. بر سر این مسئله، اختلاف نظر ها و مجادلات فقهی میان فقها زیاد شد و سؤال این بود که آیا در عصر غیبت امامان معصوم، فقها اجازه

۳۳ - تاریخ یعقوبی، بیروت، ج ۲، ص ۲۸۵ - تاریخ الطبری، بیروت، ج ۸، ص ۵۷۰-۵۷۹

۳۴ - ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۳۸۳

۳۵ - قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره، ج ۱۰، ص ۱۵-۲۰

اقامة نماز جمعه از سوی آنها را دارند؟ اگر چنین اجازه ای وجود دارد به چه صورت است، وجوب تخییری یا استحبابی یا واجب عینی است؟ یا بعکس اساساً چنین اجازه ای وجود ندارد؟ این بحث ها بین فقها بسیار چالش بر انگیز شد. علی بن عبدالعالی محقق کرکی، بر اساس فتوای شایع در مکتب حلّه، وجوب تخییری نماز جمعه را بعنوان راه حلی موجود و میانه پیشنهاد و خود آن را برگزید، وی این راه حل را با قید حضور فقیه جامع الشرائط یا به تعبیر آن روزگار « مجتهد الزمانی » پیوند داده و این نوع مجتهد را بعنوان جانشین امام زمان با اختیارات کافی برای اقامه نماز جمعه معرفی کرد. بدین ترتیب محقق کرکی پایگاه مجتهدین را در بخشی از مسئولیتهای اجتماعی و دینی ایجاد کرد.

چهل و دو سال پس از تألیف رساله محقق کرکی، در سال ۹۶۲/۱۹۵۵ زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹)، رساله خود را نوشت و با استفاده از تمام توان و تجربه علمی خود، کوشید تا وجوب عینی نماز جمعه را ثابت کند. شاگردان و نوادگان وی نیز در ایران بر این عقیده استوار ماندند؛ اما مخالفت های زیادی سبب شد تا این نظریه در بوته شک و تردید قرار گیرد، بطوری که بعضی از فقها پیرو مکتب محقق کرکی باقی مانده و شماری دیگر قائل به حرمت اقامه نماز جمعه در دوران غیبت شدند. مباحثه علمی بر سر اقامه نماز جمعه، در این دوره دوپست و سی ساله حکومت صفوی، منجر به تألیف بیش از یکصد رساله در باب نماز جمعه شد. در آغاز خلافت این سلسله، حاکمیت، خود امامت اقامه نماز جمعه را عهده دار بود، لیکن وقتی دستگاه خلافت با دین و دینداری فاصله بیشتری پیدا کرد، امامت نماز های جمعه در اختیار و در مسئولیت عالمان دینی قرار گرفت.

با روی کار آمدن دولت قاجار، به موازات از دست رفتن اعتبار تمامی مناصب مذهبی پیشین همانند اواخر دوره عباسیان، ادامه سیاست های مذهبی و منصبی کردن امامان جمعه نیز اهمیت خود را در این دوره از دست داد. بر اثر ناسازگار بودن ساختار سیاسی قاجاریه به عنوان یک حکومت ایلی برای پذیرش موقعیت علما در مجموعه هیأت حاکمه نماز جمعه

جایگاه شایانی که در دوره صفویه داشت از دست داد. علیرغم از دست دادن جایگاه نماز جمعہ، برخی از سنت‌های عصر صفوی، در برخی از زمینه‌های مربوط به سیاست مذهبی همچنان ادامه یافت. یکی از سنت‌های برجای مانده از عصر صفوی، انتخاب امام جمعہ از طرف شاه بود. «قاعده بر این بود که پادشاه وقت، یک نفر را برای امامت جمعہ در هر شهری و حتی در قصبات بزرگ جدا گانه تعیین می نمود.»^{۳۶} بر این اساس، نام امام جمعہ نیز در فهرست حقوق بگیران دولتی نیز ثبت شد.

در ایران در دوران پهلوی، امام جمعہ ها زیر سلطه دربار و مطابق نظر شاه عمل می کردند. در دوران پهلوی در ایران بر گزاری نماز های جمعہ رو به ضعف رفته و بسیار کمتر بر گزار یا در مقاطعی اصلاً بر گزار نمی گشت دید. با رخداد انقلاب در سال ۱۹۷۹ در ایران، بار دیگر نماز های جمعہ رنگ و بوی سیاسی تازه ای بخود گرفت و بر گزاری این نماز ها بطور منظم از سوی حکومت از سر گرفته شد، بطوری که امروز تمامی دستگاه جمعہ و جماعت زیر فرمان مستقیم ولایت مطلقه فقیه عمل می کنند.

۳۶ - محمد علی حبیب آبادی، مکارم الآثار، نشر نفایس مخطوطات، اصفهان، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۸۰

بخش اول

ویژگیهای سیاسی نماز جمعه

در ابتدای اسلام

نماز جمعه پیامبر شعائری الهی یا مقابله سیاسی با یهود؟

قرآن

نماز جمعه در قرآن تنها در یک سوره با همین نام، در آیات ۱۱-۹ چنین آمده است
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ
 لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز از روز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر
 خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید، اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»^{۳۷}

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.
 «و چون نماز گزارده شد روی زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را
 بسیار یاد کنید باشد که شما رستگار گردید.»^{۳۸}

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ
 وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.

۳۷ - سوره جمعه، آیه ۹

۳۸ - سوره جمعه، آیه ۱۰

« و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند به سوی آن روی آور می شوند و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می کنند بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است.»^{۳۹}

این آیات بر برپائی و ترک معامله و تجارت در هنگام نماز تاکید نموده و کسانی را که در حال خواندن خطبه، نماز را رها نموده، به دنبال لهُو و تجارت می روند مورد خطاب قرار داده، خاطر نشان می کند که خدا را از یاد می برد و به دنبال پول و تجارت می روند.

روایات و تفاسیر زیادی نیز بر این آیات و در باره شتاب به سوی نماز جمعه و تعطیل کارها وجود دارد، از جمله در کتاب من لایحضره فقیه شیخ صدوق، با یاد آوری آیه ۹ از سوره جمعه می نویسد: هرگاه مؤذن ندا داد دیگر خرید و فروش مکنید، زیرا حق تعالی فرموده است.^{۴۰} مؤلف این روایت را از الدر المنثور، از ابن ابی شیبیه، عبد بن حمید، و ابن منذر از میمون بن مهران این گونه نقل کرده است: در مدینه رسم چنین بود که هرگاه مؤذن اذان روز جمعه را می گفت، در بازارها ندا در می دادند: «بیع حرام شد، بیع حرام شد.»^{۴۱} علامه حلی نوشته است: در آیه نهم سوره جمعه، وجوب سعی (فَاسْعُوا) بعد از واژه «نُودِی لِلصَّلَاةِ» که دلالت بر اذان دارد، به کار رفته است. این نشان می دهد که واجب است خطبه های نماز جمعه بعد از اذان، ایراد شود.^{۴۲}

۳۹ - سوره جمعه، آیه ۱۱

۴۰ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۹ و ص ۲۹۹

۴۱ - السیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۰

۴۲ - علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۳

در تفسیر قمی در ذیل جمله « فاسعوا الی ذکر الله » نوشته است « سعی » به معنای دویدن و سرعت درراه رفتن است، در روایت ابی الجارود از امام باقر آمده است: وقتی گفته می شود « فاسعوا » معنایش این است که برای یک هدف عمل کنید.^{۴۳}

بر پایه تفسیر المیزان آیه بر وجوب نماز جمعه و نهی از داد و ستد در هنگام نماز تأکید دارد و می نویسد: عبارت « وَذَرُوا الْبَيْعَ » (تجارت را رها کنید)، تنها از تجارت نهی نمی کند؛ بلکه از هر کاری که انسان را از نماز جمعه باز دارد، نهی می کند.^{۴۴}

از نظر سیاسی، ویژگی نماز جمعه را با مراسم سالانه حج که بزرگترین گرد همایی مسلمانان است مقایسه می کنند و با روایتی از پیامبر می نویسند: « نماز جمعه حج کسانی است که قادر به شرکت در مراسم حج نیستند. »^{۴۵} به بهمین دلیل یکی از برنامه های پیش نماز در خطبه های نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روز و جلب همکاری مخاطبین برای حل مشکلات عمومی است. نماز جمعه همیشه به عنوان یک اهرم نیرومند سیاسی در دست حکومتها بوده است که برای حل مشکلات عمومی در توسعه شهرها، جلب حمایت فرقه ها و مذاهب گوناگون در یک شهر برگشت، بویژه ملاحظات سیاسی

۴۳ - علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۷

۴۴ - طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۷۳

۴۵ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۰

و امنیتی حکمرانان، موجب می شد که در یک شهر چندین نماز جمعه برگزار شود.^{۴۶} ابن بطوطه می نویسد در قرن هفتم در یازده مسجد در بغداد نماز جمعه برپا می شد.^{۴۷}

بنا بر آثار منشره از سوی طیرانی و ابن ماجه که در بالا آوردیم، پیامبر در سال دوازده بعثت در مکه سفارش بر گزاری نماز جمعه کرده است، اما اکثر منابع تاریخی و احادیث بر این مطلب اتفاق نظر دارند که سوره جمعه در مدینه نازل شده و تشریح نماز جمعه نیز در دوره پیامبر در این شهر رخ داده است. سوره جمعه در مخاطب قرار دادن و تشریح طعنه ها و مطالب مربوط به یهودیان که در آیات ۵ تا ۷ این سوره بیان شده است.^{۴۸} قطعاً با مدینه تناسب دارد، زیرا یهودیان در مدینه و در اطراف این شهر مستقر بودند و پدرانشان از قرن ها قبل از تولد پیامبر به گفته خودشان برای درک حضور آخرین سفیر الهی از شامات به حجاز و مدینه که آن زمان یثرب خوانده می شد، مهاجرت کرده بودند.^{۴۹}

علیرغم واقعیت فوق الذکر، شگفت انگیز این که علاوه بر اینکه این یهودیان اطمینان یافتند که محمد همان پیامبر موعود است، ولی نه تنها اکثریت قریب به اتفاق آنها به او ایمان نیاوردند، بلکه با مخالفین پیامبر هم دست شده و پیمانی را که با پیامبر بسته بودند محترم نشمرده و آن را شکستند، این پیمان مبتنی بر عدم دشمنی با اسلام در قبال حمایت پیامبر از مال و جان آنان بود و این دشمنی ها نهایتاً منجر به نبرد مستقیم آنان با پیامبر در چند غزوه

۴۶ - ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۵، جزء ۱۰، ص ۱۰۵، چاپ احمد ابولمحم، بیروت، ۱۹۸۷

۴۷ - ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۳۳، چاپ محمد عبدالمنعم عریان، بیروت، ۱۹۸۷

۴۸ - سوره جمعه، آیات ۵-۷

۴۹ - محمد بن هشام، سیره النبی، ترجمه سید هشام رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۷۰

مهم از جمله با بنی قریظه در خبیر شد.^{۵۰} مخاطب قرار گرفتن یهود یان در آیات سوره جمعه، دلیل بر مدنی بودن این سوره و امر مهم و تعیین کننده نماز جمعه را تشریح می کند. محمدبن جریر طبری (۳۱۰/۹۲۲)، در کتاب تاریخ طبری، در تفسیر این سوره به اولین نماز جمعه پیامبر اشاره و می نویسد: «اولین نماز جمعه را حضرت در بین قبیله بنی سالم بن عوف (یهودیان طایفه بنی عوف که با مؤمنان هم پیمان و متحد شده بودند) در مدینه اقامه کرده و بعدها آن مکان به عنوان مسجد انتخاب شد.»^{۵۱}

محمدبن یوسف الشامی (۹۴۲/۱۵۳۵) نیز معتقد است که تشریح نماز جمعه از مکه شروع، ولی عملاً اولین نماز جمعه پیامبر در مدینه آغاز شده است.^{۵۲}

از بین مفسرین و محدثین شیعه، امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸/۱۱۵۴) با استناد به آیات نماز جمعه، اولین نماز پیامبر را در قبیله بنی سالم بن عوف از قبایل نزدیک مدینه نقل کرده است.^{۵۳} همین روایت را قطب راوندی (۵۷۳/۱۱۷۷) با خلاصه کردن آن آورده است.^{۵۴}

در کتب تفسیری معاصر نیز علامه طباطبایی ضمن نقل سوره جمعه می نویسد: مقصود از این سوره توجه دادن به همت جدی برای برپا داشتن نماز جمعه است و اینکه این واجب از

۵۰ - جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۶۵

۵۱ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۴

۵۲ - شمس شامی و محمدبن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۳، ص ۳۳۴

۵۳ - طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۲

۵۴ - قطب الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۶۹

شعائر بزرگ الهی است، که به نقش آن در اصلاح دنیا و آخرت مردم توجه داده شده است.^{۵۵}

در بین این مفسرین، عده ای با استناد به روایات معتقدند که نماز جمعه در مکه تشریح شده و سپس به دلیل عدم امکان اقامه آن در مکه، عملاً در مدینه برگزار شده است. الشامی می نویسد: «پیامبر به مصعب بن عمیر که از طرف پیامبر مأمور تبلیغ در مدینه بود، فرمود: نگاه کن به روزی که یهودیان در شنبه، صدایشان را برای خواندن زبور آشکار می نمایند و زنان و فرزندان را برای نیایش جمع کرده و هنگامی که قدری از ظهر گذشت، دو رکعت نماز برگزار می کنند.»^{۵۶}

از مورخین شیعی امروز، سید جعفر مرتضی العاملی پس از ذکر آیه نهم سوره جمعه می نویسد: «مقصود از این آیه، وجوب اهتمام به نماز جمعه است و ممکن است قبل از آن در مکه واجب شده، ولی چون امکان اقامه علنی آن نبوده یا مخفیانه اقامه شده و خیر آن به ما نرسیده باشد.» وی در ادامه می نویسد: «مؤید این مطلب خبری است که دارقطنی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر قبل از مهاجرت به مدینه، موظف به نماز جمعه بود، ولی چون نمی توانست آن را در مکه اقامه کند، به مصعب نوشت تا در مدینه نماز جمعه را به دو رکعت اقامه کند.»^{۵۷}

مسلمانان صدر اسلام، رفتار غیر عادی در حین خواندن خطبه های پیامبر از خود بروز می دادند، اشاره به این برخوردها به صراحت در سوره جمعه دیده می شود، بطوری که می

۵۵ - طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۳

۵۶ - سیوطی، درالمنثور، ج ۶، ص ۲۱۸

۵۷ - سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی، ج ۳، ص ۳۱۳

نویسد: چون تجارت یا لهوی ببینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را ای پیامبر، در حالی که ایستاده (و نماز می خوانی) رها می کنند، به آن ها بگو، «آنچه نزد خداوند است از لهو و تجارت دنیوی برای شما بهتر است، همانا خداوند بهترین روزی رسان می باشد.»^{۵۸}

طباطبایی می نویسد: «شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که وقتی کاروان تجارتی (از شام) وارد مدینه می شد و با طبل و دهل، اعلام ورود نمودند، مردم در حالی که پیامبر مشغول خواندن نماز بود، او را رها کرده و به سمت تجارت رفتند.»^{۵۹}

شیخ مفید (۴۱۳/۱۰۲۲) می نویسد: رسول خدا در آخر خطبه خود چنین می فرمود: خوش به سعادت آن که اخلاق و سلوکش با دیگران را پاکیزه و باطنش را پاک و ظاهرش را نیکو گردانیده و زیادی مال خویش را انفاق و از زیادی گفتار پرهیز و با دیگران با انصاف رفتار نماید.^{۶۰}

با توجه به مجموعه اشاراتی که خلاصه ای از آنها در بالا آمد، در این پرسش که نماز جمعه از شعائر الهی یا مقابله سیاسی با یهود بوده است؟ بنظر می رسد در مضمون سوره جمعه در مخاطب قرار دادن و تشریح طعنه ها به یهودیان و در آیات ۵ تا ۷ همین سوره، حرام شدن بیع و تاکید بر حرمت معامله در هنگام نماز و یا کسانی را که در حال خطبه نماز آن را رها

۵۸ - سوره جمعه، آیه ۶۲

۵۹ - طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۳

۶۰ - شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۲۸ و کتاب سنن الرسول، گروه حدیث پژوهشکده علمی و کاربردی باقرالعلوم، ص ۶۸۸

می کنند و به دنبال لهو و تجارت می روند، و اشاراتی دیگر، همه نشانگر شعاعی هستند که مخاطب را یهودیان و غیر یهودیان و مقابله سیاسی قرار گرفتن با آنها را بیان می کند.

نماز جمعه از نگاه فقه امامیه

در مطالعه نماز جمعه در فقه امامیه از نوعی واکنش منفی در میان فقهای شیعی حکایت می کند، این واکنشها بر آرای مختلف آنان درباره حکم نماز جمعه در دوران غیبت امام معصوم سایه افکنده است. برخی به تعطیل آن حکم یعنی قائل به حرمت شده اند و برخی تعطیل را جایز دانسته اند و قائل به تخییر شده اند و گروهی هم بدون نظر گرفتن وضع حکومتی و بدون نظر گرفتن عصر حضور امام، آن را در هر وضعیتی لازم شمرده اند. شاید علتش این باشد که فقهای شیعی به دلیل آنکه طی قرون متمادی با انقباض فکری مواجه بوده و با دولتهای غیرمشروع چالش داشته اند، در احکام حکومتی فقه، از قبیل نماز جمعه دیدگاه روشنی نرسیده اند و محدودیتهای دوره قبض، آنان را از طراحی برای دوره بسط ید باز داشته است.

امامان شیعه، تقیه^{۶۱} پیشگان سیاسی در برگزاری نماز جمعه بودند؟

خلفای راشدین و خلفای بنی امیه و بنی عباس، نماز جمعه برگزار می کردند و اشخاصی را برای اقامه نماز جمعه در شهرها و در مرکز تحت نفوذ خود از طرف خودشان مامور اقامه نماز می نمودند. اقامه نماز جمعه، دست آویزی بر قدرت سیاسی یکی از مناصب خاص آنان بود و بدون اجازه آنان، هیچ شخصی نماز جمعه را برگزار نمی کرد.^{۶۲}

در تبیین اجمالی نماز جمعه در این دوران، ائمه معصومین با توجه به متن برخی از احادیث، همچون دو حدیث مشهور «حث و هلاک»^{۶۳} شاید بتوان چنین استنباط نمود که ائمه با در نظر گرفتن مقتضیات و شرایط خاص هر زمان، مواضع مختلفی را اتخاذ می کردند. برای مثال در برخی زمانها با رعایت و عمل به تقیه، (بمعنی دورویی پیشگیرانه یا انکار باور در مواجهه با آزار و اذیت و یا کتمان به معنای پوشاندن حقیقت از طریق سکوت و بی توجهی^{۶۴}) امامان از شرکت در اقامه نماز جمعه های خلفا، خودداری می کردند. با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی دوران زندگی ائمه و روند برگزاری نماز جمعه ها، ائمه خود را موافق به اقامه

۶۱ - برای مطالعه دقیقتر تقیه و توریه در پیوست ها به ضمیمه شماره ۱، تقیه و توریه نگاه کنید.

و شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، قم، ص ۱۳۷ - شیخ مفید تقیه را پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان، به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی می نامد.

۶۲ - سید حسین طباطبایی بروجردی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، ص ۶-۷

۶۳ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳

64 - MOKTAR DJEBLI, Encyclopedia of Islam, 2 ed, Brill. « TAKIYYA », vol. 10, p. 134.

نماز جمعه در آن ایام نمی یافتند، از خطبه های جمعه ائمه معصومین در مجموعه آثار آنها، اثر قابل ملاحظه ای به ما نرسیده است. از امام علی و امام حسن مجتبی که خود زمانی خلافت را عهده دار بودند، خطبه هایی از جمعه به جای مانده است، اما بنا بر تحقیق ما از دیگر امامان، گزارشی در مورد اقامه جمعه آثاری باقی نمانده است. موضوع بر گزارشی نماز جمعه نوعی رویارویی خلفا با امان شیعه قرار گرفت بطوری که در مخالف با امان شیعه، حتی تا دوران عمر بن عبدالعزیز، امیرالمؤمنین (امام علی) در خطبه های جمعه خلفا مورد سب و لعن قرار می گرفت.^{۶۵}

در تاریخ اسلام، رهنمودهایی از امامان معصوم در دوران تقیه (دوران امویان تا زمان عمر بن عبدالعزیز و تداوم آن به گونه ای دیگر در عصر عباسیان^{۶۶}) وجود دارد، این رهنمودها به نوعی بیانگر آموزه های نماز جمعه و اهمیت آن از منظر معصومین می باشد. فقهای شیعه، امامان جمعه منصوب از طرف حاکمان جور را مشروع نمی دانند و نماز خواندن پشت سر این پیش نمازان را مجاز نمی دانستند و خود از شرکت کردن در نماز جمعه خودداری می نمودند.^{۶۷} با وجود این، اما بر پایه برخی روایات، امامان شیعه و پیروان آنان از باب تقیه در مراسم نماز جمعه شرکت می کردند.^{۶۸}

۶۵ - تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۲ - دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۶۵ - بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۶۹

۶۶ - تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۸۵ - ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۱، ص ۲۳۷ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۳-۴۶

۶۷ - تاریخ طبری، بیروت، ج ۴، ص ۳۲۸ - علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، ج ۴۴، ص ۳۳۳

۶۸ - زراری، تاریخ آلزراره، اصفهان، ج ۲، ص ۲۷ - نوری، مستدرک الوسائل، قم، ج ۶،

روایت زین الدین عاملی شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) صاحب کتاب معالم الاصول، به نقل از کلینی - از ثقات راویان امام باقر که در آن، شیوه امام باقر در بیان خطبه ها و طریقه ادای نماز جمعه، بیان شده است.^{۶۹}

از امام صادق نیز روایاتی در باب جمعه و نماز جمعه ذکر شده است، از آن جمله روایتی که امام صادق به نقل از پدران خویش از پیامبر روایت کرده است: کسی که از روی ایمان و اعتقاد به نماز جمعه بشتابد، خداوند گناهان او را آمرزیده است.^{۷۰}

در پاسخ به این سؤال که آیا ائمه در نماز جمعه خلفا و نمایندگان خلفا شرکت می کردند؟ باید گفت از دیدگاه شیعه، حاکمان جور و امامان جمعه و جماعت منصوب از طرف آنها مشروعیت نداشته و نمی توان با پیش نمازی آنان نماز خواند. با این حال، همانگونه که اشاره شد، در براساس برخی گزارش ها، ائمه در نماز جمعه خلفا و حاکمان وقت، از باب تقیه شرکت می کردند.

اما در رابطه مشخصات پیش نماز، می دانیم که در میان مذاهب فقهی اهل سنت، تنها حنفیان هستند که حضور امام یا نایب او را برای امامت جمعه شرط دانسته اند. به نوشته صاحب جواهر آنان نیز اظهار میدارند که در صورت تعذر، این شرط ساقط میشود، علاوه بر این اذن امام را برای باز شدن مسجد نیز لازم میدانند.^{۷۱} احمد بن حنبل بر این باور بوده که نماز جمعه

۶۹ - شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، گنج العرفان، قم، ج ۲، ص ۹۹

۷۰ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶

۷۱ - زهیلی وهبه، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۷۸

را بدون اذن سلطان میتوان خواند. از قول او در صحیفه سجادیه آمده است: «بار خدایا، این مقام (امامت نماز جمعه) برای جانشینان و برگزیدگان تو است»^{۷۲}

در نگاه بسیاری از فقهای سنی، اگر حاکم فردی را به امامت منصوب کرد، بر مردم واجب است از او تبعیت کنند و پشت سر او نماز بگذارند، زیرا در غیر این صورت، بین مردم اختلاف بوجود می آید. بنیاد این نگرش یک اصل سیاسی - فقهی اطاعت از حاکم بود که خاستگاه مذهبی داشت که در ادامه، گرفتار تحریف شد و اطاعت از حاکم، حتی اگر حاکم فاسق و فاجر هم بود، مشروع بود، بدین ترتیب شرط عدالت از امامت جمعه و جماعت حذف گشت.

علی صافی گلپایگانی در تاریخ تحول فقه شیعه می نویسد:^{۷۳} همه اهل سنت از فقها و محدثین و متکلمین، بر این عقیده اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا عزل و خلع نمی شود، و خروج و قیام علیه او نیز جایز نیست، فقط باید او را پند داد.^{۷۴}

و این نظر عموم متکلمین و محققین بزرگ اهل سنت است. نظیر باقلانی و ابوالثناء اصفهانی و دیگران.^{۷۵}

۷۲ - صحیفه سجادیه، دعای چهل و هشتم، فقره ۹. این کلامی است که قائلین به منصبی بودن امامت جمعه به آن استناد کرده اند

۷۳ - علی صافی گلپایگانی، تاریخ تحول فقه شیعه (ترجمه محمد حسن توکل)، چاپ یاران، ۱۳۷۹، قم، ص ۱۴۰

۷۴ - عسقلانی، شرح صحیح بخاری جلد ۸، ص 36

۷۵ - عبدالحسین امینی، کتاب الغدیر، جلد ۷، ص ۱۳۶

از دیدگاه شیعه نیز در باره امام سجاد نقل شده است که ایشان در نماز جمعه که به امامت پیشوایان ظالم برگزار می‌شد، از روی تقیه، شرکت می‌کرد ولی به آنها اعتنا نمی‌کرد و نماز ظهر خود را می‌خواند.^{۷۶}

همچنین ابن اسحاق نقل می‌کند: مروان بن حکم، هر جمعه در منبرش به امام علی و به امام حسن دشنام می‌داد. امام حسن اعتنا نمی‌کرد و روز جمعه به مسجد می‌رفت و به درون حجره پیامبر می‌رفت و همان‌جا می‌نشست، پس از اتمام خطبه نماز جمعه بیرون می‌آمد و نمازش را می‌خواند و به منزلش برمی‌گشت.^{۷۷}

پس از پیامبر، علیرغم متداول بودن نماز جمعه، نماز جمعه توسط امام حسن یا امام حسین، اقامه نمی‌شد،^{۷۸} در دوران خلافت امویان، عباسیان و حکومت عثمانیان نیز نماز جمعه را خلفا یا کارگزاران آنها اقامه می‌کردند که با خطبه خواندن به نام خلیفه وقت و دعا کردن برای او همراه بود.^{۷۹}

نماز جمعه از جلوه گاههای سیاسی خلفا و پیوند ویژه‌ای با نظام حکومتی آنها داشت. در قرون اولیه اسلام محلّ برگزاری نمازهای جمعه در هر شهری در کنار دار الاماره‌ها و

۷۶ - ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق ص ۳۵

۷۷ - ذهبی محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، دار الکتب العربی، بیروت، ج ۵، ص ۲۳۱ - نامه جامعه، سیر نماز جمعه در زمان ائمه معصومین، آذر ودی ماه ۱۳۹۲، شماره ۱۰۷

۷۸ - تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۴۷ - دمشقی اسماعیل بن عمر، البدایة والنهایه، ج ۴، جزء ۷، ص ۱۸۹ - محمد باقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، ج ۱، ص ۴۲۷

۷۹ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶۵ - تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۷۹ - حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷،

مقرهای حکومتی بود. حاکمان و والیان حکومتی، عهده‌دار برگزاری آن بودند، در واقع، اجرا و برگزاری نماز جمعه از شئون حکومت به شمار می‌آمد.

از دیدگاه فقهای اسلام، همان‌گونه که حاکم اسلامی، اجرای حدود، تعزیرات، دستور به جهاد در راه خدا، برگزاری حج و... را بر عهده می‌گیرند، به عنوان وظیفه‌ای حکومتی نماز های جمعه را نیز باید بر پا دارند. سلیم بن قیس هلالی از امام علی نقل می‌کند که او گفته است: بر مسلمانان واجب است پس از فوت رهبرشان، پیش از آن که رهبر و امامی جدید برگزینند، هیچ کاری نباید انجام دهند، از گرد آوردی مالیات‌ها تا حج و نماز جمعه و غیره.^{۸۰}

از قول امام صادق می‌نویسند: «الجمعه إلا مع امام عدل تقی»^{۸۱} نماز جمعه بر پا نمی‌شود، مگر با پیشوای عادل و با تقوا.

موضع انتقادی شیعیان در برابر حکومت‌های اموی و عباسی و ویژگی‌هایی که امام جمعه باید داشته باشد، سبب شد که چگونگی حضور امام در نماز جمعه، از مسائل جدی شیعیان در آید. از یک سو حضور امام در دوران غیبت غیر ممکن و برگزاری نماز های جمعه چالش برانگیز شد و از سوی دیگر شیعیان در نماز جمعه‌هایی که از سوی حاکمان ستم بر پا می‌شد، شرکت نمی‌کردند؛ چرا که نه امام جمعه، ویژگی‌های لازم را داشت و نه مسائلی که از سوی خطیب جمعه عنوان می‌شد. نماز جمعه، سنگری شده بود برای ستایش از

۸۰ - حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۷، ص ۱۲۳ - ۱۲۴

۸۱ - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۳

ستمگران و منصبی برای حکومتمگران. بدین ترتیب برخی از فقهای سنی مذهب و گروهی از فقیهان شیعه به غیر منصبی بودن آن فتوا داده اند.^{۸۲}

حدیثی از صحیح می گوید: امام علی به صورت ظاهر پشت سر خلفا نماز می خواند و مردم خیال می کردند که او نماز می خواند. از موسی بن جعفر نقل شده که می گوید: حسن و حسین پشت سر مروان نماز می خواندند و ما نیز با آنان نماز می خواندیم.^{۸۳} عبد الله بن سنان نقل می کند که امام صادق گفت: از بیماران آنان (اهل سنت) عیادت نمائید، در تشییع جنازه آنان حضور بهم رسانید، به عنوان شاهد، برای آنان شهادت دهید، و در مساجد با آنان نماز بخوانید. بعد از رحلت پیامبر، علی با ابوبکر بیعت نکرد، ابوبکر فردی را نزد علی فرستاد که آیا از بیعت با ما کراهت دارید؟ علی پاسخ داد تا قرآن را جمع آوری نکنم جز برای نماز عبا در بر نمی گیرم.^{۸۴} با وجود این در سال سی و پنج هجری، پس از اینکه عثمان خلیفه سوم به قتل رسید، مردم به سوی خانه امام علی آمده و از او قبول کردن خلافت را خواستار شدند و او بشرط اینکه عدالت به نحو ممکن مراعات شود و مردم انقیاد به آن را پذیرفتند، خلافت را پذیرفت.^{۸۵}

زراره می گوید: به امام باقر عرض کردم: عده ای روایت کرده اند که امیرمومنان امام علی در نماز جمعه بدون آنکه سلام نماز جمعه را بگویند بلند شدند و دو رکعت بر آن اضافه کردند و نماز را به صورت چهار رکعتی تمام کردند.

۸۲ - زهیلی و هبه، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۷۸

۸۳ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۳، حدیث ۹

۸۴ - حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۷، موسسه طبع و نشر، تهران، ۱۴۱۱ ق

۸۵ - متن کامل این خطبه را در نهج البلاغه نگاه می کنیم

امام باقر جواب داد: امیر مومنان پشت سر امام جمعه فاسق نماز خواند و هنگامی که امام جمعه سلام آخر نماز جمعه را داد، امیر مومنان بلند شد و بدون اینکه سلام نماز آن دو رکعت قبلی را بدهد، دو رکعت دیگر خواند و نماز را به صورت چهار رکعتی خواند، یکی از نماز گزاران گفت: یا علی چهار رکعت خواندید و بین رکعت ها سلام ندادید؟^{۸۶}

تا آنجا که به تاریخ دوره امامان مربوط میشود، باید گفت امام علی در نماز جمعه شرکت میکرد. هم چنین پس از آن که او به خلافت رسید، نماز جمعه را اقامه کرد. ضمن روایاتی که از او نقل شده است، نماز جمعه را یکی از مناصب امام دانسته و بر این نکته تأکید کرده اند که سه چیز است که اگر با امام در انجام آن مخالفت کنی، هلاک میشوی: جمعه، جهاد و انجام حج^{۸۷} این گونه روایات، سبب صدور این فتوا در شیعه شده است که نماز جمعه تنها با حضور امام یا نایب او واجب و برگزار میشود.

پس از امام علی، بحث شرکت ائمه در نماز جمعه، به گونه ای دیگر در تاریخ منعکس شده است. اسنادی وجود دارد که حضور برخی از ائمه را در نماز جمعه از روی تقیه عنوان کرده اند، می نویسند این امامان ابتدا نماز خود را در خانه میخوانده، سپس به مسجد برای اقامه نماز جمعه میرفتند. برخی از این امامان نیز، پس از اقامه نماز، با خواندن دو رکعت دیگر، در واقع نماز ظهر را اقامه میکرده اند. این کاری است که امام سجاد انجام میداده.^{۸۸}

۸۶ - اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ج ۳،

ص ۳۷۴، حدیث ۶، باب الصلوه

۸۷ - حسین نوری، مستدرک، ج ۶، ص ۷

۸۸ - الکافی، ج ۳، ص ۳۷۵ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۵۱

در روایتی از امیر مؤمنان نیز بر آن تأکید شده است.^{۸۹} ابو بکر حاضر می گوید: از امام باقر پرسیدم شما در روز جمعه چه میکنید؟ او در جواب از من پرسید شما چه می کنید؟ به او گفتم: من در منزل نمازم را میخوانم و سپس به مسجد میروم، او فرمود: و من نیز چنین می کنم.

یک متن تاریخی از کتاب نقض که در نیمه قرن ششم هجری تألیف شده در دست است که اقامه نماز جمعه در شهرهای شیعه مذهب را در آن گزارش و شرط اجازه امام را برای برگزاری این نمازها آورده است. کتاب نقض، ردی است بر کتاب بعض فضائح الروافض که شیعیان را به ترک اقامه نماز جمعه متهم می کند، عبد الجلیل قزوینی در پاسخ به این اتهام می نویسد: از کجا مسلم است که شیعه نماز آدینه نمی کند، در مذهب ابو حنیفه معلوم است که در شهری که نماز منعقد باشد، هر صنفی از اصناف محترفه و صنایع (پیشه وران و صنعتگران) در آن شهر باشند نماز واجب می شود و اگر یکی از این اصناف نباشند وجوب نماز ساقط می باشد، در مذهب شافعی نیز باید که چهل نفر حاضر باشند تا نماز جمعه واجب گردد و اگر کمتر از این عدد باشند، نماز جمعه واجب نمی شود، در مذهب شیعه، چنان است که اگر تعداد هفت شخص باشند نماز واجب می شود.^{۹۰}

تا اینجا در فهم این که نماز جمعه چیست و اساساً حکمت وضع آن چه بوده است دچار یک ثنویت می شویم، از سویی اگر به اصل اولیه و شروع این عبادت در ابتدای اسلام، در زمان محمد و قرآن نگاه کنیم، می بینیم، همانگونه که در بالا پیامبر در خطبه هایش، پیامی

۸۹ - شیخ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۸

۹۰ - عبد الجلیل قزوینی، نقض، انجمن آثار ملی، ص ۳۹۵

محتوایی با خود دارد، پیامی که به نظر می‌رسد بتوان این گونه تعبیر نمود که پیامبر سعی می‌کرد در برانگیختن مسلمانان، حرکتی نو در اندازد و آن گونه که در آیه‌های نماز جمعه و در خطبه‌های پیامبر آمده دیده می‌شود، تلاشی در تغییر محتوایی در اتحاد و همگرایی برای یک اتحاد عمل سیاسی همگانی بدست آورد. از سوی دیگر اما یک دوگانگی در شیوه عمل جانشینان پیامبر از همان آغاز، و به ویژه در بکارگیری «تقیه سیاسی» از سوی امامان شیعه دیده می‌شود، رفتاری که پیام فرضی بالا را در هماهنگی و یگانگی مریدان خود خنثی می‌کند و این پرسش را طرح می‌کند که چه عواملی موجب بروز این موضعگیری در رفتار شده است؟

نماز جمعه از دیدگاه صاحب‌نظران غرب

مستقل از حوزه های علمی و فقهی سنتی، دانشمندان غربی با برخوردی منتقدانه، موضوع نماز جمعه را مطالعه و مورد ارزیابی قرار داده اند. اختلاف دیدها و نظراتی که صاحب نظران غربی نسبت به فقهی اسلامی دارند در این است که پژوهشگران غربی بر خلاف فقها و مبلغین اسلامی وابستگی عقیدتی یا منطقه ای نسبت به موضوع ندارند، غریبها بیش و کم واقعیات های تاریخی بیشتری را مورد توجه قرار داده اند. متفکران و پژوهشگران غربی بدون تعصب به امام یا امام معصوم، نماز جمعه را مورد مطالعه قرار داده اند. برخی از این دانشمندان نماز های دسته جمعی را صرفاً از زاویه سیاسی و اجتماعی ارزیابی و تفسیر کرده اند. ما سعی میکنیم به اختصار این نظرگاهها را بر اساس گذشت زمان و اهمیت آنها بررسی کنیم. سعی شده نظرات بدون پیش داوری و صرفاً بعنوان منابع و مآخذی که آنان یافته اند و به ویژه جهت آگاهی بیشتر از نظرات این نویسندگان مورد مطالعه قرار دهیم، ناگفته پیداست که این نظرها نیز همه واقعیتها را روشن نمی کند. ذیلاً نظریه های این نظریه پردازان غربی را به ترتیب تاریخ می آوریم:

برونشوینگ کلجیت BRUNSCHVIG Gollegit می نویسد: در دوره صفوی در شهرهای بزرگ، این دولت بود که امام جمعه ها، شیخ الاسلام ها و قضات و بعضی اوقات پیش نمازها را بکار گمارده و حقوقشان را می پرداخت، آمریت دولت در انحصار نماز

جمعه در این دوره باعث از بین رفتن استقلال برگزار کنندگان غیر دولتی این نمازها گردید و اختلافات و تناقضاتی را بین آنها بوجود آورد.^{۹۱}

نرمن کالدِر Norman. CALDER سه کتاب سرخسی، شیرازی و ماوردی را مورد بررسی قرار داده و می نویسد: محمد بن عیسی سرخسی (۳۹۸/۱۰۰۸) و أبو اسحاق إبراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی (۴۷۶/۱۰۸۳) دو کتاب بیرون دادند که سه قرن مورد استفاده قرار گرفت. در بین تالیفات فقهی قرن چهارم هجری دو کتاب را میتوان بر جسته تر از بقیه کتب انتشار یافته دید، یکی از آنها کتاب مذهب از فقیه شافعی ابو اسحاق شیرازی است و کتاب دوم مبسوط از فقیه حنفی مسلک شمس الدین سرخسی است، این دو کتاب، کتب کدگذاری شده سه قرن اول فقه اند، کتبی که موید و ترویج الگوهای مختلف قوانین فقهی قابل احترام مذهب را بیان می کنند.

هر دو فقیه، سرخسی در «خاندان ترانساکسانیا» (سلسله افراسیاب در آسیای مرکزی) و شیرازی در «سلجینک» بغداد هر دو درگیر مسائل سیاسی حاکم روز خود بودند، اما تولیدات آنها روی فروع، الگویی برای سنتی های بعدی شد، دست آوردی تئوریک غیره سیاسی در مقیاس انبوه بزرگی از کارهای «فقهایی» (سروهای کوهی) زمان خود بود، فرآورده هایی که الگوی سنت های پدید آمده بعد از آنها شد.

در مقابل دو کتاب فوق الذکر، کتاب احکام سلطانیه ماوردی (۴۵۰/۱۰۵۸) بود که تا حد زیادی، نوآوری در ساختار موضوع و نه شاید در کل فقه بود. اختلاف کارهای سرخسی و شیرازی از یک سو و کار ماوردی از سوی دیگر، در شکل نبود، بلکه به زیبایی رویکرد

91 - BRUNSCHVIG Gollegit., « A Nineteenth Century view of jîhâd », *Studia Islamica*, No. 32, G. P. Maisonneuv Larose, p. 187.

سیاسی در محتوی خود را بیان می کردند، طبیعت این اختلاف را شاید بتوان در تعدادی از سطوح گسسته انتخاب شده از ادبیات این سروه‌های کوهی دانست. موضوع نماز جمعه، مراسمی که به طور کلی به عنوان یک حکم دینی جنبه سیاسی شناخته شده ای داشته مورد توجه آنها بود.^{۹۲}

در برابر ابو اسحاق شیرازی که می گوید امام جمعه باید فقیه ترین باشد، سرخسی برای انتخاب کردن امام جمعه یک قانون کلی ساخت که امام جمعه باید کسی باشد که بیشترین تعداد شرکت کننده را برای نماز جمع می آورد، برای این منظور او یک نکته مهم و ویژه ای را اضافه می کند و آن این است که حتی اگر عالمانی بیشترین آموخته های سنت را داشته و شایسته ترین برای این امامت باشند اما شرط بالا لازم است.^{۹۳}

کتاب احکام سلطانیه ماوردی از فقه شافعی بحث می کند، این کتاب از چیزی که در ادبیات سنتی در کتاب مبسوط سرخسی و یا از فقه سنتی رساله مذهب شیرازی که عموماً از فقه آن دوره بحث می کردند، حرف نمی زند. ماوردی تلاش می کرد فقه را با شرایط سیاسی روز هماهنگ و آن را نهادینه کند و بطور سازمان یافته در دستگاه های دولتی از وزارت تا عمارت، بصورت دادگاه های دیوانسالاری در بیاورد و در دستگاه های دولتی در دادگاهها و در فقه وارد کند.^{۹۴}

92 - CALDER Norman, «Friday Prayer And The Juristic Theory Of Government: Sarakhsi, Shirazi, Mawardi» *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 49, No. 1, In Honor of Ann K. S. Lambton (1986), p. 35.

93 - *Ibid.*, p. 42-43.

94 - *Ibid.*, p. 44.

ماوردی در رابطه با نماز های جمعہ و انتخاب امام جمعہ و یا پیشنهاد جمعہ دو نوع مسجد را به دستگاه دولتی پیشنهاد داد: اول مسجد سلطان یا مسجد دولت، بزرگترین مسجدی که در مرکز شهر قرار داشت و انحصاراً از فرمان سلطان اطاعت میکرد و دوم مساجد علمیه و عمومی که در رتبه های بعدی در دستگاه فقه قرار می گرفتند یعنی مساجد محلات شهری یا مساجد روستایی. تعیین امام جمعہ در مسجد سلطانیہ فقط در اختیار سلطان بود و هیچ کس دیگری حق انتصاب او را نداشت، این پیش نماز از قدرت سیاسی بالایی برخوردار و بر همه پیش نمازان دیگر حتی اگر آن دیگران از علم و موقیعت بالاتری هم برخوردار بودند، تقدم داشت.^{۹۵}

کالدر با استفاده از منابع ماوردی می نویسد: این مطالعه موضوعش نماز جمعہ است، عبادتی که عموماً درجاتی از آن موضوع سیاست نیز می باشد. او اضافه می کند: توجه من در این مطالعه نشان داد که نظرات ماوردی متفاوت است با نظریات شیرازی و سرخسی.^{۹۶}

اتان کلبرگ **KOHLBERG Etan** در مورد امام جمعہ ناصبی^{۹۷} می نویسد: بعنوان ضوابط مذهب، افراد باید پشت سر کسی نماز بخوانند که هم دین و هم مسلک آنان باشد، بنابراین نه تنها نماز خواندن پشت سر امام جمعہ ناصبی ممنوع است، بلکه پشت سر کسی

95 *Ibid.*, p. 44.

96 - CALDER Norman, « Doubt and prerogative: the emergence of an Imami Shi'i theory of Ijtihad », *Studia Islamica*, 70, 1989, pp. 36-47.

97 - ناصبی (النواصب) به عربی واژه‌ای است که به کسی که با علی بن ابی طالب یا امامان شیعه دشمن باشد اطلاق می شود. برای نمونه نگاه کنید به: شهید ثانی، *روض الجنان*، ج ۱، ص ۴۲۰

که به علی (ابن ابی طالب) وفا دار نباشد نماز خواندن ممنوع است، هر گاه کسی مجبور شود چنین نمازی را بخوانند، باید تقيه کند و فقط به کلمات قرآن گوش داده رکوع و سجود خود را طوری عمل کنند که گویا نماز دسته جمعی نیست بلکه نمازی است که بصورت فردی انجام می دهد.^{۹۸}

آندریو نیومن Newman Andrew در مورد مشروعیت نماز جمعه می نویسد: در دوران غیبت، مشروعیت نماز جمعه بین علما با دولت یک مسئله بسیار جدی و مورد بحث و گفتگو بوده است، بطور گسترده بحث بر سه نوع یا سه صورت بر گزارای نماز جمعه وجود داشته، در این تقسیم بندی، وجوب تخیری نماز جمعه قابل توجه است زیرا حضور امام یا نماینده امام اجباری است، اما با گذشت زمان، فقیه جایگزین نماینده امام شده است. انتخاب نوع وجوب تخیری و پیش برد آن توسط فقها در سازمانهای سیاسی روز، عدم وجوب یا حرام بودن نماز جمعه را تایید میکند، در دوران غیبت این نماز اجباری نیست یا حرام است چون نماینده خاص امام وجود ندارد. وجوب عینی نماز جمعه فقط با حضور امام معصوم معنی پیدا میکند.^{۹۹}

98 - KOHLBERG Etan, *Belief and Law in Imâmî Shî'ism*, Variorum, p. 100.

« As a rule, one should pray only behind someone who is trustworthy in his religion. Hence prayer is forbidden not only behind a Nâsibi imam (i.e., a Nâsibi who leads in prayer), but also behind an imam who professes allegiance. »

99 - NEWMAN Andrew J. « Friday Prayer as the Safavid Period », WALBRIDGE Linda S., *The Most Learned of the Shi'a, The Institution of the Marj' Taqlid*, Oxford University Press, 2001, p. 34-35.

یان ریچارد RICHARD Yann اهمیت فزاینده شاعر مناجاتی تحت عنوان «خطبه» برای وعظ اسلامی را از شعتری می نامد که میتوان آنها را با جایگاه مرکزی این مراسم در شاعر مسیحیت مقایسه کرد.^{۱۰۰} او می نویسد: سنت «خطبه» مبنای قرآنی ندارد ولی احتمالاً به زمان پیامبر اسلام باز میگردد، سستی که سعی میکند آن را با شکوه، قبل از هر نماز ظهر جمعه و یا بعد از هر نماز عید مذهبی بر گزار کنند. شرکت در این مراسم تنها در هر شهر فقط در یک محل بر گزار می شود و مسلمانان وفاداری خودشان را نسبت به واعظ بر گزار کننده نشان می دهند.^{۱۰۱}

یان ریچارد می نویسد: واعظ بر منبری می نشیند که تقلید از اواخر حیات پیامبر کرده باشد، منبری هشت پله ای، چوبی و خراطی شده که جایگاه تزیین شده از خلفای اسلامی کپی برداری شده ای است که آنان نیز از منابر کلیسای مسیحیت حبشی کپی برداری اند. واعظ معمولاً با فشار روی شمشیر یا روی یک کمان یا عصای تعلیمی که در دست چپ خود دارد تاکید دارد که «این مذهب در حال حاضر مسلح به سلاح است» و این عادت یکی از ویژگی های قضات عرب قدیم بوده است.^{۱۰۲} این که ائمه جمعه، سلاح به دست می گیرند، پیروی از روایاتی است که بر اساس آن روایات مستحب است امام جمعه هنگام ایراد خطبه

100- J. STAIKER, « Preching Christian » Hastings Encyclopédisa of Religion and Ethics, 216b. Cité par Yann RICHARD, « La Fonction Parénétiqque du 'ÂLEM: La prière du vendredi en Iran depuis la Révolution » *Die Welt des Islams* XXIX, CNRS, 1989, p. 63.

101- MARGOLIOUTH David Samuel, Encyclopedia Britannica (15th edition) _____ « Preching Muslim » Hastings Encyclopédisa of Religion and Ethics, 216b. Cité par Yann RICHARD, La Fonction Parénétiqque, p. 63.

102- Cité par Yann RICHARD, « La Fonction Parénétiqque », *Die Welt des Islams*, New Series, Bd. 29, Nr. 1/4 (1989), pp. 61-82 p. 64.

بر عصا یا اسلحه تکیه کند و آن را در دست چپ داشته باشد.^{۱۰۳} واعظ دو خطبه می خواند که محتوی اولی نصایح و دومی مسائل سیاسی روز است، واعظ می تواند بین دو خطبه دقایقی بنشیند.

اسلحه به دست گرفتن خود سمبل و گویای نوعی زور مداری و خشونت است، خشونتی که ناقض نماز، عبادت و صلح است، بدین جهت دست بر روی اسلحه گذاشتن پیش نماز در اقامه نماز جمعه در خطبه های نماز نیاز به تحقیقی جدا گانه دارد. اما آن چه در این نمایش سمبلیک در نماز دسته جمعی جمعه میتوان گفت این که اولاً: این حکم الزامی نیست، و بنا بر منابع موجود دستت روی اسلحه گذاشتن از واجبات نیست، ثانیاً: این استحباب، اختصاص به اسلحه ندارد و می تواند تکیه بر عصا یا چیز دیگری باشد.^{۱۰۴} در مورد دلیل فلسفی این حکم استحبابی چیزی در روایات و منابع اولیه دیده نمی شود. میتوان تصور کرد که فلسفه این نوع قدرت نمایی نشان دادن آمادگی کامل امام جمعه و نمازگزاران برای حضور در صحنه‌هایی از جنگ و جهاد باشد، همچنان که ممکن است عصا برای حفظ و کمک به خطیبی باشد که باید مدتی در حال ایستاده خطبه بخواند.

یان ریچارد در موضوع تعطیل نماز جمعه می نویسد: برای شیعه های دوازده امامی بعثت غیبت مطلق امام غائب، نمازهای جمعه تعطیل شد و علما بخاطر اینکه در برابر مشروعیت ندادن به حکومت وقت موضع گیری سیاسی نکنند، نماز جمعه را در دوران غیبت تعطیل

۱۰۳ - محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، تهران، ۱۳۱۲، ج ۲، ص ۱۱۷ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۵

۱۰۴ - شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، تحقیق، خراسان، ج ۳، ص ۲۴۵، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق (در روایت در مورد آداب نماز جمعه چنین آمده است: « وَ يَتَوَكَّأُ عَلَى قَوْسٍ أَوْ عَصَا »؛ بر قوس(کمان) یا عصایی تکیه می کند.)

کردند اما در دوره سلسله شاهان صفوی و تغییر مذهب به شیعه در این دوره، در قرن شانزده در ایران، نه تنها وفا داران به مذهب شیعه بخاطر جمع شدن شیعیان با یگدیگر بلکه دستگاه سلطنت برای متحد کردن جامعه رواجی بی سابقه پیدا کرد، سلاطین صفوی خود را وارث شیعه امامیه نامیدند، شاه اسماعیل خود را امام مهدی موعود مجسم خواند و علی بن عبدالعالی محقق کرکی که از سوی شاه طهماسب لقب نائب امام گرفت رسماً برای برپایی نماز جمعه پای فشرود و بنیاد جدیدی برای اجرای مراسم برگزاری نماز جمعه بوجود آورد، ابراهیم قطیفی بانی اصلی این حرکت، نه تنها وفاداران شیعه را هفته ای یک بار به دور هم جمع کرد، بلکه باز گرداندن علما به صحنه سیاسی برای پیش نمازی نمازهای جمعه را تدارک دید... و به تفسیر روی گریه گرفتن از مستمعین کار کرد.^{۱۰۵} واعظ خطبه ها معمولاً رابطی است بین قدرت سیاسی دولت حاکم و جمعیت سنتی گرد آورده شده در نماز جمعه، این واعظ رؤیای توسعه سیاسی کشور، جایی که علما خود را در خدمت قدرت سیاسی آن قرار می دهند، در سر میپروراند.^{۱۰۶} در اینجا نماز جمعه و مذهب وسیله ای می شود تا نارضایتی های مردم بیان گردند و نقش مهم مردم در به حرکت در آوردن حرکت های اجتماعی بر جسته می شود. رسانه های روابط جمعی نیز وظیفه شان گسترش همین تبلیغات است.^{۱۰۷}

Cité par Yann RICHARD, ۱۵۲-۱۴۵ ص حسین مدرسی طباطبایی، نهاد های نماز جمعه،

La Fonction Parénétiq, p. 66- 67.

106 - Bruce M. BORTHWICK, « The Islamic Sermon as a Channel of Political Communication », *Middle East Journal*, Vol. 21, No. 3, 1967, p. 122.

107 - Bruce M. BORTHWICK, *ibid* p. 305. Gilles KEPEL, *Le Prophète et Pharaon. Les mouvements islamistes dans l'Égypte contemporaine*, Collection Folio histoire (n° 194), Gallimard, 2012.

ادوارد برون Edward Granville Browne می نویسد: بدون این که بخواهیم به اعلام جهاد علیه قشون روس توسط علما در سال ۱۸۲۷ یا اعلام پشتیبانی از علما در تحریم تنباکو در سال ۱۸۹۱ که پیروزی بزرگی را برای آنها به همراه داشت، بر گردیم، می توان گفت که موعظه گری علماء یک رفتار اعتراضی با خود همراه داشته است، زیرا در انقلاب مشروطیت موعظه علما جنبش بزرگی را براه انداخت و این اعتراضات عموماً در مساجد و از طریق تبلیغات در نمازهای جمعه شکل گرفت.^{۱۰۸} مساجدی که از طریق قدرت شاهنشاه قبضه شده بود و سه روحانی بزرگ با اعلام و دعوت به بست نشستن مریدان خود در شاه عبدالعظیم در ری و یا در حرم معصومه در قم حرکت های اعتراضی را به ویژه در روز های مهم مذهبی، مانند شبهای ماه رمضان شکل می دادند.

جمهوری اسلامی ایران با مهار روحانیون، نماز جمعه «نمازعبادی سیاسی» را بعنوان دکترین جدیدی در آورده و بعنوان یک ارزش محوری در جامعه ایران الهام بخش، برجسته و ترویج کرده که هر هفته بعنوان لشگریان خود آنها را به میدان می آورد. با جمع کردن مردم با وسائل نقلیه مجانی و با دادن امتیازات گوناگون برای شرکت در نماز جمعه و یا تهدید و ترساندن کسانی که شرکت نمی کنند برای نشان دادن انبوه جمعیتی، جمع کرده ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار نفر در یک شهر ۱۰ میلیون نفری البته رغم ناچیزی است که بنیاد جدید التاسیس نماز جمعه برای تفریح هفتگی بعنوان یک وظیفه مذهبی بنا نهاده و چنین بنیادی مهمی را در ایران بنا کرده است.

108 - Browne, Edward GRANVILLE, *The Persian revolution of 1905-1909, History Mohammed Ali, Iran Politics and government 1907-1909*, Cambridge University Press, 1910, p. 113. cité par Yann RICHARD, La Fonction Parénétiqne, p. 69.

برای آرایش و سازمان دادن نماز جمعه در سراسر کشور و همه شهرها، دستگاه جدید با سیستم اداری منظم و وسیعی را تحت عنوان شورای مرکزی برگزاری نمازهای سراسری «ستاد مرکزی نماز جمعه» در کشور برای متمرکز کردن و هماهنگ کردن نماز گزاران برای انجام مراسم سیاسی در سطح کل کشور را بنا نهاده است.

خطبه خوان نماز جمعه، نه تنها باید سخنرانی نشاط بخشی برای وفاداران به این وظیفه اسلامی داشته باشد بلکه او باید در خطبه اش دستور العملهای سیاسی روز را نیز صادر کند که تصمیم روی آنها قبل گرفته شده است.^{۱۰۹} در این خطبه هاست که تصمیمات اساسی سیاسی مانند اعلان جنگ، چگونگی روابط بین المللی، گفتگو و مذاکرات مهم به اطلاع (بخوانید مغز شوئی) عموم می رسد.

نماز جمعه در حافظه مردم ایران، سابقه قابل توجهی نداشت و از یادها رفته بود، تعجب است که امروز نماز جمعه در ایران حیات جدیدی یافته و برای ایرانیان ابداعات جدیدی آورده و تا زمانی که این نمازها در حفاظت دستگاه حاکم باشد ادامه خواهد یافت. جالب توجه این که بخش کوچکی از روحانیت ایران به نحو خاصی به درون قدرت سیاسی فرو رفته است، زیرا نماز جمعه امروز نه تنها قدرت سیاسی حاکمیت که نگهدارنده خود قدرت شده است.^{۱۱۰}

رفرمی سیاسی که برای کنترل روحانیون در سال ۱۹۳۵ توسط رضا شاه انجام گرفت، دادن اجازه نامه ای برای پوشیدن لباس روحانیت بود، اجازه نامه مخصوصی که تنها به کسانی داده می شد که مطالعات دقیقی برای تشخیص احادیث غلط از احادیث صحیح را باید

109 - PEDERSEN, J., Et al., « Masjid », in P.J. BEARMAN et al., Encyclopædia of Islam, 2nd edition, Leiden, Brill, 1960-2005. Cité par Yann RICHARD, La Fonction Parénétiq, p. 72-73

110- Cité par Yann RICHARD, La Fonction Parénétiq, p. 74-82.

داشته باشند، این اجازه نامه از آن زمان بوسیله سازمانی بنام موسسه «وعاظ و خطبه» داده شده بود.^{۱۱۱} و در دوران پهلوی نیز طرحی بود که در برابر قانون، کسانی حق داشتن لباس روحانی بودند که اجازه اجتهاد می داشتند و این قانون تا سال ۱۹۷۰ بوسیله محمد رضا شاه پی گرفته شد.

ایدئولیزه کردن نماز جمعه برای بسیج توده های مردم، کاری که پهلوی ها به شیوه خودشان با خریدن روحانیون درباری موفق به انجام آن نشدند، جمهوری اسلامی توانست با سیاسی کردن نماز جمعه مردم را برای شنیدن وعاظ به مساجد بکشاند. اولین بار در ماه ژوئیه ۱۹۷۸ کمی پس از انقلاب نماز جمعه با شکوهی توسط محمود طالقانی در تهران برگزار شد، محل برگزاری آن مسجدی تاریخی و بنایی باستانی نبود بلکه محلی سیاسی و سمبلیک، دانشگاه تهران جایی که معرف ارزشهای علمی جامعه ایران بود انتخاب شد. برای جلب توجه شرکت کنندگان اما باید حوادث سیاسی روز را به میان آورد و خطبه خوان این حوادث نیز باید فردی از بالاترین مقام روحانی و نماینده و سخنگوی برگزار کننده این سنت تاریخی باشد، طالقانی تنها به امر دینی نمیپردازد بلکه باید دستور العمل مسائل سیاسی مورد توجه جامعه مذهبی را نیز در خطبه هایش صادر کند. او باید بطور سیستماتیک برنامه های جدید دولت، گزارش حوادث هفته گذشته، مسائل مربوط به جنگ و صلح و وقایع بین المللی را در خطبه هایش توضیح داده تصمیمات مهمی را که گرفته شده به اطلاع عموم برساند. در دنیایی که خلیفه وجود ندارد و مسجد مرکز حل و فصل مسائل جامعه نیست، و خطبه های جمعه تقدس اولیه خود را از دست داده است، وعاظ اسلام این امکان را یافته اند که حرف سیاسی بزنند، بحثهای سیاسی در مجلس یا در تظاهرات سیاسی که

۱۱۱ - سینا واحد، قیام گوهرشاد، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۳۷

در مطبوعات، روزنامه ها یا در رادیو تلویزیون پخش می شوند، فرصتی را برای خطبه خوان ها فراهم آورده خواسته های خود از طریق بلند گویای مساجد پخش کنند.^{۱۱۲}

برس بورسویک **Bruce M. Borthwick** می نویسد: قبل از جنگ جهانی دوم، خطبه جمعه به صورت تلطیف شده و پرطرفدار بود و علما با حفظ چند حدیث از هزاران حدیث کهنه مردم را موعظه میکردند، اما در دوره پس از جنگ، عده ای از علما از اصلاح کردن خطبه دفاع کردند. آنها از واعظان خواستند تا درباره مسائل مسلمانان در برابر زندگی مدرن در سر زمین هایی که مسلمانان در آن زندگی می کنند صحبت کنند. اصلاحات در آموزش علما و اصلاحات در این خطبه ها، واعظان را قادر ساخته است تا میان فرهنگهای مدرن و فرهنگهای سنتی ارتباط بوجود بیاورند. در نتیجه، اجرای مراسم نماز جمعه در برخی از کشورهای عربی در حال حاضر، ملقمه ای از ادغام مفاهیم سنتی اسلامی با دنیای مدرن، از طریق این نخبگان بوجود آورده است.^{۱۱۳} خطبه های نماز جمعه در طول تاریخ اسلام، بعنوان وسیله ای سیاسی با مسائل روز ارتباط داده شده است. این خطبه ها خود ابزاری شده اند که به وسیله آن از طریق نخبگان دستگاه سیاست عمومی حکومت را با مردم متصل کرده است. محتوای سیاسی این خطبه ها متفاوت، اما حداقل در تئوری این خطبه ها همیشه وسیله ارتباطات سیاسی دولت در نظر گرفته شده است.

112 - RICHARD, Y., *L'Islam Chi'ite, Croyances et idéologies*, Paris, 1991, p. 240-243

113 - Bruce M. BORTHWICK, «The Islamic Sermon as a Channel of Political Communication», *Middle East Journal*, Vol. 21, No. 3, 1967, p. 300.

در طول عمر محمد و تا یک صد سال پس از مرگ پیامبر، این نمازها محتوای سیاسی بسیار بالا داشت، اما تقریباً در تمامی قرن بیستم آن خطبه‌ها ناپدید و اثری از آن باقی نیست.^{۱۱۴} از جنگ جهانی دوم تقاضا برای توسعه اقتصادی، نخبگان حاکم خاورمیانه را مجبور کرد که مردم کشورهای خود را به سوی یک اقتصاد مدرن بسیج کنند، این توسعه اقتصادی و سیاسی نمی‌تواند تنها توسط نخبگان مذهبی انجام شود. آنها مجبور شدند از تمامی بخش‌های جامعه تقاضای همکاری کنند، بدین منظور مراسم اجرای نماز جمعه بعنوان ابزار و پل ارتباطی بین نخبگان مذهبی و مردم عمل می‌کرد و این تنها علما بودند که می‌توانستند با خطبه‌های خود ارتباطات توده‌های مسلمان را با مضامین توسعه اقتصادی برقرار کنند.^{۱۱۵}

عبدالعزیز ساجدینا Abdulaziz SACHEDINA با بهره‌گیری از منابع اولیه و نظریه‌های نویسندگان اسلامی فصلی را در باره نماز جمعه انتشار داده و می‌نویسد برگزاری نماز جمعه را به امام چهارم علی ابن الحسین (۹۴/۷۱۲) ارجاع می‌دهند، برگزاری نماز جمعه یک حق سیاسی امام در ظرفیت حاکمیت سیاسی او می‌باشد. حکمی است در قرآن برای اطاعت از آن که هر گاه برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید.^{۱۱۶} اجرای نماز جمعه تسلیم سیاسی است، این نماز بصورت تنگاتنگ بامجاز قانونی قرار دادن امام

114 - *Ibid.*, p. 301.

115 - *Ibid.*, p. 311.

در ارتباط است، اعتبار و مجاز بودن فقیه لایق و امتحان پس داده را برای ادامه این نماز ها در دوران غیبت مطالبه می کنند.^{۱۱۷}

از همان روزهای ابتدای اسلام، نماز جمعه و خطبه هایش شکل اقتدار گرایی مذهبی سیاسی را پیدا کرد و امام جمعه و خطبه خوان های آن نقش حکمفرمایی اعمال می کردند در نتیجه امامت نماز جمعه بصورت حکمی نهادینه شده و وظیفه ای قانونی در آمد که امام جمعه از سوی حاکمیت یا نماینده او اقتدار سیاسی خود را اعمال کند، تفاوت امام جمعه یا پیش نماز نمازهای جمعه با پیش نماز نماز های یومیه در این بود که دومی نیاز به رسمیت یا مجوز خواصی برای خطبه خواندن نداشت.^{۱۱۸}

در مورد بکار گیری تقیه در نماز جمعه زمانی که احساس خطر جانی باشد می نویسد: نماز جمعه بدون خطبه وجود ندارد، اعتراضی نیست اگر باورمندان بصورت دسته جمعی در دوران تقیه بیایند و خطبه نماز جمعه را در دو بخش شرکت کنند، در این صورت نماز باید به جماعت و در چهار رکعت انجام شود. دوران تقیه برای شیعیان دوره حیات و غیبت امام معصوم است که برای حفظ جان خود از دست دولت حاکم در امان باشند. شیخ طوسی (۴۶۰/۱۰۶۸) با نقل حدیثی از «زراره» از قول امام صادق، در مصر در پیگیری تقیه در نماز جمعه در نامه از امام سؤال میکنند: آیا شما خواستار هدایت نماز جمعه بوسیله خود ما بطوری که انتظار می رود هستید؟ امام پاسخ می دهد خیر^{۱۱۹} در انجام نماز جمعه دقت داشته باشید. آملی می نویسد روشن نیست پاسخ امام از دقت در انجام نماز، نماز عادی است یا

117 - Abdulaziz Abdulhussein SACHEDINA, *The Just Ruler in Shi'ite Islam The Comprehensive Authority of the Jurist in Imamite Jurisprudence*, Oxford University, Press USA, 1997, p. 177-178.

۱۱۸ - طوسی، نهایت، ج ۱، ص ۱۰۶. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 181.

۱۱۹ - طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۹. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule*, p. 182.

نماز جمعه.^{۱۲۰} از یک سو می بینیم امامان به ویژه امام سجاد به انجام عبادات مشهورند، در عمل نماز جمعه را بعلت سلطه خلیفه، انجام نمی دادند، از سوی دیگر می بینیم امامان برای انجام نماز جمعه و برای جلوگیری از برخورد مستقیم با سلطه خلفا به مریدان خود رعایت تقیه را در انجام نماز جمعه پیشنهاد کرده اند.

علاوه بر آن جایگاه و گزینش امام جمعه در «ولایت شرعی» بسیار تاکید شده که امام جمعه باید فردی عادل باشد و بدین ترتیب نماز جمعه بعنوان عالیترین سمبل «ولایت شرعی» مذهب، همانگونه که جهاد در دوران غیبت شناخته شده است. بنابر این چگونه است که فقها اجباری بودن انجام نماز جمعه در دوران غیبت را بصورت یک مشکل در آورده اند؟

۱۲۱

بنا به نوشته های شیخ طوسی، تعیین پیش نماز برای نماز یومیه به دستور امام یا نماینده او نیاز ندارد. اما بر خلاف نماز های یومیه، برای تعیین امام جمعه دستور امام معصوم یا نماینده خاص او ضروری است، شیخ طوسی می نویسد: یکی از ضروریات یا پیش شرط های نماز جمعه، همانگونه که برای قاضی یا حکمران ضروری است، حضور امام یا فردی است که امام او را بعنوان نماینده خود تعیین کرده باشد، در غیر این صورت نماز باطل است، شیخ طوسی همان جا اضافه می کند: برای شیعیان مشکلی نیست اگر در دوران تقیه با همدیگر جمع شوند و نماز جمعه و خطبه ها را در دو بخش بر گزار کنند و اگر نتوانند خطبه ها را بجا بیاورند بهتر است بجای آن نماز یومیه چهار رکعتی ظهر را بخوانند.^{۱۲۲}

۱۲۰ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule*, p. 182.

121 - *Ibid.*, p. 183.

۱۲۲ - طوسی، خیلاف، ج ۱ ص ۲۴۸. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 184.

شیخ مفید در مغنیه در مورد اجازه می نویسد: «امام قابل اعتماد، کسی است که صلاحیت او در بخش نماز جمعه شرح داده شده است.»^{۱۲۳}

تصمیمات فقهی شیخ طوسی و مفید بر این پایه است که در دوران غیبت، جمع شدن دسته جمعی برای ادای نماز جمعه اجباری نیست.

محقق حلی در یک حکم دو پهلوی می نویسد: زمانی که نه امام معصوم و نه نماینده او حضور ندارند و امکان جمع شدن و تقسیم خطبه ها به دو بخش وجود دارد، نظر بعضی موافق برگزاری نماز جمعه و نظر برخی دیگر مخالف برگزاری نماز جمعه می باشد.^{۱۲۴}

سبزواری به نقل از ابو اعلی طوسی (نوه شیخ طوسی) می نویسد، ابو اعلی در دوران حضور امام زنده موافق اجرای نماز جمعه و در دوران غیبت به سه دلیل موافق با فقیه بعنوان نماینده امام بود: دلیل اول رفتار خود پیامبر و خلفاء در زمان حیات آنها که خود امام جمعه و قاضی را تعیین میکردند، دوم احادیث رسیده از سوی محمد ابن مسلم ثقفی از امام صادق که امام پیروان را به هفت نوع تقسیم می کند که نباید سخت گیر برای نماز جمعه باشند و سوم اجماع امامیه بر مستندات محقق، علامه و شهید ثانی.^{۱۲۵}

شیخ مفید (۴۱۳/۱۰۲۲) در ارشاد می نویسد: با منطوق عقل و خرد، در هر زمان باید فقیه جامع الشرایطی وجود داشته باشد تا به امور و احکام شیعه رسیدگی کند و گر نه در طول زمان غیر ممکن است مکلفین بتوانند به تکالیف شرعی خودشان عمل کنند و از فساد دور بمانند،

۱۲۳ - مفید، مغنیه، ص ۲۷. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 185.

۱۲۴ - محقق حلی، شرایع، ج ۱، ص ۹۸

۱۲۵ - سبزواری، کتاب ذخائر و الصلوات، المقصد الثانی - فاضل هندی، مئام، بخش ۴، ص ۲۶۱. Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 186

بنابر این لازم است همواره فردی که قواعد فقهی و غیر فقهی را خوب می‌شناسد حضور داشته باشد تا مردم بتوانند به او مراجعه کنند و جمع شدن و برگزاری نماز جمعه میسر شود.^{۱۲۶}

تعیین سلطان یا امام عادل همواره مشکل و چالش‌انگیز بوده و هرگز به نحو مطلوب عملی نشده است، عنوان امام عادل که مورد استفاده لغوی و همیشگی فقهای شیعه در جمع آوری مردم در نمازهای یومیه یا نماز جمعه بکار می‌رود، همیشه با سیاست‌های زمان برخورد و مشکل‌ساز بوده است، شیخ طوسی در کتاب نهایت، در تفسیر تبیان نماز جمعه از «امام عادل برای برگزاری نماز بین مردم» مفصل از سلطان عادل نوشته است.^{۱۲۷} شیخ طوسی در کارهای بعدی خود نیز روی اصول و قواعد امام عادل در امور حکومت، حدود و نماز جمعه تأکید و تفسیر فراوان کرده است.^{۱۲۸}

در باب تحریم و ممنوعیت نماز جمعه سلار دیلمی (۱۰۷۱/۴۶۳) معاصر با شیخ طوسی بعنوان اولین فقیه امامیه نظر فقهی خود را می‌دهد و در کتاب مصارف، در بخش امر به معروف و نهی از منکر می‌نویسد: فقهای امامی مجازند امامت در دو چیز را داشته باشند: استفتا در نماز یومیه و استفتا در نماز باران و نه در نماز جمعه که باید امام معصوم حضور و تصدی آن را بعهده داشته باشد.^{۱۲۹} نظر تحریم نماز جمعه سلار دیلمی توسط فقهای دیگری چون

۱۲۶ - شیخ مفید، ارشاد، ص ۶۷۴

۱۲۷ - طوسی، نهایت، ج ۱ ص ۱۰۳ و تبیان، ج ۱۰ ص ۸ و خلاف، ج ۱ ص ۲۳۵ Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 191.

128 - *Ibid.*, p. 191.

۱۲۹ - سلار دیلمی، مصارف، دست‌نویس در کتابخانه دانشگاه تهران، ۱۹ Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 194.

رهبر فقهی مذهب شیعه، ابن ادريس حلی (۵۹۸/۱۲۰۱) نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

۱۳۰

فاضل هندی می نویسد بنا بر نظر شریف مرتضی، سالار دیلمی و ابن ادريس، اجرای نماز مورد تایید آنها نیست. و اجازه غیر قابل انکار امام برای اجرای عبادات جمعه و نماز جمعه ضروری است.^{۱۳۱}

روشن است که فقهای اولیه نیابت خاص امام را نداشتند، بلکه بنا بر منابع تاریخی به خصوص فقهای متاخر دوران صفوی و بعد از آن مدعی نیابت یا ولایت عام امام بودند. علی بن عبدالعالی محقق کرکی شیخ الاسلام دستگاه شاه طهماسب صفوی در تفسیر قوائد خود با استناد به نظریه های علامه حلی، شیخ طوسی، سالار دیلمی و شریف مرتضی در مورد عدم وجود جواز برای امامت نماز های جمعه بطور روشن پاسخ می دهد: نماینده یا فقیه جامع الشرایط در زمینه حقوق جزا قضاوت و قاضی یا نماز جمعه مورد اعتبار از سوی امام وجود ندارد، آنچه به آن مستند میشود، استناد به متاخرین یعنی به منبع شیخ شمس الدین محمد شهید اول است. علی بن عبدالعالی محقق کرکی توضیحات فراوان در غیر مجاز بودن فقها در نیابت امام برای انجام نماز جمعه داده و نهایتاً نظر غیر قطعی او عبارت از این است که در اجرای مراسم نماز جمعه از سوی امام توصیه شده است که فقیه جامع الشرایط و عادل

130 - *Ibid.*, p. 193-194.

۱۳۱ - فاضل هندی، لسام، ج ۱، ص ۲۴۷-۱۹۴ *The Just Rule* Cited par SACHEDINA,

می تواند این مراسم را هدایت کند.^{۱۳۲} (در پیوست ها به ضمیمه شماره ۲، به کلیات نماز جمعه از رسائل محقق کرکی نگاه کنید.)

سبزواری (۱۰۹۰/۱۶۷۹) فقیه دیگر دوران صفوی است که در کتاب ذخیره و کتاب کفایت الاحکام خود جزئیات فراوانی را در مورد نظریه های فقها در مورد انجام نماز جمعه آورده است، سبزواری به استناد «نهج العرفان الا هدایت الایمان» از عماد الدین طبرسی، نظریه هایی را در مورد نماز جمعه مسلمین آورده است: انجام فریضه جمعه برای مسلمانان یک فریضه شخصی است، بدون هیچ پیش شرط یا اجبار پیش بینی شده دیگری، زیرا این فریضه بنا به نظریه طبرسی در دوران غیبت واجب نیست.^{۱۳۳} طبرسی یک یاد آوری دارد مبنی بر این که اگر در شهر فقیهی وجود داشته باشد، فرد دیگری اجازه انجام مراسم نماز جمعه را ندارد.^{۱۳۴}

برونو اتین Bruno Etienne در باره سیاسی کردن خطبه های نماز جمعه می نویسد: زنجیر سمبلیک اقتدار گرایان پیرو ابن تیمیمه مانند سید قطب و حسن البنا، نیاز به یک تفسیر و ترجمه ای جدید از متون قرآنی برای نفوذ لازم بین علما و عاظم معترض پیدا کردند، آنان برای ایجاد یک تشکیلات سیاسی در دولت، استفاده از این تفسیر جدید از متون قرآنی را لازم دیدند. با چنین تفسیر جدیدی، متنی بیرون دادند تحت عنوان: «دولت آمر

۱۳۲ - محقق کرکی، المقاصد، ج ۱، ص ۱۳۱

۱۳۳ - سبزواری، تذکره، کتاب صلات المقصد الثانی، ص ۲۶۱ Cité par SACHEDINA, *The Just Rule* p. 196-198

۱۳۴ - سبزواری، کفایت الاحکام، ص ۲۰

و الدعوه مرجان « شمشیری بعنوان ابزار سیاسی در دست دولت درآمد. L'État, c'est l'autorité, et la da'wa, c'est le Coran »^{۱۳۵}

با استفاده از آیات و سوره های قرآن،^{۱۳۶} و با تفسیر بر گرفته از این آیات برای ساختن دولت اسلام جهانی و پایدار کردن اسلام بعنوان دین جهانی، باید جنگید و جهاد کرد، جهاد و جنگ نه فقط با دشمنان کافر که جنگیدن با مسلمانانی که وفادار به اسلام نیستند. دنیا، به دو دنیا تقسیم شد: «دار السلام و دار الحرب» (خانه تسلیم به خدا و یا خانه دنیای جنگ) باید جنگید تا همه ملل جهان بدین اسلام بپیوندند و به دنیا و به دین اسلام وارد شوند. بدین ترتیب ابن تیمیمه نویسنده سنت گرای اسلام را بعنوان تبلیغ گر جنگ در عداد ۵ اصل از اصول اسلام قرار داد.^{۱۳۷}

برونو اتین می نویسد: روی وضعیت و عاظ در مصر، تونس و مراکش و جمعی از امام جمعه های «آزاد» الجزایر باید اصرار می ورزید، نکته مشخصی که اروپائیان بد برداشت کرده اند این است که کسانی بطور گسترده مساجد و خیابانها را پر میکنند و هزاران مریدی که می آیند و پای منبر امام جمعه جمع شده و به خطبه های نماز جمعه او گوش دهند. خود بخود انجمنی را بوجود می آورند، انجمنی که ربطی هم به اف ام (FM) ندارد، علیرغم این که این انجمن مانند خانه عنکبوتی در سراسر کشور چتری بر سر اینها سایه افکنده و همچون مولکول های هشدار دهنده تروتسکی یا مشابه گروههای حساسیون قرن دهمی عمل می کنند. باید روی اخوت کلاسیک این مدعیان مبلغ دین تاکید شود.^{۱۳۸}

135 - Bruno ETIENNE, *L'islam radical*, Hachette, 1987, p. 151.

۱۳۶ - سوره بقره، آیات ۲۱۶-۲۱۷ - سوه آل عمران، آیات ۱۵۷-۱۵۸-۱۶۹ - سوه انفال، آیات ۱۷ - ۳۹ - سوه توبه، آیات ۲۹-۴۱-۱۱۱-۱۲۳ - سوه محمد، آیه ۳۵ - سوه حشر، آیه ۸

137 - *Ibid.*, p. 179-180.

138 - *Ibid.*, p. 166.

گوستاو لوین **Gustave LE BON** می نویسد: فاکتورهای اصلی که روح جمع شدن جمعی را باعث می شود متغیر است، مجسمه ابولحولی است که از دل تاریخ کهن بیرون آمده. برای حل مسئله و فهم موضوع باید به روانشناسی جمعی مراجعه شود، با مطالعه روانشناسی جمعی در نگاهی به تصورات که جمع در ذهن خود دارد، عوامل قابل توجهی بدست آمده است، به اعجاز و قدرت واژه ها دقت کنیم: آزادی، دموکراسی، سوسیالیسم، برابری و... و حجم تصور غیر قابل محاسبه ای که در ذهن جمعی از خود باقی میگذارد، دقت کنیم. از تعریف یونانی آن گرفته تا تفسیرهای رویایی دیگران.^{۱۳۹}

به تعبیری که تکوین اعلام میکند توجه کنیم که می گوید: لباسی که مشاورین امپراطور با استفاده از سابقه تاریخی واژه ها به آن می پوشانند نگاه کنیم. فلاسفه جدید با تلاش زیاد رویا های مذهبی، سیاسی و اجتماعی گذشته را شکستند. روح منطقی جمع شدن جمع متکی به زنجیره ای از دلائل عقلی است. جمع (هر جمع شدنی) گله ای است که بدون چوپان کار نمی کند.^{۱۴۰}

رهبر، همیشه مستبد است و از ابزار اعتماد جمع استفاده میکند. گاریبالدی (**Garibaldi**) (1882)) پیش تاز، کسی که هیچ استعدادی هم نداشت ولی شجاع و قوی بود توانست با دسته ای از مردم، شاهنشاهی ناپل را از پای در آورد. حیثیت یا اعتبار نوعی کشش و جذابیت است که در طول زمان واگیر و ادامه پیدا میکند، قدرتی مرموز و جالبی که از همه سلطه ها بالاتر است، دو نوع اعتبار وجود دارد: اعتبار اکتسابی یا تصنعی و اعتبار شخصی و مستقل، اولی بر اثر شناخته شدن نام یک فرد واسطه، اموال و دارایی های یک فرد، مشورت یا شهرت

139 - Gustave Le BONM, *Psychologie de foules*, Quadrige, PUF, p. 60.

140 - *Ibid.*, p. 62-69.

فرد دیگری و یا حتی توسط شیئی واسطی مانند یک لباس خاص، یا کلاه گیس بدست می آید در صورتی که اعتبار دوم بر خلاف اولی، کاملاً فردی است که در اثر شکوه فرد، شهرت فرد و کاملاً مستقل از فرد دیگر بدست می آید، نام یک قهرمان، یک پیامبر، محمد، نوح، عیسی، بودا و ... میتواند باشد، کسانی که در گذشت زمان و تاریخ جذابیت خود را کسب کرده بودند.^{۱۴۱}

روبرت روینی **Robert Rovini** شاعر می نویسد: انسان همواره از امتیازات ارتباط با دیگری در تردید است، بویژه ارتباطی که باعث تواناییهای بیشتری برای انسان میشود، انسان شب هنگام در تاریکی از بر خورد غیره مترقبه با دیگران در هراس است زیرا حتی لباس تنش برای او حافظ نیست و در حمله یک دزد ممکن است پاره شود. همه فاصله ای که انسان با دیگران دارد از ترس چنین ارتباط است، حتی در خواب هم از چنین ملاقاتی آرامش ندارد و ... اما حضور انسان در یک جمعیت، انسان را بر خلاف تنهایی و ترس به او آرامش می بخشد و از اعتماد برخوردار می کند. جمع طبیعی جمعی است که باز باشد و اضافه شدن به آن حد شناسد، جمع بسته امتیازات جمع باز را ندارد، هرچه بیشتر به جمع اضافه شوند، احساس اعتماد بیشتری برای افراد بوجود می آورد، از زمانی که تعدادشان کم می شود، اعتماد جمعی آن نیز کاهش پیدا میکند.^{۱۴۲}

ژوزف شاخت **SCHACHT Joseph** در مورد نماز «وتر» می نویسد: همین ابهام در استفاده در سنت مهم است که رویش تاکید شده که بنا بر سنت از علی در انجام نماز «وتر»

141 - *Ibid.*, p. 66-71.

142 - Robert ROVIVI, *Masse et Puissance*, traduit de l'allemande, p. 9-11.

مطلقاً واجب است، وجوبی همچون نماز های روزانه که در قرآن و سنت بوسیله پیامبر رویش اصرار ورزیده شده است.^{۱۴۳}

کرنلی پیتر تیبیل (1902) Cornelis Petrus TIELE می نویسد: ما نمیخواهیم در بازی وسوسه بیفتیم و به نمونه آزمایشی ضالین نگاه کنیم و در استبداد فارسها بیفتیم، اما میخواهیم نمونه هایی را ارائه دهیم که من نام آنها را نفوذ لاتن فارسی می نامم. جمعہ مسلمانان تقلیدی از شبت انجیل است، با یک تفاوت اساسی انجیل نهادینه شده، ولی جمعہ مسلمانان یاد آور دائمی معنویت که کار خالق است را میکند. تکمیل شش روز قبل از آن است و روز استراحت است برای مردان که نباید کار دیگری بکنند، زیرا کار تولید جهان در این روز بدست آمده است.

محمد همچنین خواستار اعتقاد به کار خلقت در شش روز در بین معتقدانش بود. اما روز جمعہ آن روز بزرگداشت آن نیست. این روز نه شبت، روز استراحت، و نه روز آماده سازی برای شبت است. این روز روز جمع شدن برای جشن فرهنگ هفته است. از آغاز هم این روز هرگز یک روز استراحت نبود. قرآن از قول محمد می گوید:^{۱۴۴} ای مومنین هنگامی شما برای نماز فراخوانده می شوید، عجله کنید که خودتان را به آن وصل کنید و آرامش بگیرید، زمانی که نماز تمام شد بهر جا می خواهید به دنبال هدایای الهی (Look for the gifts of divine favor) بروید.^{۱۴۵}

143 - Joseph SCHACHT, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, King Saud University, 1987, p.134.

۱۴۴ - سوره جمعہ، آیات ۹ و ۱۰

145 - TIELE CORNELIS Petrus, *The Religion of the Iranian peoples*, Part I, The Parsi Publishing Co., 1912, p. 81-82.

همانطور که قبلاً اشاره شد، وفا ابو چکرا Wafaa Abou-Chakra تزی را در سال ۲۰۰۰ دفاع کرده که تحقیقی است بسیار جامع روی موضوع نماز جمعه در لبنان، او در نتیجه گیری تحقیقش به نکات مهمی دست یافته که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:^{۱۴۶}

ققها میگویند خواندن نماز جمعه قبل از هجرت محمد وجود داشت و قانونی بود. احادیث می گویند پیامبر تا قبل از مرگ نماز جمعه می خوانده است.

در نظر سنجی هایم از امامان جمعه پرسیدم چرا نماز جمعه می خوانید؟ در جواب گفتند: چون نماز جمعه درسی است که امامان برای روشن کردن نور اسلام آن را می خواندند. از نماز گزاران پرسیدم چرا نیم روز وقت می گزارید و چرا نماز جمعه می خوانید؟ بصورت خیلی ساده جواب دادند: این چنین است، و همیشه این چنین بوده است و در قرآن آمده است.

شرط خاصی برای امام جمعه وجود ندارد و از قول حر عاملی آمده است که پیامبر گفته است بهترین شما امامید مانند پیامبر خدا.

خلفای خطبه خوان نماز جمعه در بالای منبر روبروی مردم فرمان صادر میکردند و چنان رهبری می کردند که گویی در میان میدان جنگند. تصمیم میگیرند چگونه با دشمن بجنگند. در نماز جمعه، بحث، فقط سیاسی است، بحث توطئه از سوی امپریالیستها و دولتهای غربی است که بوسیله دولتهای عرب فاسد و با اسلامی دروغین بر علیه اسلام به اجرا گذاشته شده است. و این تزهرا امام جمعه ای است که گویی از زبان پیامبر سخن می گوید. نماز جمعه مسلمان محمدی را در مقابل دشمنان طمعکار قرار می دهد.

146 - *Op. cit.*, WAFAA, pp. 31, 73-79, 268-298.

خطبه خوانان با استناد به قرآن، رفتار و زندگی یا سنت پیامبر و تاریخ اسلام مریدان را به جهاد فرا می خوانند. آنها میگویند جهاد همیشه از الزامات دین اسلام بوده، برای آزاد کردن انسانها و برداشتن موانع از سر راه اسلام معرفی شده است. اسلام تنها دین توحیدی است که جهاد را مشروع شناخته است. این مشروعیت جهاد، موضوعی است که به مراتب از سوی موعظه گر نماز جمعه تکرار می گردد و می گویند جهاد جنگ مقدس و مقاومتی مسلحانه حقیقتی است که از سوی خداوند دستور داده شده است. جهاد واجب کفایی است که بصورت اجرای دسته جمعی با هر تعداد کم یا زیاد از سوی پروردگار سفارش شده است. این جهاد در شریعت و مذهب، حقوق انسان را حفاظت می کند.

بخش دوم

اقوال و نظریه های مهم فقها در

نماز جمعه در دوران غیبت

چالش‌های مشروعیت نماز جمعه

در منابع فقهی مذاهب اسلامی فصل مهمی را به موضوع نماز جمعه اختصاص داده‌اند، در متن این آثار فقهی، به سبب جایگاه مهم نماز جمعه رساله‌های فراوان و مستقلاً نیز منتشر شده که معدودی از آنها از قرون اولیه باقی مانده است. در دوره صفویه و در پی رواج اقامه نماز جمعه در ایران رساله نویسی در باره نماز جمعه گسترش یافت و بسیاری از فقهای صاحب نام، رساله‌هایی درباره نماز جمعه به زبان عربی و فارسی تألیف کردند که برخی از آنها در رد یا دفاع از رساله‌های یکدیگر بود. این رساله‌ها به لحاظ رویکرد فقهی بر چهار دسته تقسیم بندی شده بودند: رساله‌هایی که درصدد اثبات وجوب عینی نماز جمعه اند، رساله‌هایی که جایز بودن اقامه نماز جمعه یا وجوب تخییری آن را در عصر غیبت اثبات می‌کنند، رساله‌هایی که برای اثبات حرمت نماز جمعه نگاهشته شده‌اند، و رساله‌های دیگری نیز وجود دارد که مؤلفان آنها نظراتی مبهم دوپهلوارائه داده‌اند که دقیقاً روشن نیست نهایتاً چه می‌گویند. ۱۴۷

اولین سئوالی که راجع به خواندن نماز جمعه پرسیده می‌شود این است که آیا در عصر غیبت امامان معصوم اقامه نماز جمعه مشروعیت دارد؟ گروهی از فقها بر این نظرند که در زمان غیبت، نماز جمعه مشروعیت و وجوب ندارد و نمی‌تواند جایگزین نماز ظهر شود، در مشروعیت و وجوب نماز جمعه شرط حضور امام معصوم یا وجود شخصی که از سوی امام معصوم نصب شده باشد را لازم می‌دانند.

۱۴۷ - رسول جعفریان، دوازده رساله فقهی در باره نماز جمعه، انصاریان، ص ۷۶

اختلاف اساسی که بین شیعه امامیه و اهل سنت در عصر غیبت وجود دارد این است که اهل سنت در عصر غیبت، نماز جمعه را واجب می‌دانند، و شرط حضور امام معصوم و یا اجازه او را نمی‌پذیرند. در حالی که در بین فقهای شیعه امامیه این مسئله مورد اختلاف است، برخی خواندن نماز جمعه را واجب تعیینی و برخی دیگر واجب تخییری و بعضی از فقهای خواندن نماز جمعه را حرام می‌دانند. محور و مرکز اصلی این اختلافات در شیعه در لزوم حضور یا عدم حضور امام معصوم، یا نماینده امام معصوم برای اقامه نماز جمعه می‌باشد.

تشتت آرا و اختلاف نظرها از وجوب عینی تا حرام مطلق و در مواردی متناقض و مبهم وجود دارد، این اظهار نظرها هر کدام با مبانی فقهی متعددی همراهند که مهم ترین آنها را میتوان سه مبنای زیر دانست:

- 1 - برخی از فقها نماز جمعه را مطلقاً واجب می‌دانند و اقامه نماز جمعه را مثل سایر نمازهای یومیه بی‌نیاز از اذن امام می‌دانند، بعضی از بزرگان فقه مانند شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) قائل به وجوب تعیینی اقامه نماز جمعه در دوران حضور یا در دوران غیبت می‌باشند.^{۱۴۸}
- 2 - برخی دیگر از فقها خواندن نماز جمعه در دوران غیبت را واجب نمی‌دانند، طرفداران این نظریه به مبنای دومی قائلند که می‌گویند در عصر غیبت به دلیل عدم دسترسی به امام معصوم خواندن نماز جمعه تخییری است، شرط حضور فقیه و سلطان را نیز ساقط دانسته و به وجوب تخییری نظر داده‌اند. از متاخرین این گروه، ابوالقاسم خوئی بود که قائل به وجوب تخییری نماز جمعه در دوران غیبت بود.^{۱۴۹}

۱۴۸ - شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، رساله فی صلوة الجمعة، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶

۱۴۹ - ابوالقاسم خوئی، المستند فی شرح العروة الوثقی، مؤسسه لاجیاء آثار الامام الخوئی، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱

3

- عده ای دیگر از فقهای امامیه اقامه نماز جمعه را به طور کلی مشروع ندانسته و میان عصر حضور و دوران غیبت تفاوت قائل هستند، بر این مبنا در دوران غیبت امام، اقامه نماز جمعه را حرام و نوعی بدعت می دانند. سلار دیلمی و ابن ادریس این گونه فتوا داده‌اند که نماز جمعه فقط در زمان حضور امام معصوم واجب است و فقها در زمان غیبت نمی‌توانند نماز جمعه را اقامه کنند و اقامه آن در زمان غیبت حرام است.^{۱۵۰}

ذیلاً به جزئیات بیشتری روی این نظریه های فقهی، همراه با رساله های آنها را می آوریم، رساله ها بر گرفته از آرشیو: الذریعه الی تصانیف شیخ آغا بزرگ طهرانی، دوازده رساله فقهی از رسول جعفریان و منابعی دیگر جمع آوری شده اند.

قبل از پرداختن به این نظریه ها باید خاطر نشان کنیم که در روایات، رساله ها و نقل قولها عموماً بسیار تکرار دیده می شود، لذا یاد آور می شویم که مجموعه نقطه نظر ها و روایاتی که فقها مستند و عنوان کرده اند اکثراً منبع واحدی دارند و هر کدام از این فقها نسبت به زمان خود تفاسیری جدید و برای مستند کردن گفته های خود به اصل اولیه و به روایاتی دیگر نیز اشاره دارند. ما سعی کرده ایم برای این که این نقل قولها یکدیگر را تکمیل کنند، ضمن خلاصه کردن نقل قولها سمت و سویی که آن نظر ها با خود داشتند، برای باقی نماندن ابهام، علیرغم تکرار، برخی از آنها را بیآوریم.

۱۵۰ - ابن ادریس حلی، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۴

نظریه ها و رساله های وجوب عینی نماز جمعه

در روایتی، شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی معروف به کلینی (۳۲۰/۹۴۰) در این که نماز جمعه بر چه کسانی واجب است می نویسد: بر عموم مردم واجب است، چه در عصر حضور و چه در دوران غیبت. شیخ کلینی از ابی بصیر و محمد بن مسلم، روایت می کند: کسی که سه جمعه پیاپی نماز جمعه نخواند، کسی است که خداوند برقلب او مهر نهاده است^{۱۵۱} و این امر بر هر کسی که نماز جمعه را ترک کند اطلاق دارد. در این حکم، نماز جمعه را واجب تعیینی در دوران غیبت می داند و حضور امام معصوم یا منصوب خاص او را لازم نمیداند. محمد حسن نجفی صاحب جواهر این قول را به فردی از معاصران خود نسبت داده و می نویسد: حتی اگر فقها از سوی امام در زمان غیبت به طور عام نصب نشده باشند، مردم باید نماز جمعه را اقامه کنند.^{۱۵۲}

علی بن عبد العال معروف به محقق ثانی (۹۵۵/۱۹۵۴) در رساله خود نماز جمعه را با حفظ شرایط آن واجب عینی می داند.^{۱۵۳}

۱۵۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹۹

۱۵۲ - این حدیث را احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب محاسن، ص ۸۵ روایت کرده است.

۱۵۳ - مفتاح الکرامه، ج ۳، ص ۶۰، به نقل از محقق ثانی رساله فی صلوه الجمعه.

زين الدين عاملی معروف شهيد ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) سه رساله در موضوع نماز جمعه به نام‌های زیر نوشته است: ۱- رساله فی صلاة الجمعة؛ ۲- الحث علی صلاة الجمعة؛ ۳- رساله فی آداب الجمعة. این رساله ها ناظر به اثبات وجوب عینی و جوازی برای نماز جمعه است.¹⁵⁴

از جمله رساله های معروف در وجوب عینی، رساله صلاة الجمعة و وجوبها از حسین بن حسن بن احمد بن سلیمان غریفی بحرانی (۱۰۰۱/۱۵۹۱) است، نگارش این کتاب در سال ۹۹۶ صورت گرفته است.¹⁵⁵

رساله در نماز جمعه از ملا عبد الله بن حسین شوشتری (۱۰۲۱/۱۶۱۲) نویسنده از علمای معروف اصفهان و استاد آخوند ملا محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰/۱۶۶۰) و برخی دیگر بوده و این رساله در اثبات وجوب عینی اقامه جمعه در عصر غیبت نوشته شده است. بخشی از مطالب آن را ملا محمد مقیم یزدی در رساله نماز جمعه خویش آورده است.¹⁵⁶

رساله جمعه من مسائل الجمعة از سید مرتضی بن محمد ساروی (۱۰۲۹/۱۶۱۵) مؤلف پس از بازگشت از نجف به ایران و مشاهده اختلافات مردم درباره نماز جمعه این رساله را بر مبنای وجوب عینی اقامه نماز جمعه تألیف کرده است.¹⁵⁷

۱۵۴ - میرزا عبدالله اصفهانی افندی، ریاض العلماء، آستان قدس رضو، ج ۲، ص ۳۷۰ - نسخه‌هایی از این رساله ها در فهرست مجلس، ج ۷، صص ۱۸۴-۱۸۳ موجود است.

۱۵۵ - ریاض العلماء، ج ۱۵، ص ۷۰

۱۵۶ - ملا محمد مقیم یزدی، الحجّة فی وجوب صلاة الجمعة، تصحیح السید جواد المدرسی، ص ۸۱-۸۲

۱۵۷ - در فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی ج ۸، ص ۲۲۱ ش ۳۰۳۲ موجود است.

قول دیگر سید مرتضی در حرمت نماز جمعه در زمان غیبت است، سید مرتضی در کتاب المسائل المیافارقیات گفته است: نماز جمعه واجب نیست مگر با حضور امام معصوم یا حضور آن کس که او را امام معصوم تعیین کرده باشد، هرگاه امام معصوم یا نایب او نباشد، نماز ظهر باید چهار رکعت انجام شود.^{۱۵۸} اکثر علما قول حرمت را به قول سید مرتضی نسبت داده‌اند. سید مرتضی نماز سیاسی اجتماعی دسته جمعی دیگر مانند نماز عید فطر را نیز منوط به حضور امام عادل یا امام معصوم دانسته است.^{۱۵۹}

رسالة فی صلاة الجمعة از شیخ حسین بن عبد الصمد (۹۸۴/۱۵۷۶) پدر شیخ بهایی (۱۰۳۰/۱۶۲۱) است. این رساله در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نگاشته شده، شیخ حسین بن عبد الصمد، به ویژه زمانی که در خراسان منصب شیخ الاسلامی داشته، نماز جمعه را برگزار می‌کرده و نقش مهمی در احیای این نماز داشته است.^{۱۶۰}

رسالة صلاة الجمعة از بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی (۱۰۳۰/۱۶۲۱) این رساله به زبان عربی است که در آن خبرهای وجوب نماز جمعه آمده است.^{۱۶۱} شیخ

۱۵۸ - الشریف المرتضی، رسائل، دار القرآن، قم، ج ۱، ص ۲۷۲

۱۵۹ علی خالقی، محمود شفیعی و محمد رضا موسویان، نظام سیاسی و دولت مطلوب در اندیشه سیاسی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۴۵، ص ۱۰۹، به نقل از: الرسائل، ج ۳، ص ۲۰ و ج ۱، ص ۲۷۲

۱۶۰ - محمد باقر موسوی، روضات الجنات، مکتبه اسماعیلیان، ج ۲، ص ۳۴۱ - نسخه ای از آن در فهرست مجلس، ج ۵، ص ۲۸۵ و نسخه ای هم در کتابخانه مرعشی موجود است

۱۶۱ - فهرست کتابخانه ملک، ج ۵، ص ۲۲۴

بهایبی در فقه، سیاست، ریاضیات، نجوم، معماری و پزشکی، شهره روزگار و در این علوم، نزدیک به صد کتاب از وی باقی مانده است. او شاگردان معروفی همچون ملامحسن فیض کاشانی و ملاصدرای شیرازی تربیت کرد و در زمان شاه عباس، به مقام شیخ الاسلامی کشور دست یافت.^{۱۶۲} به عقیده او، دیانت و شریعت اسلام، دستورالعملی برای اداره حکومت است. بنابراین، دولتها باید کارگزار دین و متعهد به اجرای قوانین خدا باشند. از این رو، شیخ بهایی، وجود و حیات دولت را تنها در صورتی می پذیرد که به اجرای احکام الهی پردازد.^{۱۶۳}

شیخ بهایی که در رساله اش از وجوب عینی نماز جمعه نوشته است، در جامعه عباسی قایل به وجوب عینی نماز جمعه نشده، و چنین می نویسد: بدان که میانه مجتهدین در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت حضرت امام (عج) خلاف است؛ و صحیح آن است که مکلف مخیر است میانه گزاردن نماز جمعه و نماز ظهر.^{۱۶۴}

رسالة فی صلاة الجمعة از زین الدین علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم قدمی (۱۰۶۴/۱۶۵۴) مؤلف این رساله را با بهره گیری از عقیده استادش محمد بن حسن بن رجب در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشته است.^{۱۶۵}

۱۶۲ - مریم میراحمدی، دین و مذهب در عصر صفویه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۷۱

۱۶۳ - شیخ بهایی، اربعین، ترجمه خاتون آبادی، حکمت، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۳۹

۱۶۴ - شیخ بهائی، جامع عباسی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ص ۵۶

۱۶۵ - آغا بزرگ تهرانی، الذریعه، مطبعه الغری، نجف، ج ۱۵، ص ۷۶

رسالة في صلاة الجمعة از محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰/۱۶۶۰)، فیض کاشانی می نویسد: ملا محمد تقی مجلسی درباره عینیت وجوب نماز جمعه در این رساله ۲۰۰ حدیث آورده است که چهل حدیث آن صریح در وجوب عینی، پنجاه حدیث ظاهر در وجوب عینی نود حدیث نشانگر مشروعیت اقامه آن در عصر غیبت و ۲۰ حدیث باقی مانده در فضیلت این نماز است.¹⁶⁶ فیض کاشانی قسمتی از این رساله را عینا در رساله خود آورده است.¹⁶⁷ او هم چنین نوشته است که حسن قاضی و میر محمد زمان مشهدی نیز به خط خود بر رساله محمد تقی تقریظ نوشته و تأکید بر عینیت نماز جمعه کرده اند.¹⁶⁸ صاحب جواهر نیز اشارتی به آن رساله دارد.¹⁶⁹ همچنان که ولی قلی شاملو نیز از این رساله مجلسی اول خبر داده،¹⁷⁰ و بحرانی دو صفحه از آن را نقل کرده¹⁷¹ که معلوم می شود وی نیز بحث شرط حضور امام را نپذیرفته است.

۱۶۶ - الذریعه، ج ۱۶، ص ۶۸

۱۶۷ - ملا محسن فیض کاشانی، الشهاب الثاقب، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ص ۵۵

۱۶۸ - الروضة النضرة، ص ۱۵۴

۱۶۹ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۷۴

۱۷۰ - ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، وزارت فرهنگ سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ج ۲، ص ۳۹

۱۷۱ - یوسف ابن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة، نشر اسلامی، قم، ج ۹، صص ۳۹۰ - ۳۹۱

رسالة في وجوب صلاة الجمعة از عيسى بيك بن محمد صالح بيك (١٠٧٣/١٦٦٣) مؤلف
 پدر ميرزا عبد الله افندی است و در شرح حالی که برای پدرش نگاشته از این رساله یاد
 کرده است. ١٧٢

رسالة الحجّة في وجوب الجمع از محمد مقيم فرزند محمد علی یزدی (١٠٨٤/١٦٧٣) او
 رساله دیگری در وجوب نماز جمعه دارد که ضمن تفسیر وی از سوره جمعه، با نام وسیله
 النجاة في سورة الجمعة آمده است.¹⁷³ او شاگرد مجلسی اول بوده و به مدت چهل سال در
 یزد اقامه نماز جمعه می کرده است. او اولین کسی بوده که نماز جمعه را در این شهر برپا
 کرده است.

رسالة في وجوب صلاة الجمعة از محمد امين بن محمد علی بن فرج الله کاظمی
 (١٠٨٥/١٦٧٤) ١٧٤

رساله الشهاب الثاقب از ملا محسن فیض کاشانی (١٠٩٠/١٦٨٠) این رساله در اثبات وجوب
 عینی نماز جمعه نوشته شده و در بیروت به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی آن نیز در قم

١٧٢ - ریاض العلماء، ج ٤، ص ٣٠٧

١٧٣ - در کتابخانه وزیری یزد به شماره ١٠٣ در فهرست، ج ١، ص ٣٨ موجود است

١٧٤ - در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ٨٦٥ موجود است

به چاپ رسیده است.¹⁷⁵ ردیه‌های مختلفی نیز بر آن نگاشته‌اند از جمله، ردیه اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاء الدین محمد مازندرانی.¹⁷⁶

رساله صلاة الجمعة از ملا محمد باقر بن محمد مؤمن معروف به محقق سبزواری خراسانی (۱۰۹۰/۱۶۸۰) که در آن نماز جمعه را واجب عینی می‌داند، او و اعقابش سالها منصب امامت جمعه اصفهان را داشتند، او دو رساله، یکی به فارسی و دیگری به عربی در وجوب عینی نماز جمعه تألیف کرده است.¹⁷⁷ فاضل تونی (۱۰۷۱/۱۶۶۱) رساله‌ای در رد رساله او نگاشته و او را به شدت مورد حمله قرار داده است.¹⁷⁸

رساله فی صلاة الجمعة از محمد تقی بن میر عبد الله کشمیری (۱۰۹۷/۱۶۸۶)¹⁷⁹ که در اثبات وجوب عینی نماز جمعه اظهار شده است. رساله دیگری از همان نویسنده در اثبات وجوب عینی نماز جمعه، نوشته شده است.

رساله رجاء الحق از ملا محمد طاهر قمی (۱۰۹۸/۱۶۸۷) این رساله در رد بر مولانا حسن علی بن عبد الله شوشتری (۱۰۷۵/۱۶۶۴) است که از قائلین به تحریم اقامه جمعه در عصر

۱۷۵ - در فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۸، ص ۲۲۲ موجود است

۱۷۶ - محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ص ۸۷-۸۲

۱۷۷ - نسخه‌هایی از رساله فارسی او در فهرست کتابخانه ملک، ج ۶، ص ۹۶ و ۱۶۹ موجود است

۱۷۸ - در فهرست دانشگاه، ج ۱۴، ص ۳۶۰۴ موجود است

۱۷۹ - در فهرست دانشگاه، ج ۵، ص ۲۰۹۱ موجود است

غیبت بوده است. حسن علی مدرس مدرسه پدرش، معروف به مدرسه ملا عبد الله بود که خلیفه سلطان او را برداشت و محقق سبزواری را به جای وی نصب کرد.^{۱۸۰}

طاهر قمی امام جمعه پرنفوذ قم با اشاره به قول ابن جنید مبنی مسلمان بودن در عدالت کافی است را زیر سؤال برده عدالت را به صورت سختگیرانه تری تفسیر میکند و در انتها از این که علامه مجلسی به هر آدم بیسودی اجازه اقامه نماز جماعت می‌دهد، برآشفته و به انتقاد از او پرداخته است.^{۱۸۱}

رساله صلاة الجمعة از مولی عوض شوشتری (۱۱۰۰/۱۶۸۹)، صاحب ریاض می‌نویسد: شوشتری از کسانی است که نماز جمعه را در عصر غیبت واجب می‌دانست و خود به اقامه آن می‌پرداخته و رساله‌ای در این باب نوشته است.^{۱۸۲}

رسالة فی صلاة الجمعة و القول بوجوبها از احمد بن محمد بن یوسف بحرانی (۱۱۰۲/۱۶۹۱) نویسنده این رساله قائل به وجوب عینی نماز جمعه است و رساله خود را در رد رساله شیخ سلیمان شاخوری نوشته است.^{۱۸۳}

۱۸۰ - عبدالحسین خاتون آبادی، وقایع الاعوام والسنین، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ص ۵۲۳

۱۸۱ - نسخه خطی از آن در کتابخانه مرعشی، شماره ۱۱۲۴ موجود است

۱۸۲ - ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۰۴

۱۸۳ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۳

رسالة الجمعة از محمد بن حسن حر عاملی (۱۱۰۴/۱۶۹۳) این رساله در پاسخ رساله‌ای است که در رد بر شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) نوشته شده است.^{۱۸۴}

رسالة فی وجوب صلاة الجمعة از سید هاشم بن سلیمان البحرانی (۱۱۰۷/۱۶۹۶) ^{۱۸۵}

رسالة صلاة الجمعة و وجوبها العینی فی زمن الغیبة از محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰/۱۶۹۸) علامه مجلسی در بحار الانوار به تفصیل در این باره سخن گفته است.^{۱۸۶}

رسالة فی صلاة الجمعة و اختیار وجوبها الرسالة الصدریة از صدر الدین محمد قزوینی بنا به نوشته ذریعه این رساله در سال ۱۱۱۰/۱۶۹۸ تألیف شده است. بنا به اظهار صاحب ریاض، این رساله ردی است که مؤلف در قالب شرح بر استادش آقا رضی قزوینی که قائل به رجحان احتیاط در ترک جمعه بوده و عقیده‌اش را در کتاب التهجدیه آورده، نگاشته است.^{۱۸۷}

۱۸۴ - امل الآمل، ج ۱، ص ۱۴۴ - ریاض العلماء، ج ۵، ص ۶۵

۱۸۵ - روضات الجنات، ج ۸، ص ۱۸۳ - نسخه‌ای از این رساله در فهرست کتابخانه ملی فارس (۲/ ۲۹۵) موجود است

۱۸۶ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه، ص ۲۶۲ - نسخه‌ای از این رساله در فهرست مجلس ج ۱۶، ص ۲۵۳ موجود است.

۱۸۷ - ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۲ - نسخه‌ای از رساله در کتابخانه مجلس موجود است، (فهرست، ج ۱۰، بخش ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶)

رسالة حرمة صلاة الجمعة في السفر از محمد مسیح بن اسماعیل فسوی معروف به مسیحا (۱۱۱۵/۱۶۰۶) وی قائل به وجوب نماز جمعه و حرمت آن در وقت سفر است.^{۱۸۸}

کتاب فی اثبات وجوب صلاة الجمعة از علم الهدی بن فیض کاشانی (۱۱۱۵/۱۷۰۳)^{۱۸۹}

رسالة فی وجوب صلاة الجمعة از سید محمد تقی بن ابی الحسن حسینی استرآبادی نویسنده این رساله نه تنها بر عدم حرمت اقامه آن در عصر غیبت تأکید می‌ورزد، بلکه از جمله کسانی است که اعتقاد به وجوب عینی آن دارد.^{۱۹۰} (او رساله خود را در سال (۱۱۲۲/۱۷۱۰) به پایان برده است).

رسالة فی صلاة الجمعة از محمد بن عبد الفتاح تنکابنی «سراب» (۱۱۲۴/۱۷۱۲)، تنکابنی چندین رساله در زمینه نماز جمعه نوشته و یکی از درگیرترین عالمان این دوره، در مبحث مربوط به نماز جمعه بوده است. یکی از رساله‌های او در رد مولا علی رضا تجلی شیرازی (۱۰۸۵/۱۶۷۴) و فاضل تونی نوشته شده و ادله این دو را دائر بر حرمت اقامه نماز جمعه در

۱۸۸ - در کتابخانه آستان قدس رضوی فهرست ۳۲۸/۲۰ موجود است.

۱۸۹ - مرعشی در ذیل تألیفات وی در مقدمه معادن الحکمه (ج ۱، ص ۸۰) از این رساله یاد کرده است

۱۹۰ - امل الآمل، ج ۲، ص ۲۵ - ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۶ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۷

عصر غیبت، رد کرده است.^{۱۹۱} او نوشته است که این رساله را به اشاره استادش محمد باقر سبزواری نوشته است، زیرا فاضل تونی رساله او را رد کرده بود.

رساله فی صلاة الجمعة از سلیمان بن عبد الله بحرانی ماحوزی (۱۱۲۷/۱۷۰۹)، این رساله در اثبات وجوب عینی نماز جمعه و ردیه بر رساله‌ای است که نویسنده‌اش اعتقاد به حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت داشته است. محمد باقر موسوی صاحب روضات الجنات از آن با نام رساله فی مسألة وجوب صلاة الجمعة عینا یاد کرده است.^{۱۹۲}

رساله فی صلاة الجمعة از مولی حسین بن الحسن جیلانی اصفهانی (۱۱۲۹/۱۷۱۷) نویسنده شاگرد آقا جمال خوانساری بوده و رساله خود را در رد بر استاد خود و بر وجوب عینی اقامه جمعه نگاشته است.^{۱۹۳}

رساله فی وجوب صلاة الجمعة از میرزا عبد الله افندی، ریاض العلماء (۱۱۲۹/۱۷۱۷) مؤلف در شرح حال خود به این رساله اشاره کرده که این رساله در رد فاضل قزوینی بوده است.^{۱۹۴}

۱۹۱ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه، ص ۲۶۷ - فهرست مجلس، ج ۷، ص ۱۷۹-۱۷۸ - فهرست دانشگاه

ج ۵، ص ۲۰۹۴

۱۹۲ - روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹

۱۹۳ - روضات الجنات

۱۹۴ - ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۳۱

رسالة في صلاة الجمعة و وجوبها العيني از مولی عماد بن یونس ، وی شاگرد مولی عبد الله تستری و از علمای اخباری است. سید علی طباطبایی (۱۲۳۱/۱۸۱۶) معروف به صاحب ریاض با اشاره به این مطلب، رساله او را مختصر و در اثبات وجوب عینی وصف کرده است.^{۱۹۵}

رسالة القامعة للبدعة في ترك صلاة الجمعة از عبد الله بن صالح سماهيجي (۱۱۳۵/۱۷۲۳) این رساله دارای چهار فصل است: فصل اول در ادله وجوب عینی نماز جمعه از قرآن. فصل دوم در ادله وجوب عینی از اخبار که ضمن آن ۷۲ روایت نقل شده است. فصل سوم در اثبات آن از راه اجماع که در مطاوی آن نام جمعی از علمای معاصرش و کسانی را که در این باب رساله نوشته‌اند، ذکر می‌کند و در فصل چهارم ایرادهایی بر فاضل هندی (۱۱۳۷/۱۷۹۱) و ملا خلیل قزوینی (۱۰۸۹/۱۶۷۸) وارد آورده است.^{۱۹۶}

رساله صلاة الجمعة از عبد الله حسینی مدنی این رساله نقدی بر بحث نماز جمعه کشف اللثام شیخ بهاء الدین اصفهانی، معروف به فاضل هندی (۱۱۳۷/۱۷۲۵) است که مؤلف در پاورقی یادآور شده است که شاید نویسنده این رساله از شاگردان فاضل هندی بوده و از اسم مستعاری استفاده کرده باشد.^{۱۹۷}

۱۹۵ - ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۹۸ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۷

۱۹۶ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۶

۱۹۷ - در فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱۳، ص ۸۶-۸۵ موجود است

شیخ جعفر کاشف القطا (۱۲۲۷/۱۸۱۲) فقیه دوره فتح علی شاه قاجار موضوع نماز جمعه اخباریها را جمع آوری نموده و نتیجه می‌گیرد که هر کس مخالف نماز جمعه باشد کافر است. ۱۹۸

نظریہ ها و رساله های وجوب تخییری^{۱۹۹}

نماز جمعہ

واجب تخییری بدین معنا است که لازم نیست مکلفین نماز جمعہ بخوانند، روایتی صحیحی را شیخ صدوق با واسطه از زرارہ نقل کرده است که: خداوند از این جمعہ تا جمعہ بعد، سی و پنج نماز را بر مردم واجب کرده است، در میان این نمازها، نمازی است که خوانندش به جماعت واجب شده، یعنی بصورت فردی خواندنش باطل است و آن نماز، نماز جمعہ است. شرط اجابت این نماز، خواندن به جماعت آن است و خواندن این نماز از نه طایفه که در روایت شمرده شده است بر داشته شده است. این روایت بر وجوب تعیینی نماز جمعہ دلالت می کند و فرقی هم میان زمان حضور و زمان غیبت ندارد و بر همهء مردم واجب گشته است. برخی از فقها بر وجه وجوب تخییری نماز جمعہ، ادعای اجماع کرده اند که بر این ادعا مخالفینی نیز وجود دارند.^{۲۰۰}

نماز جمعہ یکی از عبادات دسته جمعی اسلام است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است و مردم نیز در عمل به آن امر شده اند، این عبادت بنا بر اجماع فریقین از واجبات است که

۱۹۹ - واجب تخییری به این معنی است که مکلف در روز جمعہ مخیر است در صورتی که شرائطش موجود باشد، نماز جمعہ را بخواند یا مطابق معمول نماز ظهر را اقامه کن، چنانچه نماز جمعہ را به جا آورد نماز ظهر را لازم نیست بخواند، توضیح المسائل المحشی، انتشارات اسلامی، قم، ج ۱، ص ۴۰۵

۲۰۰ - وسائل الشیعه، باب ۱، ج ۱، ص ۲۹۶

در زمان حضور امام معصوم باید اقامه شود.²⁰¹ در زمان غیبت نیز برخی از فقها قائل به وجوب عینی و تعیینی آن شده اند.

در این جا نظریه ها و رساله هایی را می آوریم که در نفی وجوب عینی نماز جمعه و وجوب تخییری این نماز نوشته اند. این رساله ها در نفی وجوب عینی و در اثبات وجوب تخییری نماز جمعه اند. از جمله فقهای معروفی که نظریه وجوب تخییری را پذیرفته اند عبارتند از: محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (۴۶۰/۱۰۶۸) بر گزاری نماز جمعه را در صورت فراهم بودن شرایط آن واجب و مشروط به حضور سلطان عادل یا فردی برگزیده از سوی او می داند.²⁰²

شیخ طوسی در کتاب خلاف می نویسد: «شرط انعقاد نماز جمعه امام یا کسی که امام به او امر کند صحیح ... و بدون امر امام نماز جمعه صحیح نخواهد بود.²⁰³ شیخ طوسی در کتاب جمل العقود نیز می نویسد: «صحیح نیست جمعه مگر به شرط سلطان عادل یا کسی که او را سلطان امر کند».²⁰⁴

۲۰۱ - حسین طباطبایی بروجردی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، مکتب آیت الله المنتظری، قم، ص ۱۱

۲۰۲ - علی خالقی، محمود شفیعی ص ۱۷۲، به نقل از مبسوط، ج ۱ ص ۱۷۳-۱۷۴

۲۰۳ - خلاف ج ۱، ص ۶۲۶

۲۰۴ - شیخ طوسی، الرسائل العشر ص ۱۹۰

شیخ طوسی در کتاب نهاییه نظریه نماز جمعه را پذیرفته و در تبعیت از او، عده زیادی از فقها وجود دارند که نظریه شیخ طوسی را قبول کرده اند.^{۲۰۵} به طوری که برخی از این فقها بر این مطلب ادعای اجماع کرده اند.^{۲۰۶}

رساله صلاة الجمعة از علی بن عبد العالی، محقق کرکی (۹۴۰/۱۵۳۳) این نخستین رساله‌ای است که درباره نماز جمعه و در اثبات وجوب تخییری آن به شرط حضور فقیه جامع الشرائط نوشته شده و در مجموعه رسائل محقق کرکی این شرط آمده است.^{۲۰۷} کرکی می نویسد: علما امامیه از زمان امامان معصوم تا زمان ما اجماع داشته و دارند که در زمان غیبت نماز جمعه وجوب عینی ندارد بلکه وجوب آن تخییری است.^{۲۰۸}

نخستین کسی که رساله‌ای درباره وجوب تخییری و برپایی نماز جمعه در عصر صفوی را نوشت، محقق کرکی بود. رساله نماز جمعه او از آن جهت واجد اهمیت است که مؤلف در آن، اندیشه سیاسی خود، به ویژه ولایت فقها را مطرح کرده است. محقق کرکی رساله خود را در سال ۹۲۱ هجری، در زمان شاه اسماعیل صفوی تألیف کرد و در آن زمان، مقام مهمی در حکومت نداشت، اختلاف نظر عمده محقق کرکی با شهید ثانی در این بود که محقق کرکی نماز جمعه را منصبی حکومتی می‌دانست و تصریح می‌کرد که «اقامه نماز

۲۰۵ - رسول جعفریان، دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه، قم، بی جا، بی تا، ص ۴۱۱

۲۰۶ - دوازده رساله فقهی، ص ۶۰۶

۲۰۷ - صافی گلپایگانی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، آستانه، قم، ص ۱۷۶

۲۰۸ - کرکی، رسائل، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، قم، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۱۴۸

جمعہ در غیبت بدون حضور فقیہ جامع شرایط مشروع نیست» و حضور نائب خاصی از جانب امام برای این کار ضرورت ندارد. کرکی در قسمت‌های مختلف نوشته‌هایش بر این نکته تأکید دارد که فقیہ منصوب از جانب امامان، حاکم بر همه امور شرعیہ می باشد.^{۲۰۹}

علی بن عبد العالی، محقق کرکی (۱۱۵۳۳/۹۴۰) در رسالہ نماز جمعہ می نویسد: أجمع علمائنا الإمامیہ طبقہ بعد الطبقة من عصر أئمتنا: إلى عصرنا هذا علی انتفاء الوجوب العینی عن الجمعة؛^{۲۱۰} یعنی اجماع کرده‌اند علمای شیعه در هر عصری از اعصار از زمان ائمه معصومین تا زمان ما بر سقوط وجوب عینی در زمان غیبت. و نیز در همین رساله گفته: یشرط لصلاة الجمعة وجوب الإمام المعصوم او نائبه و علی ذلك إجماع علمائنا قاطبة؛^{۲۱۱} یعنی شرط است در نماز جمعہ وجود امام معصوم یا نایبش و بر آن علمای شیعه همگی اجماع کرده است. او در شرح قواعد گفته است: یشرط لوجوب الجمعة السلطان العادل و هو الإمام المعصوم او نائبه عموماً أو فی صلاة الجمعة اجماعاً؛^{۲۱۲} یعنی شرط است در واجب بودن نماز جمعہ که امام معصوم یا نایب او باشد، در خصوص نماز جمعہ به اجماع علمای است. در شرح قواعد «در خصوص نماز جمعہ به اجماع علمای است» بعد از نقل خلاف در جواز و حرمت نماز جمعہ در زمان غیبت گفته است: الفتوی علی الجواز لوجه؛^{۲۱۳} یعنی فتوی بر جواز نماز جمعہ در زمان غیبت.

۲۰۹ - شهید ثانی، رسالہ فی صلوة الجمعة، جامعہ مدرسین، قم، ص ۴۶

۲۱۰ - کرکی، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۱۴۸

۲۱۱ - کرکی، ج ۱، ص ۱۴۴

۲۱۲ - کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۷۱

۲۱۳ - کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۷۶

رسالة في صلاة الجمعة واختيار نفى الوجوب العين از علي بن منشار كركي (٩٨٤/١٥٧٦) مؤلف از شاگردان علي بن عبدالعالي محقق كركي بوده و رساله او در نفى عيني و وجوب تخيري نماز جمعه است.^{٢١٤}

رسالة في صلاة الجمعة و عدم وجوبها عينا في زمن الغيبة از عبد العالي بن نور الدين علي بن الحسين بن عبد العالي كركي (٩٩٣/١٥٨٥). شيخ آغا بزرگ تهراني رساله او را با عنوان «اللمعة في عدم عينية صلاة الجمعة» (روشنایی در نوع نماز جمعه) یاد کرده که عنوان کتاب سيد حسين كركي نيز می باشد.^{٢١٥}

رسالة لللمعة في عدم عينية صلاة الجمعة از سيد حسين مجتهد كركي (١٠٠١/١٥٩٣) نویسنده از چهره های برجسته دو دهه پایانی سلطنت شاه طهماسب و شيخ الاسلام در شهر اردبیل و قزوین است.^{٢١٦} این رساله در اصل رد بر آرای شهيد ثانی (٩٦٦/١٥٥٩) که قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده، نوشته شده است. نویسنده قائل به وجوب تخيري نماز جمعه بوده است.^{٢١٧}

٢١٤ - الذريعة، ج ١٥، ص ٧٧-٧٦

٢١٥ - فرزند محقق كركي است، نگاه كنيد به خلاصة التواريخ، ج ٢، ص ٧٧٣

٢١٦ - آغا بزرگ الطهراني، الروضة النضرة، ص ١٨٣-١٨٤

٢١٧ - صافي گلپایگانی، فقه شيعه، ص ٢٠٩

ابوعبدالله، حسین بن حیدر مجتهد کرکی (۱۰۰۱/۱۵۹۳) رساله ای دارد به نام رساله «اللمعه فی عدم عینیه صلاة الجمعة» که در آن وجوب تخییری نماز جمعه را اثبات می کند.^{۲۱۸}

رساله نماز جمعه از عبد العلی بن محمود خادم جاپلقی بروجردی (قرن ۱۰ هجری)، نویسنده رساله کسی است که میر داماد از او اجازه روایت داشت. مؤلف اثبات کرده که نماز جمعه واجب نیست و در همان مجموعه رساله دیگری در اثبات وجوب عینی، نوشته است.^{۲۱۹}

رساله فی صلاة الجمعة از محمد باقر استرآبادی، معروف به میر داماد (۱۰۴۱/۱۶۳۱) رساله مذکور شامل فتوای میرداماد است که فریضه جمعه در عصر غیبت افضل بر دو واجب ظهر و جمعه، به شرط وجود نایب عام امام می باشد و در صورت عدم وجود نایب عام، اقامه نخواهد شد. فیض گفته است که وی نماز جمعه را اقامه می کرده و او بارها، با وی نماز جمعه خوانده است.^{۲۲۰}

محمد باقر داماد استرآبادی در کتاب عیون المسائل می نویسد: اجماع کرده علمای امامیه بر واجب شدن و رفتن به نماز جمعه که از جانب پیامبر یا امام معصوم یا آن کس که او تعیین کرده باشد. بعد از این می گوید: بر آن چه مذکور شد اتفاق دارند علمای امامیه و اصلا در آن خلاف نکرده اند. و بعد از این نیز در ساقط بودن وجوب عینی در زمان غیبت امام گفته: علمای امامیه همه به اتفاق نقل اجماع کرده اند بر این که نماز جمعه در زمان غیبت امام

۲۱۸ - دوازده رساله فقهی، ص ۸۶

۲۱۹ - در فهرست دانشگاه، (۲۰۸۸/۵) موجود است

۲۲۰ - الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۹۵

معصوم واجب عینی نیست. و بعد از این نیز گفته: نیست کسی در علمای امامیه که قبول نداشته باشد شرط بودن امام یا منصوب از جانب امام را در نماز جمعه.^{۲۲۱}

رساله صلاة الجمعة از عبد الله بن محمد فاضل تونی خراسانی (۱۰۷۱/۱۶۶۱) این رساله در نفی وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده و رساله‌ای مشهور این زمان است. این رساله از طرف محمد بن عبد الفتاح تنکابنی مشهور به سراب رد شده است.^{۲۲۲}

فاضل تونی در آغاز رساله خود آورده است که جمعی از معاصران، سخنی تازه ساز کرده و بدعتی آورده، گویند، وجوب عینی نماز جمعه نه مشروط به وجود امام است و نه فقیه جامع الشرائط و غرض از نوشتن این رساله ابطال این رأی مبتدع است.^{۲۲۳}

رساله فی صلاة الجمعة از امین بن احمد تونی (۱۰۸۳/۱۶۷۲) وی برادر زاده فاضل تونی است که نقد سراب را بر عمویش نوشته است.^{۲۲۴}

رساله در نماز جمعه از میرزا علی رضا بن کمال الدین حسین اردکانی شیرازی متخلص به تجلی (۱۰۸۵/۱۶۷۴) تجلی از فقها و شعرای روزگار شاه عباس دوم است، رساله مذکور در

۲۲۱ - جامع عباسی، ص ۵۶

میرداماد، محمدباقر بن محمد (نویسنده) ناشر جمال‌الدین میر دامادی تهران، ۱۳۹۷

۲۲۲ - ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۳۷

۲۲۳ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه، ص ۲۳۷

۲۲۴ - در فهرست مجلس (ج ۷، ص ۱۸۰) آمده است

اثبات عدم وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده و نسخه‌ای از آن همراه رساله دیگری از او در رد بر رساله محقق سبزواری است. در حاشیه آن ملا محمد سراب تنکابنی گیلانی ردی بر تجلی نوشته است^{۲۲۵} همچنین در رساله دیگری از تجلی ردیه ای بر رساله فارسی ملا محمد باقر خراسانی در باب نماز جمعه نگاشته شده است.^{۲۲۶} وی در این رساله، نام شمار زیادی از موافقان وجوب تخییری را آورده و در ادامه، نام قائلان به حرمت را یاد کرده است. پس از آن به انتقاد از ملا محمد باقر خراسانی پرداخته است.

رساله صلاة الجمعة از سید اسماعیل بن محمد خاتون‌آبادی (۱۱۱۶/۱۷۰۴) با عباراتی چنین آمده است: خواندن نماز جمعه به قصد وجوب عینی، بدعت است و به قصد وجوب تخییری فضیلت، اما احتیاط در خواندن نماز ظهر است و اقامه جمعه با معتقدان به عینیت، شاید حرام.^{۲۲۷}

رساله تبصره المجتهدین فی استظهار استار حجب الیقین از سید عبد الحسیب بن أحمد علوی (۱۱۲۱/۱۷۰۹) وی فرزند سید احمد علوی، داماد میر داماد، فیلسوف و فقیه معروف عصر صفوی است. رساله عبد الحسیب در نفی وجوب عینی بوده است.^{۲۲۸}

۲۲۵ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۸۰

۲۲۶ - فهرست دانشگاه، ج ۱۴، ص ۴۳۶

۲۲۷ - نسخه‌ای ناقص از این رساله در فهرست مجلس (ج ۱۰، ب ۱، ص ۴۹۱) معرفی شده

۲۲۸ - در کتابخانه مرعشی به شماره ۵۳۳۸ (فهرست ۱۴/۱۲۵) نگهداری می‌شود

رساله در نماز جمعه از آقا جمال خوانساری (۱۱۲۲/۱۷۱۰) این رساله در یک نسخه برای شاه سلیمان نوشته شده^{۲۲۹} و در نسخه‌ای دیگر برای شاه سلطان حسین،^{۲۳۰} رساله مذکور به طور مفصل درباره نفی عینیت وجوب نماز جمعه است. از آنجا که رساله آقا جمال رساله‌ای استوار و مفصل بوده، و شخصیت آقا جمال نیز برجستگی خاصی داشته، رساله‌اش مورد توجه مخالفان واقع شده، و ردیه‌های چندی بر آن نوشته شده است. یکی از آن ردیه‌ها از ملا محمد سراب است.^{۲۳۱} دیگری از سید جعفر بن حسین خوانساری^{۲۳۲} شاگرد خود آقا جمال، همچنین حسین بن حسن گیلانی نیز ردی بر این رساله نوشته است.^{۲۳۳}

آقا جمال در این رساله به تشریح دیدگاه‌های فقهای کهن پرداخته و نشان داده است که قول به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت مطرح نبوده و شهید ثانی برای نخستین بار آن را مطرح کرده است.^{۲۳۴} وی فصل سوم، کتاب خود را به رد ادله شهید ثانی اختصاص داده است. از مجموع رساله آقا جمال چنین برمی‌آید که وی به وجوب تخییری، به شرط حضورنایب امام قائل است.

۲۲۹ - نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ج ۱۳، ص ۲۰۲

۲۳۰ - فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۶، ص ۳۳۳

۲۳۱ - فهرست آیه الله مرعشی، ج ۱۳، ص ۸۷

۲۳۲ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۸

۲۳۳ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۰

۲۳۴ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه ص ۲۶۸-۲۶۷ - فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، صص ۵۸۹-

وحید بهبهانی (۱۲۰۵/۱۷۹۱) می نویسد: از آن چه ذکر کردیم مشخص می شود که قول به وجوب تخییری نماز جمعه با افضلیت نماز جمعه اقوا است.^{۲۳۵}

محمد حسن نجفی (۱۲۶۶/۱۸۴۸) صاحب جواهر: می نویسد: وجوبی که در نماز جمعه ثابت شده است وجوب تخییری است.^{۲۳۶}

رساله در عدم عینیت نماز جمعه از ملا محمد رفیع طباطبائی نائینی (۱۳۲۶/۱۹۰۷)، ولی قلی شاملو در شرح حال وی می نویسد: او رساله‌ای دیگر بر عدم وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت نگاشته است.^{۲۳۷} شاملو درباره مخالفت وی با وجوب نماز جمعه، حکایتی هم از عبد الحی رضوی آورده است.

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷/۱۹۱۹) صاحب عروة الوثقی: می گوید: « بنا بر اقوی، نماز جمعه در زمان غیبت امام واجب تخییری است.^{۲۳۸}

۲۳۵ - مصابیح الظلام، ج ۱، ص ۴۰۳، ۶

۲۳۶ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۱، ص ۳۳۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا

۲۳۷ - قصص الخاقانی، ج ۲، ص ۳۵

۲۳۸ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، سؤال و جواب متن، ص ۷۹، مرکز النشر العلوم الاسلامی، تهران، ۱۴۱۵

از متأخرین أبو القاسم خویی، روح الله خمینی که خود هیچگاه در نماز جمعه شرکت نکرد و علی سیستانی نیز نماز جمعه را واجب تخییری می دانستند.^{۲۳۹}

در اینجا مناسب است فهرست اسامی دیگر کسانی را که قائل به وجوب تخییری بوده و نام آن‌ها را میرزا علی رضا تجلی در رساله ردیه خود بر رساله محقق سبزواری آورده است بیاوریم:

میر محمد تقی استرآبادی، مولانا عبد الله تونی، میر محمد باقر داماد، شیخ عماد الدین طبری، شیخ عبد الجلیل رازی قزوینی، مولانا احمد استرآبادی، شیخ لطف الله اصفهانی و فرزندش شیخ جعفر، شیخ عبد اللطیف بن علی بن ابی جامع، میر فیض تفرشی، ملا مراد تفرشی، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی، میر قاسم کوپایی، ملا رجب علی تبریزی، قاضی معز، شیخ جواد، شیخ احمد بن عبد السلام [شاید همان سلامه یاد شده باشد]، شیخ علی بن نصر الله، میر شرف الدین علی نجفی، مولانا صدرای نسایی، مولانا عبد الکریم طبسی، مولانا صدرای شیرازی، شاه تقی الدین محمد شیرازی، شاه قوام الدین حمزه شیرازی، میر نظام الدین دشتکی، ابو الولی شیرازی، میرزا ابراهیم شیرازی.^{۲۴۰}

از دو نظر فوق درباره نماز جمعه، در عمل «وجوب تخییری» میان فقها، طرفداران بیشتری پیدا کرد است، در بسیاری از مباحث مربوط به شرط اذن امام معصوم یا نایب خاص او،

۲۳۹ - خویی، ابوالقاسم، التقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۶، ص ۴۰ و ۵۷، بی جا، بی تا

۲۴۰ - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۴، ص ۳۶۰۴، نسخه شماره ۴۶۵۹.

نائب خاص تعبیر به امام عادل، یا سلطان عادل و غیره شده است که توانسته منبعی برای فقیه سیاسی شیعه شده باشد.

قائلین به وجوب تخییری می‌پذیرند که مقصود از امام عادل همان امام معصوم می‌باشد، اما اختیارات فقیه را بر اساس ادله مجتهد جامع الشرائط می‌دانند. مهم‌ترین مستند کسانی که قائل به وجوب تخییری‌اند این است که سیره اصحاب در طول چندین قرن بر عدم اقامه جمعه جاری بوده که این برخورد جز با وجوب تخییری در عصر غیبت، با چیز دیگری قابل توجیه نیست. فیض کاشانی در صدد توجیه این عمل بر آمده می‌نویسد: زمان ائمه، زمان تقیه بوده و بدین جهت شیعیان، در میان اقامه جمعه با حاکمان موجود و اقامه جمعه به طور مخفی و اقامه ظهر به جای آن در خانه خود، مخیر بوده‌اند که همین هم باعث ترک اقامه جمعه از طرف شیعیان شده است.^{۲۴۱}

۲۴۱ - ملا محسن فیض کاشانی، الشهاب الثاقب، این رساله در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده

نظریه و رساله های فقهای که نماز جمعه را حرام می دانند

ابویعلی حمزه بن عبدالعزیز ملقب به سلار دیلمی (۴۶۳/۱۰۷۱) از متقدمین فقهای شیعه، شاگرد شیخ مفید (۴۱۳/۱۰۲۲) بود، او صاحب کتاب المراسم العلویه و الاحکام النبویّه در فقه می باشد. او اول کسی که اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت حرام شمرده است. ۲۴۲ سلار بن عبد العزیز در کتاب مراسم شرعیه می نویسد: نماز جمعه واجب است با حضور امام زمان یا آن کس که امام زمان او را بر آن نایب گرداند. بر فقهای امامیه می رسد که در زمان غیبت امام نماز با جماعت کنند در عید یا در طلب باران؛ اما ایشان را نمی رسد که نماز جمعه کنند. سلار در دیگر رساله اش گفته است: فقهای امامیه را می رسد که در زمان غیبت امام نماز با جماعت بر گزار کنند در نماز عید یا در نماز طلب باران، اما ایشان را نمی رسد که نماز جمعه را بر گزار کنند. ۲۴۳

ابوالکارم عزالدین حمزه بن علی معروف به ابن زهره (۵۸۵/۱۱۵۹) در کتاب غنیه در شرایط وجوب نماز جمعه گفته: از جمله شرایط واجب بودن نماز جمعه حضور امام معصوم است یا آن کس که از جانب او منصوب و نایب باشد. او در انتها می نویسد: «کلّ ذلک

۲۴۲ - سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۲۹۴

۲۴۳ - سلار، المراسم الشرعیّه، ص ۷۷

بدلیل الإجماع»: یعنی همه آن چه گفته شد از شرایط وجوب نماز جمعه دلیلش اجماع علمای امامیه است.^{۲۴۴}

محمد ابن ادريس حلی (۵۹۸/۱۲۰۱) در کتاب معروف سرائر خود نماز جمعه را در عصر غیبت حرام می داند. ابن ادريس حلی به نقل از سلار می نویسد: فقهای شیعه می توانند نماز عید و باران را با مردم بخوانند لکن نماز جمعه را نمی توانند بخوانند و این، پایان سخن سلار در این باره، می باشد.^{۲۴۵}

شیخ شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی نبطی جزینی معروف به شهید اول (۷۸۶/۱۳۸۴) در ذکری و شیخ طبرسی در تفسیر کبیر و قاضی نور الله در رساله اش از جمله قایلین به حرمت نماز جمعه شمرده اند، در آنجایی که مولانا علی نقی مذکور به این مضمون گفته: واجب عینی بودن نماز جمعه در زمان غیبت بالکلیه ساقط است به اجماع علمای امامیه و در آن اصلا خلافی نیست و احتمالی که باقی می ماند، این است که یا جایز باشد یا حرام؛ پس بنابراین آن کس که اقامه نمی کند نماز جمعه را در زمان غیبت، گناهی نخواهد داشت به اتفاق علمای امامیه، و آن کس که اقامه می کند، نزد کسانی که به حرمت قائلند، خطر عظیم خواهد داشت و این نهایت ظهور دارد.^{۲۴۶}

۲۴۴ - غنیة النزوع، تصحیح الشیخ ابراهیم البهادری، قم، ص ۹۰

۲۴۵ - السرائر، ج ۱، ص ۳۰۴

۲۴۶ - درباره مکتب شهید اول نگاه کنید به مدرسی طباطبایی، مقدمه ای بر فقه شیعه، مشهد، ۱۳۶۸، ص

۵۴ - ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۰۵

شیخ ابو علی طبرسی در تفسیر مجمع البیان در سوره جمعه گفته: واجب نمی شود نماز جمعه مگر با حضور امام معصوم یا آن کس که او را امام معصوم تعیین کرده باشد.^{۲۴۷}

شیخ شمس الدین محمد شهید اول در لمعه می نویسد: اگر شرایط جمع شدن در دوران غیبت وجود داشته باشد، نماز جمعه صورت نمی گیرد مگر با حضور امام یا نماینده خاص امام، حتی اگر فقیهی هم وجود داشته باشد.^{۲۴۸} شهید اول در کتاب ذکری هفت شرط برای نماز جمعه بر شمرده که اولین شرط آن حضور امام معصوم یا نایب اوست، از این رو که اجماع کرده اند بر آن علمای ما که شیعه ایم. بعد از این در خصوص زمان غیبت گفته در همه زمان ها و مکان ها علمای شیعه بر آن بوده اند که بدون امام معصوم و نایبش نماز واجب عینی وجود ندارد.^{۲۴۹}

میرزا علی رضا تجلی (۱۰۸۵/۱۶۷۴) مانند بسیاری از مخالفان برگزاری نماز جمعه، بر این باور است که قول به وجوب عینی را زین الدین عاملی شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) ابداع کرد و پس از او، این قول به دیگران منتقل گشت. عین عبارت وی در رساله اش چنین است: «وقول به وجوب عینی تا به زمان شیخ زین الدین در میان علمای ما نبوده؛ و هیچ یک از سابقین به آن قایل نشده اند و همانا که در اواخر عمر، شیخ زین الدین در حوالی نهصد و شصت از هجرت که در این باب رساله نوشت، و در ترویج این قول و جمعی دیگر که بعد

۲۴۷ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸

۲۴۸ - شهید ثانی، روضه، ج ۱، ص ۲۹۹. Cited par Sachedina, *The Just Rule* p. 187.

۲۴۹ - الذکری، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۵

از او آمدند و خواستار شدید امامت جماعت شدند و از پستان افاده او شیر سست شده، مبالغه ها افزودند.»^{۲۵۰}

فقهای متقدم شیعه از جمله سلّار دیلمی^{۲۵۱} و ابن ادریس حلی^{۲۵۲} و به پیروی از آنان بسیاری از فقهای متأخر بعد از آنها از جمله فاضل هندی مشروعیت نماز جمعه را مشروط به حضور امام معصوم یا حضور فردی که از سوی امام به امامت جمعه منصوب شده باشد دانسته‌اند. پیروان فتوای حرمت نماز جمعه با این استدلال که حضور یا اجازه امام شرط وجوب نماز جمعه است و در عصر غیبت چنین اجازه‌ای وجود ندارد برپا داشتن نماز جمعه را در این عصر غیبت جایز نمی‌دانند.^{۲۵۳}

از جمله ادله مورد استناد قائلان به حرمت نماز جمعه، احادیثی است که در آن‌ها تعابیری مانند «امام» و «امام عدل تقی» آمده و گفته شده که مخالفت با امام در مورد نماز جمعه باعث هلاکت است یا برپا داشتن نماز جمعه جز با حضور امام عادل و پرهیزگار صحیح نیست.^{۲۵۴}

۲۵۰ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ج ۳۸، ص ۲۹۳

۲۵۱ - رضائزاد، صلاة الجمعة، ۱۴۱۵ق، ص ۷۷

۲۵۲ - ابن ادریس حلی، السرائر، قم، ج ۱، ص ۳۰۴

۲۵۳ - فاضل هندی، کشف اللثام، تهران، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۶ - طباطبائی، ریاض المسائل، بیروت، ج ۴، ص ۷۵-۷۳

۲۵۴ - قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۴ - نوری، مستدرک الوسائل، قم، ج ۶، ص ۱۳-

امام سجاد در صحیفه سجاده^{۲۵۵} نیز امامت جمعه را مقامی مخصوص برگزیدگان خدا دانسته است. برخی فقهای متأخر منظور از تعابیر مذکور در این احادیث را امام معصوم ندانسته و آن را به مفاهیمی عام‌تر که شامل امام جماعت نیز بشود تفسیر کرده‌اند. به نظر آنان در این احادیث تأکید اصلی بر لزوم به جماعت برگزار شدن بوده است.^{۲۵۶}

ابراهیم بن سلیمان قطفی (۹۵۰/۱۵۴۳) رساله فی حرمة صلاة الجمعة فی زمن الغیبة مطلقا را نوشت، مؤلف از علمای عصر شاه طهماسب بود که در موضوعات متعدد از جمله خراج و رضاع و در رد رساله‌ها و فتاوی محقق کرکی مطلب نوشته است. وی را باید مخالف محقق کرکی دانست که موقعیتی برجسته در دربار صفوی داشته است.^{۲۵۷}

اختلافی که بین شیعه امامیه و اهل سنت بر سر نماز جمعه در عصر غیبت وجود دارد این است که اهل سنت در عصر غیبت، نماز جمعه را واجب می‌دانند، چون اکثر مذاهب اسلامی شرط بودن امام معصوم و یا اذن سلطان را قبول ندارند. در بین فقهای شیعه امامیه مسئله بودن امام مورد اختلاف است، برخی از فقها، نماز جمعه را واجب تعیینی و بعضی دیگر واجب تخییری و عده ای از علما بر گزاری نماز جمعه را حرام می‌دانند. محور و مرکز اختلاف‌ها در مسئله لزوم و حضور امام یا اذن امام در اقامه نماز جمعه است. این اختلاف و تشتتها، از وجوب تا حرمت درباره آن رأی وجود دارد.

۲۵۵ - الصحیفه السجادیة، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۷۴

۲۵۶ - برای نمونه نگاه کنید به حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، ج ۷، ص ۳۱۰

۲۵۷ - ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۲

قاضی نور الله شوشتری (۱۰۱۹/۱۶۱۰) رساله اللعنه فی تحقیق صلاة الجمعة را در اثبات تحریم اقامه جمعه نوشت،^{۲۵۸} رساله مزبور، ناظر بر رساله محقق کرکی و رد ادعای او، دایر بر نقل اجماع بر وجوب تخیری با حضور نایب عام بوده و مشتمل است بر بحثی درباره روایت عمر بن حنظله و دلائل او. شوشتری کوشیده است با ارائه شروط اقامه جمعه، اهمیت امامت جمعه را مهمتر از منصب قضا و افتاء قلمداد کند تا کسی به اولویت اختیارات فقیه در این باره استناد نکند.^{۲۵۹}

رساله فی حرمة صلاة الجمعة از علی نقی بن ابوالعلاء کمره‌ای (۱۰۳۰/۱۶۶۱) است، صاحب ریاض درباره او می‌گوید: او در عصر امام قلی خان حاکم شیراز، قاضی آن شهر بود و در زمان وزارت خلیفه سلطان، تا پایان عمر خود، شیخ الإسلام اصفهان شد. او رساله ای در حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت تحت عنوان حرمة صلاة الجمعة نوشت.^{۲۶۰} علی نقی بن ابوالعلاء کمره‌ای در رساله خود در باب نماز جمعه می‌نویسد: سید مرتضی و شیخ طوسی در کتاب خلاف و ابن ادریس و سلار و علامه در کتاب تحریر و کتاب منتهی و شیخ مقداد در کتاب کنز العرفان قائل شده‌اند به آن که نماز جمعه در زمان غیبت امام حرام است، و همگی ایشان به اجماع استدلال کرده‌اند و گفته‌اند حرمت نماز جمعه در زمان غیبت اجماعی از علمای امامیه است.

۲۵۸ - روضات الجنات، ج ۸، ص ۱۵۹

۲۵۹ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه، ص ۲۱۶

۲۶۰ - ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۷۲

رساله صلاة الجمعة از حسن علی بن عبد الله شوشتری (۱۰۷۵/۱۶۶۴) است، این رساله در حرمت اقامه جمعه در زمان غیبت نوشته شده است.^{۲۶۱} این رساله توسط ملا محمد طاهر قمی (۱۰۹۸/۱۶۸۷) نقد شده، قمی در رساله خود به نقل از حسن علی بن عبدالله شوشتری می‌نویسد: دلیل دیگر که بر وجوب نماز در این زمان بدان استدلال نموده‌اند، اخبار آحادی است که از سید مختار و ائمه اطهار در نماز مزبوره نقل شده که بسیاری از آن‌ها مشتمل بر اوامر و ترغیب به حدی است که بعضی از فقهای نادان، گمان کرده‌اند که احادیث دلیل بر وجوب است که در مجالس و محافل و مشاعر و مناظر تکثیر و تکرار نموده به تعداد آن می‌افزایند و می‌کوشند به عوام کالانعام و تخویف جهال عدیم الافهام تحمیل نموده، هنگامه ساز و معرکه پرداز گردند.^{۲۶۲}

دیگر قول مولانا حسن علی شوشتری که در رساله‌اش آورده این چنین است: بدان که نماز جمعه بعد از هجرت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه طیبه بدلا عن الظهر مفروض شد، بر جمعی مخصوص به شروط مخصوصه واجب گشت که از جمله آن شروط، امامت آن حضرت یا اوصیای مطهر او یا نایبان ایشان است؛ و بدون آن بر رعیت حرام شده و بر این معنی اتفاق فرقه ناجیه و اجماع طائفة محقه، طبقه بعد طبقه و عصر بعد عصر انعقاد یافته و به نقل متواتر علمای اعلام ثابت و محقق شده و بعد از این گفته: اما در زمان غیبت، اصحاب ما- رضوان الله علیهم- در آن اختلاف نموده‌اند. بعضی آن را مستحب دانسته‌اند؛ و گاهی تعبیر از آن به لفظ جواز کرده‌اند و بعضی از ایشان آن را بدعت و حرام دانسته و همگی اتفاق نموده‌اند که در این زمان عینی نیست؛ و بسیاری از ایشان نقل اجماع بر نفی

۲۶۱ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۹ - نسخه‌ای از رساله او در فهرست مجلس، (۱۹۸/۱۴) موجود است

۲۶۲ - رساله صلاة الجمعة، ملا محمد طاهر قمی، ش ۱۱۵۲۰ کتابخانه مرعشی، برگ ۱۰۷

عینیت کرده‌اند و این دو قول تا زمان شیخ زین الدین مستمر بود. چونان که شیخ شهید در کتاب بیان به این مضمون گفته که منع کرده‌اند نماز جمعه را در زمان غیبت ابو الصلاح و سلار و ابن ادريس و ظاهر از سید مرتضی نیز این است.^{۲۶۳}

خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۸۹/۱۶۷۸) را از قائلین به حرمت اقامه جمعه دانسته‌اند. رساله او در حرمت نماز جمعه به زبان فارسی که در حقیقت بخشی از شرح فارسی او بر کتاب کافی است که مدعی این نظر است.^{۲۶۴} ملا محمد طاهر قمی (۱۰۹۸/۱۶۸۷) رساله ای در رد رساله قزوینی نوشت و اقامه کننده نماز را، به شرطی که از اخبار نماز جمعه وجوب یا استحباب فهمیده باشند، فاسق ندانست.^{۲۶۵} میرزا عبد الله افندی (۱۱۲۹/۱۷۱۷) می‌نویسد: قزوینی داستان‌هایی با حکام قزوین و طهران دارد و در شمار کسانی است که اقامه جمعه را حرام می‌دانست.^{۲۶۶}

رساله صلاة الجمعة از ملا اسماعیل محمد بن حسین خواجویی مازندرانی (۱۱۷۳/۱۷۶۰) می‌باشد، این رساله در حرمت نماز جمعه و ردی بر رساله الشهاب الثاقب فیض است.^{۲۶۷} متن

۲۶۳ - در فهرست مجلس، (فهرست ج ۱۴، ص ۱۹۸؛ ج ۱۶، ص ۳۷۱) موجود است.

۲۶۴ - نسخه‌ای از آن به شماره ۱۹۸۵۹ در آستان قدس موجود است

۲۶۵ - ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۶ - صافی گلپایگانی، فقه شیعه، ص ۲۴۰.

۲۶۶ - ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۱

۲۶۷ - نسخه‌هایی از آن در فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی (۸/ ۲۲۲، ش ۳۰۳۲) موجود است

رسالة خواجویی در مجموعه رسائل ایشان با عنوان الرسائل الفقهية به چاپ رسیده است. ۲۶۸ فتوای وی در پایان این رساله احتیاط در ترک نماز جمعه تا زمان ظهور امام زمان است.

عبد الحی رضوی کاشانی (۱۳۸۵/۱۹۶۵) از علمای سالهای پایانی عصر صفوی، فصلی از کتاب حدیقه الشیعه خود را به نماز جمعه اختصاص داده و افزون بر مباحث علمی خود درباره نماز جمعه و انکار وجوب عینی آن در عصر غیبت، نگاهی تاریخی و البته منتقدانه به مسأله امامت جمعه و افرادی که شاغل در این منصب بوده اند، ارائه کرده است. عمده مباحث وی به تأثیر نوشته های فاضل تونی درباره نماز جمعه است که قائل به حرمت اقامه آن در عصر غیبت بوده و بیشتر در رد ملامحمد سراب که اعتقاد به وجوب اقامه آن داشته، بوده است. وی بر این باور است که رأی به عینیت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت، از اختراعات جدیدی است که اهل ریاست داشته اند و چنین قولی در فقهای پیش از عصر صفوی وجود نداشته است. از دیگر اختراعات اهل ریاست نیز این که لفظ «امام» یا «سلطان عادل» موجود در روایات و متون کهن فقهی را اعم از امام معصوم و غیر معصوم دانسته و منحصر در امام معصوم نکرده اند. او هم چنین با اشاره به شرایطی که در متون کهن درباره اقامه کننده نماز جمعه آمده، بر آن عقیده است که حتی اگر مراد غیر معصوم باشد، چنان امامی با آن ویژگی ها در این زمان یافت نمی شود. ۲۶۹

۲۶۸ - سید محمد حسین حسینی، فهرس التراث، ج ۲، ص ۶۹.

۲۶۹ - رسول جعفریان، دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی، انصاریان، ص ۳۸

نظریه عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت

قائلین به عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت ادله متعددی ذکر کرده‌اند:

دلیل اول - اجماع

وجود امام یا اذن او شرط برای اقامه نماز جمعه است، این شرط اجماعی است.^{۲۲۰} وقتی تاریخ نماز جمعه را مطالعه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که تا زمان سیدمرتضی علم الهدی کسی به این شرط که وجود امام یا اذن امام لازم است، متعرض نشده است. شهید ثانی می‌نویسد: قول به عدم مشروعیت نماز جمعه منحصر به سلار و ابن‌ادریس حلّی است، او می‌نویسد: اگر این اجماع را قبول هم بکنیم، باز هم مطلقاً حرمت اقامه نماز جمعه لازم نخواهد آمد، زیرا فقها نواب عام هستند، به دلیل این حدیث از امام صادق که گفته است: «انظروا الی رجل قد روی حدیثنا و عرف احکامنا فارضوا به حاکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً».^{۲۲۱}

۲۲۰ - شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، رساله فی صلوة الجمعة، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لمجماعة المدرسين قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵.

۲۲۱ - عاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعة، تحقیق، عبدالرحیم ربانی شیرازی، دارالاحیاء التراث العربی،

بیروت، الطبعة الخامسة، ابواب صفات قاضی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۹۸

اگر کسی بگوید مدلول حدیث اذن در قضاوت حکم بین مردم است نه نماز جمعه، در جواب می‌گوییم مدلول اذن، نصب امام است. بنابراین مدعای اجماع را شامل نخواهد شد.

۲۷۲

دلیل دوم - سیره قطعیه

سیره قطعیه دلیل بر این است که امامت نماز جمعه مثل قضاوت احتیاج به نصب دارد و در زمان غیبت این نصب مقدور نیست و خود را برای تصدی امام جمعه قرار دادن مثل قاضی جائز نیست. چون امامت نماز جمعه یکی از مناصب امام معصوم است و بالتبع اقتدا کردن به امامی که جای امام را بدون اذن گرفته، اقتدا به غاصب خواهد شد. لذا اقامه نماز جمعه و حضور در نماز جمعه حرام است.

پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین خود در همه بلاد اسلامی ائمه جمعه را عزل و نصب می‌کردند و هیچ کس ندید که کسی بدون اذن و با اختیار خود نماز جمعه را اقامه کند این روش در نزد همه مسلمانان و حتی در نزد اصحاب ائمه مذکور بود و اخبار ائمه هم به کسانی القا می‌شد که این طریق و روش را شاهد بودند. این روش تا زمان حکومت صفوی نیز ادامه داشت. لذا سیره پیامبر اکرم (ص) و خلفا و امرای مسلمین از زمان پیامبر اکرم (ص) تا اکنون

۲۷۲ - شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، رساله فی صلوة الجمعة، ص ۴۶.

این است که اقامه نماز جمعه از منصب خلافت مسلمین است و این دلیل قطعی بر شرط بودن اذن حاکم یا امام عادل در اقامه نماز جمعه می‌باشد.^{۲۷۳}

محقق در می‌نویسد: همان طوری که برای کسی صحیح نیست که خود را در منصب قضاوت قرار دهد، خود را در منصب امامت نماز جمعه قرار دادن هم صحیح نیست. این قیاس نیست، بلکه: «استدلال بالعمل المستمر فی الاعصار، فمخالفته فرق الاجماع»^{۲۷۴} شیخ طوسی هم در خلاف این شرط را اجماعی می‌دانند: «فعلم ان ذلك اجماع اهل الاعصار»^{۲۷۵}.

نمازهای جمعه باعث وحدت و یکپارچگی مسلمین است. لذا دلیل اخص از مدعاست. علاوه بر این، اقامه نماز جمعه رخصت داده شده و اخبار زیادی بر این مطلب دلالت دارد. مثل روایت زراره که می‌گوید از امام باقر سؤال کردم: بر چه کسانی نماز جمعه واجب است؟ امام فرمود: «لی سبعة نفر من المسلمین اولهم الامام فاذا اجتمع سبعة نفر و لم يخافوا امهم بعضهم و خطبهم»^{۲۷۶} لذا امام فرمودند: اگر خوف نداشته باشید می‌توانید نماز جمعه را اقامه کنید.

۲۷۳ - بروجردی حسین، البدر الزاهر فی صلوة الجمعة و المسافر، دارالحکمة، قم، الطبعة الاولى، ص ۶، قم،

۱۳۷۸

۲۷۴ - محقق حلی، جعفر بن محمد، المعبر، مؤسسه سیدالشهداء، قم، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۲۷۱ و ۲۹۷.

۲۷۵ - طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، مؤسسه النشر الاسلامی، جامعه مدرسین قم، طبعه جدید، ۱۴۱۴ق،

ج ۱، ص ۲۷، مسئله ۳۹۷.

۲۷۶ - وسائل الشیعه، ج ۵، پ ۲، از ابواب نماز جمعه، ص ۸

عبدالله بن بکیر از امام صادق راجع به قومی سؤال می کند که در روستاها زندگی می کنند و کسی نیست که اقامه نماز جمعه کند. آیا می توانند نماز ظهر را روز جمعه با جماعت بخوانند؟ امام فرمودند: «نعم اذا لم یخافوا»^{۲۷۷}

اخباری که راجع به نماز جمعه وارد شده اند می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول اخباری هستند که اجمالاً بر اصل وجوب نماز جمعه دلالت می کنند و بعد از انعقاد و تحقق شروط اقامه نماز جمعه، وجوب سعی به سوی نماز جمعه از آنها متبادر می شود. گرچه اطلاق این روایات این توهم را ایجاد می کند که نماز جمعه واجب عینی در هر زمان و در هر مکان حتی در عصر غیبت است.

دسته دوم روایاتی اند که برای وجوب نماز جمعه شرط امام یا نائب او را بیان می کنند و اقامه نماز جمعه را از وظائف و مناصب امام می دانند.

دسته سوم روایاتی هستند که از آنها اقامه نماز جمعه استظهار شده است که ائمه شیعیان را در عصر غیبت ترخیص اقامه نماز جمعه داده اند و بر این ترخیص جواز یا وجوب اقامه نماز جمعه مترتب می شود.

همین سه دسته روایات منشأ اختلاف فقها شده اند. لذا آن دسته از فقهای که قائل به حرمت نماز جمعه در عصر غیبت شده اند می گویند: امامت نماز جمعه از مناصب خاص امام معصوم است و بدون اذن او نمی شود اقامه نماز جمعه کرد. چون در عصر غیبت اذن نداریم، لذا اقامه نماز جمعه غصب منصب امامت از امام معصوم است و جائز نیست. بر این مدعا با

روایاتی استدلال کرده‌اند که مهم ترین آنها دعای حضرت امام سجاد برای عید اضحی و جمعه است. فقها از جملات ذیل بر مطلوب استدلال می‌کنند.

«اللهم ان هذا المقام لخلفائك، و اصفیائك و مواضع اماتك، فی الدرجه الرفیعه التي اختصصتهم بها، قد ابتزوها و انت المقدر لذلك لا یغالب امرک و لا یجاوز المحتوم من تدبیرک کیف شئت، و أنى شئت و لما انت اعلم به، غیر متهم علی خلقک، و لا لإرادتک، حتی عاد صفوتک روخلفائك مغلوبین مقهورین مبتزین، یرون حکمک مبدلاً، و کتابک منبوءاً و فرائک محرفه عن جهات اشراعک و سنن نبیک متروکه.»^{۲۷۸}

صاحب جواهر می‌گوید: «فیه مواضع الدلاله علی المطلوب و من مضحکات المقام تجشم اراده الاعم منهم علیهم السلام و من ائمه الجماعه من الدعا المزبور، لتشجم اراده خصوص العید من الفقره المزبور.»^{۲۷۹}

یعنی در دعا مواضع متعددی وجود دارد که دلالت بر مطلوب می‌کند و خنده‌دار است که انسان این مقام را برای امام معصوم آو امام جماعت، برای هر دو، بداند. بنابراین سخن این بزرگان روشن است که این دعا دلالت می‌کند که امامت نماز جمعه یکی از مناصب ائمه است و بدون اذن امام آنمی‌شود این منصب را به عهده گرفت.

^{۲۷۸} - صحیفه سجادیه، ترجمه الهی قمشه ای، نسیم حیات، چاپ ثامن الأئمه، نوبت دوم، ۱۳۸۵ش، دعای

چهل و هشتم، روز اضحی و جمعه، ص ۳۶۴

^{۲۷۹} - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، طبعه هفتم، ۱۹۸۱م، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

تحول تاریخی نماز جمعه در عصر صفویه و قاجار (۱۵۰۱-۱۹۲۵ میلادی)

به نظر می‌رسد، پیش از دوره صفوی، از رساله مستقلی در باره نماز جمعه اطلاعی در دست نیست. آنچه تا آن زمان مطرح بود، مطالبی بود که در متون رسالات فقهی در بخش‌های مربوط به نماز آمده بود. ملا محسن فیض کاشانی از جمله علمای برجسته‌ای است که در مورد نماز جمعه، رساله ابواب الجنان را نگاشته و بخش عمده‌ای از آن را به اثبات واجب عینی بودن نماز جمعه اختصاص داده است.^{۲۸۰}

با پیدایش شیعه در جامعه ایران، منابع تاریخی موجود حکایت از آن دارند که در دوره صفویه، نماز جمعه، به آرامی اهمیت یافته است. پیش از صفویان، اقلیتهای شیعی فراوانی در سراسر ایران بودند، اما به دنبال اقتدار صفویه، بیشتر شهرهای مرکزی ایران به تشیع گرویدند. با آمدن فقیهان عرب و غیر عرب به صحنه سیاست، تبلیغ بر اقامه نماز جمعه در شهرهای مختلف آغاز شد، محقق کرکی نخستین فقیهی بود که به این امر توجه داشت. توجه این فقیه درباره صفوی به امر نماز جمعه، نشانگر مطرح شدن همزمان مسأله نماز جمعه با پیدایش دولت صفوی است.

برای نخستین بار محقق کرکی به عنوان فقیهی که وظیفه خود را در هماهنگ کردن وضعیت دولت جدید با فقه شیعه می‌دید، مبحث نماز جمعه مطرح شد. از مقدمه آن به دست می‌آید

۲۸۰ - دوازده رساله فقهی، ص ۶۰

که طی همان پانزده سال ابتدای حکومت صفوی، یعنی از تأسیس این دولت تا تألیف این رساله، این پرسش مطرح شده است که در دولت و فضای مذهبی جدید، تکلیف نماز جمعه چه می‌شود.

پس از آن شهید ثانی، چهل و دو سال پس از تألیف رساله کرکی، رساله خود را به سال ۹۶۲ نوشت و با استفاده از تمام توان و تجربه علمی-اجتهادی خود، کوشید تا وجوب عینی آن را ثابت کند. شاگردان و نوادگان وی هم در ایران بر این عقیده استوار ماندند؛ اما مخالفت‌ها سبب شد تا این عقیده در بوته تردید بماند. در این میان شمار زیادی پیرو مکتب کرکی شدند و برخی هم قائل به حرمت اقامه جمعه گشتند.

جریان مباحثه علمی بر سر اقامه نماز جمعه، به تألیف بیش از صد کتاب و رساله در این دوره دوپست و سی‌ساله منجر شد که ما فهرست آن آثار را در مباحث مقدماتی کتاب آورده‌ایم. از میان این رساله‌ها، تعداد انگشت شماری به چاپ رسیده که از میان آنها، دو رساله محقق و شهید ثانی به عنوان رساله‌های پایه‌ای جزو چاپ شده‌هاست. رساله محقق کرکی توسط استاد محمد حسون و رساله شهید توسط رضا مختاری در مجموعه رسائل شهید ثانی به چاپ رسیده است. ما با اجازه این دو بزرگوار عین متن چاپی آن دو رساله را در اینجا آورده‌ایم و صرفاً برای آنها مقدمه کوتاهی در جهت معرفی مؤلفان آنان و موضع آنان نسبت به بحث نماز جمعه نوشتیم. رساله آقا جمال خوانساری هم توسط علی اکبر زمانی‌نژاد تصحیح شده بود که عیناً در اختیار ما قرار گرفت.

به جز آنها ۹ رساله دیگر در اینجا عرضه شده است که پیش از این در حلیه طبع در نیامده بود. بیشتر آنها رساله‌هایی است که در رد دیگران نوشته شده یا به نوعی مورد انکار دیگران قرار گرفته، بر آن ردیه نوشته شده است. برخی فارسی و شماری هم عربی است. این

رساله‌ها، به طور عمده از چهره‌های معروف و به هر حال فقهای شناخته شده این دوره است که می‌تواند جوانب مسأله را روشن کند.

از اوایل قرن دهم هجری تا کنون، نزدیک به یکصد و شصت رساله و کتاب مستقل درباره نماز جمعه نگاشته شده و این حرکت، نشانگر اهمیت اقامه نماز جمعه پس از تشکیل دولت شیعی صفوی در ایران است. بیشتر این رساله‌ها در اثبات وجوب عینی یا وجوب تخییری و شماری هم در حرمت اقامه آن در این دوران است.

صفویان با آغاز حکومت رسمی خود، در ایجاد مناصب دینی، مانند پست صدارت و یا شیخ الاسلامی، همانند بسیاری از مناصب دیگر حکومتی، در چارچوب سیاستهای خود، از حکومتهای پیشین یا معاصر حاکم در منطقه، به ویژه از دولت عثمانی که در آن زمان، نماز جمعه در سراسر کشور عثمانی برگزار میشد، تأثیر می‌پذیرفتند.

آرای سیاسی فقهای صفویه، بخشی از فرآیند کلی تحول اندیشه سیاسی تشیع را در این دوران می‌سازند. این آرا، برآیند اندیشه سیاسی پیش از سلسله صفویه بود که خود نیز مقدمه ای برای شکل‌گیری اندیشه حکومتی شیعه در دوره‌های صفویه و قاجار و بعد از این دوران گردید.

تشکیل حکومت صفوی به عنوان نخستین حکومت شیعی، با انگیزه رقابت هویتی با عثمانیان، زمینه تجدید نظر فقیهان در طرح خصوصیات امام معصوم را فراهم آورد. فقیهان عراق و در راس آنان شیخ ابراهیم قطیفی به دلیل نامشروع دانستن تأسیس حکومت در دوره غیبت امام معصوم از همکاری با شاهان صفوی خودداری می‌کردند. در نقطه مقابل، تعداد

زیادی از فقیهان جبل عامل و به ویژه محقق کرکی، با استجابت دعوت صفویان به ایران مهاجرت کردند و زمینه ایجاد حکومت شیعی را فراهم آوردند. محقق کرکی برای این منظور به تغییر آرای مختلف فقهی که مورد نیاز حکومت صفوی بود، پرداخت، صدور جواز اقامه نماز جمعه یکی از مهمترین نمونه‌های این تغییرات بود.^{۲۸۱}

نماز جمعه از زمان حکومت شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰/۱۵۲۴ فوت) به تدریج در جامعه شیعی ایران گسترش یافت. علت این امر از یک سو انتقاد حکومت عثمانی از شیعیان به علت برگزار نکردن نماز جمعه و از سوی دیگر تلاش علمای شیعه، به ویژه محقق کرکی، برای اشاعه نماز جمعه در ایران بود.^{۲۸۲} با وجود همراهی بسیاری از فقها از جمله شماری از علمای جبل عامل با محقق کرکی و پشتیبانی حکومت صفوی از آنان و از آنجائی که سنت برگزاری نماز جمعه در میان شیعیان رایج نبود و در میان علما مخالفان جدی نیز وجود داشت رسمیت بخشیدن به نماز جمعه در جامعه شیعی ایران به آرامی صورت می گرفت.^{۲۸۳} مناقشه و بحث درباره حکم نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم و وجوب و حرمت آن در زمان شاه سلیمان اول صفوی (۱۱۰۶/۱۶۹۴ فوت) به جایی رسید که شاه طهماسب اول مجلسی از فقها را با حضور وزیر اعظم خود ترتیب داد تا در تثبیت حکم نماز جمعه به

۲۸۱ - تار نمای حوزه، برداشت شده در ۲۴ تیر ۱۳۸۸

۲۸۲ - منتظری، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، ۱۳۶۲ش، ص ۷- رسول جعفریان، نماز جمعه: زمینه‌های تاریخی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۶-۲۷

۲۸۳ - جابری، صلاة الجمعة، ۱۳۷۶ش، ص ۵۴-۵۰- رسول جعفریان، نماز جمعه: زمینه‌های تاریخی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۸

نتیجہ‌ای واحد برسند.^{۲۸۴} شاه طهماسب اول به توصیه محقق کرکی برای هر شهری امام جمعه انتخاب کرد.^{۲۸۵} در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸/۱۶۲۹ فوت) رسماً منصب امامت جمعه ایجاد و اعلام شد.^{۲۸۶} معمولاً شیخ الاسلام در هر شهر، منصب امام جمعه را برعهده داشت، حتی برخی از علمانی که شیخ الاسلام هم نبودند مانند ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۹۰/۱۶۷۹) به درخواست شاه، امامت جمعه را برعهده گرفت.^{۲۸۷}

ملا محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰/۱۶۶۰) نخستین کسی است که منصب امامت جمعه را در دو مسجد بزرگ، بعد پس از دو عالم دیگر، میرداماد (۱۰۴۱/۱۶۳۱) و شیخ بهایی (۱۰۳۰/۱۶۲۱) عهده دار شد. این پس از زمانی بود که سالها وضع برگزاری نماز جمعه نامنظم بود، گاه محقق سبزواری و در برخی اوقات شیخ لطف الله اصفهانی آن را اقامه میکردند. سپس کار بر عهده آخوند ملا محمد تقی و پس از وی به فرزندش محمد باقر مجلسی واگذار گردید.^{۲۸۸} این را نیز باید افزود که کسانی مانند میر داماد و شیخ بهایی، از بزرگان علمای عصر شاه عباس اول، قائل به وجوب تخییری نماز جمعه بودند و همین مقدار برای فراهم شدن زمینه اقامه جمعه به صورت رسمی، بسیار مؤثر بوده است.

۲۸۴ - قزوینی، تتمیم امل الآمل، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۳-۱۷۲

۲۸۵ - آغا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۱۴۰۴ق، قسم ۱، ص ۱۷۶

۲۸۶ - آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۲۸

۲۸۷ - رسول جعفریان، صفویه در عرصه دین، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۲۳۷

۲۸۸ - روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۲

نخستین نماز جمعه را در عصر صفوی محقق کرکی (۹۴۰/۱۵۳۳)، در مسجد جامع عتیق اصفهان اقامه کرد. از دیگر امامان جمعه مهم این دوره شیخ بهایی (۱۰۳۰/۱۶۲۱)، شیخ لطف الله اصفهانی (۱۰۳۲/۱۶۲۳)، میرداماد (۱۰۴۱/۱۶۳۲)، محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰/۱۶۶۰)، محمد باقر سبزواری (۱۰۹۰/۱۹۷۹)، و محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱/۱۶۹۹)، بودند.^{۲۸۹} در دوره صفوی تألیف کتاب‌هایی با محتوی خطبه‌های نماز جمعه متداول شد که کتاب «بساتین الخطبا» نوشته میرزا عبدالله افندی (۱۱۳۰/۱۷۱۸) از مشهورترین آنهاست.

به نظریه های مهم موافق و مخالف وجوب نماز جمعه برخی از فقهای معروف این دوره نگاه کنیم می بینیم:

محقق کرکی، یا زین الدین عاملی محقق ثانی (۹۴۰/۱۵۳۳)، بعنوان نخستین برگزار کننده و بانی اصلی صدور جواز اقامه نماز جمعه، هم عصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بود و از سوی شاه طهماسب به عنوان اولین شیخ الاسلام، منصوب و اختیارات وسیعی به او واگذار گردید. محقق کرکی کتاب فقهی معروف خود «جامع المقاصد» را برای اثبات جواز اقامه نماز جمعه در عصر غیبت امام معصوم و قریب بیست جلد کتاب دیگر را به رشته تحریر در آورده، ده تن از شاگردان و برخی از معاصران او در نقد نظریه وجوب عینی نماز جمعه

۲۸۹ - مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۵۱۳ - خوانساری، جامع المدارک، ۱۳۵۵ق، ج ۲،

و برای اثبات حرمت نماز جمعه یا رد وجوب عینی نماز جمعه در دوران غیبت رساله‌هایی نوشتند.^{۲۹۰}

محقق کرکی نظریه های دیگری نیز در باب خراج داده بود مبنی بر این که ائمه، جواز تصرف و تملک خراج را به فقها داده اند، و پیروان خود را مجاز کرده اند به حکام جور، خراج پردازند. همچنین، مردم اجازه دارند از محل درآمدهای ناشی از خراجی که به شاهان می پردازند، از آنها مواجب، ارزاق و هدایا دریافت نمایند؛ حتی اگر خراج از سوی حاکمی جائز و ظالم جمع آوری شده باشد. به نظر می رسد محقق کرکی با ابراز چنین نظریه هایی، به تایید حکومت شاهان صفوی و مشروعیت آنان پرداخته است. او برای اجرای حدود شرعی، همکاری با سلاطین صفوی را مجاز و خود نیز به همین دلیل، عنوان شیخ الاسلامی شاه طهماسب را پذیرفت.^{۲۹۱}

بدین ترتیب، شاه طهماسب، محقق کرکی را به شیخ الاسلامی برگزید و در فرمانی به او نوشت: « شما به پادشاهی مستحق ترید، چون شما نایب امامید و من فقط یکی از عاملان شمایم که اوامر شما را اجرا می کنم.» افزون بر آن، شاه به همگان دستور داد که نواهی و اوامر شیخ را بدون کم و کاست به انجام رسانند، علیرغم مخالفت های برخی از علما با

۲۹۰ - رسول جعفریان، نماز جمعه، زمینه‌های تاریخی، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۸-۳۷

۲۹۱ - عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، کتابخانه مرعشی نجفی، بی تا، قم، صص ۱۸۳ -

۱۷۶ - جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه، از کلینی تا خمینی، انتشارات معارف اسلامی، قم، ۱۳۶۴، ص ۹۲ -

نظریه های او، بر اثر نفوذ فراوان و قدرت وافر معنوی محقق کرکی، آرای او، بر نظرات همه مخالفان غالب گشت.^{۲۹۲}

محقق کرکی در باب نماز جمعه نظری بر خلاف دیگران داشت. به اعتقاد او، اگرچه وجود امام معصوم یا نایب خاص او برای اقامه نماز جمعه شرط است، ولی این شرط در عصر غیبت منتفی است و تنها وجود نایب عام برای اقامه نماز جمعه در عصر غیبت کافی می باشد. محقق کرکی، اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت واجب تخییری می دانست.^{۲۹۳} بحثی که محقق کرکی درباره نماز جمعه مطرح ساخت، به عنوان رساله ای که در آن اندر باب شرط حضور امام معصوم یا فقیه جامع الشرایط بعنوان جانشین امام معصوم مفصل بحث شده و علاوه بر آن اقامه نماز جمعه در عصر صفوی، با ذکر نام سلاطین صفوی به معنای مشروع دانستن سلطنت شاهان صفوی از سوی علما طرح شده است.^{۲۹۴}

محقق کرکی در رساله خود نماز جمعه را در سه باب و یک خاتمه مورد بحث قرار داده است: در مقدمه سوم مؤلف به مسأله شرط امام معصوم یا جانشین او بودن برای امامت نماز جمعه پرداخته، و کسانی را که مدعی وجود اتفاق نظر در این امر می باشند نام برده است و سپس برخی ادله این امر مانند احادیث و روایات را نقل کرده است.

۲۹۲ - دائرة المعارف تشیع، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۵۵ - محمد مهدی فقیهی، عروج، تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۳۵.

۲۹۳ - حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابولقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۵۹، ص ۳۴

۲۹۴ - رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، انصاریان، قم، ۱۳۷۰، صص ۱۴۱ - ۱۳۳

در باب دوم محقق کرکی به موضوعی پرداخته که علمای دین در آن اختلاف نظر داشته و دارند و بحث و جدل پیرامون آن زیاد شده و همچنان تا امروز این بحث و جدل جریان دارد، و آن موضوع حکم نماز جمعه در دوران غیبت است، او در این مورد دو نظر را ذکر کرده است: یکی مجاز بودن و دیگری غیر مجاز بودن، و سپس علمای قائل به هر دو نظر را نام برده و دلایل آنان و نیز ردیه ها و جوابها در برابر آن دو نظر را نقل کرده و خودش نظر به مجاز بودن نماز جمعه در زمان غیبت را پذیرفته است.

او باب سوم را به این اختصاص داده که نماز جمعه در زمان غیبت تنها با حضور فقیه جامع الشرایط مشروع و مجاز می داند، سپس اتفاق نظر شیعه امامیه روی این موضوع را ذکر کرده و به بحثها و مناظره های علمی و پاسخهای آنها در این مورد پرداخته است.

از اوایل قرن دهم هجری، در دوران صفویه، بیش از یکصد و شصت رساله و کتاب مستقل درباره نماز جمعه نگاشته شده که نشان از اهمیت دادن این دولت به اقامه نماز جمعه در ایران را دارد. بیشتر این رساله ها در اثبات وجوب عینی یا وجوب تخییری دارد و شماری نیز در حرمت اقامه آن در این دوران نوشته شده است. در میان این رساله ها، دو رساله یکی از محقق کرکی و دیگری از شهید ثانی به عنوان رساله های پایه ای در نماز جمعه چاپ شده است. رساله های دیگری نیز در این مجموعه منتشر شده که بیشتر آنها رساله هایی است که در رد یک دیگر نوشته شده است. این رساله ها، به طور عمده از چهره های معروف و فقه های شناخته شده این دوره حکایت می کند. شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعه، ج ۴، ص ۳۹۳ - ۳۹۱ لیستی از این رساله ها را نام برده است.

از جمله فقهای که مخالف نظریه های محقق کرکی بودند، یکی ابراهیم بن سلمان بحرینی، معروف به شیخ ابراهیم قطیفی (۹۵۰/۱۵۴۳) از علمای بزرگ شیعه در این دوران بود که در علم فقه شهره بود. او در زمان شاه طهماسب می زیست و از شاگردان محقق کرکی بود که با آرای استاد خود در باب وجوب عینی اقامه نماز جمعه و یا برای پرداخت خراج به سلطان در عصر غیبت و همکاری با سلاطین صفوی مخالفت داشت.^{۲۹۵}

قطیفی پرداخت خراج به پادشاه در عصر غیبت را غیره شرعی می دانست، به عقیده او، دادن خراج به شاه، حتی اگر شاه آن را در خزانه بیت المال جمع آوری می کرد و در امور مردم صرف می نمود حرام می دانست. وی حتی پذیرش هدایا، جوایز و اموالی را که از خراج از سوی سلطان به مسلمانان داده می شد حرام می دانست و خود به آنچه می گفت عمل می کرد. به عنوان نمونه، وی هدیه شاه طهماسب به خودش، به استناد آیه «به ستمکاران اعتماد و اتکا نکنید که دچار عذاب الهی می شوید»، نپذیرفت.^{۲۹۶}

وی همانند مقدس اردبیلی، سلطنت را نامشروع می دانست و هر گونه همکاری با سلطان - چه عادل و چه ظالم باشد - را به این دلیل که آنها غاصب حق حکومت فقها هستند، مذمت می کرد.^{۲۹۷} ایشان در توجیه و تبیین مخالفت خویش، به روایات متعددی از جمله روایت از امام صادق استناد می کرد، روایتی که امام صادق به علی بن ابی حمزه که در دستگاه بنی

۲۹۵ - رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۴۳

۲۹۶ - حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرم شاهی، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۹۶

۲۹۷ - رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۴۴

امیه بود گفته است: «اگر بنی امیه افرادی را به عنوان کاتب و جنگجو و جزء آنها نمی یافتند، نمی توانستند حق ما را از ما بگیرند.»^{۲۹۸}

در دوران صفویه، در مخالفت علمایی چون شیخ ابراهیم قطیفی و اظهار نظرهای مختلفی که رد و بدل می گردید نماز جمعه به طور مرتب برگزار نمی شد.^{۲۹۹}

قطیفی اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت حرام می دانست و «رساله فی حرمة صلاة الجمعة فی زمن الغیبة مطلق» را در رد نظریه وجوب عینی اقامه نماز جمعه در عصر غیبت و بویژه در رد کتاب «صلاة الجمعة» محقق کرکی نوشت تا آرای سیاسی قطیفی در مقابل آرای سیاسی محقق کرکی که جایگاه علمی و اعتبار اجتماعی در حمایت دستگاه دولت را با خود داشت مقاومت نکرد و تثبیت و تحکیم آرای سیاسی استادش ادامه یافت.^{۳۰۰}

فقیه دیگری که در عصر صفوی اقامه نماز جمعه را واجب عینی می دانست، زین الدین فرزند علی بن احمد، معروف به شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) بود، او هیچگاه به ایران نیامد و به حکومت صفویان روی نیاورد، ولی نظریات فقهی و سیاسی او به تثبیت حکومت شیعی صفوی موثر افتاد. شهید ثانی در سال ۹۱۱ هجری در جبل عامل لبنان تولد و در سال ۹۶۶ هجری به حکم سلطان سلیمان عثمانی در مکه دستگیر و به اتهام بدعت گذاری در دین، به

۲۹۸ - رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۹۷

۲۹۹ - حامد الگار، مجله حضور، ش ۲۰

۳۰۰ - رسول جعفریان پیشین

دار آویخته شد. او به فقه پنجگانه: مذهب جعفری، مالکی، حنبلی، حنفی و شافعی تسلط داشت و بنا به نوشته علامه خوانساری، شهید ثانی به جمع آوری هیزم در بیابان و فروش آن برای امرار معاش خود می پرداخت.^{۳۰۱}

شهید ثانی در شرح «اللمعة الدمشقیه» به تشریح مبسوط نظریات فقهی سیاسی خویش پرداخته است که به عنوان نمونه، به دو مورد از آن اشاره می کنیم:

۱ - شهید ثانی همانند شهید اول، قضاوت در زمان غیبت را از وظایف فقیه جامع الشرایط می دانست. به عقیده آنها، بر فقها جایز است در عصر غیبت، حدود شرعی را در صورتی که متضمن ضرری نباشد و به شرط داشتن شرایط افتا، یعنی ایمان، عدالت و علم به احکام شریعت، به اجرا درآورند. همچنین، به عقیده شهید ثانی، پذیرش قضاوت و اجرای حدود شرعی از سوی فقیه، مشروط به این که او را به انجام کار حرام وادار نکنند و قدرت امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، واجب است. در این صورت، بر مردم نیز واجب است که به او رجوع کنند و رای او را پذیرفته و فتاوی او را عمل کنند. این نظریه، علما را به پذیرش قضاوت از سوی دولت صفوی ترغیب کرد.^{۳۰۲}

۲ - شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) اولین فقیهی بود که اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت، نه حرام و نه واجب تخییری، بلکه واجب عینی دانست، او بر اساس استنباط شخصی از ادله فقهی،

۳۰۱ - رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۹۸ - ۱۹۷

۳۰۲ - کاترین لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ص ۴۲۹

به این برداشت رسیده بود. این نظریه فقهی سیاسی موجب اقامه گسترده تر نماز جمعه، افزایش بیشتر نفوذ اجتماعی علما، نظارت افزونتر فقها بر مسائل حقوقی مردم شد.^{۳۰۳}

ملاحسن فیض کاشانی (۱۰۹۰/۱۶۷۹) با انتشار رساله معروف شهاب ثاقب که در وجوب نماز جمعه نوشته شده روی اندیشه‌های فقهی برخی از متأخرین خود تأثیر به سزایی داشت و اعتراض شدید برخی از آنها را برانگیخت، مجتهدانی چون وحید بهبهانی آرای وی را نپذیرفته و به ویژه صاحب جواهر، در انکار آرای او تا آنجا پیش رفت که کتاب شهاب ثاقب فیض را در شمار کتب ضاله به حساب آورد.^{۳۰۴} وی فیض کاشانی و شهید ثانی را سرزنش کرد که بی‌جهت در وجوب عینی نماز جمعه اصرار ورزیده‌اند.

با مروری بر رساله ملاحسن فیض کاشانی می‌بینیم او در آغاز رساله خود، با بدیهی دانستن حکم وجوب می‌نویسد: تنها تعدادی از اصحاب رأی و اجتهاد این نماز را مشروط به حضور امام و نایب خاص یا نایب عام او دانسته‌اند که ممکن است این شرط در برخی از زمانها ساقط باشد، وی پس از طرح مقدمه، بحث خود را در اثبات وجوب عینی اقامه نماز جمعه مشروط به وجود سلطان و فقیه آغاز می‌کند.

در باب اول به آیاتی از قرآن استناد و به طور عمده به آیه سوره جمعه اتکا می‌نماید و روایاتی را که از طریق خاص یا عام از رسول خدا نقل شده است، می‌آورد. او با بدیهی دانستن حکم وجوب می‌نویسد: تنها تعدادی از اصحاب رأی و اجتهاد این نماز را مشروط

۳۰۳ - رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۲۸ - ۱۲۴.

۳۰۴ - فیض کاشانی، الشهاب الثاقب، ص ۸-۲۶.

به حضور امام و نایب خاص یا عام امام واجب دانسته اند، بنابراین ممکن است در برخی از زمانها این حکم ساقط شود.

فیض می نویسد: مهم ترین مستند کسانی که قائل به وجوب تخییری هستند، سیره اصحاب در طول چندین قرن مبتنی بر عدم اقامه جمعه جاری بوده است که چنین برخوردی با مشکل اقامه نماز جمعه، جز با وجوب تخییری در عصر غیبت، با چیز دیگری قابل توجه نیست. فیض با نقل قولهایی از برخی از فقها در توجیه این عمل می نویسد: آن زمان، زمان تقیه بوده و بدین جهت شیعیان، در میان اقامه نماز جمعه با حاکمان موجود و اقامه جمعه به طور مخفی و اقامه نماز ظهر به جای آن در خانه خود، مخیر بوده اند که همین هم باعث ترک اقامه نماز جمعه از طرف شیعیان شده است.^{۳۰۵}

ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۰/۱۶۸۰) نیز در کتاب مفاتیح خود مخالف هر گونه مقدمات احتیاطی برای نماز جمعه می باشد، به استناد به نوشته های سلار دیلمی و ابن ادریس نماز جمعه را اجباری در دوران غیبت می داند. او می نویسد: در مورد مقدمات احتیاطی برای نماز جمعه هیچ سند و نوشته ای موجود نیست.^{۳۰۶}

محمد تقی مجلسی اصفهانی (۱۰۷۰/۱۶۶۰) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی، از علمای شیعه و نویسنده آثاری همچون روضه المتقین و لوامع صاحبقرانی بود، او در اصفهان و نجف تحصیل کرد و در مسجد جامع اصفهان به تدریس علوم دینی مشغول بود. وی پس

۳۰۵ - رسول جعفریان، پیشین، صص ۱۲۸ - ۱۲۴.

۳۰۶ - فیض کاشانی، مفاتیح، مفتاح، کتابخانه مرعشی، قم، صص ۲۲-۲۳.

از استادانش شیخ بهائی و میر داماد، در این مسجد نماز جمعه اقامه می کرد. مجلسی در اصفهان در گذشت و در مسجد جامع این شهر مدفون شد.^{۳۰۷}

محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰/۱۶۹۸)، صاحب کتاب معروف «بحار الانوار» از دیگر علمای دوره صفویه است که نظریات و رفتارش در تحکیم و تثبیت دولت شیعی صفوی بسیار مؤثر بود. او همیاری علما و مردم با شاهان را در صورتی که موجب هدایت و ارشاد شاهان و دفع ضرر مالی، جانی و عرضی از خود و دیگران شود، لازم می دانست. همکاری علما با سلاطین صفوی، موجب تثبیت و ترویج شیعه گردید.

در موضوع نماز جمعه، محمد باقر مجلسی بر این باور بود که حدیثی در مورد برگزاری نماز جمعه از سوی فقهای اولیه، مانند شیخ کلینی یا شیخ صدوق وجود ندارد، او می نویسد: کلینی نه تنها هیچ حدیثی را در رابطه با اقدامات احتیاطی نماز جمعه نمی آورد بلکه حدیث محمد ابن مسلم به نقل از امام محمد باقر را معتبر نمی داند، حدیثی که بنا به گفته او «برگزاری نماز جمعه هفت شرط دارد»، او احادیث بعدی را نیز توهم می پندارد.^{۳۰۸} مجلسی در کتاب بهار الانوار خود مدعی است نماز جمعه موضوعی اجباری است که از اخباری و اصولیهای فقهای اولیه به ویژه از کتاب مقنیه ابن بابویه گرفته شده است که آنان آن را از قرآن گرفته و اجرای آن را بدون هیچ مقدمه احتیاطی در دوران غیبت واجب می دانند.

۳۰۷ - آثار او را در مطالع الانوار در نماز جمعه در روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۲ می توان دید

۳۰۸ - مجلسی، بهار، ج ۸۹، ص ۱۴۳

دوران قاجاریه

نماز جمعه در دوره قاجار (۱۷۹۴-۱۹۲۵/۱۲۱۰-۱۳۴۴)، در ادامه سیاست مذهبی دوره صفوی، به صورت امری انتصابی در دولت درآمد. با نفوذ نسبی روحانیون در مردم و به موازات از دست رفتن اعتبار تمامی مناصب مذهبی پیشین در دستگاه حکومت، منصب نماز جمعه نیز اهمیت خود را در این دوره از دست داد. زمانی که روابط علما با دولت به دلایل مختلف، از جمله کاهش نفوذ علما در دولت و در تصاحب موقوفات^{۳۰۹} ضعیف گردید و دوگانگی در قدرت سیاسی در جامعه بوجود آمد. عمده ترین دلیل ناسازگار دستگاه روحانیت با ساختار سیاسی قاجار، حکومت ایلی قاجار و عدم پذیرش موقعیت علما در مجموعه هیأت حاکمه دولت بود.

قاعده بر این قرار بود که پادشاه، یک نفر را برای امامت جمعه در هر شهری و حتی در قصبات بزرگ تعیین می نمود و بر این اساس، نام امام جمعه در فهرست حقوق بگیران دولتی ثبت می گشت. بیشتر ائمه جمعه از خاندان خاتون آبادی بودند و این انتخاب، افزون بر معیار علمی حوزوی، جنبه موروثی نیز داشت، علاوه بر این پیوند خانوادگی میان دربار قاجاری با خاندان امام جمعه بسیار مهم بود. در چنین وضعیتی، شرط، فقط شرط واگذار

۳۰۹ - مصلح الدین مهدوی، خاندان شیخ الاسلام، گلپهار، اصفهان، ص ۴۷

شدن امامان جمعه از طرف پادشاه بود.^{۳۱۰} منصب امامت جمعه در این دوران جنبه موروثی پیدا کرده و برخی از خاندانها از جمله خاندان خاتون آبادی در تهران، خاندان مجلسی در اصفهان، و محمد مقیم یزدی در یزد.^{۳۱۱}

در این دوره منصب شیخ الاسلامی و امامت جمعه از یکدیگر تفکیک شدند و مقام شیخ الاسلامی به فرزندان محقق سبزواری واگذار شد.^{۳۱۲} بی توجهی به شرایط لازم در شایستگی های امام جمعه ها در دوره قاجاری و وابسته شدن برخی از آنان به حکومت، سبب بی اعتمادی مردم به دستگاه حکومت و روحانیت شد و مردم خواهان مراجع مستقل دینی خود بودند.

محمد حسن نجفی (۱۲۶۶/۱۸۴۸) فقیه شیعه امامیه دوران قاجار عقیده داشت که فقهای که نماز جمعه را اعلام کرده اند نماز جمعه در دوران غیبت را امری فردی یا شخصی می دانند. او با طرح کردن سلطان عادل می نویسد: ولایت که مسئولیت رسمی دستگاه دولتی و به ویژه قضاوت و قاضی را در خود مستتر دارد، نظام سیاسی و اقتصادی، جمع آوری وجوهات و اداره امور منابع و معادن را سلطان عادل (کتاب ساجدینا نگاه کنید) باید سرپرستی کند. این ولایت میتواند در تعیین سلطان عادل و حاکم شرع نظر داشته باشد.^{۳۱۳} محمد حسن نجفی بر عکس عقیده استادان خود امر ولایت را شامل نائب عام امام می داند و آنرا با

۳۱۰ - دوازده رساله فقهی، ص ۳۴

۳۱۱ - یزدی، الحجة فی وجوب صلوة الجمعة، چاپ جواد مدرسی، ص ۵۰

۳۱۲ - مصلح الدین مهدوی، ص ۴۷

۳۱۳ - محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۲۲، ص ۱۵۵-۱۵۶

موضوع مربوط به فرزندان اسرائیل^{۳۱۴} که می گوید قانونگذار جامع الاشرایط عهده دار اداره امور مردم (فرزندان اسرائیل) تا باز گشت مسیح است، تلقی میکند.^{۳۱۵}

در رابطه همکاری علما با دستگاه حکومتی صفوی نکته ای قابل توجه این که از ابتدای این دوره با وجود همکاری شمار قابل توجهی از علمای شیعه با حکومت، همواره علمایی نیز وجود داشتند که نسبت به حکومت مواضع انتقادی و حتی به مخالفت برخاستند، گروهی از علما به استفاده ابزاری مجتهدان از اجتهاد خویش در تحکیم پایه های حکومت صفوی واکنش نشان دادند از جمله میتوان به شیخ ابراهیم قطیفی (۹۵۰/۱۵۴۳)، مقدس اردبیلی (۹۹۳/۱۵۸۵) و شهید ثانی (۹۶۶/۱۵۵۹) اشاره کرد. اساس مخالفت آنان، به غاصب دانستن حکومت در عصر غیبت و مسائلی چون حلال یا حرام بودن پرداخت خراج به حکومت غاصب و وجوب عینی یا تخییری نماز جمعه مربوط می شد. یکی از شواهد تاریخی فعالیت منتقدان، سرزنش محقق کرکی از سوی ابراهیم قطیفی به دلیل پذیرش هدایای شاه طهماسب اول است. فعالیت علمای منتقد، از آغاز حکومت صفویه جریان داشته است.^{۳۱۶}

۳۱۴ - بنی اسرائیل، به دوازده فرزند یا قومی گفته می شود که به نام پدر وجدشان اسرائیل (یعقوب) نام گذاری شده اند. این قوم در نگاه عرب پیش از اسلام به دلیل برخورداری از کتاب آسمانی، مناسک دینی خاص و پیشینه تاریخی، اقلیتی فرهیخته تر دانسته می شدند. با وجود فرهنگ قرآنی صدر اسلام، بنی اسرائیل به منزله گروهی با هویت رقیب قرار گرفتند. خداوند در قرآن ۴۱ بار از آنها یاد کرده است. مهروش، «بنی اسرائیل»، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۶۲۹

315 - *Op.cit.*, Sachedina, p. 208-209

۳۱۶ - طباطبایی فر، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، دوران صفویه و قاجاریه، نشر نی، تهران

ادامه مخالفت علما از دوره صفوی به دوره قاجاریه کشیده شد و باعث رویارویی بیشتری شد، حکومت قاجار با یک چالش اساسی روبرو شد، بطوریکه حکومت نه می‌توانست در برابر نفوذ اجتماعی علمای مخالف که با منافع حکومت مغایرت داشت بی‌تفاوت باشد و هم اینکه هر گونه واکنش و اقدام حکومت برای محدود کردن و تضعیف نفوذ اجتماعی علما می‌توانست واکنش متقابل علما در جهت افزایش مخالفت با حکومت را به دنبال داشته باشد. پاولویچ تصریح می‌کند: «در این زمان قاجاریه در ایران روحانیون غیررسمی زیادی وجود دارند که مردم به اینان با نظر تقدیس می‌نگرند. اینان نفوذ غیرقابل بیانی میان مردم داشتند. روی این اصل هر قدر حکومت مرکزی می‌خواست دایره نفوذ روحانیون را محدودتر سازد، بر شدت مخالفت این دسته افزوده می‌شود.»^{۳۱۷}

۳۱۷ - م. پاولویچ و دیگران. انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م.

هوشیار، ص ۳۲ و ۳۳

نماز جمعه از دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت

مذهب مالکی

مالکیها اقامه نماز جمعه را بدون حضور امام معصوم واجب می دانند و برای صحت و جوب نماز جمعه سلطان را شرط نمی دانند. به روایت سحفون ابن سعید از مالک بن انس، وی در پاسخ به اهل مغرب که پرسیده بودند والی نداریم گفته است: «یجمعون الجمعة ان لم یکن وال»^{۳۱۸} یعنی اگر والی نباشد اقامه نماز جمعه توسط مردم انجام شود. چون به اعتقاد وی نماز جمعه از فرائضی است که هیچ عاملی نمی تواند مانع آن شود: «ان لله فرائض فی ارضه لاینقصها شیء ان ولیها وال او لم یلها»^{۳۱۹} در زمین برای خداوند فریضه هایی است که هیچ چیز نمی تواند بهانه کاستی آنها شود، هر چند والی به اجرای آن همت نگمارد. لذا پیروان مذهب مالکی با صراحت فتوا داده اند که گرچه نماز بدون خطبه و جماعت صحیح نیست، بدون والی و سلطان مطلقاً صحیح است:

«و للجمعة شروط و هی لاتتم الا بها و هی المصر... و الامام و الخطبه و الجماعة و الوقف و الیوم... و تصح الجمعة بغير سلطان، و لا تصح بغير خطبة و لا بغير جماعة و لا بغير امام»^{۳۲۰}

۳۱۸ - امام مالک، مالک بن انس اصبحی، المدونة الكبرى؛ ر.ک. المصادر درالفقهیه، ج ۴، ص ۷۳۰.

۳۱۹ - امام مالک، مالک بن انس اصبحی، المدونة الكبرى، دارالکتب العلمیة، بیروت، طبع اولی، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳۲۰ - الکافی فی فقه المدینة، ر.ک. مروارید، علی اصغر، المصادر الفقهیة، دارالتراث، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۹۲۰.

بنابراین، در دیدگاه فقهای مالکی نماز جمعه به امام نیاز دارد، چون قوام نماز جمعه به جماعت است، ولی نماز جمعه منصب حکومتی نیست، لذا احتیاج به اذن سلطان ندارد. محمدبن احمدبن عبدالله جزمی در کتاب القوانین الفقهیه هم چنین فتوا داده که لازم نیست امام جمعه والی باشد.^{۳۳۱}

بر طبق مذهب مالکی، نماز جمعه منصب نیست، زیرا نماز جمعه فریضه‌ای چون سایر فرائض است و دلیلی بر شرط اذن سلطان ندارد.

مذهب شافعی

در کتاب الام امام شافعی چنین آمده است: « و الجمعه خلف کل امام صلاها من امیر و مأمور و متغلب علی بلدة و غیر امیر، مجزئه»^{۳۳۲}

نماز جمعه به امامت هر کسی که آن را اقامه کند، امیر باشد یا مأمور، به شهر مسلط باشد یا نه، مجاز است.

ابراهیم بن محمد شیرازی، از فقهای مذهب شافعی، می‌گوید: نماز جمعه فریضه الهی است همچون سایر عبادات، مشروط به اذن سلطان نیست: «لما روی ان علیاً صلی العید و عثمان محصور» علی بن ابیطالب در زمان محاصره عثمان، نماز عید را اقامه کرد.

بنابر مبنای فقهای شافعی امامت نماز جمعه منصبی نیست، چون اولاً: نماز جمعه فریضه‌ای همچون دیگر فرائض الهی است و دلیل بر مشروط بودن آن به اذن سلطان، ندارد. ثانیاً: به

۳۳۱ - مروارید، علی اصغر، المصادر الفقهیه، دارالتراث، بیروت، لبنان، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۰۳۶.

۳۳۲ - شافعی، محمدبن ادريس، الام، دارالکتب العلمیه، دارالفکر، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق، ج ۱،

عمل علی بن ابیطالب در جریان محاصره خلیفه سوم استناد شده است با وجود آنکه او به عقیده اهل سنت نبود.

مذهب حنبلی

حنبلی ها همچون شافعی و مالکی اذن سلطان را با صراحت نفی کرده اند و گفته اند «و لا یشرط الامام»^{۳۳۳} می گویند: وقت، جماعت، خطبه و مانند آن از شرایط صحت نماز جمعه است، ولی اذن امام جزو شرایط صحت شمرده نمی شود.

مستند فقهای حنابله به نفی شرطیت اذن سلطان، همان مستند فقهای شافعی یعنی عمل علی ابن ابی طالب و نداشتن دلیل به اذن سلطان است. آنان مستند سومی هم دارند و آن سیره مردم شام در دوره آشوب و فتنه است که بدون اذن امام نماز جمعه را اقامه می کردند. همچنین عبدالله بن مسعود در امارت ولید بن عقبه، خود مقدم شد و نماز جمعه را با مردم در کوفه اقامه کرد. همین طور در زمان امارت سعید بن عاص در مدینه ابوموسی اشعری نماز جمعه اقامه کرد.^{۳۳۴}

مذهب حنفی

از میان مذاهب اربعه مشهور تنها حنفیها صریحاً شرط بودن سلطان را برای اقامه نماز جمعه عنوان می کنند. ابوالحسن، احمد بن محمد قروی (۳۶۲ - ۴۲۸ق) رهبر حنفیها در عراق در

۳۳۳ - ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المقنع؛ ر.ک. المصادر الفقهیة، ج ۶، ص ۱۸۳۹.

۳۳۴ - الحاوردی، علی بن محمد بن حبيب، الحاوی الکبیر، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۶.

کتاب معروف خود می گوید: « لاتصح الجمعة الا بمصر او فی مصلى و لاتجوز فی القرى و لاتجوز اقامتها الا بالسلطان او من امره السلطان.»^{۳۲۵}

نماز جمعه صحیح نیست مگر در مسجد یا مصلاى شهر و اقامه نماز جمعه در روستاها و بدون امام یا بدون اذن امام هم جائز نیست. علاءالدین کاشانی در کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع پنج شرط را بعنوان شرائط اصلی نماز جمعه مطرح می کند که یکی از آن سلطان است: «المصر الجامع و السلطان و الخطبة و الجماعة و الوقت.»^{۳۲۶} و در توضیح شرط دوم می گوید: نزد ما سلطان شرط ادای نماز جمعه است و بدون حضور سلطان اقامه نماز جمعه جائز نیست.^{۳۲۷}

فقههای حنفی برای منصبی بودن نماز جمعه دو دلیل یکی نقلی و دیگر عقلی را مستند نظریه خود قرار داده اند که می توان به عنوان عمومات و ملحقات نماز جمعه محسوب کرد:

۱ - دلیل نقلی: حدیث مشهوری که شیعه و اهل سنت مطرح کرده اند که پیامبر اسلام می فرماید: « ان الله تعالى فرض عليكم الجمعة في مقامي هذا في يومي هذا، في شهری هذا، و في سنتي هذه فمن تركها في حياتي و بعد مماتي، استخفافاً بها و جحوداً عليها و تهاوناً بحقها و له امام عادل او جائز فلا جمع الله شمله و لا بارك له في امره.»

۳۲۵ - شافعی، محمدبن ادریس، الام، دارالکتب العلمیة، دارالفکر، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳۲۶ - مروارید، علی اصغر، المصادر الفقهیة، ج ۳، ص ۳۷۴

۳۲۷ - همان، ص ۳۷۸

طبق این حدیث، رسول خدا اگرچه هشدار داده و تارک نماز جمعه را با وعید خود از عقوبت الهی ترسانده، اما عید را مشروط به صورتی می‌داند که امام عادل یا جائز وجود داشته باشد.

در روایت دیگر پیامبر اسلام، چهار سمت مهم و اساسی را مربوط به والیان دانسته‌اند: «اربعه الى الولاية، الجمعة و الحدود، و الفیء و الصدقات». یعنی همچنان که اجرای حدود، غنائم جنگی و جمع‌آوری زکات و صدقه از مسئولیتهای دولت اسلامی است، برپایی نماز جمعه نیز مربوط به دولت اسلامی است.

۲ - دلیل عقلی: علاء‌الدین بن مسعود کاشانی می‌گوید: اگر سلطان شرط نباشد، اقامه نماز منجر به فتنه و آشوب خواهد شد و جلوگیری از فتنه و آشوب لازم است و این جلوگیری و مبارزه با فتنه از راه سلطان ممکن است، زیرا سلطان قدرت دارد^{۳۲۸}.

سه مذهب اهل سنت، مالکی، شافعی و حنبلی برای نماز جمعه سلطان یا اذن سلطان را لازم نمی‌دانند و دلیل اصلیشان این است که شرطیت وجود ندارد. به علاوه عمل گروهی از صحابه نیز نشان می‌دهد که اذن سلطان مشروط نیست. چنان که علی ابن ابی طالب در محاصره عثمان نماز خواند.

اما فقهای حنفی از قائلان شرطیت سلطان و اذن سلطان در نماز جمعه به چند دلیلند

۱ - تمسک به سیره پیامبر و خلفای پس از پیامبر.

۳۲۸ - بدائع الصنائع، کاشانی؛ ر.ک. المصادر الفقهیه، ۳۹، ص ۳۸۷

- ۲ تمسک به روایتی که مربوط به خطبه پیامبر در عرفات است.
- ۳ تمسک به روایتی که دلالت می کند نماز جمعه همچون مورد فیه و صدقات از امور حکومتی است.

جمع بندی نماز جمعه

در دوران غیبت، یکی از چالش برانگیزترین مباحث روی احکام دینی بطور عام و روی احکام اربعه بطور خاص، بحث در باره برگزاری «نماز جمعه» بوده است. در تشیع، این حکم با شرط حضور امام معصوم پیوند خورده و گروه بزرگی از فقهای شیعه مشروعیت برگزاری این نمازها را موکول به حضور امام زنده یا نماینده ای از سوی او می دانند. برخلاف نظر فقهای شیعه، اهل سنت، خلیفه حاکم یا رئیس حکومت وقت را مسئول برگزاری نماز جمعه می دانند و امامت نماز جمعه را نیز بر عهده او می دانند. تا پیش از دوران صفوی، نظریه های مختلفی مبنی بر وجوب یا تحریم نماز جمعه وجود داشت، مثلاً نظر شیخ طوسی (۴۶۰/۱۰۶۸) مبنی بر وجود امام عادل یا کسی که از جانب امام عادل گمارده شده باشد را شرط برپایی نماز جمعه می دانست. در مقابل، سلار دیلمی (۴۶۳/۱۰۷۱)، یکی از فقهای بزرگ سده پنجم، نخستین دانشمندی بود که برپایی نماز جمعه را در نبود امام غایب خطا می دانست. اگر چه او ابتدا گفته بود که «نماز جمعه با فرض حضور امام یا جانشین او واجب است» اما در بخش پایانی کتاب خود، اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت برای فقها نا حق می داند.^{۳۲۹} و یا طاهر قمی (۱۰۹۸/۱۶۸۷) از این که علامه مجلسی به هر آدم بیسوادی اجازه اقامه نماز جماعت می دهد، برآشفته و به انتقاد از او پرداخته است.^{۳۳۰}

۳۲۹ - ابو یعلی سلار بن عبد العزیز دیلمی طبرستانی، المراسم فی الفقه الامامی، ص ۶۳۵

۳۳۰ - حدیقه الشیعه، نسخه خطی به شماره ۱۱۲۴ در کتابخانه مرعشی

بین فقهای امامیه برگزاری نماز جمعه مورد اختلاف است. برخی از علمای شیعه آن را واجب تعیینی، بعضی تخییری و بعضی حرام می دانند. منشأ و محور اختلافات در مسئله، وجود و لزوم امام معصوم یا مجوزی برای نماینده آن امام برای اقامه نماز جمعه است. در این اختلاف نظر از وجوب عینی تا تحریم کامل، آراء و نظرات فقهی متعددی وجود دارد که مهم ترین آنها ابهام در نقش رهبری در اجرای نماز جمعه است.

نمونه ای از این ابهامات که سبب سرگردانی خود فقها شد را در استدالهای فیض کاشانی (۱۰۹۰/۱۶۸۰) (که خود امامت نماز جمعه اقامه میکرده و مورد توجه شاه عباس دوم نیز بوده است) میتوان دید. وی در رساله اعتذار یا شکوائیه که آن را در پاسخ به عالمی از خراسان نوشته: اکنون من در کار خویش سرگردان شده و نمیدانم چه کنم، و به کجا بگریزم. فتوت و مروّت از من پنهان گشته و کسی را از میان مردم برای برادری و شایسته برای مروّت نمیابم، مردمانی که چیزی را از چیزی تشخیص نمیدهند و اهل مراعات دین نیستند، حتی خانواده و یارانم هم؛ همه آنان راهی جز راه من میروند و هیچ کدام از سنخ من نیستند.^{۳۳۱}

نمونه ای دیگری که بعدها سید جعفر کشفی (۱۲۶۷/۱۸۵۱) در کتاب کفایة الایتام فی معرفه الأحکام این چنین نوشت: در هر چهار شب از چهار روز در عالم خواب، واقعه دیدم که از آن نیز یقین و معلوم شد که بر گزارای نماز جمعه در ایام غیبت امام حرام است و گزارنده آن طالب ریاست و غاصب حق و منصب امامت آن بزرگواران میباشد؛ چنان که فقراتی از صحیفه در روز جمعه صریح در این مطلب است.^{۳۳۲}

۳۳۱ - رساله اعتذاریه و رساله شهاب ثاقب، از رساله های معرفی است که در وجوب نماز جمعه نوشته شده است

۳۳۲ - محمد علی حبیب آبادی، مکارم الآثار، نشر نفایس مخطوطات، اصفهان، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۸۵۶

حلبی در کتاب کافی خود بالاخره تقیه را راه حل دانسته و می نویسد نماز جمعه بر گزار نمی شود الا با حضور امام یا نماینده امام.^{۳۳۳} خلفا امام جمعه می شوند. مردم تقیه می کنند. امامان شیعه و به پیروی از آنها مردم در خواندن نماز جمعه تقیه می کردند. آری، تقیه در وقتی است که با خلفا نمیتوان جنگ مسلحانه کرد، بنابر این باید در خفا با آنان جنگید.^{۳۳۴}

با تحلیل محتوایی روی خطبه های نماز جمعه میتوان معلوم کرد که تغییر و تحول زیادی در ماهیت امام جمعه در طول تاریخ بوجود آمده است، در حال حاضر صلاحیت امام جمعه ارزش قبلی خودش را از دست داده است، میتوان امام شد و بر منبر نماز جمعه بالا رفت بدون این که حد اقل دانش و صلاحیت علمی اخلاقی، کیفیت و تکریم خاص مذهبی بر خوردار بود. با وجودی که شریعت برای خود قوانین فراوانی وضع کرده است، اما هیچ قانون نوشته شده ای برای پست امامت جمعه وجود ندارد.

بهر رو میتوان بر روی یک خط اساسی و موضوعی جدی میتوان انگشت گذاشت و آن این است که مراسم نماز جمعه امروز را با همه مناسباتی که بر آن حاکم شده است، با مراسم برگزاری آن در دوران سابق، فاصله ای جدی در آن بوجود آمده که باید مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. خطبه های نماز جمعه در قدیم وسیله مناسبی برای ارتباطات سالم بین مردم بود، در صورتی که امروز فاصله ای دوری با آنچه در گذشته بود دارد، با مطالعه روی تاریخچه نماز جمعه ها نشان داده شده که نویسندگان کمتر به دنبال یافتن موارد سیستم ارزشی و ضد ارزشی آن بوده اند، مطالعات معمولا فقط روی اطلاعات بوده و درباره این

۳۳۳ - محمد جواد غروی، نماز جمعه، ص ۷۸

۳۳۴ - محمد جواد غروی، نماز جمعه، ص ۱۷۸-۱۷۹

اطلاعات نیز کاری در حد صفر انجام شده است، حتی خطبه خوانان نیز به مخاطبان خود اطلاع بایسته را نداده اند.

نماز جمعه که به ادعای گذشته خود عاری از تناقض، عکس العمل بود و قادر بود همگرایی را در جامعه محور کار خود کند، امروز تبدیل به هیجان، نفرت، تجاوز و ناامیدی شده است. در گذشته امام جمعه به مردم و به مریدان می گفت باید از اعتماد بهره مند شوند، اما امروز بی اعتمادی را در مریدان خود دامن می زند و فقط دستگاه تبلیغ نگرانی و بی اعتمادی و عدم امنیت را تبلیغ می کنند چیزی جز انزوا، انتقامگیری، شکست و تکه تکه شدن جامعه در چشم انداز ندارد.

در نصایح امام جمعه ادعایی به گوش می رسد که بنابر آن اسلام برای همه زمانها برای مشکلات پاسخ دارد و بر مخاطبان خود تصویری مجازی را بوجود می آورد که ایده آلی طلایی در پیش است و از این طریق رفتار دوران پیامبر را به زور به جوانان تزریق می کنند. امام جمعه با زکات خاصی فضایی را می سازد که نماز گزاران همگی خود را در این مراسم در یک جسم واحد تصور کنند.

باید تفاوت قائل شد بین نصایح و موعظه های امام جمعه ها در شعارهای زیبا و مسخ کننده ای که می دهند با کاری که امام جمعه ها، نماز جمعه را ابزاری ایدئولوژیک برای هدف های دیگری قرار می دهند و به کمک آن وجدان افراد، گروهها و دسته های گوناگون را نوازش می دهند.^{۳۳۵} بنظر می رسد راهی جز باز سازی و باز گشت به گذشته و مطالعه روی اصول و ارزشهای اولیه (اگر آن ارزشها را یافتیم) وجود ندارد. باید بطور جدی برای باز سازی گذشته و به روز کردن تاریخ گذشته این حکم تلاش کرد.

335 - *Op.cit.*, Wafaa, p.455-461.

حاصل سخن احکام اربعه

درست است که در احکام فقه به استثنای چند مورد خاص و قابل توجه (مانند حقوق زنان، قوانین ازدواج موقت، طلاق و غیره)، قوانین شرعی شیعه امامیه با حقوق چهار مکتب بزرگ حقوقی اهل سنت و فرق بین آنها تفاوتی ندارد.^{۳۳۶} با این حال، مطمئناً فصلی در فقه حقوقی دوازده امامی وجود دارد که به هیچ وجه به شکل مشابه در هیچ جریان فکری دیگری از اسلام، نه سنی و نه شیعه یافت نمی شود و در برخورد با سایر مذاهب اسلام تفاوت اساسی دارد. تحقیق در جهاد مرا در مجموعه گسترده تری از آنچه به احکام فقه یا "وظایف" دسته جمعی شیعه مربوط می شود، هدایت کرد و انگیزه ای به من داد که در دامنه ای گسترده تر در این احکام دسته جمعی که تحت عنوان "احکام اربعه" شناخته می شوند، مطالعه کنم، این احکام عبارتند از:

- ۱ - جهاد، به معنای جنگ مقدس،
 - ۲ - قضاوت شرعی و بطور خاص موضوع حدود و مجازات قرآنی،
 - ۳ - وجوهات یا مالیاتهای مذهبی، به عبارت روشن تر موضوع خمس و زکات و صدقات شرعی،
 - ۴ - نمازهای دسته جمعی، نماز جمعه، نماز عید قربان، نماز عید فطر و بطور خاص نماز جمعه.
- میتوان گفت این احکام برجسته ترین ویژگی حقوقی را در مذهب شیعه اثنی عشری ساخته اند زیرا این احکام رابطه ای مستقیم با مسئله غیبت امامان شیعه دارند، غیبتی که بطور خاص مربوط به غیبت امام زمان، دوازدهمین امام شیعیان می شود.

³³⁶. Y. Linant de Bellefonds, « Le droit imamite » dans *Le shi'isme imāmīte*, Colloque de Strasbourg (6-9 mai 1968), Paris, 1970.

همانطور که می دانیم، تشیع از نظر اعتقادی با محوریت شخص امام ساخته شده است، همانگونه که در کار های محمد علی امیر معزی به روشنی نشان داده شده است، امام، ستون فقرات مذهب تشیع را تشکیل می دهد که در پیرامون این ستون همه بخشهای اصلی زندگی، به ویژه اعمال و عبادات دسته جمعی باورمندان با این مذهب شکل گرفته است.

این چهار حکم و مجموعه دستورالعمل های آن، از این جهت منحصر به فرد هستند که مطابق احکام شریعت امامیه، انجام آنها نیاز به حضور فیزیکی امام دارند، این امام است که باید شخصاً فرمان جنگ مقدس را صادر کند، این امام یا نماینده شخصی امام است که میتواند چنین جنگی را اعلان کند، این امام است که باید شخصاً در موارد اختلاف بین مومنان قضاوت قرآنی بکند، در امر قضاوت باز این امام است که باید خود شخصاً و یا شخصی را به نمایندگی از جانب خود بعنوان قاضی برای حل اختلاف بین مردم تعیین کند، این امام است که مجازات های قرآنی را باید به طور صحیح به اجرا بگذارد و به نحوی این عمل را انجام دهد که مشروعیت کتاب مقدس در خطر نیفتد. از این رو قابل ملاحظه است که ویژگی شیعه دوازده امامی (اثنی عشری) به درستی از این واقعیت ناشی می شود که مسائل مربوط به احکام اربعه بستگی به ستون پایه امام پیدا می کند.

احکام اربعه عمدتاً دو مخرج مشترک آشکار با همدیگر دارند: اول اینکه آنها ملزم به شرکت کردن دسته جمعی در این اعمال دینی هستند، یعنی هیچ یک از این احکام به صورت فردی و یا شخصی قابل اجرا نیستند و دقیقاً به همین دلیل، در بعدی کاملاً جمعی قابل عمل هستند، مطابق قوانین قدیم و سنتی امامیه که در مجموعه ای از احادیث یافت می شوند، این احکام نیاز به حضور فیزیکی شخص امام معصوم (یعنی یکی از دوازده امام

معصوم) را دارند و شخص امام یا نماینده مشخص شده از سوی اوست که وظیفه چنین اموری را میتواند عهده دار باشد. این همان چیزی است که از روایات تاریخی تدوین شده در قدیمی ترین مجموعه تعالیم مربوط به امامان دیده می شود. مجموعه احادیث شیعه و بویژه از احادیثی که از "کتب اربعه" بعنوان مرجع قابل اتکاء مورد مطالعه قرار گرفته است، این کتب عبارتند از:

- الکافی فی العلم الدین، از محمد ابن یعقوب، اسحاق ابن الراضی، الکلبینی (متوفی ۹۴۰/۳۲۸)،

- کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف ابن بابویه الصدوق (متوفی ۱۱۹۹/۳۸۱)،

- تهذیب الاحکام و الاستبصار، از ابو جعفر محمد بن حسن الطوسی (متوفی ۱۰۶۷/۴۶۰). همچنین به طور گسترده ای از آثار فقها و متکلمان بزرگ دوره آل بویه، شیخ مفید (متوفی ۱۰۲۲/۴۱۳) و شاگردان او، الشریف المرتضی (متوفی ۱۰۴۴/۴۳۶) و شیخ الطوسی و بسیاری دیگر، در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته شده است.

از قرن ششم به بعد نیز تلاش فقها و نویسندگان ادامه پیدا کرد. قابل توجه است که از قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) طی قرون متمادی، فقها و نویسندگان، صد ها کتاب انتشار داده اند که عموماً کپی برداری شده با تغییراتی از همان کتب اولیه که یا ترجمه شده و یا تغییراتی در آنها داده شده و یا کاملتر شده و منتشر شده اند.

در این احکام، توزیع خمس و صدقات فقط توسط امام معصوم یا شخصی که شخصاً از طرف وی منصوب شده باشد جایز است. در تشیع امامیه، به اجرا گذاشتن مجازات های پیش بینی شده در قرآن فقط در موارد شخصی توسط امام یا نماینده شخصی وی قابل اجرا است، در غیر این صورت خطر بی عدالتی توسط انسان های خطا پذیر، باعث ایجاد تردید

و بی اعتبار شدن کتاب مقدس می شود. در این احکام، امام جمعه یا نماینده رسمی او ست که شخصاً از سوی امام معصوم برای این کار تعیین شده و می تواند اقامه نماز جمعه کند، سرانجام، جهاد و جنگ مقدس، به ویژه در شکل تهاجمی آن، فقط توسط شخص امام معصوم به اجرا در می آید (در چنین جنگی، دیگر مسئله نماینده، حتی نماینده شخصی امام نیز مطرح نیست).

غیبت کبری آخرین امام یعنی امام دوازدهم، محمد ابن العسکری، "امام غائب" که منجر به غیبت شخص امام (و عدم حضور فیزیکی او) و یا نماینده ای منصوب از طرف او شد، عملی ساختن این چهار حکم را غیر ممکن کرد و عملاً آنها را "متوقف الاجرا" یعنی به حالت "تعلیق" تا بازگشت امام یا تجلی امام عصر (عج) به عنوان ناجی آخر زمان، مهدی القائم الزمان در آورد، به عبارت دیگر "منتظر" ظهور امام معصوم ماند تا قابل اجرا شوند. در واقع، غیبت طولانی مدت امام در شیعه اثنی عشری باعث سردرگمی و پریشانی شدید مومنان شد و مشکلی را پیش روی مریدان قرار داد که آیا وظایف و اعمال شرعی که انجام آنها بصورت دسته جمعی انجام می گیرند را انجام بدهند یا انجام ندهند؟

در حقیقت، هنگامی که ستون پایه دین، یعنی متولی اصلی این احکام غائب می شود، سئوالات زیادی در مورد اجرا یا عدم اجرای احکام به وجود می آورد. گسستی که در اثر غیبت امام ایجاد شد مجموعه تأملات و رقابتهایی را نیز در مورد آینده این چهار حکم و اجرای آن در دوران غیبت امام ایجاد کرد.

محمد علی امیر معزی در تحقیقاتش نشان داده است که چگونه، قرن چهارم هجری (دهم میلادی) نقطه عطفی در تحولات اعتقادی و تاریخی امامیه بوجود آمده است، در این قرن

برای اولین بار، مذهب دوازده امامی یا اثنی عشری شکل گرفت و سلسله امامت در امام دوازدهم متوقف شد.^{۳۳۷}

سه عامل اصلی زیر، این نقطه عطفی را نشان داد که مومنان را مبهوت، متحیر و گیج کرد. به همین دلیل، در منابع امامیه این دوره را دوره حیران نیز می نامند. این سه دوره عبارتند از: ۱- پایان دوره امامان معصوم (امامان تاریخی). از نظر اعتقادی، مذهب که محورش روی امام متمرکز و نیاز به رهبری امام دارد، غیبت امام منبع بسیاری از مشکلات و ناامیدی برای مریدان آن مذهب خواهد شد.

۲- بقدرت رسیدن خلفای شیعه در دوران آل بویه در مهمترین مناطق امپراطوری اسلامی، بقدرت رسیدن آل بویه در مرکز خلافت اسماعیلیان در شمال آفریقا و مناطقی از سوریه، فرمانروایی حمدانیان در سوریه، قرمتها در منطقه خلیج فارس و در گستره مناطقی از عربستان و در جنوب ایران که رسماً سنی مذهب ولی در عمق هواخواه مذهب شیعه بودند و حتی سلطه امپراتوری سامانیان ایران در آسیای میانه و قسمتهای وسیعی از شرق ایران و عمدتاً همدردی عمیق آنان با شیعیان. در اینجا مورد توجه ما بطور خاص دوره آل بویه است که در مرکز خلافتش در بغداد، سلطنتی با شکوه داشتند و بیشترین حوزه امپراتوری عباسی را کنترل می کردند.

ویژگی مهم در این دوره که مورد تعجب مریدان مومن بود، این که تعالیم ائمه اطهار آنان را از هرگونه فعالیت سیاسی منع می کرد، خواه مخالفت با قدرت ناعادلانه باشند یا همکاری با قدرتی که عادلانه تلقی شوند.^{۳۳۸} روی کار آمدن شیعیان و در رأس امور خلافت قرار

³³⁷. Amir-Moezzi, *Preuve de Dieu, Epilogue*, pp. 271sqq.

³³⁸. Amir-Moezzi, *Guide divin*, partie III-1, pp. 155sqq.

گرفتن آنان و تلاش برای حکومت کردن بر جمعیت عمدتاً اهل تسنن، نه تنها ابهام آور، بلکه دور شدن آنها از آموزه های امامان شیعی تاریخی نیز بود.

۳ - قرن چهارم هجری (دهم میلادی)، مشهور به قرن "عقل، خرد" در اسلام است. حدود یک قرن پس از حرکت بزرگ ترجمه آثار فلسفی یونان، به ویژه نوشته های ارسطویی به زبان عربی و ادغام آنها توسط دانشمندان مسلمان در فرهنگ عرب، کلمه "عقل" معنی و دلیل دیالکتیکی و منطقی را به خود گرفت و تبدیل به کلمه ای کلیدی آن زمان شد. به طور خلاصه، آموزه هایی که تا از آن زمان غیر منطقی قلمداد می شدند، با ابزار "خردگرایی پیرومند" کاملاً منطقی شدند.

عوامل فوق، ریشه تولد یک سنت جدیدی را در شیعه دوازده امامی پدید آورد: سنت حقوقی، کلامی خردگرایی، تحت هدایت گروهی از فقها، تحت آمریت شیخ مفید که هدف اصلی او توجیه همکاری با دستگاه حاکم قدرت شیعیان آل بویه بود، سنتی بود بر اساس مفهوم و دلیل "دیالکتیکی عقل"، حامیان این سنت، "باطنیان" را متهم به بی خردی و افراط گرایی کرده، آنان را به حاشیه راند.^{۳۳۹}

^{۳۳۹}. با این وجود این، روحانیون خردگرا در برابر رغیب خود موفق نبوده اند و جریان سنت گرای منزوی هنوز زنده است، زیرا معنویت شیعه، که هنوز به طور خاص به سنت گرای وفادار مانده است، در مراسم بسیار معروف امامیه بصورت چشمگیر دیده می شوند، بعنوان نمونه در ارادت و پرستش امامان هر ساله، بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون نفر به کربلا می روند تا مراسم "عاشورا" و شهادت امام حسین را جشن بگیرند، این تعداد یعنی ۴ یا ۵ برابر تعداد زائرانی سالانه برای زیارت خانه خدا به مکه می روند.

این خرد گرائی بر اساس تائید احادیث شیعه (علم الحدیث)، همکاری با حاکمیت و قدرت (العمل مع السلطان) را توجیه می کرد، حتی اعمال قدرت (عمل السلطان) توسط شیعیان، نه تنها حلال، بلکه دقیقاً به دلیل عدم وجود امام معصوم ضروری نیز بود.

در زمینه حقوق و کلام در این دوره، در دوره آل بویه و مکتب فقیهان و متکلمان بغداد پیرامون شیخ مفید، تالیفات فراوان و برجسته ای را منتشر کردند. در این زمان، حداقل در زمینه حقوقی، شیعه گری امامی دو گرایش اصلی پدیدار شد: جریان "سنت گرا" (که بعداً اخباری نامیده شدند) و پیرو وفاداری دقیق به سنتهای اصلی در احادیث اولیه اسلام بودند، و جریان "خرد گرا" (که به تدریج اصولگرا نامیده شدند) و همانطور که گفتیم از دوره آل بویه مسلط شدند و طرفدار تحول در اعتقادات دینی بودند تا از پایداری تشیع به عنوان یک مذهب جمعی و همبسته محافظت کنند. جریان عقل گرا تحولات مهمی را مانند پیدایش و توسعه مکتب حله، قبل و بعد از حمله مغول در قرن ششم هجری و به ویژه با آثار و تالیفات مهم علامه حلی را بوجود آورد. سرانجام، دوره صفویه و ظهور قدرت سیاسی و اجتماعی مجتهدین بزرگ، به ویژه آنهایی که به جریان فکری اصولگرا تعلق داشتند. در آن زمان دو شخصیت به ویژه از نظر مذهبی و سیاسی نقش تعیین کننده ای را ایفا کردند: محقق الکرکی و محمد باقر مجلسی، ما به طور گسترده تالیفات این دو فقیه در تشیع صفوی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده ایم.

تحولی مهمتری که در دوره صفویه و اعلان مذهب شیعه بعنوان دین رسمی و دین دولتی در ایران رخ داد و آثار مهمی از خود باقی گذاشت، تولد و اعلان بنیاد روحانیت شیعه در آن زمان بود، چرخشی تعیین کننده و تاریخی، همراه با انفجاری فرهنگی در احکام اربعه را پدید آورد و شیعه گری را به عنوان یک آیین دولتی و به ویژه بنیانگذاری "روحانیون" شیعه در ایران در قرن دهم هجری را نهادینه کرد. این آخرین رویداد از اهمیت مهمی در

ورود احکام فقه امامیه در حوزه های اجتماعی و سیاسی بجای گذاشت و به طور کلی ایدئولوژیزه شدن روحانیت را با خود به ارمغان آورد. تحولی مهم که تا زمان ما ادامه دارد. ظهور انقلاب ایران و ورود اعضای برجسته روحانیت به اوج قدرت و دولت در ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ (اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی) تا امروز از آثار غیر قابل وصف آن زمان است. بدیهی است که باز تاب هایی پیرامون احکام اربعه پس از انقلاب در میان روحانیون و مخالفان آنها از سر گرفته شد. ما این جریان را به میزان محدود بررسی کرده ایم، زیرا هنوز فاصله زمانی لازم برای انجام مطالعه کامل تر و عمیق روی نوشته های این دوره را نداریم. از ابتدای غیبت کبری در قرن چهارم هجری تا امروز و بحث ها و درگیری های فکری آن، بدون شک بهترین شاهد از تحولات در احکام اربعه است. تحولاتی که مرکز ثقل سئولاتی شده است که در پیش روی ما قرار داده است :

- چگونه جامعه مومنین شیعه می توانند غیبت امام خود را مدیریت کنند؟
- چگونه می توان زندگی جمعی و اجتماعی شیعیان را در دوران غیبت اداره کرد؟
- امام پنهان، و سایر امامان معصوم، تنها مرجع دینی و معنوی هستند که برای شیعیان باقی مانده اند و به دلیل غیبت آنان، آنها تنها منبع معنویت برای مریدان شده اند، در چنین شرایط، کدام مرجع مشروع می تواند خلاء ناشی از غیبت فیزیکی امام معصوم را پر کند؟ و این خلع موجود، نمیتواند خطری باشد که باعث بهم ریختن زندگی جامعه شیعیان بگردد؟
- برای پاسخ به این سئولات که موجودیت شیعه به آنها وابسته است، به نظر می رسد گرایش فکری خردگرا چیزی را تنظیم کرده است که محققین آن را "روند جانشینی" می نامند، جانشینی یا مجموعه ای که از زوج های دوگانه یا دو راهی ها که اولین عنصر جایگزین عنصر دوم می شود:

- فقیه متکلم بجای امام معصوم می نشیند،
- تقلید از فقیه بجای ولایت یا عشق به امام در می آید،

- روحانی بجای نایب خاص امام تعریف می شود،
- شهید، که به طور سنتی شاهد عواقب ظلم بود، رزمنده در حمله به دشمن شده شناخته می شود،
- حزب الله که بطور سنتی، جمعی از مومنان و به ویژه ائمه و آغازگران این مذهب بودند، امروز طرفداران انقلاب اسلامی و نام حزب سیاسی و حزب الله شیعیان در لبنان شده،
- ولی، واژه ای که در لغت به امام معصوم و سنتاً منحصر به دوازدهمین امام معصوم و مقدس بود، تبدیل به رهبر انقلاب اسلامی شده است.

در خاتمه ادعا نمی کنیم که توانسته باشیم به همه سئوالات طرح شده در این مطالعه دست یافته باشیم، با وجود این انجام این تحقیق در برابر همه مشکلاتی که با خود داشت، میتواند کار ناچیزی محسوب شود که حد اقل این اجازه را می دهد که به نقاط عطفی در این زمینه دست یافته باشیم، در همین امتداد و مسیر هنوز به پژوهشی بیشتر نیازمند است.

کتاب شناسی

فارسی، عربی

کتاب شناسی

ابن العبري، ابوالفرج جمال الدين ابن العبري، تاريخ مختصر الدول، ترجمه

عبدالمحمد آيتي، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگي، ۱۳۷۷.

_____ ابن العبري، ابوالفرج جمال الدين ابن العبري، تاريخ الزمان، تعريب الاب

اسحاق ارملة، بيروت: دار المشرق، ۱۹۹۱ م.

ابن العماد، شهاب الدين عبدالحی بن احمد حنبلي دمشقى، شذرات الذهب فى أخبار

منذهب، ۷ جلد، بيروت: دار ابن الكثیر، ۱۴۱۲ هـ. ق.

ابن الوردی، زيد الدين عمر بن مظفر، تاريخ ابن الوردی، ۲ جلد، چاپ دوم، نجف: مطبعة

الحيدريه، ۱۳۸۹ ق.

ابن بابويه، الامالى، قم ۱۴۱۷.

_____ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، نجف ۱۹۷۲، چاپ

افست قم ۱۳۶۴ ش.

کتاب من لا يحضره الفقيه، چاپ على كبر غفارى، قم ۱۴۰۴ ق

_____ المقنع، قم ۱۴۱۵ ق

_____ الهداية فى الاصول و الفروع، قم ۱۴۱۸ ق

ابن برّاج، المهذب، قم ١٤٠٦ق

سعدالدين ابوالقاسم عبدالعزيز بن نحرير بن عبدالعزيز ابن براج طرابلسي، المهذب، ترجمه جعفر سبحاني تيريزي، انتشارات اسلامي، قم.

ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ٢ جلد، ترجمه محمد علي موحد، چاپ دوم، تهران:بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٥٩.

_____ ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، چاپ محمد عبدالمنعم عريان، بيروت ١٤٠٧ق

ابن تغري بردي، جمال الدين ابو المحاسن يوسف بن تغري اتابكي، النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة، ٩ جلد، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ١٣٨٣ق.

ابن جوزي، المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت ١٤١٢/١٩٩٢.

- حيدر آباد، مطبعه دائره المعارف العثمانيه، ١٣٥٧ ش

ابن حجر عسقلاني، شهاب الدين احمد بن علي، الدرر الكامنة في اعيان المائة الثامنة، ٤ جلد، بيروت: دارالجيل، ١٤١٤ق.

_____ ابن حجر عسقلاني، فتح الباري شرح صحيح البخاري، چاپ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، بيروت ١٤١٨/١٩٩٧.

ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل، استانبول ١٤٠٢/١٩٨٢.

عبد الرحمن بن محمد، ابن خلدون أبو زيد (۱۴۰۴ میلادی)، مقدمه، محقق عبد الله محمد
الدرویش، دار الیعراب، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۷ میلادی ترجمه پروین گنابادی، تهران،
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹

_____ تاریخ ابن خلدون، ۸ جلد، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

ابن زهره سید ابوالمکارم، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، تحقیق سید مهدی
انجوی نژاد، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۴.

محمد ابن سعد، طبقات الکبیر، کاتب واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران،
فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴

ابن شاکر، محمد بن شاکر کتبی، فوات الوفیات، ۵ جلد و فهارس، تحقیق احسان عباس،
بیروت: دار صادر، ۱۹۷۳ م.

ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، چاپ
دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، چاپ علیشیری، بیروت، ۱۴۲۱ق

ابن عطار، کتاب ادب الخطیب، چاپ محمد سلیمانی، بیروت ۱۹۹۶م

ابن عنبه، احمد بن علی داودی حسنی، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، نجف:

مکتبه المرتضویه، ۱۳۳۷ش

ابن فوطی، کمال الدین عبدالرزاق بن احمد فوطی شیبانی، کتاب الحوادث
(حوادث الجامعة)، تحقیق بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف، چاپ اول، بیروت
دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۷م.

ابن قدامه، المغنی، چاپ افست بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

ابن کثیر، البداية و النهاية، چاپ احمد ابوالمحم و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱

ابن نجیم، البحر الرائق شرح کتزالدقائق، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷

محمد ابن اسحاق الندیم، کتاب الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی تا، تهران، ۱۳۵۲ش

ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، سیره ابن هشام (السیره النبویة)، دار احیاء

التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ش

ابوزکریا یحیی بن آدم بن سلیمان قرشی کوفی، کتاب الخراج، «قانون نامه های فقه

اسلامی»

تنها اثر باقی مانده از ابن آدم که اول بار در سال ۱۸۹۶م به کوشش دکتر جوینبول در لیدن

به چاپ رسیده است.

محمود ابوالسعود، فقه الزکاة المعاصر، کویت، دارالقلم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ق

- ابوالفداء عماد الدین ابی الفداء اسماعیل بن علی، تاریخ ابی الفداء (المختصر فی اخبار البشر)، ۲ جلد، تعلیق محمود دیوب، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق
- قاضی ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، یحیی بن آدم القرشی، کتاب الخراج، بیروت ابوالقاسم اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین تا پایان دوره اموی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۳
- آستان قدس رضوی، فهرست کتب کتابخانه رضوی، مشهد: دار الطباعة، ۱۳۰۵ ش
- اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش
- لئو اشترواس، فلسفه ی سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ ش
- محمد محمدی اشتهاردی، چهل حدیث در اهمیت زکات، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۵ ه.ش.
- اشمیتکه، زاینه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸ش
- ایرج افشار، کتاب احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش
- محمد تقی آملی، المکاسب و البیع، تهران، ۱۳۷۲ ق

الامين، سيد محسن، اعيان الشيعة، ١١ جلد، تحقيق حسن الامين، چاپ پنجم، بيروت: دار
التعاريف للمطبوعات، بی تا.

محمد رضا انصاری، تصحيح العده في أصول الفقه، ستاره، قم، ١٣٧٦ ش

مرتضى بن محمد امين انصاری، كتاب الخمس، كنگره جهانی بزرگداشت دويستمين

سالگرد شيخ انصاری، ١٣٧٣ چاپ سنگی، تبریز، ١٣٧٥ ق

شيخ مرتضى الانصاری، كتاب الزكاة، چاپ اول، شوال ١٤١٥ ق.

سيد مهدي بحر العلوم، فوائد الرجاليه، مكتب الصادق، تهران، ١٣٦٣ ش

يوسف بن احمد بحراني، لؤلؤة البحرين، چاپ محمدصادق بحر العلوم، قم، بی تا

يوسف بحراني، الحدائق الناضرة، قم، دارالكتب الاسلاميه.

محمد بن اسماعيل بخاری، صحيح بخاری، دار احياء التراث العربي، بی تا، بيروت

ابوالقاسم عبدالله بن العرمم، كتاب الخراج

مالك بن انس، الموطأ، استانبول ١٩٨١/١٤٠١

عبدالملك بن علي بن اصمغ بن مظهر، كتاب الخراج

عمر بن فهد، اتحاف الوري باخبار ام القرى، تحقيق محمد شلتوت، قاهره: مكتبة الخانجي،

بی تا .

ابومحمد جعفر بن مبشر الثقفی، كتاب الخراج

بناکتی، فخرالدین داود بن تاج الدین محمد، تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفه

التواریخ و الانساب)، به کوشش جعفر شعار، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۸ش

خمس، چالش ها و راهکارها، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷

بویل، جی. آ، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، ۵

جلد، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶ش

بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۷۰ش

ادمون بشورث، کیلفورد، سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره ای، مؤسسه مطالعات

و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ ش

ترابی طباطبایی، سید جمال، رسم الخط ایغوری، نشریه شماره ۶ موزه آذربایجان،

۱۳۵۱ش

تهرانی، آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ سوم، بیروت: دار الاضواء،

۱۴۰۳ق.

_____ طبقات اعلام الشیعه (انوار الساطعه)، ۶ جلد، تحقیق علی نقی منزوی، چاپ

دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].

توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، گردآوری

محمدحسن بن ی هاشمی خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

کاظم جابری، صلاة الجمعة: تاریخاً و فقهياً، قم ۱۳۷۶ ش.

عمرو بن بحر الجاحظ، رسالة الی ابیالنجم فی الخراج

جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، تهران، ۱۳۳۸ش

محمد تقی جعفری، منابع فقه، تهران، نور، ۱۳۶۰.

رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۶

_____ تاریخ ایران اسلامی، از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان، مؤسسه

ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، تهران، ۱۳۷۸ ش

_____ دین و سیاست در دوره صفوی، انتشارات انصاریان، قم

_____ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم ۱۳۷۹ ش.

_____ نماز جمعه: زمینه‌های تاریخی و آگاهی‌های کتابشناسی، تهران (۱۳۷۲) ش.

_____ مقالات تاریخی، ۵ جلد، چاپ اول، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ش

_____ سلطان محمد خدابنده «الجایتو» و تشیع امامی در ایران، قم:

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۰ش

حافظ ابرو، زبدة التواريخ، ٢ جلد، تصحيح سيد كمال حاج سيد جوادی، چاپ اول، نشر

نی، تهران: ۱۳۷۲ش

مرتضى حائرى، صلوه الجمعة، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق

مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، دار الحدیث، قاهره، ۱۹۹۱

الحر العاملى محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه

_____ وسائل الشیعه، دار آل البيت، قم، ۱۴۱۴ق

محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه تحقیقات و

نشر معارف اهل البيت، قم، ۱۴۱۶ق

علی حسن زاده و محمود شریفی، چهل حدیث خمس و زکات، قم، نشر معروف، ۱۳۷۷ هـ

ش.

سید احمد حسینی، الذخیره، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق

سید محمد تقی حکیم، الأصول العامه للفقہ المقارن، ارالاندلس، بیروت، ۱۹۶۳

علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلبيه، بیروت، بی تا، ۱۳۲۰ ق

_____ الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، مکتب علی، اصفهان، ۱۴۰۳ ق

ابن ادريس حلّی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه

علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق

ابن فهد حلی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، چاپ مجتبی عراقی، قم

۱۴۰۷-۱۴۱۳.

جعفر بن حسن محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ صادق

شیرازی، تهران، ۱۴۰۹ق

_____ المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، قم ۱۳۶۴ ش.

یاقوت حموی، معجم البلدان.

منصور بن یونس بهوتی حنبلی، کشف القناع عن متن الاقناع، چاپ محمدحسن شافعی،

بیروت، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.

احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، مدینه، مصر، المكتبة العربیه، ۱۳۴۱ هجری

محمد بن احمد خطیب شریینی، مغنی المحتاج، دارالفکر، بی تا

ابوسلیمان داود بن علی بن داود بن خلف الاصفهانی، کتاب الخراج

روح الله خمینی، تحریر الوسيله، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷.

مصطفی خمینی، تحریرات فی الاصول، تهران، ۱۳۷۲ ش

روح الله خمینی، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار خمینی، ۱۳۷۹.

ولایة الفقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار خمینی، ۱۳۷۲.

خواند میر، غیاث الدین بن ہمام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر، ۴ جلد، زیر نظر محمد

دبیر سیاقی، چاپ سوم، کتاب فروشی خیام، تهران، ۱۳۶۲ ش

احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، علق علیہ علی اکبر غفاری، ج

۱، تهران ۱۳۵۵ ش.

سید ابوالقاسم خویی، مستند العروۃ الوثقی، قم، ۱۳۶۴

_____ منہاج الصالحین، نشر مدینہ العلم، قم ۱۴۱۰ ق

محمد تقی دانش پڑو، فہرست کتابخانہ مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۴، تهران ۱۳۴۰ ش.

محمد بن احمد دسوقی، حاشیۃ الدسوقی علی الشرح الکبیر، دار احیاء الکتب

العربیۃ، بیروت، بی تا

علی اکبر دہخدا، لغت نامہ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش

اکبر دہقان، زکات در اسلام، دفتر نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ہ ش.

دیاربکری، شیخ حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، دارصادر،

بیروت، بی تا

حمزہ بن عبدالعزیز سلار دیلمی، المراسم العلویۃ فی الاحکام النبویۃ، چاپ محسن حسینی

امینی، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ۵۲ جلد، تحقیق عمر عبدالاسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ ق.
- هاشم رسولی، سخنی درباره زکات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- رشیدو، پی. نن، سقوط بغداد، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۸.
- عزالدین رضانژاد، صلاة الجمعة: دراسة فقهیة و تاریخیة، قم ۱۴۱۵ ق
- وهبه مصطفی زحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
- احمد بن محمد زراری، تاریخ آل زرارہ، اصفهان، بی تا
- شیخ حسین زنجانی، کتاب الزکاة، قم، چاپخانه اسلام، ۱۳۴۹ ش.
- جعفر سبحانی، الزکاة فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق، ۷، ۱۳۸۲ ش.
- سُبکی، تاج‌الدین ابو نصر عبدالوہاب بن علی، طبقات الشافعیہ الکبری، ۱۰ جلد، تحقیق عبد الفتاح محمد الحلو و محمود محمد الضاحی، دار احیاء الکتب العربیہ، بیروت، بی تا
- _____، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، چاپ اول، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۱ ق.
- ستاد اقامه نماز و احیای زکات، دو گفتار در نماز و زکات، تهران، ستاد اقامه نماز استان مرکزی، ۱۳۸۰ ه ش.
- سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، کوشش، تهران، ۱۳۷۳ ش

محمد بن احمد شمس الاثمه سرخسى، كتاب المبسوط، قاهره، چاپ افست استانبول

۱۹۸۳/۱۴۰۳.

علاء الدوله سمنانى بيابانكى، احمد بن محمد، العروة لاهل الخلوۃ و الجلوة، تصحيح مايل

هروى، چاپ اول، نشر مولى، تهران، ۱۳۶۲ش

سير اعلام النبلاء، ۲۳ جلد، تحقيق شعيب الارناؤوط و محمد نعيم العرقسوسى، چاپ نهم،

مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۳ ق.

فاضل مقداد سيورى، كترالعرفان فى فقه القرآن، تهران، انتشارات مرتضويه، ۱۳۷۲.

محمد بن ادريس شافعى، الامّ، چاپ محمد زهرى نجارى، بيروت بى تا

شبانكاره اى، محمد بن على بن محمد، مجمع الانساب، تصحيح ميرهاشم محدث، چاپ

دوم، امير كبير، تهران، ۱۳۷۶ش

حسين شحاته، محاسبه الزكاه مفهومها و نظاما و تطبيقا، الاتحاد الدولى للبنوك الاسلاميه،

القاهره.

شوقى اسماعيل شحاته، محاسبه زكاه المال علما و عملا، مكتبة الانجلو المصريه، القاهره،

۱۹۷۰ م.

عثمان بن محمد شطا دمياطى، اعانه الطالبين على حل الفاظ فتح المعين، داراحياء

التراث العربى، بيروت بى تا

محمود شهابی، ادوارفقه، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۹.

ابن شهر آشوب، معالم العلماء، مطبعة الحيدريه، نجف، ۱۳۸۰ ق

محمد ابن عبدالکريم شهرستاني، الملل و النحل، لايزيک، ۱۹۲۳م

----- تحقيق احمد فهمي محمد، قاهره، ۱۹۴۸م

----- ترجمه افضل الدين صدر ترکه اصفهانی، تهران، ۱۳۲۱ش

اثر مشترك شمس الدين محمد بن مكى شهيد اول فقيه و زين الدين بن على شهيد ثانى ،
الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدمشقيّة معروف به شرح لمعه، انتشارات دارالعالم الاسلامي،
بيروت

-----، البيان، چاپ محمد حسون، قم ۱۴۱۲

-----، الدروس الشرعيّة في فقه الامامية، قم، ۱۴۱۴ث

-----، ذكرى الشيعة في احكام الشريعة، قم

-----، غاية المراد في شرح نكت الارشاد، قم، ۱۴۲۱ق

زين الدين بن على شهيد ثانى، رسائل الشهيد الثانى، قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ش.

-----، الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدمشقيّة، محمد كلانتر، بيروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳

جعفر شهيدى، ترجمه نهج البلاغه، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، تهران، ۱۳۷۶ش

شوقى اسماعيل شحاته، التطبيق المعاصر للزكاة، دارالشروق، جدّه، ۱۳۹۷ق.

محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احاديث سيد الاخبار، مصر: شرکه

مکتبه و مطبعه مصطفى البابی الحلبي، بی تا، چاپ افسست بیروت

_____، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، تحقیق حسین بن عبدالله العمری،

دار الفکر، دمشق، ۱۹۹۸ م

محمد شیبانی، کتاب عشر و خراج

احمد شیبانی، المسند، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق

عزالدین ابوالحسن علی ابن ابی الکرّم الشیبانی، ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، دارالفکر،

بیروت، ۱۳۹۸ق

ابوبکر احمد بن عمر بن مهیر الشیبانی الخصّاف، الخراج، الکتاب الوافی بالوفیات،

الصفدی

الشیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا

ذکاوتی قراگزلو، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۴ش

محمد شیخ الاسلام، فلسفه و ارکان و شرایط نماز و روزه و زکات، انتشارات کردستان،

۱۳۷۷ش.

جعفر شیخ الاسلامی، زکات رمز همبستگیهای اجتماعی و عامل پیشرفت اسلام، نشر

اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ه ش.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر

غفاری، چاپ دوم، منشورات جامعه المدرسین، قم، ۱۳۶۳ش

محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت،

۱۴۰۱ق

_____ الفهرست، چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۸۰ش

_____ کتاب الخلاف، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷ق

_____ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، چاپ محمد تقی کشفی، تهران ۱۳۸۷ش

_____ النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت ۱۴۰۰ق

ابی جعفر محمد ابن یعقوب ابن اسحاق کلینی الرازی، اصول کافی، ترجمه و شرح بقلم

جواد مصطفوی، ولی عصر، تهران، ۱۳۷۵ش

مُحمَّد بن مُحمَّد بن نَعمان شیخ مُفید، المقنعه، الفرائض الشرعیه و احکام النساء، جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق

_____ الارشاد، موسسه الاعلمی مطبوعات، بیروت، ۱۳۹۹ هجری،

_____ الرساله الاولى فی الغیبه، کنگره جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق

_____ الإفصاح - الامالی - التکره باصول الفقه - المسائل العشر - المسائل العکبریه

- أوائل المقالات، کنگره جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق

عبدالله بن فضل الله شیرازی، وصاف الخصره، تحریر تاریخ وصاف، به قلم

عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲ش

ابوالحسن صادق و غزالی عیدیت، عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، ترجمه دکتر احمد

شیبانی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵ش

جواد صادقی، اسرار احکام زکات از دیدگاه قرآن و روایات معصومین، تهران، نشر فاخر،

۱۳۸۱ش.

جواد صادقی، الفقه الاسلامی، احکام زکات و فقه صدقات، ترجمه سرور دانش، نشر

محبان الحسین، تهران، ۱۳۸۱ ه ش.

سید محمد باقر صدر، اقتصادنا، جلد اول ترجمه محمد کاظم موسوی، انتشارات اسلامی،

قم، ۱۴۰۸ ق

الصفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، [بی جا، دار النشر فرانز

شنایز، ۱۴۱۱ ق.

علی صفری آق قلعه، نسخه شناخت، پژوهشنامه نسخه شناسی نسخ خطی فارسی، مرکز

پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹ش

----- نسخه شناخت، بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی، مرکز نشر

میراث مکتوب.

سید محمد ضیاء آبادی، زکات مایه ثبوت دین و عزت مؤمنین، مباحث تفسیری، بهاران،
تهران، ۱۳۸۱ ه. ش.

مرجعیت، ارغنون، سبزرویش، تهران، ۱۳۷۴ ش

هدایت الله طالقانی، زکات سرمایه فقر زدایی، نشر مؤسسه توسعه روستایی ایران، تهران،
۱۳۷۹ ه. ش.

محمد علی طباطبائی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، بیروت، ۱۴۱۴ ق

سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، چاپ افست،
بیروت ۱۴۰۴ ق

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، تاریخ نگارش ۵۳۶ هجری، زبان فارسی
مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر فراهانی، تهران، ۱۳۹۰ ش

محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک دوره کامل شانزده جلدی
چاپ انتشارات بنیاد فرهنگ، تاریخ الامم و الملوک تاریخ طبری ترجمه ابوالقاسم پاینده

عباد الله طهرانی و علی احمد ناصح، تصحیح، کتاب الغیبه، قم، ۱۴۱۱ ق

آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علینقی منزوی و احمد منزوی،

بیروت ۱۴۰۳ ق

_____ ابن آدم، کتاب الخراج، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره ۱۳۴۷ ش

_____ طبقات اعلام الشيعة، نقيب البشر في القرن الرابع عشر، مشهد ١٤٠٤ هـ

ابوجعفر محمد ابن الحسن طوسي (شيخ الطائفة)، الخلاف، قم، نشر اسلامي، ٧٤١ ق.

علي اصغر ظهيري، احكام زكات و خمس به ضميمه روش محاسبه خمس طبق نظر هشت تن از مراجع تقليد، دارالقلم، عصمت، قم، ١٣٧٨ ق.

محمدجواد عاملي، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، چاپ افست، مؤسسه آل البيت، بي تا، قم.

سيد جعفر مرتضى عاملي، سيرة النبي، ٣٥ جلد، دارالحدیث، قم، ١٤٢٦ ق

نعمت عبداللطيف مشهور، الزكاة، الاسس الشرعيه و الدور الانمائي و التوازي، بيروت، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، المعهد العاملي للفكر الاسلامي، الطبعة الاولى، ١٤١٣ ق، ١٩٩٣ م.

نعمت عبداللطيف مشهور، الزكاة، الاسس الشرعيه و الدور الانمائي و التوازي، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى، بيروت، ١٩٩٣ م.

اقاضياء عراقى، شرح تبصره المتعلمين، قم، انتشارات اسلامي.

محمد اشرف بن امير عظيم آبادى، عون المعبود، چاپ عبدالرحمان محمد عثمانى، بيروت

١٤٢١ ق

يوسف بن علي بن مطهر علامة حلي، مختلف الشيعة، قم، انتشارات تليغات اسلامي حوزة علميه.

جمال الدين ابو منصور حسن بن يوسف حلي، تذكرة الفقهاء الحديثه، مؤسسه آل البيت، بي تا، قم، ١٤٠٠ق

_____ كتاب منتهى المطلب، چاپ سنگي تبريز، ١٣٣٣ش

_____ مختلف الشيعة في احكام الشريعة، قم، ١٤٢٠ق

_____ شرح باب حادي عشر، چاپ سنگي، تهران، ١٣٧٠ق

علي بن حسين (ع)، امام چهارم، الصحيفه السجادية، چاپ محمدجواد حسيني جلالى، قم ١٣٨٠ش.

علي محمد العمارى، الزكاة و فلسفتها و احكامها، مطبعة رابطة العالم الاسلامى، مكة المكرمة، ١٤٠٢ق.

_____ الزكاة و انعكاسها في المجالين الاقتصادى و الاجتماعى، منشورات كلية

الاداب و العلوم الانسانيه، الطبعة الاولى، ١٤١٤ق، ١٩٩٤م.

علي محمد العمارى، الزكاة و فلسفتها و احكامها، مطبعة رابطة العالم الاسلامى، مكة المكرمة، ١٤٠٢ق.

عباسعلى عميد زنجاني، فقه سياسى، مؤسسه انتشارات امير كبير، تهران، ١٣٦٦ش

ابونصر محمد بن مسعود عيَّاشي، كتاب الجزية و الخراج

على غروي تبريزي، التتقيح في شرح العروة الوثقى، تقريرات درس آية الله خوئي، ج ١،

قم ١٩٩٨/١٤١٨

ابو حامد محمدغزالي ، كتاب احياء علوم ديني، چاپ بيروت

_____ كتاب الاقتصاد في الاعتقاد، قاهره، ١٩٦٤م

الغساني الملك الاشرف، المسجد المسبوك و الجوهر المحكوك في طبقات الخلفاء و

الملوك، تحقيق شاكر محمود بد المنعم، تصحيح على الخاقاني، دار التراث الاسلامي،

بيروت، ١٣٩٥ق

فاضل آبي حسن، كشف الرموز في شرح مختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به

جامعه مدرسين حوزه علميه قم

محمد بن حسن فاضل هندي، كشف اللثام، چاپ سنگي تهران، ١٢٧٤ش

منوچهر فرهنگ، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادي، البرز، تهران، ١٣٧١ش

محمد بك فريد، تاريخ الدولة العلية العثمانية، چاپ احسان حقي، بيروت، ١٩٨٨/١٤٠٨

محمد بن شاه مرتضى فيض كاشاني، الشهاب الثاقب في وجوب صلاة الجمعة العينية، قم

١٤٠١ق

_____ كتاب الوافي، چاپ ضياء الدين علامه اصفهاني، اصفهان، ١٣٧٤ش

يوسف قاسم، خلاصة احكام زكاة التجارة و الصناعة فى الفقه الاسلامى، دارالنهضة العربية، القاهرة، ١٤٠٠ ق، ١٩٨٠ م.

يوسف قاسم، خلاصة احكام زكاة التجارة و الصناعة فى الفقه الاسلامى، دارالنهضة العربية، القاهرة، ١٩٨٠ م.

القاشانى، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، تاريخ الجايثو، به اهتمام مهين همبلى، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ١٣٤٨ ش

ابوالحسن ابن احمد قاضى عبدالجبار، المغنى فى ابواب التوحيد و العدل، قاهره

نعمان بن محمد قاضى نعمان، دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام، چاپ عارف تامر، بيروت ١٩٩٥/١٤١٦.

جعفر بن قدامة بن زياد البغدادي أبو الفرج ، كتاب الخراج، الطبعة، دار الرشيد للنشر، بغداد، ١٩٨١ م

محسن قرائتى، زكات، تهران، ستاد اقامه نماز و احياء زكات، ١٣٨١ ه ش.

يوسف القرضاوى، فقه الزكاة، دراسة مقارنة لأحكامها و فلسفتها فى ضوء القرآن و السنة، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤٠١ ق، ١٩٨١ م.

عبدالكريم بن محمد رافعى قزوينى، فتح العزيز شرح الوجيز، دارالفكر، بيروت، بى تا

عبدالنبى بن محمد تقى قزوينى، تتميم امل الآمل، چاپ احمد حسينى، قم ١٤٠٧ ق

ابراهيم بن سليمان قطيفى بحراني، السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج، مؤسسة النشر

الاسلامى، قم، ١٤١٣ق

قلقشندى، احمد بن عبدالله، مآثر الانافة فى معالم الخلافة، تحقيق عبد الستار احمد

فراج، بيروت: عالم الكتب، [بى تا].

احمد بن على قلقشندى، صبح الاعشى فى صناعة الانشاء، قاهره، ١٩٢٠م

_____ مآثر الانافة فى معالم الخلافة، چاپ عبد الستار احمد فراج، كويت، ١٩٦٤م

عباس قمى، كتاب الكنى و الالقاب، صيدا، چاپ افست، بى تا، قم، ١٢٥٨ش

احمد قمى، خلاصة التواريخ، تصحيح دكتور احسان اشراقى، تهران: دانشگاه تهران،

١٣٥٩ش

كر كوش الحلى، يوسف، تاريخ الحلة، ٢ جلد، چاپ اول، قم: منشورات شريف

رضى، ١٤١٣ق.

ابويكر بن مسعود كاسانى، كتاب بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، كويته ١٩٨٩/١٤٠٩

جعفر بن خضر كاشف الغطاء، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، مكتب الاعلام

الاسلامى، قم ١٣٨٠ش.

محمد كاظم يزدى، عروة الوثقى، مؤسسه علمى، بيروت، ١٤٠٩م

عمر رضا كحاله، معجم المؤلفين، دمشق، ١٩٦١

علی بن حسین محقق کرکی، رسائل المحقق الکرکی، چاپ محمد حسون، رساله ۳. رساله

صلاة الجمعة، قم، ۱۴۱۲ق

کریم کشاورز، ترجمه کتاب اسلام در ایران، پطروشفسکی، تهران، ۱۳۵۰ش

احمدرضا کشوری، فرزندگان خوانسار، قم ۱۳۷۸ ش.

مجتبی کلباسی، زکات در اندیشه ها، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش.

کلینی، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبيب بن اسعد کوفی، رساله فی الخراج، او فقیه حنفی و

از شاگردان ابوحنیفه در استخراج «احکام فقهی در مالیات و خراج» بود.

تاریخ فقه و فقها، سمت، تهران، ۱۳۷۵ش

محمود لطیفی، «عبادت برتر و اسرار آن»، حکومت اسلامی، ۱۳۸۳ش.

آن لمینتون، دولت و حکومت در دوره ی میانه ی اسلام، ترجمه علی مرشدی زاده،

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران، ۱۳۷۹ش

حسن بن زیاد اللؤلؤی، کتاب الخراج، تاریخ نگارش های عربی، جلد ۱

مار کوپولو، سفرنامه، با مقدمه جان ماسفیلد، ترجمه حبيب الله صحیحی، بنگاه ترجمه و

نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰ش

شیخ علی المحمدی المازندرانی، القطرة فی زکوة الفطرة، تقریر: سید عبد الله الطاهری

الشیرازی، نجف، مطبعة القضاء، جمادی الاولى ۱۳۸۰ ق.

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب بصری البغدادی الماوردی، الاحکام السلطانیة و

الولايات الدینیة، تبلیغات اسلامی، قم - دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۹م

محمد بن عبدالرحمان مبارک فوری، تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت

۱۹۹۰/۱۴۱۰.

احمد مبلغی، «عناصر تأثیر گذار در وجوب تعیینی نماز جمعه در روش اخباریان، حکومت

اسلامی، سال ۹، ش ۲، ۱۳۸۳ ش

آدم متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات

امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش

علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ بکری حیانی و

صفوه سقا، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹.

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، «بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم

السلام»، ۱۱۰ جلد، اصفهان، ۱۱۰۳ ق - موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳م

محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، لوامع صاحبقرانی، المشتهر بشرح الفقیه، ج ۴، قم،

۱۳۷۴ ش

احمد محسنی گرگانی، زکات در اسلام، پیام مهدی، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.

ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلّی، شرائع الاسلام، مؤسسه الوفاء، بیروت،

۱۹۸۳

-----المختصر النافع فی فقه الإمامیة، مطبوعات دینی، قم، ۱۴۱۸ق

علی بن حسین محقق کرکی، جامع المقاصد، بیروت، موسسه آل الیبت، ۱۴۱۱ق.

محمد باقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، بیروت، ج ۱، بی تا ۱۹۷۷م

محمد حسین مخلوف، تیان فی زکاة الایمان، مصر، ۱۳۴۴ق.

مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب،

۸جلد، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹ش

محمد مدرسی زنجانی، مجمع التواریخ السلطانیة، چاپ اول، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴ش

محمد تقی مدرسی، الفقه الاسلامی، احکام زکات و فقه صدقات، ترجمه سرور دانش،

نشر محبان الحسین، تهران، ۱۳۸۱ش.

مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ایلخانان، چاپ دوم، آگاه، تبریز، ۱۳۷۰ش

الشریف المرتضی، علی بن حسین علم الهدی، رسائل الشریف المرتضی، چاپ مهدی

رجائی، قم، ۱۴۰۵ق.

مسائل الناصریات، تهران ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

على اصغر مرواريد، الزكاة - اربعة مجلدات - بيروت، لبنان، مؤسسة فقه الشيعة، الطبعة الثانية، ١٤٢٢ ق، ٢٠٠١ م.

مستوفى، حمدالله، تاريخ كزیده، به اهتمام عبدالحسين نوايى، چاپ سوم، اميركبير، تهران، ١٣٦٤ش

مسعودى، مروج الذهب (بيروت)

محمد جواد مغنيه، الفقه على المذاهب الخمسه، دارالتبار الجديد، بيروت، ١٤٢١

_____ دول الشيعة فى تاريخ، نجف، ١٩٦٥م

احمد بن محمد مقدس اردبيلى، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، چاپ

مجتبى عراقى، على پناه اشتهااردى، و حسين يزدى اصفهانى، ج ٢، قم ١٣٦٢ ش.

المقرزى، احمد بن على، السلوك لمعرفة دول الملوك، ١٢ جلد، تصحيح محمد

مصطفى زياده، مصر. مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ١٣٧٦ ق.

محمد ملكى، زكاة الاموال و كيفية أدائها فى الفقه الاسلامى، جامعة الازهر، دارالهدى،

١٤٠٩ ق، ١٩٨٩ م.

جمعه محمد ملكى، زكاة الاموال و كيفية أدائها فى الفقه الاسلامى، جامعة الازهر،

دارالهدى، ١٩٨٩ م.

حسینعلی منتظری، اندر باب اجتهاد، در باره کار آمدی فقه اسلامی در دنیای امروز،

انتشارات طرحی نو، ۱۳۸۲ش

_____ البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، تقریرات درس آیه الله بروجردی، قم

۱۳۶۲ش.

حسینعلی منتظری، کتاب الزکاة - اربعة مجلدات - قم، المركز العالمی للدرسات الاسلامیة،

الطبعة الثانية، محرم ۱۴۰۹ ق.

صلاح الدين المنجد، العبر فی اخبار من غیر، چاپ دوم، مطبعة حكومة الكويت،

الکویت،: ۱۹۴۸م

سید محمدعلی موسوی عاملی، مدارک الاحکام، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۰ق

جامع التواریخ، ۴ جلد، تصحیح محمد و مصطفی موسوی، چاپ اول، نشر البرز، تهران،

۱۳۷۳ش

حسین موسوی راد لاهیجی، زکات دومین زیربنای اقتصادی اسلام، نشر امام شناسی و آثار

الحجة، قم، ۱۳۷۹ ه ش.

علی احمدی میانجی، کتاب مکاتیب الرسول، تهران، ۱۳۶۳ش

رضا میر ابوالقاسمی بهابادی، راز تلازم نماز و زکات در قرآن، نشر برائا، یزد، ۱۳۸۱ ه ش.

میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفوی، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹ش

میرخواند، میر محمد بن سید برهان الدین خواند شاه، تاریخ روضه الصفا، ۱۰ جلد،

چاپخانه پیروز، تهران، ۱۳۳۸ش

سید محمد هادی میلانی، محاضرات فی فقه الامامیه، کتاب الزکاة، خراسان، انتشارات
دانشگاهی فردوسی.

سید محمد هادی میلانی، محاضرات فی فقه الامامیه، کتاب الزکاة، انتشارات دانشگاهی
فردوسی، خراسان.

ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو علوی، برلین ۱۳۴۱، چاپ افست تهران، بی تا

ابوعباس احمد ابن علی ابن نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعہ المشتہر به رجال

النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷ق

محمد حسین نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی،

بیروت، ۱۹۸۱م

نخجوانی، هندو شاه بن سنجر صاحبی، تجارب السلف در تواریخ خلفاء و وزرای

ایشان، تصحیح عباس اقبال، چاپ سوم، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۵۷ش

احمد نراقی، مستد الشیعہ فی احکام الشرعیہ، مؤسسہ آل البیت، قم، ۲۰۰۸م

احمد بن علی نسائی، سنن النسائی، بشرح جلال الدین سیوطی و حاشیه نورالدین بن

عبدالهادی سندی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

غلامعلی نعیم آبادی، زکات در آیینہ وحی، کیش مهر، قم، ۱۳۸۰ هـ ش.

سعید نفیسی، مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، انتشارات اساطیر، ۱۳۹۲ ش

ابن شبہ نمیری، تاریخ المدینة المنورة: اخبار المدینة النبویة، چاپ فهیم محمد شلتوت،

بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، ۱۴۰۸ ق.

میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ ق.

یحیی بن شرف نووی، روضة الطالبین و عمدة المفتین، چاپ عادل احمد عبدالموجود و

علی محمد معوض، بیروت، بی تا

_____ المجموع، شرح المہذب، دارالفکر، بیروت، بی تا

عز الدین عبد العزیز بن عمر بن فہد ہاشمی، غایۃ المرام باخبار سلطنتہ البلد الحرام،

تحقیق محمد شلتوت، چاپ اول، جامعۃ ام القری، عربستان سعودی، ۱۴۰۹ ق

رشید الدین فضل اللہ بن عماد الدولۃ ہمدانی، تاریخ مبارک غازانی، بہ اہتمام کارل یان،

مطبعۃ سٹفن اوستین، لندن، ۱۳۵۸ ش

ابو عبد الرحمن الہیثم بن عدی الثعلبی، کتاب الخراج

صدیقہ و سقمی، بضاعت فقہ، فقہ اسلام، صمدیہ، ۱۳۸۷ ش

اليافعى المكى، ابو محمد عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان و عبرة اليقظان فى معرفة ما يعتبر

من حوادث الزمان، ٤ جلد، چاپ دوم، دار الكتاب الاسلامى، مصر، ١٤١٣ق

احمد اسماعيل يحيى، الزكاة عبادة مالية و أداة اقتصادية، القاهرة، دارالمعارف.

_____ الزكاة و التكافل الاجتماعى فى الاسلام، المجمع الملكى لبحوث الحضارة

الاسلامية، مؤسسة آل البيت: ١٤١٥ق، ١٩٩٤م.

احمد اسماعيل يحيى، الزكاة عبادة مالية و أداة اقتصادية، دارالمعارف.

الزكاة و التكافل الاجتماعى فى الاسلام، المجمع الملكى لبحوث الحضارة الاسلامية،

مؤسسة آل البيت، القاهرة، ١٩٩٤م

محمد يزدى، «وظايف روحانيت»، در نقش روحانيت در نظام اسلامى، گزارشى از

دوازدهمين گردهمايى سراسرى ائمه‌ى جمعه، تهران شوراي سياستگذارى ائمه جمعه،

١٣٧٥ش

محمد مقيم بن محمدعلى يزدى، الحجّة فى وجوب صلوة الجمعة فى زمن الغيبة، چاپ

جواد مدرسى، بى تا.

کتاب شناسی

لاتین

Adam Sabra, *Poverty and Charity in Medieval Islam, Mamluk Egypt, 1250-1517*, Cambridge University press.

Abu Hamid AL-GHAZALI, *Les Secrets de l'aumône légale et du don charitable*, (kîtâb Sîr az-Zakât), Kindle Edition.

Al-Hâdi ila'l-Haqq Yahya Ibn al-Hussein, (298/911). Il fonde à Saada au Yémen, en 898 l'Imamat Zaydite, régime politico-religieux qui dure jusqu'à la révolution républicaine de 1962. *Encyclopédie of Islam*, Vol. II. Leiden 1913.

Al-Qaradawi Yusuf, *Fiqh Az Zakat: A Comparative Study: The Rules, Regulations and Philosophy of Zakat in the Light of the Quran and Sunna*, Dar Al Taqwa Ltd, 1999, p. 15-16.

AMIR-MOEZZI Mohammad Ali, M. De Cillis, D. De Smet, O. Mir-Kasimov, *L'Ésotérisme shi'ite, ses racines et ses prolongements Shi'i Esotericism*, Brepolsm, 2016.

_____, *Qu'est-ce que le shî'isme ?* Fayard, 2004.

S. Bashear, "On the Origins and Development of the Meaning of Zakat in Early Islam," *Arabica* 40, 1993.

A. Ben Shemesh, *Taxation in Islam, Yahyâ Ben Âdam's Kîtâb al-Kharâj*, Leiden E. J. Brill, 1958.

Michael Bonner, *Poverty and Charity in Middle Eastern Contexts*, State University of New York.

Bourdieu Pierre, Entwurf einer Theorie der Praxis - auf der ethnologischen Grundlage der kabyllischen Gesellschaft, Aus dem Französischen von Cordula Pialoux und Bernd Schwibs. Mit Abbildungen, Frankfurt am Main, Suhrkamp, 1976.

CALDER "Khoms in Imâmî Shî'î Jurisprudence, from the tenth to the sixteenth century A.D.", Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 45, 1982.

CALDER Norman, "Zakât in Imâmî Shî'î Jurisprudence, from the tenth to the sixteenth century A.D.", Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 44, 1981.

CORBIN Henry, Histoire de la Philosophie Islamique, Institut Français de Recherche en Iran, Edition Kavir, 1994.

COULSON Noel J., Histoire du droit islamique, PUF, Paris, 1995.

P. Crone, Slaves on Horses: The Evolution of the Islamic Polity, Cambridge University Press, 1980.

Fisher Humphrey J., Prayer and Military Activity in the History of Muslim Africa South of the Sahara, The Journal of African History, 1971).

HECK Paul L., The Construction of Knowledge in Islamic Civilization; Qudâma b. Ja'far and his Kitâb al-kharâj Wa-Sinâ'at al-Kitâba, Brill, Leiden-Boston, 2002.

Hitti Philip K., Précis d'histoire des Arabes, Traduit par M. Planiol, Reliure inconnue, 1950. Et Joseph Schacht, Zakat, Encyclopédie d'islam.

Weiss Holger, "Obligatory almsgiving : an inquiry into zakāt in the pre-colonial Bilād al-Sūdān", *Studia Orientalia / Societas Orientalis Fennica*, 96, Finnish Oriental Society : Tiedekirja, Helsinki, 2003.

SNOUCK Hurgronje, Œuvre choisies Présenter en français et en Anglais par G.-H. Bousquet et J. Schacht, E. J. Brill, Leiden, 1957, Zakat.

Ibn Khaldoun, Les Prolégomènes, 1989

E. Landau-Tasserou, "Asad from Jahiliyya to Islam," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 6,1985 et- S. Bashear, "On the Origins and Development of the Meaning of Zakat in Early Islam," *Arabica* 40, 84–113, 1993.

MADELUNG Wilferd, Religious Schools and Ethnic Movements in Medieval Islam, Variorum Reprints, London, 1985.

Mawerdi Mawerdi Abou'l-Hassan 'Ali, Les Status Gouvernementaux ou Règle de Droit Public et Administratif, Traduit et Annotés par E. FAGAN, édition de patrimoine Arabe et Islamique¹⁹⁸².

Sayed Afzal Peerzade, Readings In Islamic Fiscal Policy, Hardcover, 1996.

Singer Amy, Charity in islamic societies.

SNOUCK Hurgronje, Selected works, ed. in English and in French by G.-H. Bousquet and J. Schacht, E. J. Brill, Leiden, 1957.

M. W. Watt, Muhammad at Mecca (Oxford: Clarendon Press, 1953)• Elias Shoufani, Al-Riddah and the Muslim Conquest of Arabia, University of Toronto Press, 1973.

Weiss Holger, “Obligatory almsgiving : an inquiry into zakāt in the pre-colonial Bilād al-Sūdān”, *Studia Orientalia / Societas Orientalis Fennica*, 96, Finnish Oriental Society : Tiedekirja Helsinki, 2003 .

Farishta G. de Zayas, The Law and Philosophy of Zakat, The Islamic Social Welfar System, Edited by Al-Jadidah printing press, Damascus.

پیوست ها

ضمیمه ۱

تقییه - توریه

ابن منظور در لسان عرب، واژه تقییه را به معنای پرهیز یا پنهان کردن معنا کرده است. علمای شیعه در اصل بکارگیری تقییه اتفاق نظر دارند، اما در بیان، تقییه را با تعاریف متفاوت ولی با یک مفهوم آورده اند، مفسران، متکلمان و فقیهان تعاریفی کمابیش نزدیک یکدیگر داده و در همه این تعاریف، عنصر پنهان ساختن حق یا اظهار خلاف حق، برای دفع ضرر دینی یا دنیایی به چشم می‌خورد.

بحث تقییه در قرون نخستین هجری از مباحث متداول کلامی و فقهی بوده است. در عصر مأمون، بنا به نقل مورخان، برخی دانشمندان اسلامی به سبب تهدید و ارباب هفتمین خلیفه در زمان مأمون در سال ۲۱۸ هجری، مجبور به پذیرفتن ظاهری نظریه «مخلوق بودن قرآن» شدند که می‌توان آن را مصداق تقییه دانست.^{۳۴۰}

۳۴۰ - عزالدین علی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، عباس خلیلی، با تصحیح دکتر مهیار خلیلی، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۱۱، ص ۵۳

محمد بن نعمان شیخ مفید (۴۱۳/۱۰۲۲)، می نویسد: تقییه، پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان، به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است.^{۳۴۱} امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸/۱۱۵۳) می نویسد: تقییه این است که از ترس جان چیزی را با زبان اظهار کنی که قلب آن را پنهان کرده است.^{۳۴۲} و یا شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱/۱۸۶۴) می نویسد: تقییه به معنای نگاهداری خود از صدمه دیگری از راه ابراز موافقت با نظر او در گفتار یا رفتار مخالف حق است.^{۳۴۳}

تقییه پنهان کردن حقیقت آشکاری است که از ایمان شایسته بر آید، «کتمان حقیقت ایمانیه من غیر اهلها».^{۳۴۴}

در زبان مذهبی، این واژه جهت مخفی کردن وجه یا ظاهر عقیده یا انکار کردن آن در جایی که خطر مرگ برای جان انسان پیش می آید بکار رفته است و آن را به سه آیه از قرآن)

۳۴۱ - مفید، تصحیح الاعتقادات، ص ۱۳۷

۳۴۲ - طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۱۵۳- ۱۵۲؛ سرخسی، المبسوط، ج ۲۴، ص ۴۵؛ خویی، التتقیح، ج ۴، ص ۲۵۳؛ رشید رضا، المنار، ج ۳، ص ۲۸۰

۳۴۳ - انصاری، التقیه، ص ۳۷

344 - K.M. AL-SHAYBI, « al-Taqiyya usûluhâ wa tagawwuruhâ », *Revue de la Faculté des Lettres de l'Université d'Alexandrie* 16 (1962-1963), p. 15 (l'ensemble de l'article pp. 14-40). Cité par M. A. AMIR MOEZZI, *Journal Asiatique* 302.2, 2014, p. 41 - 438.

آیه ۲۸ سوره آل عمران، آیه ۱۰۶ سوره نحل و آیه ۲۸ سوره غافر^{۳۴۵} متناسب میکنند. به نظر میرسد اولین بار تقییه بوسیله خوارج بعمل در آمده است و از آن پس برای تمامی شعب

اسلام مشروع و لازم شناخته شده است.^{۳۴۶}

بر این اساس تقییه را به پنهان کردن مذهب خویش یا خودداری از اظهار آن در مواردی که ضرر جانی یا مالی متوجه شخص باشد می دانند.

آن گونه که عالم حنفی شمس الدین سرخسی (۱۰۹۰/۴۳۸) در کتاب مبسوط خود آورده است، تقییه از نظر فقهی یک ضرورت حیات و رخصت است.^{۳۴۷}

۳۴۵ - آیه ۱۰۶ سوره نحل: هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت]، مگر آن کس که مجبور شده، و قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.

آیه ۲۸ سوره غافر: و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت، گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید: پروردگار من خداست؟ و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست، و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید، چرا که خدا کسی را که افراطکار دروغزن باشد هدایت نمی‌کند.

346 - M.A. AMIR-MOEZZI, «Dissimulation», *Encyclopaedia of the Qur'ân J.* MacAuliffe, (ed.), Leiden, V014 I (2001), pp.320-324. Sur la pratique chez les Khirijites voir Shahrastini, *Livre des religions et des sectes*, vol. 1. trad. D. Gimaret et G. Monnot, Paris Louvain, 1986, p. 383 et 414.

347 - AL-SARAKHSI, al-Mabsut, Beyrouth, s. d., p 38-74, cité par M. A. Amir Moezzi, *Journal Asiatique* 302.2, 2014, p. 41 -438.

ابوالحسین محمدبن عبدالرحمن الملطی الشافعی (۳۷۷/۹۸۷) در کتاب التبیه و الرد علی اهل لاهواء و البدع، به ایدئولوژی و هابیها معاصر پرداخته و با گذشتن از نظریه حنبلیسم جدید ابن تیمیمه (۷۲۸/۱۳۲۷) و کتاب المنهاج النبویه او می نویسد: بدعت نویسان و جدالگرایان سنی مذهب، همه شیعیان تقییه گرا را فرقه ای دروغگو می خوانند.^{۳۴۸}

یاردن ماریوما می نویسد: «تقییه یک لفظ فقهی اسلامی است که معنای در حال تغییر آن مرتبط با وقتی است که یک مسلمان طبق شریعت مجاز است دروغ بگوید. تقییه به عنوان مفهومی که معنای آن در بین فرق، دانشمندان و حکومت های اسلامی تغییر کرده است، بی تردید یکی از الفاظ اصلی مورد استفاده جدالگرایان ضد مسلمان است.»^{۳۴۹}

348 - AL-MALATÎ, kitâb al-tanbîh wa Rad al Ahl al-Ahwae wal-Bida', ed. S. Dederling, Istanbul, 1936, p.24-25; Ibn Taymiyya, Minhâj al-sunna, s.l.s.d., vol. 1 p. 159-160.

349 - MARIUMA, YARDEN. "Taqiyya as Polemic, Law and Knowledge: Following an Islamic Legal Term through the Worlds of Islamic Scholars, Ethnographers, Polemicists and Military Men." The Muslim World 104.1-2 (2014): 89-108.

توریه

توریه از ریشه « و ر ی » به معنای پنهان کردن، پوشانیدن و افشا نکردن راز است، توریه پنهان کردن منظور و معنای اصلی و ظاهر کردن معنای غیر واقعی آن در ذهن است، به صورتی که مخاطب یا مخاطبان در دریافت واقعیت دچار اشتباه شوند. به عبارت دیگر توریه به معنای مخفی کردن نیت واقعی و نشان دادن هدفی غیر از آن نیت و یا پوشانیدن و افشا نکردن سخن اصلی است. بطور خلاصه میتوان توریه را با پنهان کردن شیئی در پشت سر شیئی دیگری تعریف کرد.^{۳۵۰}

توریه یکی از پرکاربردترین صنایع ادبی در دانش بدیع یا علم نوآوری و جلوه ای از بدایع لفظی قرآن با تاسی از منابع تفسیری فقه شیعه و فقه اهل تسنن می باشد، در منابع فقهی، توریه به عنوان یکی از راه های نجات از دروغگویی و توجه کردن سوگند دروغ می باشد، در ابواب گوناگون، آمده است.

۳۵۰- خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۳۰۱ - محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۸۹

- ۳۹۰ - مجدالدین فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۹۹

واژه توریه در قرآن نیامده، ولی در تفاسیر و منابع حدیثی و منابع فقهی، آیات متعددی از مصادیق توریه را بر شمرده، حتی برخی از احادیث را به پیامبر و امام نسبت داده اند.^{۳۵۱}

درباره "جواز" و "عدم جواز" برای بکار بردن توریه و اخلاقی بودن آن در میان علمای دین اختلاف وجود دارد. در علوم مختلف معانی متفاوتی برای واژه توریه استفاده شده است. در علوم قرآنی و به تعبیر منابع ادبی، توریه از محسنات معنوی سخن به میان می آورد، به این معنی که از معانی لفظ بهره می گیرد: دو معنا، معنای نزدیک و معنای دور. گوینده به قرینه‌ای پنهان، معنای دور را اراده می کند. هرچند ممکن است مخاطب به معنای نزدیک توجه نماید.

توریه با واژه‌هایی چون ایهام و تخیل و مغالطه و توجیه معرفی شده و اقسامی بر آن بر شمرده اند. در متون فقهی و حدیثی، کاربرد واژه معراض یا معاریض به جای توریه هم رایج بوده است و گاه تعابیری مانند «تأویل» و «تعریض» به کار گرفته شده است. باید توجه داشت که تعریض و توریه دارای وجوه متفاوتی هستند. در اصطلاح فقهی توریه عبارت از آن است

۳۵۱- سیوطی، اتمام الدرایة لقراء النقایة، ج ۱، ص ۱۳۷، به کوشش ابراهیم عجوز، بیروت - محمد خطیب قزوینی، الايضاح فی علوم البلاغة، ج ۱، ص ۴۷۷، به کوشش محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت.

که متکلم از سخن خود معنایی را جز آنچه مخاطب می‌فهمد ظاهر و اراده کند، در صورتی

که در تعریض، معنایی دور از اراده را به ذهن متبادر می‌کند. ۳۵۲

شماری از مؤلفان توریه بر این نظرند که معنای توریه: معنای «توریه عرفی» و معنای «توریه بدیعی» هر دو از معنای مراد جدی گوینده حکایت می‌کنند گرچه هر دو در یک اندازه

آشکار یا در خفا باشند. ۳۵۳

در سیره امامان شیعه توریه کردن به عنوان یکی از راه‌های عمل به تقییه در اضطرار، شناخته شده، در احادیث منقول از امامان، تقییه و توریه مایه رحمت الهی بر شیعیان و موجب حفظ و سلامت مؤمنان از شر کافران و بدکاران خوانده شده است. ۳۵۴

از جمله توریه ابتدایی، نوعی توریه‌ای است که ابتدا بدون آن که ضرورتی به دروغ گفتن یا اظهار سوگند دروغ باشد، تجویز شده است و به استناد برخی از منابع فقهی و حدیثی و با در نظر گرفتن شرایطی گفتن آن را تجویز کرده‌اند، به استناد منابعی از شهید ثانی، برخی

۳۵۲- نجفی اصفهانی، وقایه الأذهان، ص ۸۸-۹۰ - بیهقی، السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۹۹ - عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۵۹۴ - نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۳-۳۲۵ - جرجانی، کتاب التعریفات، ص ۹۷ - سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۸۳

۳۵۳- علی سیستانی، الرافد فی علم الاصول، ص ۲۳-۲۲

۳۵۴- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۳۶ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۲۸ - وج ۶۵، ص ۲۳ و ج ۳۱، ص ۵۰۳-۵۰۵ و ج ۹۷، ص ۱۳۱

از فقها توریه و برخی مصادیق آن را نوعی کذب به شمار آورده‌اند، اما گفتن این کذب را تنها به هنگام ضرورت جایز شمرده و می‌نویسند: در صورتی که شخص مضطر برای دفع آزار و ستم دیگران از جان یا مال خود یا وابستگانش باشد مجاز به کار بردن سوگند دروغ می‌باشد، فقها به استناد ادله فقهی به ویژه احادیث به جواز یا وجوب توریه قائل شده‌اند.^{۳۵۵}

توریه در منابع فقهی

در منابع فقهی، توریه به عنوان یکی از راه‌های نجات از دروغ‌گویی و سوگند دروغ، در ابواب گوناگون مطرح شده است. تاکید بر این مساله برای روشن شدن تفاوت دروغ و توریه و نیز خارج کردن توریه از موضوع دروغ آورده اند:

۳۵۵- زین‌العابدین بن علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۲۰۷ - روح الله خمینی، المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۴۷ - ۴۹

از پیامبر اسلام موارد متعددی در سیره پیامبر آمده است که ایشان توره می کرده و آنرا تجویز نموده است از جمله اینکه هنگام سفر یا جهاد او، با توره قصد خود را پنهان می کرد تا دشمنان از آن آگاه نشوند.^{۳۵۶}

پیروان پیامبر نیز توره کردن به عنوان یکی از راه‌های تقیه در موارد اضطرار را مقبول دانسته اند.^{۳۵۷} برای نمونه می توان به روایتی اشاره کرد که بر طبق آن امام صادق توره یکی از یاران خود را در برابر فردی از مخالفان که در حضور ایشان بود، تأیید کرده است.^{۳۵۸} در سخنان امامان، تقیه و توره مایه رحمت الهی بر شیعیان و موجب حفظ و سلامت مؤمنان خوانده شده است.^{۳۵۹} با توجه به کثرت وقوع توره در سخنان امامان، آنان خود بر ضرورت درایت و تأمل در احادیث، به منظور بازشناسی موارد تقیه و توره از دیگر موارد، تأکید کرده اند.^{۳۶۰}

۳۵۶- ابن اثیر، النهایه، ج ۴، ص ۱۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۱۱۷؛ نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۳

۳۵۷- مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۵۰۳-۵۰۵، ج ۹۷، ص ۱۳۱؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۶۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱

۳۵۸- تفسیر منسوب به امام عسکری، ص ۳۵۵-۳۵۶

۳۵۹- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۲۸، ج ۶۵، ص ۳۳، ج ۶۸،

۳۶۰- مجلسی، بحارالانوار، ۱، ج ۲، ص ۱۸۴

برخی از فقیهان توریه را نوعی از کذب به شمار آورده‌اند. آنان نیز توریه را مانند دروغ در هنگام ضرورت جایز دانسته‌اند.^{۳۶۱} در منابع فقهی، تصریح به جواز توریه یا وجوب آن عمدتاً در ابوابی آمده که به مباحثی چون دروغ ناشی از اضطرار از جمله سوگند دروغ و اکراه بر انجام دادن معاملات پرداخته‌اند. در صورتی که شخص در اضطرار قرار گرفت، برای دفع آزار و ستم ناگزیر به سوگند دروغ می‌شود. فقها به استناد آیات و احادیث، توریه را برای او جایز دانسته‌اند.^{۳۶۲}

نظر مشهور در فقه اسلامی این است که توریه اصولاً مصداق دروغ نیست، فقهای شیعه وجوب توریه را در حالت اضطرار تدبیری برای خروج از کذب می‌دانند، زیرا بنا بر نظر شیخ انصاری سخنی را می‌توان کذب دانست که مقصود گوینده آن با واقعیت منطبق نباشد که در توریه این چنین نیست.^{۳۶۳}

۳۶۱- غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۴۹

۳۶۲ محمد بن احمد شمس الأئمه سرخسی، کتاب المبسوط، ج ۳۰، ص ۲۱۱-۲۱۲، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶

۳۶۳ مرتضی انصاری، مکاسب، ص ۵۰ - مرتضی الانصاری، القضاء الاسلامی للشیخ، ج ۲، ص ۱۶-۱۸، چاپ حسن سلمان، بیروت، ۱۴۱۰

فقهای اهل سنت هم با استناد به حدیث «إِنَّ فِي الْمَعَارِضِ لَمَنْدُوحَةً عَنِ الْكُذْبِ، مَنْسُوبٌ بِهِ

پیامبر توریه را گشایشی برای پرهیز از کذب به شمار آورده اند. ۳۶۴

۳۶۴ شوکانی، نیل الاوطار، ج ۹، ص ۱۱۰-۱۱۱-فتح الباری، ج ۱۰، ص ۴۹۰-السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۹۹

ضمیمه ۲

کلیات نماز جمعه و امام جماعت از رسائل محقق

کرکی

کرکی در رساله خود نماز جمعه را در سه باب و یک خاتمه مورد بحث قرار داده است: در مقدمه سوم مؤلف به مسأله شرط امام معصوم یا جانشین او بودن برای امامت نماز جمعه پرداخته، و کسانی را که مدعی وجود اتفاق نظر در این امر می باشند نام برده است و سپس برخی ادله این امر (مانند احادیث و روایات) را نقل کرده است.

در باب دوم محقق کرکی به موضوعی پرداخته که علمای دین در آن اختلاف نظر داشته و دارند و بحث و جدل پیرامون آن زیاد شده و همچنان تا امروز این بحث و جدل جریان دارد، و آن موضوع حکم نماز جمعه در دوران غیبت است، او در این مورد دو نظر را ذکر کرده است: یکی مجاز بودن و دیگری غیر مجاز بودن، و سپس علمای قائل به هر دو

نظر را نام برده و دلایل آنان و نیز ردیه ها و جوابها در برابر آن دو نظر را نقل کرده و خودش
نظریه مجاز بودن نماز جمعه در زمان غیبت را پذیرفته است.

او باب سوم را به این اختصاص داده که نماز جمعه در زمان غیبت تنها با حضور فقیه جامع
الشرايط مشروع و مجاز می باشد، سپس اتفاق نظر شیعه امامیه روی این موضوع را ذکر
کرده و به بحثها و مناظره های علمی و پاسخهای آنها در این مورد پرداخته است.

کلیات نماز جمعه و امام جمعه

امام باید بالغ و عاقل و مسلمان و عادل و حلال زاده باشد و درستی نمازش برای مأموم روشن
باشد و کلمات را درست و کامل ادا کند جز اینکه بخواید به علت قواعد زبان، حرفی را
تلفظ نکند و نیز مرد باشد وقتی که مأمومین مرد یا خنثی هستند و مأموم نباشد (در حالیکه
امام است خودش به کسی اقتدا نکند). بنابراین امام جماعت شدن کودک جایز نیست، البته
برخی علما گفته اند که کودک ده ساله می تواند امامت نمازهای مستحبی را که می شود
با جماعت خواند بر عهده بگیرد. و نیز امام نباید دیوانه باشد ولی اگر موقتا دیوانه شده و
مدتی عاقل شود یعنی به صورت دوره ای عقلش را از دست بدهد و دوباره به دستش بیاورد
امامت چنین فردی مکروه است. امام نباید کافر و فاسق و گناهکار و نیز نباید حرامزاده باشد

حتی اگر مأمومین چنین باشند. شیوه اطلاع از عادل بودن امام چنانکه پیش از این گفته ایم این است که شخص ببیند افرادی عادل پشت سر این امام نماز می خوانند. مسلمان بودن و حسن ظاهر طبق درست ترین اقوال کافی نیست بلکه باید نماز را درست بخواند و مأموم اگر یقین کند که امام نماز را درست نمی خواند نمازش باطل است. زن می تواند امامت نماز جماعت برای زنان را بر عهده بگیرد. اگر امامان نماز جماعت متعدد باشند آن امامی که منتخب (مورد اطمینان) مأمومین است مقدم می باشد و در صورت اختلاف، امامی که فقیه تر یا سید است و یا با سابقه تر و در دانش اسلامی قدیم تر و مسن تر است و یا از وجهه و چهره خوبی برخوردار است اولویت یا حق تقدم دارد و انتخاب می شود. امیر در محل امارت خود (استاندار و یا فرماندار در استان و شهر خود) و مدیر در اداره خود و صاحبخانه در منزل خود به طور مطلق برای امامت نماز جماعت اولویت و حق تقدم دارند (البته معلوم است که با دارا بودن شروط ذکر شده در شرط اول برای امام از شروط ششگانه نماز جماعت):

- حد اقل دو نفر باشند مگر در نماز جمعه و نماز عید در صورت واجب بودن.
- محل ایستادن مأموم از امام جلوتر نباشد به طوریکه حتی اگر پاها جلوتر از امام باشد سر مأموم موقع سجود از امام جلوتر نباشد مگر در نماز جماعت پیرامون کعبه تا اینکه مأموم به

کعبه نزدیکتر نباشد. همچنین در نماز جماعت محل امام نباید بلندتر از حد معمول باشد ولی بر عکس آن اشکال ندارد به شرط اینکه موجب دوری بیش از حد امام از مأوم نباشد. در صورت شیب دار بودن محل اقامه نماز بلندتر بودن محل هر یک از طرفین اشکالی ندارد. مأوم باید به حد معمولی به امام نزدیک باشد یعنی فاصله شان طبق درست ترین نظرات بیش از سیصد ذراع (ساعده) اندازه گیری با دست از آرنج تا نوک انگشتان نباشد و صفوف متصل بهم باشند یعنی فاصله زیاد بینشان به وجود نیاید بطوریکه هر دو صف به هم به اندازه معمول نزدیک باشند و از هم دور نباشند.

- مأوم نیت اقتدا به امام بکند. اگر بدون نیت اقتدا بکند نمازش باطل است و باید فرادی بجا بیاورد زیرا (در صفوف نماز گزاران) مخل نماز دیگران می شود. همچنین مأوم باید بعد از امام نیت بکند و نیت همزمان هم جایز نیست. همچنین امام باید یک نفر و مشخص باشد. اگر مأوم نیت اقتدا به دو امام بکند یا به یکی از دو امام بدون مشخص کردن، نیت اقتدا بکند نماز درست نیست. ولی اگر در صورت بروز مانع، نیت اقتدا را از یک امام به امام دیگر منتقل کند اشکالی ندارد.

- مأوم باید امام را و یا مأومی را که امام را می بیند ببیند و اگر حائل و مانعی (مثلا پرده ای) بین آنها باشد به این معنی است که از نادرستی نماز همدیگر اطلاع ندارند به جز در مورد

اقتدای زن به مرد که وجود حائل (مانند پرده) بین آن دو اشکالی ندارد. رودخانه و جاده و کاخ مخصوصاً موقع نشستن و نیز تپه و تاریکی مانع به شمار نمی روند. ولی اگر امام جماعت در محراب گودی یا یک اتاقک درسته باشد بطوریکه هیچ نمازگزاری او را نبیند و یا کسی را که امام را می بیند نبینند نماز هر دو طرف باطل است.

- تناسب و همگونی بین دو نماز مأوموم و امام یعنی مثلاً نمی توان نمازهای یومیه را به نماز آیات یا نماز عید و یا بر عکس آن اقتدا کرد ولی می توان دو رکعت نماز طواف را به نمازهای یومیه اقتدا کرد و یا بر عکس آن و همچنین می توان نماز واجب را به مستحب و نماز مستحب را به نماز مستحب دیگر اقتدا کرد و نیز نمازهای واجب یومیه را می توان به هر یک از نمازهای واجب یومیه اقتدا نمود. در صورتیکه مأوموم در رکعات نماز کم بیاورد بقیه را می تواند قبل از سلام به صورت فرادی اقامه کند و یا منتظر شود که امام سلام نماز را بگوید و نماز را به پایان ببرد که دومی بهتر است و اگر زیادی آورد می تواند در بقیه نماز مأومومین به نیت نمازی دیگر اقتدا کند.

مأوموم باید در ذکرها و حرکات در پی امام باشد یعنی از امام جلو نزنند و جلو زدن از امام اگر عمدی باشد گناه است ولی نماز را باطل نمی کند مگر اینکه مأوموم قبل از اینکه امام خواندن حمد و سوره را به پایان ببرد به رکوع برود. اگر مأوموم ذکر و یا حرکتی را فراموش

کرد برگشته آن را انجام می دهد سپس امام را پی می گیرد، و اگر رکوع اضافی انجام بدهد اگر عمدی نباشد اشکالی ندارد. ظن در رابطه با انجام ذکر یا حرکت همان حکم فراموشی را دارد. اگر مأموم در انجام یک یا چند رکن از ارکان نماز عقب بماند اقتدا قطع نمی شود، خواندن بلند یا یواش حمد و سوره در نماز جماعت بر عهده امام است. قول یا نظر معروف این است که خواندن حمد و سوره توسط مأموم در هر دو حالت بلند یا یواش خواندن امام، کراهت دارد (مکروه است).

- اگر مأموم صدای امام را موقع حمد و سوره خواندن نشنود مستحب است که خودش حمد و سوره بخواند و در این صورت اگر از امام عقب ماند و امام به رکوع رفت باید دنباله آیه را رها کند و به رکوع برود و خودش را به امام در حالت رکوع برساند حتی بعد از ذکر واجب که قول درست تر همین است ولی اگر شک کند که آیا خودش را به امام در حالت رکوع رسانده و یا در حالت بلند شدن از رکوع؟ اگر خودش را به امام بعد از رکوع یا بعد از سجده رکعت اولی برساند و با او سجده کند باید موقع قیامش برای رکعت بعدی نیت دوباره بکند و اگر سجده رکعت آخر باشد باید بعد از سلام، نمازش را اعاده کند و اگر بعد از سجود باشد با اقتدا به امام تکبیر بگوید و اگر خواست در تشهد از امام تبعیت کند و اگر سجده آخر باشد بعد از سلام امام بدون از سرگیری قیام می کند ولی آنچه روشن است این

است که اگر خودش را به امام برساند بهتر است. ولی اگر تشهد اول باشد در این حالت نیز بعد از قیام، امام را پی می گیرد.

مأموم باید ترتیب نمازش را مراعات کند بطوریکه اولین اقتدایش به امام اولین رکعت نماز او به شمار می رود و در دو رکعت آخر (سوم و چهارم) مأموم در انتخاب بین خواندن تسییحات اربعه و سوره فاتحه (حمد) آزاد است ولی درست تر این است که اگر امام تسییحات اربعه می خواند او نیز تسییحات اربعه بخواند. اگر امام راضی نباشد که فرد مشخصی به او اقتدا کند آن فرد نباید به او اقتدا کند حتی اگر داخل صفوف جماعت باشد باید حمد و سوره را خودش برای خودش یواش و یا در دلش بخواند حتی اگر امام بلند بخواند. در حالت ناچاری مأموم می تواند تشهد و سلام را به حالت ایستاده بخواند.

صفوف نماز جماعت باید با انطباق شانه ها به هم در یک خط قرار بگیرد و افراد فاضل (با سوادتر) در صف اول قرار بگیرند و با فضیلت ترین (با سوادترین) فرد در سمت راست صف باشد. قرار دادن غلامان (بنده ها یا برده ها) و کودکان در صف اول مکروه است. اگر مأموم یک نفر و مرد باشد در سمت راست امام با کمی عقب تر قرار بگیرد و اگر چند نفر باشند و یا یک زن و خنثی باشد پشت سر امام قرار بگیرند. در صفوف نماز جماعت، کنیزان و افراد برهنه نباید جلوتر از زنان قرار بگیرند. اگر امام تکبیره الاحرام گفت کسی که نماز

مستحبی می خواند نمازش را قطع کند و به امام ملحق گردد و اگر امام نماز واجب می خواند مأوم نیت را به نیت مستحبی تغییر دهد و دو رکعت را به پایان ببرد. اگر وقت نماز واجب می گذرد باید نماز مستحبی را قطع کند و همانطور اگر امام نماز اصلی باشد. خواندن نماز مستحبی بعد از اقامه و موقع قیام موقعی که قد قامت الصلاة (نماز برپا شد) گفته شد مکروه است و کسی که از فوت شدن (از دست رفتن) رکوع با پیوستن به امام بیم دارد (نگران است) در همان جای خود تکبیر بگوید و اگر خواست به سجده برود و به صف پیوندد و اگر خواست می تواند در همان حالت رکوع قدم بردارد و حرکت کند ولی به شرط اینکه زیاد نباشد. محل تکبیر گفتن باید مناسب اقتدا باشد. در صورتیکه فرد نماز مستحبی را با جماعت خوانده باشد آن را به صورت فرادی اعاده کند و این در مورد هم امام و هم مأوم صدق می کند و در این صورت می توانند نیت وجوب یا استحباب بکنند. مکروه است که مأوم با اختیار خود به تنهایی ایستاده باشد در حالیکه امام خودش نشسته و مشغول دعا خواندن می باشد.

در صورت عذر داشتن و ناچاری، مأوم می تواند قبل از امام قصد فرادی (قصد خواندن انفرادی نماز) بکند و سلام دهد (نماز را به پایان ببرد) ولی اگر بدون عذر هم نیت و قصد فرادی خواندن کند جایز است زیرا نماز جماعت واجب نیست و می تواند از هر جای نماز

در ادامه قسمت گذشته که با جماعت خوانده است قصد فرادی بکند. اگر قبل از خواندن حمد و سوره قصد فرادی بکند باید خودش آن را بخواند و اگر بعد از خوانده شدن حمد و سوره باشد به همان قرائت امام اکتفا کند و یا اگر وسط خواندن حمد و سوره قصد فرادی بکند واجب است که از اول بخواند.

در جایز بودن اقتدا به کسی که مأوم می داند در لباس یا بدن او نجاستی هست تردید و اختلاف وجود دارد ولی درست ترین نظر ممانعت او از نماز خواندن است. اگر مأوم زن فهمید که موی سر امام زن موقع نماز بیرون آمده یعنی چادرش از سرش کنار رفته است می تواند به او اقتدا کند.

به جز به علت عذر عمومی یا خصوصی مانند آمدن باران و بیماری خوب نیست که فرد صفوف نماز جماعت را ترک کند و در اینگونه موارد یعنی باران و بیماری نیز بهتر است که نماز را در منزلش به جماعت برگزار کند. مستحب است اگر امید این را دارد که عذرش برطرف بشود نماز را به تأخیر بیندازد تا عذرش برطرف شده و به جماعت برسد. اگر برای امام وسط نماز یکی از موارد باطل کننده وضو روی داد مانند بیرون آمدن باد شکم یا ادرار باید نماز را قطع کند و کس دیگری را جایگزین خودش بسازد اگر این کار را نکرد یا

وسط نماز، امام جماعت دیوانه شد یا مُرد، یک فرد مورد اطمینان باید جانشین او بشود و این جانشین باید نماز را از همانجا که امام مانده بود حتی از وسط حمد و سوره ادامه دهد.

نماز جمعه دو رکعت است که به جای نماز ظهر برگزار می شود یعنی با خواندن آن نماز ظهر از عهده نمازگزاران جمعه ساقط می شود و علاوه بر شروط نمازهای روزانه،

این نماز شروط دیگری نیز دارد:

امام باید عادل باشد.

امام و کسیکه او را به امامت نصب کرده باید عادل باشند و شکی در شروط امامت که پیش از این گفته شد وجود ندارد. در زمان غیبت امام زمان نماز جمعه به شرط فراهم بودن امنیت و وجود نائب امام زمان که مجتهد جامع الشرایط است برگزار می شود. نیت وجوب می کنند ولی این حتمی نیست و در مورد وجوب آن و نیز جایگزینی آن با نماز ظهر اختلاف وجود دارد و برخی علما می گویند که بایستی نماز ظهر به طور جداگانه خوانده شود. اگر امام جمعه وسط نماز بمیرد اقتدا باطل نمی شود و در این صورت کسی که دارای بقیه شرایط

امامت جمعه است جلو می رود و نماز را تمام می کند و در این صورت نماز جمعه های دیگر تنها با جانشینی (جایگزینی) برای امام اصلی، نماز شرعی می شود.

وقت نماز

وقت فضیلت نماز جمعه ظهر است اگر کسی از خانه اش خارج شد و به نماز نرسید باید نماز ظهر را بخواند و اگر تردید کند که می رسد یا نه نماز ظهر را اقامه کند حتی اگر به یک رکعت نماز جمعه برسد و اگر با علم یا ظن به قول و نظر معروف و با شروط نماز جمعه به آن رسید و شروع کرد و خطبه ها را هم گوش داد نماز ظهری که خوانده باطل است و الا اگر نرسد باید نماز ظهر را دوباره کند.

تعداد شرکت کننده

افراد نماز جمعه باید با خود امام جمعه حد اقل ۵ نفر باشند که این شرط در شروع نماز می باشد و نه تا آخر آن که اگر بعد از تکبیره الاحرام، نماز گزاران پراکنده شدند حتی اگر جز یک نفر باقی نماند نماز جمعه باطل نمی شود، ولی اگر پراکندگی قبل از تکبیره الاحرام صورت بگیرد (یعنی تعداد کمتر از پنج نفر شود) نماز ساقط می شود. اگر پراکنده شدگان

برگردند قسمت واجب خطبه که آنها نشنیده اند باید دوباره ایراد بشود. نماز جمعه حتما با شرکت مرد مکلف مسلمان و با بنده در صورت آزاد شدن ولی با اجازه ارباب سابقش درست و صحیح می باشد ولی در مورد شرکت مسافری که نمازش قصر است تردید و اختلاف وجود دارد که نزدیکترین نظرات به واقعیت این است که با شرکت چنین مسافری نیز نماز صحیح می باشد ولی اگر نماز را تمام می خواند نماز جمعه بر او واجب می شود و همینطور در مورد کسی که در سفر مرتکب معصیت می شود. اما در مورد شخص نابینا و معلولی که قادر به حرکت نیست و بیماری که اگر در نماز جمعه حاضر بشود بیماریش شدت می یابد یا برای او بسیار دشوار است و کسی که محل برگزاری نماز جمعه بیش از دو فرسخ از محل اقامت او فاصله دارد و کسی که مشغول دفن و کفن مرده یا رسیدگی به یک بیمار می باشد و کسی که خطر جانی یا مالی او را تهدید می کند و کسی که به حق یا ناحق در زندان است تنها موقعی نماز جمعه بر آنها واجب می شود و یا نمازشان صحیح است که قبل از نماز ظهر حضور یابند به جز بیماری که در صورت انتظار بیماریش تشدید می شود.

دو خطبه نماز جمعه

خطبه های نماز جمعه بعد از فرارسیدن ظهر و قبل از برگزاری نماز ایراد می شود و بایستی با اطمینان از توانایی اقدام به آن کرد و هر یک از خطبه ها شامل گفتن الحمد لله و درود بر پیامبر و خاندانش و پند و اندرز هر طور که خطیب بخواهد و خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه با معنی و جملات کامل و درود بر ائمه مسلمانان می باشد. خطیب جمعه باید بین دو خطبه کمی بنشیند و صدایش را به قدری بلند کند که همه تعداد حاضران آن را بشنوند. طهارت موقع استماع خطبه ها احتیاط واجب است و نیز واجب است که به خطبه ها گوش داده بشود و صحبت کردن در هنگامی که خطیب خطبه می خواند (سخنرانی ویژه نماز جمعه را ایراد می کند) حرام (گناه) است هر چند که نماز را باطل نمی کند. جایز است که خطیب (سخنران ویژه نماز جمعه) شخص دیگری غیر از امام جمعه باشد و در اینکه او باید عادل باشد نظرات متفاوتی وجود دارد.

مستحب است که خطیب نماز جمعه بلاغت (رسانی سخن) داشته باشد و در آنچه به آن امر می کند منصف (با انصاف و عدالت) باشد و جامه یمنی بر تن کند و بر چیزی هر چند یک عصا تکیه نماید و اول سلام بدهد که اینجا بر نمازگزاران واجب است که جواب سلام او را بدهند و قبل از ایراد خطبه بنشینند تا مؤذنها از گفتن اذان فراغت یابند.

جماعت یا فرادا

فرادا (تکی) خواندن نماز جمعه صحیح نیست و نیت امام و مأوم مبنی بر اینکه نماز جمعه می خوانند شرط واجب است. اگر مأوم به امام موقع رکوع رکعت دوم برسد به نماز جمعه رسیده است ولی باید بعد از تمام شدن نماز آن را کامل کند (بقیه اش را فرادی یعنی تکی بخواند). اگر شك کند که آیا به امام موقع رکوع رسیده است یا نه؟ او دیگر نماز را با جماعت (نماز جمعه را) نخوانده است.

محل نماز جمعه

بین دو نماز جمعه باید یک فرسخ فاصله باشد و این امری است که مورد تحقیق قرار گرفته و حتمی است لذا اگر قصر خوانده شود باطل است هر چند به حرام نزدیک باشد که در آن وقت باید آن نماز جمعه را در روز جمعه بعدی اعاده کنند و همراه با آن نماز جمعه قبلی، باید همگی نماز ظهر را بخوانند و برخی علما هم انجام این نماز را به صورت فرادی (تکی)

یا با امامی غیر از امام جمعه لازم دانسته اند و در مورد اینکه همراه نماز جمعه قبل از نماز باید نماز ظهر هم خوانده شود اختلاف وجود دارد.

در نماز جمعه مستحب است که حمد و سوره بلند خوانده شود و در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین خوانده شود. اذان دوم (اقامه) از لحاظ زمان حرام است و نیز مسافرت قبل از نماز جمعه بعد از وجوبش حرام می باشد. همچنین خرید و فروش و کارهای مانند آن بعد از اذان نماز جمعه حرام است و اگر نماز یکی از طرفین معامله (خرید و فروش و...) ساقط (فوت) شد و طرف دیگر خودش را به نماز رساند نماز دومی صحیح است. نماز گزار جمعه مستحب مؤکد است که از طلوع فجر جمعه تا موقع اذان ظهر غسل کند که این غسل ادا (در وقت اصلی) است ولی اگر انجام نداد تا آخر روز شنبه می تواند قضای آن غسل را به جا بیاورد، و کسی که نگران بی آبی است (یعنی فکر می کند روز جمعه ممکن است آب پیدا نکند) می تواند اول صبح پنجشنبه غسل کند.

کسی که به علت فشار جمعیت نتوانست سجده اولی را به جا بیاورد اگر نتوانست بعد از قیام امام به ادامه نماز برسد در رکعت دوم با او سجده می کند و نیت اولی را می کند نه دومی را زیرا در این صورت نمازش باطل است. اگر فراموش کرد دو قول وجود دارد که قوی تر آن دو این است که نمازش صحیح است. ولی اگر بعد از قیام امام نتوانست دو سجده را به

جا بیاورد سپس بلند شد و دید امام به رکوع رکعت دوم رفته است می نشیند تا امام نماز را تمام کند که او در این صورت می تواند نمازش را افرادی به اتمام برساند و بر هر دو نظر نماز جمعه او درست و کامل است.

به زعم اهل سنت: نماز جمعه یک اصل سیاسی فقهی و اطاعت از حاکم نیست؟ مردم باید در نماز جمعه بدون مشکل نظر خود را بیان کنند!

از ابن بابویه نیز نقل شده است که: «هر کس سه نماز جمعه را پشت سر هم و بدون عذر ترک کند منافق است.»^{۳۶۵}

از امام رضا نقل شده که فرمود: «نماز جماعت از نماز فرادا در مسجد کوفه برتر است.»^{۳۶۶}
به علاوه احادیث و روایاتی زیاد در مورد برتری نماز جماعت که می توان آن را در بیابان نیز برگزار کرد ولی بدون شک مسجد بهتر است.

۳۶۵ من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۴۵.

۳۶۶ من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۴۵.

ضمیمه ۳

نماز عید فطر و قربان

نماز عید فطر و قربان نیز با همان شروط نماز جمعه و بر آنکس که نماز جمعه واجب است واجب می شوند و از عهده کسی ساقط می شوند که نماز جمعه از عهده اش ساقط می شود. در صورت نامناسب بودن شرایط مستحب می شوند و می توان آنها را با جماعت و یا فرادا (یک نفره) خواند. خطبه های نماز عید فطر و قربان بعد از خواندن نماز خوانده می شوند. مستحب (بهتر) است در خطبه نماز فطر احکام مربوط به زکات فطره دادن و در خطبه نماز عید قربان احکام مربوط به قربانی کردن گفته شود. احتیاط بیشتر آن است که خطبه های این نمازها به حالت ایستاده ایراد شوند. امام نماز عید فطر و قربان نیز باید مانند امام جمعه یک نفر باشد و یک نماز برگزار شود مگر در شرایط مستحبی بودن آن دو نماز برای یکی از دو گروه (دو گروه از افراد باشند که شرایط یکی اقتضای وجوب این نمازها و شرایط گروهی دیگر اقتضای مستحب بودن آنها را دارد). وقت نماز عید فطر و قربان از طلوع آفتاب تا اذان ظهر می باشد و بعد از وجوب آن (در شرایط واجب بودن آن نماز) مسافرت حرام است. این نماز نیز مانند نماز جمعه دو رکعت می باشد با این تفاوت که در رکعت اول آن بعد از خواندن حمد و سوره پنج تکبیر و در رکعت دوم آن بعد از خواندن حمد و

سوره چهار تکبیر گفته می شود و واجب است بعد از هر تکبیر قنوت گرفته شود که متن مشخص واجب برای خواندن در قنوتها وجود ندارد و اختیاری است ولی متن وارد شده از طریق روایات و احادیث بهتر است. قبل از شروع این نماز و نیز نماز جمعه، به غیر از آنچه گفته شد مؤذن سه بار می گوید الصلاة (نماز).

نماز عید فطر و قربان مستحب است که در بیابان خوانده شود، از امام رضا نقل شده که فرمود: «نماز جماعت از نماز فرادی در مسجد کوفه برتر است».^{۳۶۷} احادیث و روایاتی فراوانی نیز در مورد برتری نماز جماعت که می توان آن را در بیابان برگزار کرد آمده است. مستحب است که امام با آرامش و وقار و با پای برهنه و پیاده برای انجام امامت این نماز برود. همچنین مستحب است در رکعت اول سورة الأعلى و در رکعت دوم سورة الشمس خوانده شود. غسل کردن و نظافت و عطر زدن و پوشیدن لباس شیک و شیرینی خوردن قبل از حرکت برای نماز عید فطر و خوردن گوشت قربانی بعد از بازگشت از نماز عید قربان مستحب می باشند.

همچنین تکبیر گفتن در عید فطر بعد از چهار نماز به ترتیب نمازهای مغرب و عشاء شب عید فطر و نمازهای صبح و ظهر روز عید فطر به این صورت: سه بار الله اکبر و سپس لا إله

۳۶۷ - من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۴۵.

إلا الله والله أكبر، الحمد لله على ما هدانا، وله الشكر على ما أولانا (الله بزرگتر است ... خدایی جز الله نیست و الله بزرگتر است، شکر خداوند را به علت آنچه ما را به آن هدایت کرد و سپاس او را باد به علت اینکه ما را با آن برتری بخشید).

در عید قربان به قولی برای کسی که در منی مشغول اعمال حج می باشد بعد از پانزده نماز و برای غیر او بعد از ده نماز با شروع از ظهر عید قربان مستحب است که متن تکبیر فوق خوانده شود با اضافه کردن عبارت زیر: **ورزقنا من بهیمة الأنعام** (به ما حیوانات گوشتی را روزی داد). اگر عید فطر یا عید قربان به روز جمعه بیفتند کسی که نماز عید خوانده مختار است که در نماز جمعه نیز حضور یابد اعم از اینکه روستایی باشد یا شهری. ولی امام باید در چنین موقعی در نماز جمعه حضور یابد و اگر تکبیر یا قسمتی از آن را فراموش کرد و یا تکبیر را در غیر جای آن گفت باید سجده سهو به جا بیاورد.

نماز استیجاری، نماز وتر

نماز اجاره ای

نماز استیجاری نمازی واجب یا مستحبی است که در برابر گرفتن مبلغی، به نیابت از دیگری خوانده می‌شود. اگر کسی بدون گرفتن هزینه برای فرد دیگر نماز بخواند به این نماز، نماز نیابتی گفته می‌شود. در ادبیات فقهی، به کسی که نماز را به جای دیگری به جا می‌آورد «اجیر» یا «نائب» و فردی که نماز به نیابت از او انجام می‌شود، «منوب عنه» گفته می‌شود.^{۳۶۸}

این نماز، نمازی است که با اجیر کردن شخص دیگری بجای فردی که نمازهای خود را نخوانده، نماز می‌خواند. سفارش دهنده نماز با تنظیم قرار دادی باید اجرت فرد اجیر شده را پردازد، میزان پرداخت بستگی به توان طرفین دارد.

شخص اجیر شده باید عادل باشد. وجود داشتن ویژگی‌هایی مانند عدم توانایی به قیام (ایستادن) یا عدم توانایی ذکر و قرائت در شخص اجیر شده، این نماز ناقص است.

۳۶۸ - سیستانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۸۸۷ - توضیح المسائل مراجع - احکام نماز استیجاری

فقیهان از نماز استیجاری و احکام آن در باب‌های طهارت، ۳۶۹، صلاه، ۳۷۰، خمس ۳۷۱ و اجاره ۳۷۲ سخن گفته‌اند. بر پایه فقه شیعه، نماز استیجاری به نیابت از شخص زنده صحیح نیست. ۳۷۳ گفته شده که ابن متوَّج، نیابت استیجاری در نماز مستحبی برای زندگان را جایز می‌دانت. ۳۷۴

نماز وتر

نماز وتر آخرین نماز یک رکعتی از یازده رکعت نماز شب است. ۳۷۵

-
- ۳۶۹ - حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۸۷.
- ۳۷۰ - شهید اول، اللمعة الدمشقیه، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳؛ بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱۱، ص ۴۴؛ نراقی، مستند الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۰.
- ۳۷۱ - کاشانی، منتقد المنافع، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۸.
- ۳۷۲ - رشتی، کتاب الاجاره، ۱۳۱۱ق، ص ۲۷۱؛ عاملی، مفتاح الکرامه، داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۱۶۴.
- ۳۷۳ - سید یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۴۳.
- ۳۷۴ - عاملی، مفتاح الکرامه، داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۱۶۴؛ ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۵۱۱-۵۱۲.
- ۳۷۵ - صدوق، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۴۸۹.

ضمیمه ۴

خلاصه بر داری از جنبش رساله شناسی^{۳۷۶}

نماز جمعه

نویسنده	ملقب	فوت تاریخ هجری	نام و ناشر رساله	خلاصه نظریه نویسنده
محمد ابن منصور	ابن ادريس حلی	۵۹۸	کتاب الجمعة	اقوی نزد من مذهب شیخ طوسی است، به سبب آن دلایلی که بر تحریم آن استدلال نموده است از اجماع اهل اعصار و امصار

^{۳۷۶} - بر گرفته از منابع: آقا بزرگ تهرانی، الذریه؛ - انصاری، استاد: هزار کتاب و رساله پیرامون نماز جمعه

؛ - رسول جعفریان، دوازده رساله فقهی در باره نماز جمعه؛ - انصاریان و ...:

و نزد ما به اتفاق ما که خلافی در میان ایشان نیست، شرط صحّت جمعه، امام است یا نایبی که برای آن تعیین نماید.				
شیخ طوسی در باب امر به معروف نهاییه تصریح بخصوص نماز جمعه کرده	کتاب الجمعة و العیدین	۲۷۹	ابن زهیر	ابن ابی خیثمه احمد
و جوب تخییری نماز جمعه از علمای عرب مقیم دربار صفوی بود	رساله در وجوب تخییری نماز جمعه - کتابخانه آستان قدس رضوی	۵۲۷	ابن سلامه	احمد
اثبات وجوب تخییری نماز جمعه	رساله فی صلاة الجمعه	۱۳۵۸	احسائی	سید ناصر بن سید

				هاشم موسوی
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۰۸۳	احمد تونی	امین بن احمد
اثبات حرمت اقامه نماز جمعه	رسالة صلاة جمعه کتابخانه آیه الله گلپایگانی	۱۱۹۰	اردستانی	محمد جعفر بن علی
ترجمه از کتاب جواهر الکلام	موضوع نماز جمعه و عیدین چاپخانه شفق	۱۳۶۸	اردوبادی	مترجم، عبد المطلب
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	نماز جمعه ۱۳۲۸ در تهران	۱۳۲۸	اردهالی	محمد حسین محمدی

اثبات وجوب عینی نماز جمعه و اثبات عدم حرمت نماز جمعه	رسالة فی وجوب صلاة الجمعة	۱۱۲۲	استرآبادی	سید محمد تقی بن ابی الحسن حسینی
	رسالة فی صلاة الجمعة و اختیار الوجوب العینی	ناروشن	استرآبادی	عبد العظیم بن عباس
این کتاب، همانگونه که از نامش به دست می آید، مجموعه روایاتی است که درباره نماز جمعه و عیدین در مصادر سنی و شیعه آمده است.	صلاة الجمعة و الجمعة و العیدین	۳۰۰	اشعری	احمد ابن موسی
	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۳۵۴	اصطهباناتی	میرزا احمد بن ابو

				الحسن، محقق لاری
روشن نیست	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۲۲۷	اعرجی کاظمی	سید محسن بن حسن
شرح حالی که برای پدرش نگاشته، او مانند پدرش قاتل به حرمت اقامه جمعه، بلکه موضعش شدیدتر از پدرش بود. در این باره رساله بلندی دارد	رسالة فی وجوب صلاة الجمعة	۱۱۲۹	افندی	میرزا عبد الله
وی معتقد به اشتراط اذن امام برای اقامه نماز جمعه در زمان غیبت شده اثبات وجوب عینی نماز جمعه	كشف المقنعة عن وجوب الجمعة مروارید غلطان برای جمعه گزاران	۱۳۲۸	آیه اللهی	سید محمد جواد

سید علی اکبر موسوی	آیت اللهی	۱۳۷۹	منهاج الشرعۃ فی صلاة الجمعة قم، مؤسسة اصفیاء	روشن نیست
محمد نصیر	بارفروشی	۱۱۶۰	مرآة المصلین و مشکاة المستدکین کتابخانه آیه الله مرعشی	گردآوری متون حدیثی بر عینیت نماز جمعه
شیخ علی بن شیخ محمد بن احمد	بحرانی	۱۰۶۴	رسالة فی صلاة الجمعة و وجوبها عینا	برادرزاده شیخ یوسف بحرانی
احمد بن محمد بن یوسف	بحرانی	۱۱۰۲	رسالة فی صلاة الجمعة و القول بوجوبها	اثبات وجوب عینی نماز جمعه

رسالة خود را در ردّ بر شیخ سلیمان شاخوری نوشته است				
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	رسالة فی وجوب صلاة الجمعة عینا کتابخانه ملی فارس	۱۱۰۷	بهرانی	سید هاشم بن سلیمان
وجوب عینی	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۱۲۱	بهرانی	سلیمان بن عبد الله ماحوزی
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	الخطب للجمعات و الاعیاد روضات الجنات، ۲۰۵ / ۸	۱۱۸۶	بهرانی	شیخ یوسف صاحب حدائق
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	صلاة الجمعة و وجوبها	۹۹۶	بهرانی	حسین بن حسن بن

				احمد بن سليمان غريفي
مؤلف اثبات کرده که نماز جمعه واجب نیست در همان مجموعه رساله دیگری که آن برای «نواب کامیاب اشرف اعلی نایب صاحب الزمان» در رد ادله شاهد ثانی در اثبات وجوب عینی، نوشته موجود است	رساله نماز جمعه جلد ۲	۱۲۸۰	بروجردی	عبد العلی بن محمود خادم جاپلقی
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	رساله فی صلاة الجمعه	۱۲۹۸	بروجردی	مولی علی اصغر بن علی اکبر

<p>حکم نماز جمعه مسافری را که پس از «زوال» حرکت کرده، بیان کرده است</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	۱۳۵۲	بلاغی	<p>شیخ محمد جواد نجفی</p>
<p>وجوب نماز جمعه را نمی پذیرد</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعه کتابخانه مرعشی</p>	۱۲۰۵	بهبهانی	<p>مولی محمد باقر بن اکمل</p>
	<p>رسالة فی وجوب صلاة الجمعة</p>	۱۰۷۳	بیگ	<p>عیسی بیگ بن محمد صالح</p>
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة کتابخانه ملک و کتابخانه مرعشی</p>	۹۸۴	پدر شیخ بهایی	<p>حسین بن عبد الصمد</p>

اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة و وجوبها عینا	۱۰۳۶	تبریزی	مولی محمد امین
اثبات عدم وجوب عینی نماز جمعه	رساله در نماز جمعه ۲ جلد کتابخانه مجلس شورا	۱۰۸۵	تجلی	میرزا علی رضا بن کمال الدین حسین اردکانی شیرازی
اثبات وجوب عینی نماز جمعه علاوه بر مباحثی درباره نماز جمعه، روایات نماز جمعه را که در آثار شیعه و سنی همانند است، گردآوری کرده است	صلاة الجمعة و الروایات المشتركة حولها تهران، سازمان تبلیغات	۱۳۲۳	تسخیری	محمد علی

	رسالة في صلاة الجمعة	۱۰۸۳	تونى	امين بن احمد)
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رساله در صلاة جمعه	۱۳۲۹	تویسرکانی	محمد کاظم بن محمد حسین
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	نماز جمعه از سلسله بحثهای فقه سیاسی اسلام	۱۳۹۰	تهرانی	محمد صادقی
اشترای اذن امام برای اقامه نماز جمعه در زمان غیبت شده	اللمعة الساطعة فی تحقیق صلاة الجمعة و الجماعة	۱۳۷۴	جزایری	سید طیب
دلیل بر رد بر استاد و وجوب عینی	رسالة في صلاة الجمعة	۱۱۲۹	جیلانی	مولی حسین بن الحسن

شرحی بر قواعد علامه حلی است	رساله فی صلاه الجمعه دفتر تبلیغات اسلامی	۱۴۰۶	حایری	شیخ مرتضی
	الخطب للجمعات و الاعیاد روضات الجنات، ۸ / ۲۰۵	ناروشن	حدائق	صاحب
این رساله در پاسخ رساله‌ای است که در رد بر شهید ثانی نوشته شده بوده است	رساله الجمعة چاپ قم	۱۴۰۴	حر عاملی	محمد بن حسن
این رساله نقدی بر بحث نماز جمعه کشف اللثام فاضل هندی است. نویسنده	صلاه الجمعة کتابخانه آیه الله مرعشی	۸۹۴	حسینی مدنی	عبد الله

این رساله از شاگردان فاضل هندی بود				
نماز جمعه خواندن به قصد وجوب عینی، بدعت است اما احتیاط در خواندن ظهر است و اقامه جمعه با معتقدان به عینیت، شاید حرام	صلاة الجمعة	۱۱۱۶	خاتون آبادی	سید اسماعیل بن محمد
او شیخ الاسلام سپاه نادر و رساله او تعلیقه بر رساله استادش محمد رفیع گیلانی و در تحریم اقامه نماز جمعه است	رسالة فی صلاة الجمعة و دفع ظنون أوجبت وجوبها فی عصر الغیبة	۱۱۵۹	خاتون آبادی مشهدی	آقا حسین بن آقا ابراهیم
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	الجمعه، کتاب فقهی استدلالی فی	۱۳۶۹	الخالصی	شیخ محمد

	<p>وجوب صلاة الجمعه تعینا بغداد</p>			
<p>اثبات حرمت اقامه نماز جمعه فتوای وی در پایان رساله آن است که احتیاط در ترک نماز جمعه تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام است</p>	<p>صلاة الجمعة کتابخانه آیه الله مرعشی</p>	۱۱۷۳	<p>خواجوی مازندرانی</p>	<p>ملا اسماعیل محمد بن حسین</p>
<p>نفی عینیت وجوب نماز جمعه این رساله در یک نسخه برای شاه سلیمان و شاه سلطان حسین نوشته شده</p>	<p>رساله در نماز جمعه</p>	۱۱۲۲	خوانساری	آقا جمال

<p>و نشان داده است که قول به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت مطرح نبوده و شهید ثانی برای نخستین بار آن را مطرح کرده است</p>				
<p>نفی عینیت وجوب نماز جمعه این رساله در یک نسخه برای شاه سلیمان و شاه سلطان حسین نوشته شده و نشان داده است که قول به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت مطرح نبوده و شهید ثانی برای نخستین بار آن را مطرح کرده است</p>	<p>رساله در نماز جمعه</p>	<p>۱۱۲۲</p>	<p>خوانساری</p>	<p>آقا جمال</p>

اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة و عینتها فی زمن الغیبة	۱۱۵۸	خوانساری	ابوالقاسم جعفر بن حسین
وجوب عینی	رسالة فی صلاة الجمعة و عینتها فی زمن الغیبة	۱۲۴۰	خوانساری	جعفر بن حسین بن موسوی
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	كشف الریبه فی حكم صلاة الجمعة فی زمن او حال الغیبة	۱۳۴۶	خوانساری	سید ابو تراب
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة	۸۹۸	دزفولی	شیخ حیدر ا بن مولی محمد
روشن نیست	رسالة فی صلاة الجمعه	۱۳۱۲	دلدار	سید علی محمد بن

				سید محمد بن دلدار علی
نصر الله شمس الهدی این رساله در سال ۱۳۳۱ شمسی در تهران به چاپ رسیده است	رساله فی صلاة الجمعة عظیم آباد هند تألیف شده	۱۲۶۰	دهلوی	حسن بن امان الله عظیم آبادی
عدم وجوب اقامه نماز جمعه	رساله فی صلاة الجمعة و القول بعدم وجوبها	۱۳۰۰	رضوی	سید ابو الحسن بن محمد
اثبات وجوب عینی نماز جمعه وی در آنجا عقیده استادش محمد بن حسن بن رجب مقابی را نیز همین دانسته است	رساله فی صلاة الجمعة	۱۰۶۴	زین الدین	زین الدین علی بن سلیمان بن درویش

اثبات وجوب عینی نماز جمعه	جمعه من مسائل الجمعه کتابخانه آیه الله مرعشی	۱۰۴۹	ساروی	سید مرتضی بن محمد
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رساله فی صلاه الجمعه	۱۰۴۰	ساوجی	نظام الدین محمد بن حسین قریشی
سالها خود و اعقابش منصب امامت جمعه اصفهان را داشتند فاضل تونی رساله ای رد آن نگاشته	صلاه الجمعه کتابخانه ملک کتابخانه آستان قدس رضوی	۱۰۹۰	سبزواری	ملا محمد باقر بن محمد مؤمن معروف به محقق خراسانی

<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p> <p>یکی از رساله‌های او در این زمینه، رساله‌ای که در رد بر مولا علی رضای تجلی شیرازی (م ۱۰۸۵) و فاضل تونی نوشته و ادله آنان را دائر بر حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت، رد کرده است</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة سه جلد کتابخانه آستان قدس</p>	<p>۱۱۲۴</p>	<p>سراب</p>	<p>محمد بن عبد الفتاح تنکابنی</p>
<p>وجوب تخییری از علمای عرب مقیم دربار صفوی</p>	<p>رساله در وجوب تخییری نماز جمعه کتابخانه آستان قدس رضوی</p>	<p>ناروشن</p>	<p>سلامه</p>	<p>احمد بن</p>
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>القائمة للبدعة فی ترك صلاة الجمعة</p>	<p>۱۱۳۵</p>	<p>سماهیجی</p>	<p>عبد الله بن صالح</p>

	سه جلد کتابخانه آیه الله مرعشی			
وجوب عینی	القامعة للبدعة فی ترك صلاة الجمعة سه جلد کتابخانه آیه الله مرعشی	۱۱۳۵	سماهیجی	عبد الله بن صالح
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	ضیاء اللمعة فی صلاة الجمعة	۱۳۶۰	شاهچراغی	سید محمد حسین موسوی
این رساله حاشیه‌ای است به صورت استدلالی با عناوین مختلف بر رساله نماز جمعه ملا محمد رفیع گیلانی.	صلاة الجمعة کتابخانه آستان قدس	۱۲۳۳	شریف	محمد حسین بن محمد ابراهیم

<p>اثبات تحریم اقامه جمعه</p> <p>بحثی درباره روایت عمر بن حنظله</p> <p>وی کوشیده با ارائه شروط اقامه جمعه، اهمیت امامت جمعه را مهمتر از منصب قضا و افتاء قلمداد کند</p>	<p>اللمعة فی تحقیق صلاة الجمعة</p> <p>کتابخانه آیه الله مرعشی</p>	۱۰۱۹	شوشتری	قاضی نور الله
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p> <p>او استاد آخوند ملا محمد تقی مجلسی بوده</p>	<p>رساله در نماز جمعه</p>	۱۰۲۱	شوشتری	ملا عبد الله بن حسین
<p>اثبات حرمت اقامه نماز جمعه</p>	<p>صلاة الجمعة در آستان قدس</p>	۱۰۷۵	شوشتری	حسن علی بن عبد الله
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>صلاة الجمعة</p>	۱۱۰۰	شوشتری	مولی عوض

اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۳۶۵	شهابی	میرزا محمود
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رساله در نماز جمعه مجله هفتگی نور دانش سال ۲۷ ش ۴۲	۱۳۸۶	شهرستانی	سید هبه الدین
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	۱- صلاة الجمعة ۲- الحثّ علی صلاة الجمعة ۳- رسالة فی آداب الجمعة انتشارات اسلامی در قم	۹۶۵	شهید ثانی	زین الدین عاملی
واجب بودن نماز جمعه مشروط به وجود امام عادل	کتاب الجمعة و الجماعة	۳۸۱	شیخ صدوق	ابوجعفر محمد ابن

که مراد امام معصوم است می باشد.				علی ابن بابویه قمی
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	ایقاظ ההجعة لصلاة الجمعة	۱۳۶۸	شیرازی	سید محمد جواد آیه اللهی دارابی
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	رسالة فی وجوب صلاة الجمعة	۱۰۷۳	صالح بیک	عیسی بیک بن محمد
عدم وجوب عینی اقامه نماز جمعه	رساله در عدم عینیت نماز جمعه	۱۰۸۰	طباطبائی نائینی	ملا محمد رفیع
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	تحقیق الحق جلاء الشبهات فی وجوب الجمعة	۱۳۷۳	عاشور	مولی محمد بن

<p>و جوب نماز جمعه</p> <p>مفتی عصر شاه طهماسب</p>	<p>رسالة صلاة الجمعة</p> <p>و القول بالوجوب</p> <p>العيني في غاية</p> <p>البسط</p>	<p>۱۳۴۱</p>	<p>عاملي</p>	<p>سيد حسن</p>
<p>روشن نيست</p>	<p>رسالة في صلاة</p> <p>الجمعة</p> <p>مطبعة الغرى نجف</p>	<p>۱۳۶۰</p>	<p>عراقي</p>	<p>شيخ عبد</p> <p>النبي نجفي</p>
<p>از شاگردان سيد كاظم</p> <p>رشتي</p>	<p>رسالة في صلاة</p> <p>الجمعة</p> <p>در عظيم آباد هند</p> <p>تأليف و در سال</p> <p>۱۳۳۱ شمسي در</p> <p>تهران به چاپ</p> <p>رسیده</p>	<p>۱۲۶۰</p>	<p>عظيم آبادي</p>	<p>حسن بن</p> <p>امان الله</p> <p>دهلوی</p>

<p>اثبات نفی وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>تبصرة المجتهدين فی استظهار استار حجب اليقين کتابخانه مرعشی</p>	<p>۱۱۲۱</p>	<p>علوی</p>	<p>سید عبد الحسیب بن احمد</p>
<p>مجموعه خطبه‌های مؤلف است</p>	<p>جمعه یا قیام توحیدی هفته در اصفهان</p>	<p>۱۳۵۸</p>	<p>غروی</p>	<p>سید محمد جواد موسوی</p>
<p>اثبات نفی عینیت نماز جمعه فاضل تونی در آغاز رساله خود که آن را به عربی نوشته، آورده است که جمعی از معاصران، سخنی تازه ساز کرده و بدعتی آورده، گویند، وجوب عینی نماز جمعه نه مشروط به وجود امام است و نه فقیه</p>	<p>رسالة صلاة الجمعة کتابخانه ملی</p>	<p>۱۰۷۱</p>	<p>فاضل تونی</p>	<p>عبد الله بن محمد تونی بشروی خراسانی</p>

جامع الشرائط؛ و غرض از نوشتن این رساله ابطال این رأی مبتدع است				
فاضل هندی در این رساله دلایلی را که طرفداران جواز اقامه جمعه در عصر غیبت ذکر کرده‌اند، رد نموده و دلایلی بر عدم جواز آن آورده است،	رسالة صلاة الجمعة فهرست مجلس	۱۱۳۷	فاضل هندی	بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی
وجوب عینی	۱- الشهاب الثاقب ۲- ابواب الجنان کتابخانه مرعشی	۱۰۹۱	فیض کاشانی	ملا محسن
وجوب نماز جمعه	کتاب فی اثبات وجوب صلاة الجمعة عینا	۱۱۱۵	فیض کاشانی	علم الهدی

<p>اثبات وجوب عینی نماز</p> <p>جمعه</p>	<p>رساله در نماز</p> <p>جمعه</p> <p>کتابخانه مرعشی</p>	۱۳۵۲	قائمی	<p>سید محمد</p> <p>تقی</p>
<p>وجوب عینی وی در آنجا</p> <p>عقیده استادش محمد بن</p> <p>حسن بن رجب مقابی را نیز</p> <p>همین دانسته است</p>	<p>رساله فی صلاة</p> <p>الجمعة</p>	۱۰۶۴	قدمی	<p>زین الدین</p> <p>علی بن</p> <p>سلیمان بن</p> <p>درویش بن</p> <p>حاتم</p>
<p>اثبات حرمت اقامه نماز</p> <p>جمعه</p>	<p>رساله در حرمت</p> <p>نماز جمعه در</p> <p>غیبت</p> <p>آستان قدس</p>	۱۰۸۹	قزوینی	<p>مولی خلیل</p> <p>بن غازی</p>
<p>این رساله ردی است که</p> <p>مؤلف در قالب شرح بر</p> <p>استادش آقا رضی قزوینی</p> <p>که قائل به رجحان احتیاط</p>	<p>رساله فی صلاة</p> <p>الجمعة و اختیار</p> <p>وجوبها الرسالة</p> <p>الصدریة</p>	۱۱۱۰	قزوینی	<p>صدر الدین</p> <p>محمد</p>

در ترک جمعه بوده و عقیده‌اش را در کتاب التهجذیه آورده، نگاشته است				
مانند پدرش قائل به حرمت اقامه جمعه، بلکه موضعش شدیدتر از پدرش بود	رسالة فی صلاة الجمعة و القول بحرمتها	۱۱۴۶	قزوینی	حاج محمد رضا
اثبات وجوب تخیری نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة کتابخانه سید محمد محیط در تهران	۱۲۲۵	قزوینی	مولی عبد الوهاب بن محمد علی
برادر ملا خلیل قزوینی است	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۳۲۵	قزوینی	ملا محمد باقر

	کتابخانه آستان قدس رضوی			
	خير لمعة في صلاة الجمعة	۱۳۴۹	القزوينی	سيد احمد بن السيد صالح الموسوی الکاظمی
اثبات عدم وجوب عینی و تحریم نماز جمعه، وی را باید مخالف خوان محقق کرکی دانست که موقعیتی برجسته در دربار صفوی داشته است	رسالة في حرمة صلاة الجمعة في زمن الغيبة مطلقا	۹۵۰	التطیني	ابراهيم بن سليمان
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	رسالة في صلاة الجمعة	۱۲۸۰	قمشه‌ای	مولی مهدی

<p>در ردِّ بر مولانا حسن علی بن عبد الله شوشتری است که از قائلین به تحریم اقامهٔ جمعه در عصر غیبت بوده است</p>	<p>نماز جمعه، رسالة رجاء الحق دو جلد کتابخانهٔ آیه الله مرعشی</p>	۱۰۹۸	قمی	ملا محمد طاهر
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>۱ - الشهاب الثاقب ۲ - ابواب الجنان کتابخانهٔ مرعشی</p>	۱۰۹۱	کاشانی	ملا محسن فیض کاشانی
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>کتاب فی اثبات وجوب صلاة الجمعة عینا</p>	۱۱۱۵	کاشانی	علم الهدی بن فیض
<p>اثبات در نفی وجوب و حرمت اقامهٔ نماز جمعه</p>	<p>رسالة فی نفی الوجوب العینی للجمعة</p>	۱۱۴۱	کاشانی	عبد الحی رضوی

<p>اثبات وجوب تخیری نماز جمعه</p>	<p>رسالة فی وجوب صلاة الجمعة کتابخانه آستان قدس رضوی</p>	۱۰۸۵	کاظمی	<p>محمد امین بن محمد علی بن فرج الله</p>
<p>روشن نیست</p>	<p>خیر لمعة فی صلاة الجمعة</p>	۱۳۴۹	کاظمی قزوینی	<p>سید احمد بن السید صالح الموسوی</p>
<p>این رساله در اصل رد بر آرای شهید ثانی که قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده، نوشته شده است</p>	<p>اللمعة فی عدم عینة صلاة الجمعة کتابخانه آیه الله گلپایگانی</p>	۱۰۰۱	کرکی	<p>سید حسین مجتهد</p>
<p>مؤلف از شاگردان محقق کرکی و پدر زن شیخ بهایی بوده و رساله او در نفی</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة و اختیار نفی الوجوب العینی</p>	۹۸۴	کرکی	<p>علی بن مشار</p>

عينيت وجوب نماز جمعه است				
وى اجازة امام معصوم يا فقيه جامع الشرائط را در اقامة نماز جمعه شرط مى داند.	البلغة فى صلاة الجمعة يا البلغة فى اعتبار اذن الإمام فى مشروعية صلاة الجمعة كتابخانه آية الله مرعشى	۹۹۰	كركى	شيخ حسن بن على بن عبد العالى
اثبات وجوب عيني نماز جمعه	كشف الرين و المين عن حكم صلاة الجمعة و العيدين	۱۱۴۴	كرمانشاهى	آقا احمد بن آقا محمد على
وجوب عيني	جلاء الشبهات فى وجوب الجمعة	ناروشن	كرمانشاهى	مولى محمد بن عاشور

<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	<p>۱۰۹۷</p>	<p>کشمیری</p>	<p>محمد تقی بن میر عبد الله</p>
	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	<p>ناروشن</p>	<p>کلب</p>	<p>شیخ علی</p>
<p>حرمت اقامه جمعه حاکم شیراز، قاضی آن شهر بود و در زمان وزارت خلیفه سلطان، تا پایان عمر خود، شیخ الاسلام اصفهان</p>	<p>رسالة فی حرمة صلاة الجمعة</p>	<p>۱۰۶۰</p>	<p>کمره‌ای</p>	<p>علی نقی بن شیخ ابی العلاء</p>
	<p>جمعه کنگره هفتگی الهی ۱۳۶۱ در تهران</p>	<p>۱۳۹۸</p>	<p>کوردانی</p>	<p>شیخ علی</p>
<p>این رساله مختصر درباره فرض شک مجتهد در حکم صلاة جمعه در غیبت و</p>	<p>صلاة الجمعة- التحیر فی حکم صلاة الجمعة</p>	<p>۱۱۶۰</p>	<p>گیلاتی</p>	<p>محمد رفیع بن فرج</p>

<p>تخیر اوست میان وجوب عینی و تخیری و حرمت، و تأسیس اصل برائت و یا احتیاط؛ و او خود اخیر را اظهر دانسته و حکم به جمع کرده است</p>	<p>کتابخانه آستان قدس رضوی</p>			
<p>سقوط نماز جمعه در دوران غیبت</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	۱۲۳۱	گیلانی	<p>میرزا ابو القاسم بن حسن</p>
<p>روشن نیست</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	۱۲۳۵	لکهنوی	<p>سید دلدار علی نقوی</p>
	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	۱۲۳۵	لکهنوی	<p>سید دلدار علی نقوی</p>
<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p>	<p>رساله در نماز جمعه</p>	۱۲۹۰	لکهنوی	<p>مولی محمد امان</p>

<p>مؤلف این اثر را هنگام مسافرت به ایران به ناصر الدین شاه هدیه کرده و آن را «اللمعة الناصرية» نامیده است. وی قائل به وجوب تخیری است.</p>	<p>الشمعة فی حکم الجمعة</p>	<p>۱۳۰۷</p>	<p>لکهنوی</p>	<p>سید محمد ابراهیم بن سید محمد تقی</p>
<p>وجوب تخیری</p>	<p>الشمعة فی حکم الجمعة</p>	<p>۱۳۰۷</p>	<p>لکهنوی</p>	<p>سید محمد ابراهیم بن سید محمد تقی</p>
<p>از مشاهیر علمای هند از این اثر نقل شده است</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	<p>۱۳۴۱</p>	<p>لکهنوی</p>	<p>سید محمد قلی بن محمد ابراهیم نقوی</p>

مولى محمد امان	لكهنوى	ناروشن	رساله در نماز جمعه	وجوب نماز جمعه
سليمان بن عبد الله بحراني	ماحوزى	۱۱۲۱	رساله فى صلاة الجمعة	اثبات وجوب عيني نماز جمعه
ملا اسماعيل محمد بن حسين خواجهوي	مازندراني	۱۱۷۳	صلاة الجمعة كتابخانه آية الله مرعشى	حرمت نماز جمعه فتواي وي در پايان رساله آن است كه احتياط در ترك نماز جمعه تا زمان ظهور امام زمان عليه السلام است
محمد تقى	مجلسى	۱۰۷۰	رساله فى صلاة الجمعة	اثبات وجوب عيني نماز جمعه فيض كاشاني و نيز صاحب حدائق مي نويسند: ملا محمد تقى مجلسى رحمه الله درباره عيנית وجوب

<p>نماز جمعه در این رساله ۲۰۰ حدیث آورده است که چهل حدیث آن صریح در وجوب عینی، پنجاه حدیث ظاهر در وجوب عینی نود حدیث نشانگر مشروعیت اقامه آن در عصر غیبت و ۲۰ حدیث باقی مانده در فضیلت این نماز است</p>				
<p>وجوب عینی فیض کاشانی و نیز صاحب حدائق می نویسند: ملا محمد تقی مجلسی رحمه الله درباره عینیت وجوب نماز جمعه در این رساله ۲۰۰ حدیث آورده است که چهل حدیث آن صریح در</p>	<p>رساله فی صلاه الجمعه</p>	<p>۱۰۷۰</p>	<p>مجلسی</p>	<p>محمد تقی</p>

<p>و جوب عینی، پنجاه حدیث</p> <p>ظاهر در وجوب عینی نود</p> <p>حدیث نشانگر مشروعیت</p> <p>اقامه آن در عصر غیبت و</p> <p>۲۰ حدیث باقی مانده در</p> <p>فضیلت این نماز است</p>				
<p>در بحار الانوار به تفصیل در</p> <p>این باره سخن گفته</p>	<p>صلاة الجمعة و</p> <p>وجوبها العینی فی</p> <p>زمن الغیبة</p>	۱۱۱۰	مجلسی	محمد باقر
<p>سالها خود و اعقابش منصب</p> <p>امامت جمعه اصفهان را</p> <p>داشتند.</p> <p>فاضل تونی رساله‌ای در رد</p> <p>این رساله نوشته است.</p>	<p>صلاة الجمعة</p> <p>کتابخانه ملک</p> <p>کتابخانه آستان</p> <p>قدس رضوی</p>	۱۰۹۰	محقق سبزواری	ملا محمد باقر بن محمد مؤمن خراسانی

<p>وَجوب تخیری نماز جمعه، این نخستین رساله‌ای است که دربارهٔ نماز جمعه و در اثبات وجوب تخیری آن، به شرط حضور فقیه جامع الشرائط نوشته شده</p>	<p>صلاة الجمعة</p>	<p>۹۴۰</p>	<p>محقق کرکی</p>	<p>نور الدین علی بن عبد العال</p>
<p>وجوب تخیری</p>	<p>صلاة الجمعة</p>	<p>۹۴۰</p>	<p>محقق کرکی</p>	<p>نور الدین علی بن عبد العال،</p>
<p>روشن نیست</p>	<p>رسالة في صلاة الجمعة</p>	<p>۱۳۵۴</p>	<p>محقق لاری</p>	<p>میرزا احمد بن ابو الحسن، محقق لاری اصطهباناتی</p>

عبد الله حسيني	مدني	۱۱۱۸	صلاة الجمعة کتابخانه آية الله مرعشي	اين رساله نقدي بر بحث نماز جمعه کشف اللثام فاضل هندی است
محمد علي بن محمد حسين	مرعشي شهرستاني	۱۲۷۸	رسالة في صلاة الجمعة	اثبات عدم وجوب اقامة نماز جمعه
محمد مسيح بن اسماعيل فسوي	مسيحا	۱۱۰۲	حرمة صلاة الجمعة في السفر کتابخانه آستان قدس رضوي	وجوب نماز جمعه و حرمت آن در وقت سفر
بهاء الدين محمد بن محمود	مشرقي	۱۱۳۷	صلاة الجمعة کتابخانه آستان قدس	اثبات وجوب تخيري نماز جمعه
علي	مشکيني	۱۴۱۰	نماز جمعه و مسائل مربوط به آن	اين اثر به بحث درباره نماز جمعه از دیدگاههای

مختلف پرداخته و قائل به وجوب تخییری شده است				
اثبات حرمت اقامه نماز جمعه	رسالة فی صلاة الجمعة و القول بتحريمها	۱۱۴۸	مشهدی	آقا ابراهیم
	رسالة فی صلاة الجمعة و القول بتحريمها	۱۱۴۸	مشهدی	آقا ابراهیم
عقیده وی در باب نماز جمعه روشن نیست	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۲۶۸	مشهدی	عبد الخالق بن مولی عبد الرحیم یزدی
تشریح نماز جمعه	وقت تشریح نماز جمعه کتابخانه آیه الله مرعشی	روشن نیست	مصطفی	مرتضی

<p>اثبات وجوب عینی نماز جمعه</p> <p>او شاگرد مجلسی اول بوده و به مدت چهل سال در یزد اقامه نماز جمعه می کرده است. او اولین شخصی بوده که نماز جمعه را در این شهر برپا کرده است، این رساله را آقای سید جواد مدرسی در یزد به چاپ رسانده است.</p>	<p>الحجة فی وجوب الجمعة</p> <p>کتابخانه وزیری یزد</p>	<p>۱۰۸۴</p>	<p>مقیم</p>	<p>محمد مقیم فرزند محمد علی یزدی</p>
<p>اثبات وجوب تخریری نماز جمعه</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	<p>۱۲۳۲</p>	<p>موسوی</p>	<p>سید ابو القاسم</p>
<p>رسالة مذکور در یک صفحه آن هم در پاسخ پرسشی نگاشته شده است</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة</p>	<p>۱۰۴۰</p>	<p>میر داماد</p>	<p>سید محمد باقر میر داماد</p>

فتوای میر داماد آن است	کتابخانه آیه الله مرعشی			حسینی استر آبادی
اثبات وجوب عینی نماز جمعه	کشف الريبه عن حكم صلاة الجمعة فی ازمنه الغيبه کتابخانه آیه الله مرعشی	۱۲۰۶	میرزاعلی	میرزا علی بن محمد
حکم نماز جمعه مسافری را که پس از «زوال» حرکت کرده، بیان کرده است	رسالة فی صلاة الجمعة	۱۳۵۲	نجفی	شیخ محمد جواد بلاغی
مؤلف قائل به احتیاط در جمع کردن نماز ظهر و نماز جمعه است	رسالة فی صلاة الجمعه کتابخانه آیه الله مرعشی	۱۲۸۴	نقوی	سید محمد بن سید دلدار علی

عبد النبي	نمازی	۱۴۱۳	رسالة في وجوب صلاة الجمعة	روشن نیست
سيد ابراهيم حسيني	نیشابوری طوسی	ناروشن	رسالة في صلاة الجمعة و القول بعدم وجوبها	
مولی محمد بن حسن	همنام حر عاملی	۱۰۷۳	رساله در نماز جمعه و وجوب آن	اثبات وجوب عینی نماز جمعه
بهاء الدين محمد بن حسن اصفهانی فاضل	هندي	۱۱۳۷	رسالة صلاة الجمعة فهرست مجلس	
محمد مقیم فرزند محمد علی	یزدی	۱۰۸۴	الحجة في وجوب الجمعة كتابخانه وزيری یزد	وجوب نماز جمعه شاگرد مجلسی اول بوده و به مدت چهل سال در یزد اقامه نماز جمعه می کرده

<p>است. او اولین شخصی بوده که نماز جمعه را در این شهر برپا کرده است. «۵» این رساله را آقای سید جواد مدرسی در یزد به چاپ رسانده است</p>				
<p>وجوب عینی</p>	<p>رسالة فی صلاة الجمعة و وجوبها العینی</p>	<p>ناروشن</p>	<p>یونس</p>	<p>مولی عماد بن از علمای اخباری</p>

INDEX

Abdulaziz.....	63	Cillis.....	209
Adam.....	209	Clarendon.....	212
Âdam's.....	209	Coran.....	70
African.....	210	CORBIN.....	210
Afzal.....	212	Cordula.....	210
Alexandrie.....	216	Cornelis.....	73, 74
Ali.....	209, 211	COULSON.....	210
AMIR.....	216, 217	Crone.....	210
AMIR-MOEZZI.....	209	Damascus.....	212
Amir-Moezzi (Mohammad Ali)	164,	DJEBLI.....	39
165		Egypt.....	209
Amy.....	212	Elias.....	212
Andrew.....	54	Emil.....	18
Arabic.....	211	Encyclopédie.....	209, 211
Arabica.....	209, 211	Englais.....	211
Asad.....	211	Etan.....	53
Bashear.....	209, 211	ETIENNE.....	14, 69, 70
Ben.....	209	FAGAN.....	211
Bernd.....	210	Farishta.....	212
Beyrouth.....	217	Fayard.....	209
Bonner.....	209	Fennica.....	211, 212
BORTHWICK.....	57, 61, 62	Fisher.....	210
Boston.....	210	français.....	211
Bourdieu.....	210	Frankfurt.....	210
Bousquet.....	211, 212	Gallimard.....	57
Brill.....	39, 59, 209, 210, 211, 212	Garibaldi.....	72
Browne.....	57, 58	GHAZALI.....	209
Bruce.....	57, 61, 62	Gilles.....	57
Bruno.....	14, 69, 70	Gollegit.....	49, 50
BRUNSCHVIG.....	49, 50	Granville.....	57, 58
CALDER.....	50, 51, 53	Guide divin.....	165
CALDER.....	210	Gustave.....	71
Cambridge.....	58, 209, 210	Hachette.....	14, 70
Charity.....	209, 212	Hâdi.....	209

Hamid	209	Mir.....	209
Hardcover	212	MOEZZI	216, 217
Hassan	211	Mohammad.....	209
HECK	210	MOKTAR.....	39
Helsinki.....	211, 212	Monnot.....	217
Henry	210	Muhammad.....	212
Hitti	211	Muslim	210, 212
Holger	211, 212	New York	209
Humphrey	210	NEWMAN.....	54
Hurgronje.....	211, 212	Noel.....	210
Hussein	209	Norman.....	50, 51, 53, 210
Iran	210	Oxford	54, 63, 212
Islam	209, 211	Paris.....	13, 61, 160, 210, 217
Istanbul	218	PEDERSEN.....	59
Jadidah	212	Peerzade	212
Joseph	73, 211	Petrus.....	73, 74
Journal Asiatique	216, 217	Philip	211
Kasimov.....	209	Pialoux.....	210
Kavir	210	Pierre	210
KEPEL	57	Planiol	211
Khaldoun.....	211	Presence.....	18
Kharāj	209	Prolégomènes	211
Kindle	209	PUF	71, 210
King Saud	73	Qabbalat	16
KOHLBERG.....	53	Qaradawi	209
Lambton.....	51	Quadrige.....	71
Landau	211	Qudâma	210
LE BON	71	Quran.....	209
Leiden	209, 210, 211, 212	RICHARD	54, 55, 57, 58, 59, 61
Linant.....	160	Riddah	212
Linant de Bellefonds	160	Robert.....	72, 73
Linda.....	54	Rovini.....	72
London	211	Sabra.....	209
Louvain.....	217	SACHEDINA63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 112, 146	
Mabsut	217	Sahara.....	210
MADELUNG.....	211	Sarakhsi	51
Main.....	210	SARAKHSI.....	217
MALATÍ	218	Sayed.....	212
Mamluk.....	209	SCHACHT.....	73, 211, 212
MARIUMA	218	Schwibs	210
Mawardi.....	51	Shabbat.....	16
Mawerdi.....	211	SHAYBI.....	216
Mecca.....	212	Shemesh	209
Medieval	209, 211	Shi'î.....	209
Michael	209		

Shirazi.....	51
Shoufani.....	212
Simonod.....	18
Singer.....	212
Smet.....	209
SNOUCK.....	211, 212
STAIKER.....	54
Strasbourg.....	160
Sūdān.....	211, 212
Sunna.....	209
TAKIYYA.....	39
Tasseron.....	211
Taymiyya.....	218
Tiedekirja.....	211, 212
TIELE.....	73, 74
USA.....	63
Variorum.....	211
Wafaa.....	12, 13, 14, 74, 159
WALBRIDGE.....	54
Watt.....	212
Weiss.....	211, 212
Wilferd.....	211
Yahya.....	209
Yahyâ.....	209
Yann.....	54, 55, 57, 58, 59
YARDEN.....	218
Yémen.....	209
Yusuf.....	209
Zakât.....	209, 210
Zayas.....	212
Zaydite.....	209
ابراهيم، ١٣٨، ١٣٧، ١٣٠، ١١٤، ١١١، ١٠٩، ٥٧، ٣١.....	
١٤٧، ١٩٨، ٢٦٠، ٢٦٧، ٢٧٦، ٢٨٢، ٢٨٨، ٢٩١.....	
ابرو.....	١٨١
ابن اثير.....	١٨٨، ٢١٥، ٢٢٣
ابن اسحاق.....	٤٢، ١٧٦، ١٨٩
ابن بابويه.....	٢١، ١٤٤، ١٦٢، ٢٤٣، ٢٦٩
ابن تيميمه.....	٤٩، ٧٠، ٢١٨
ابن جوزى.....	٢٢، ٣٩، ١٧٤
ابن حيون.....	٤٢

ابن خلدون.....	١٧٥
ابن زهره.....	١١٠، ١٧٥
ابن شهر آشوب.....	١١١، ١٨٦
ابن عساكر.....	٢١، ١٧٥
ابن كثير.....	٣٢، ١٧٦
ابن منذر.....	٣٠
ابن منظور.....	٢١٥، ٢١٩
ابنقدامه.....	١٥١
أبو اسحاق.....	٥٠، ٥١
ابو الولى.....	١٠٩
ابو چكرا.....	١٢، ١٥، ٧٤
ابو حنيفه.....	٤٧
ابوالثناء.....	٤٢
ابوالحسن.....	١٥٢، ١٨٨، ١٩٠، ١٩٥، ١٩٨
ابوالحسين.....	٢١٨
ابوالعلاء.....	١١٥
ابوالفرج.....	١٧٣
ابوالقاسم.....	١٩، ٢٠، ٨١، ١٠٨، ١٧٧، ١٧٨، ١٨٣، ١٩١، ١٩٥، ١٩٩، ٢٤٣
ابوالمكارم.....	١١٠، ١٧٥
ابوبكر.....	٤٥، ١٨٨، ١٩٧
ابوجعفر.....	٨٣، ١٩٢، ٢٦٩
ابوسليمان.....	١٨٣
ابوموسى.....	١٥٢
ابويعلى.....	١١٠
ابى الحسن.....	٩٣، ٢٥١
ابى شييه.....	٣٠

ابی طالب..... ۱۹، ۲۱، ۵۳، ۱۵۱، ۱۵۴.....	اسحاق..... ۸۳، ۱۶۲، ۱۷۳.....
اتان..... ۵۳.....	اسرائیل..... ۱۳، ۱۴، ۱۴۶.....
اتین..... ۶۹، ۷۰.....	اسعد..... ۱۸، ۱۹۸، ۲۰۵.....
اثنی عشری..... ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴.....	اسلامی..... ۱۲، ۴۲، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۱۱۵، ۱۲۲،
اجاره ای..... ۲۴۷.....	۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۶، ۹۷، ۱۱۵، ۱۲۲،
احد..... ۱۹.....	۱۳۴، ۱۵۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰،
احسائی..... ۲۵۰.....	۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۴،
احکام اربعه..... ۶، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸.....	۲۲۸، ۲۵۹، ۲۶۹
احکام سلطانیه..... ۵۱.....	اسماعیل، ۱۳۳، ۱۳۰، ۱۱۸، ۱۰۵، ۹۲، ۸۹، ۵۶، ۴۳،
احمد..... ۲۲، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۵.....	۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۸۳، ۲۸۷
۱۰۸، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷،	اسماعیلیان..... ۸۶، ۱۶۵.....
۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰،	اشترواس..... ۱۷۷.....
۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴،	اشتهاردی..... ۱۷۷، ۲۰۱.....
۲۰۵، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴،	اشعری..... ۱۵۲، ۲۵۲.....
۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۶	اصطهباناتی..... ۲۵۲، ۲۸۶.....
احمدبن عبدالله..... ۱۵۰.....	اصغر..... ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۵۶.....
احمدرضا..... ۱۹۷.....	اصفهان..... ۹، ۲۵، ۴۰، ۸۴، ۸۹، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۸۵،
ادریس..... ۶۸، ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۲.....	۱۴۵، ۱۵۷، ۱۸۲، ۱۹۹، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۵
۲۴۹	اصفهانى..... ۴۲، ۸۴، ۹۴، ۹۵، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۸۷،
ادمون..... ۱۷۹.....	۱۹۵، ۲۰۱، ۲۲۱، ۲۷۳، ۲۹۱
ادوارد..... ۵۷.....	افشار..... ۱۷۸، ۱۸۰.....
اربعه..... ۳، ۶، ۹، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۵، ۲۳۲.....	افندی..... ۸۴، ۸۸، ۹۴، ۱۱۸، ۱۳۳، ۲۵۳.....
اردیلی..... ۱۳۸، ۱۴۷، ۲۰۱.....	اقاضیاء..... ۱۹۳.....
اردستانی..... ۲۵۱.....	اکبر..... ۱۲۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۵۳، ۲۵۶.....
اردوبادی..... ۲۵۱.....	اکبر..... ۴۵، ۱۸۹.....
اردهالی..... ۲۵۱.....	الاستیصار..... ۱۶۲.....
ازمیمون..... ۳۰.....	الاظهر..... ۱۴.....
استرآبادی..... ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸، ۲۵۱، ۲۵۲.....	البحرانی..... ۹۱، ۲۵۴.....
استیجاری..... ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸.....	البدایه..... ۱۹.....

امامیه..... ۱۲۷، ۱۴۴، ۶	آندریو..... ۵۴
امویان..... ۳۹، ۲۲	آیه اللهی..... ۲۵۳، ۲۷۰
امیر کبیر..... ۱۹۹، ۱۹۴	آیت اللهی..... ۲۵۳
امیر معزی..... ۱۶۴، ۱۶۱	بارفروشی..... ۲۵۳
امیر المؤمنین..... ۱۲۲، ۳۹	باطنیان..... ۱۶۶
امیل..... ۱۸	باقر ۱۰۳، ۱۰۲، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۸۹، ۸۶، ۸۶، ۴۵، ۴۳، ۴۰
امین الاسلام..... ۲۱۶، ۳۴، ۱۹	۲۶۵، ۲۵۶، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۴۳، ۱۳۲، ۱۲۴، ۱۰۸، ۱۰۵
امینی..... ۱۸۴، ۴۲	۲۸۹، ۲۸۵، ۲۷۵
أنصار..... ۱۸	باقر العلوم..... ۳۶
انصاری..... ۲۲۵، ۲۱۶، ۱۷۸	باقلانی..... ۴۲
انصاریان..... ۲۴۹، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۳۵، ۱۱۹، ۷۹	بحار الانوار..... ۱۹۹، ۹۲
ایران ۸۵، ۷۹، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۶، ۲۴، ۲۳، ۱۳	بحرانی .. ۲۸۳، ۲۵۵، ۲۵۴، ۱۷۸، ۹۴، ۹۱، ۸۸، ۸۴
۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۸۲، ۲۰۴، ۱۹۷، ۱۹۱	بحرین..... ۱۹، ۱۴
ایرج..... ۱۸۰، ۱۷۸	بخشایشی..... ۱۳۴
آدم..... ۱۹۹، ۱۹۲، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۵۶، ۹۰	برس..... ۶۱
آستان قدس، ۲۵۰، ۱۷۷، ۱۱۷، ۱۰۶، ۹۲، ۸۹، ۸۴	بروجردی.... ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۰۲، ۱۲۳، ۱۰۲، ۹۸، ۳۸
۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۷	برون..... ۵۷
آسیای میانه..... ۱۶۵	برونشوینگ..... ۴۹
آغا بزرگ تهرانی..... ۱۰۱، ۸۷	برونو..... ۷۰، ۶۹
آغا بزرگ طهرانی،..... ۸۱	بصری..... ۱۹۸
آغابزرگ..... ۱۳۱	بصیر..... ۸۳
آفریقا..... ۱۶۵	بعثت..... ۳۲، ۱۹، ۱۸
آقا رضی..... ۲۷۴، ۹۲	بغداد ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۶۷، ۱۶۵، ۵۰، ۳۲، ۲۲
آل بویه..... ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۲	بغدادی..... ۲۲، ۱۸۳
آل عمران..... ۲۱۷، ۷۰	بلاغی..... ۲۹۰، ۲۵۶
آلکاتبز..... ۱۶	بن بابویه..... ۲۱
	بن سنان..... ۴۴

۵۰..... بن عیسی
 ۱۹..... بنت الاسد
 ۲۱، ۲۲، ۳۸، ۱۳۸..... بنی امیه
 ۱۹، ۳۳، ۳۴..... بنی سالم
 ۲۱، ۳۸..... بنی عباس
 ۳۳..... بنی قریظه
 ۶۱..... بورسویک
 ۸۶..... بهاءالدين
 ۲۰۲..... بهابادی
 ۲۵۶..... بهبھانی
 ۱۸۳..... بهوتی
 ۱۴۸..... بیانی
 ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۸۷، ۸۹، بیروت
 ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۷، ۱۸۲،
 ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲،
 ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳،
 ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵
 ۲۵۷..... بیک
 ۲۲۱..... بیھتی
 ۱۷۹..... بسورث
 ۳..... پاریس
 ۱۴۸..... پاولویچ
 ۱۹، ۲۰، ۱۹۱..... پاننده
 ۱۹۷..... پطروشفسکی
 ۲۵، ۶۰..... پھلوی
 ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، پیامبر
 ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۶۲، ۶۶،
 ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۱۰۳، ۱۲۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۹، ۲۲۰،
 ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۹

۷۳..... پیتر تیبیل
 ۱۷۹، ۱۸۵..... تاج الدین
 ۱۰۸، ۱۹۴، ۲۵۷..... تبریزی
 ۹۳، ۱۰۴، ۲۵۷، ۲۶۶..... تجلی
 ۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، تخیری
 ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷،
 ۱۵۶، ۲۵۰، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۸
 ۹۷، ۱۰۸..... تخیری
 ۱۸۷..... ترکه
 ۲۵۸..... تسخیری
 ۱۵۵..... تشیع
 ۸۰، ۸۳، ۹۸، ۱۱۵، ۱۵۶، ۱۹۹..... تعینی
 ۱۷۴..... تغری
 ۱۰۸..... تفرشی
 ۴۴، ۸۴، ۸۷، ۹۰، ۹۳، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۷۸، تقی
 ۱۸۰، ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۲،
 ۲۸۳، ۲۸۴
 ۱۰۸..... تقی الدین
 ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۱..... تقیه
 ۱۶..... تنخ
 ۹۳، ۱۰۴، ۲۶۶..... تنکابنی
 ۱۶..... تورات
 ۳۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، توریہ
 ۹۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۷۲..... تونی
 ۲۵۸..... تويسر کانی
 ۴۶، ۵۶، ۶۴..... تھذیب
 ۲۱، ۴۵، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۸، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، تهران
 ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۷۵، ۱۷۶،
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶،

۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،
 ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۵۱،
 ۲۵۸، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۰
 تهرانی ۲۴۹، ۲۵۸
 ثاقب ۱۴۱، ۱۵۶
 جابری ۱۳۱، ۱۸۰
 جاپلقی ۱۰۲، ۲۵۵
 جامهٔ یمنی ۱۱، ۲۴۰
 جزایری ۲۵۹
 جزمی ۱۵۰
 جزینی ۱۱۱
 جعفر ۳۳، ۳۵، ۴۴، ۹۶، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۶،
 ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۵۱، ۲۶۲
 جعفری ۱۳۹، ۱۸۰
 جعفریان ۲۱، ۷۹، ۸۱، ۹۹، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۸۰، ۲۴۹
 جمال ۹۴، ۱۰۶، ۱۲۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۶۲
 جمعه ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۱۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳،
 ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
 ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷،
 ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸،
 ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳،
 ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴،
 ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴،
 ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،
 ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،
 ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲،
 ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۰۱، ۲۰۵،
 ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱،
 ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴،

۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲،
 ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰،
 ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸،
 ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷،
 ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲
 جنگ مقدس ۷۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳
 جواد ۹، ۱۸، ۸۴، ۱۰۸، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲
 جهاد ۹، ۱۳، ۴۳، ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۶۵، ۷۰، ۷۵، ۲۲۳
 جهاد ابتدایی ۳۱۱
 جیلانی ۹۴، ۲۵۹
 چشم ۱۳، ۱۵، ۱۵۸، ۲۱۵
 حاتم ۸۷، ۲۷۴
 حافظ ۷۳، ۱۸۱
 حامد ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۹۴
 حایری ۲۵۹
 حائری ۱۸۱
 حبیب آبادی ۲۵، ۱۵۷
 حث ۳۸
 حج ۲۱، ۳۱، ۴۳، ۴۶
 حجاج ۱۸۱
 حجاز ۳۳
 حجر ۱۷۴، ۲۲۱، ۲۲۳
 حدائق ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۸۳، ۲۸۴
 حدود ۱۲، ۴۳، ۶۷، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۵
 حر عاملی ۲۱، ۴۳، ۷۵، ۹۱، ۲۵۹، ۲۹۱
 حزب الله ۱۶۹
 حسکائی ۴۵

حسن ۱۹، ۲۱، ۳۴، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۶۹، ۸۳، ۸۴،
 ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳،
 ۱۴۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸،
 ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۴،
 ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۱
 حسین ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۴،
 ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۶۶،
 ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۵۱، ۲۵۵،
 ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵،
 ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۷
 حسینی ۹۳، ۹۵، ۱۱۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۵۱،
 ۲۶۰، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱
 حکم ۹، ۲۲، ۳۷، ۴۲، ۵۱، ۵۶، ۶۶، ۸۳، ۱۲۲، ۱۳۱،
 ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۵۹، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۵۶،
 ۲۶۳، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۹۰
 حکیم ۱۸۲، ۲۴۸
 حلبی ۱۹، ۱۵۷، ۱۸۲
 حلبی ۲۳، ۳۱، ۶۶، ۶۸، ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۸۲،
 ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۴۹، ۲۵۹
 حمد ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۱
 حمدانیان ۱۶۵
 حمزه ۱۱۰
 حمزه ۱۳۸
 حمزه ۱۰۹
 حمید ۳۰، ۱۳۸
 حنبلی ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۳
 حنبلیسم ۲۱۸
 حنفی ۵۰، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۹۸، ۲۱۷
 حیدر آباد ۱۷۴
 خاتون آبادی ۱۰۵، ۲۶۰
 خادم ۱۰۲، ۲۵۵

خدا ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۰، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۶۳،
 ۷۰، ۷۵، ۸۶، ۱۱۴، ۱۴۱، ۱۵۳، ۲۱۷
 خراسان ۸۵، ۹۶، ۱۵۶، ۲۰۳
 خراسانی ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۸۵
 خرم شاهی ۱۳۸
 خطبه ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۶،
 ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱،
 ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۵، ۱۴۹، ۱۵۱،
 ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰
 خطیب ۱۱، ۲۲، ۴۴، ۱۸۳، ۲۳۹، ۲۴۰
 خلیل ۹۵، ۱۱۷، ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۷۴، ۲۷۵
 خمینی ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۸۰، ۱۸۳، ۲۲۲
 خواجهوی ۱۱۸، ۲۶۱، ۲۸۳
 خوارج ۲۱۷
 خوارزمی ۱۳۸
 خوانساری ۸۹، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۸۳،
 ۲۶۲، ۲۶۳
 خوبی ۲۱۶
 خوئی ۸۱، ۱۹۴
 خیر ۳۳
 داود ۱۷۹، ۱۸۳
 در ۳
 درویش ۸۷، ۲۶۴، ۲۷۴
 دزفولی ۲۶۳
 دشتکی ۱۰۹
 دقیقه ۱۷
 دلدار ۲۶۴، ۲۸۱، ۲۹۰
 دمشق ۲۱، ۱۸۵، ۱۹۷
 دوشنبه ۱۹

دہلوی	۲۶۴، ۲۷۱	زمانی نژاد.....	۱۲۹
دلمی	۶۷، ۶۸، ۸۱، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۴۲، ۱۵۵، ۱۸۴	زنجانی	۱۸۵، ۱۹۴، ۲۰۳
ذہبی	۴۲	زہیلی	۴۱، ۴۴
راشدین	۳۱، ۳۸	زین الدین، ۱۳۹، ۱۳۳، ۱۱۷، ۱۱۲، ۸۷، ۸۴، ۴۰، ۲۴	۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۴
رافعی	۱۹۶	زین الدین	۱۸۷
راوندی	۳۴	ژانویہ	۳
ربیع الأول	۱۹	ژوزف	۷۳
رحلہ	۳۲، ۱۷۴	ساجدینا	۶۳
رسول، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۱۹، ۹۹، ۸۱، ۷۹، ۳۶، ۲۱، ۱۸۰، ۱۵۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۵، ۲۴۹		سامانیان	۱۶۵
رشتی	۲۴۸، ۲۷۱	سبحانی	۳۳، ۱۸۵
رشید رضا	۲۱۶	سبزواری، ۱۴۵، ۱۳۲، ۱۰۸، ۱۰۴، ۹۳، ۹۰، ۸۹، ۶۹، ۶۶	۲۶۵، ۲۸۵
رضا، ۱۷۶، ۱۲۸، ۱۱۲، ۱۰۸، ۱۰۴، ۹۳، ۸۹، ۸۵، ۶۰، ۲۱		سجاد	۴۲، ۴۶، ۶۴، ۱۱۴
۲۵۷، ۲۴۳، ۲۰۲، ۱۷۸، ۱۸۲		سجادی	۱۸۵
رضانژاد	۱۱۳، ۱۸۵	سراب	۹۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۹، ۲۶۶
رضوی	۱۱۸	سرخیسی	۵۰، ۵۱، ۵۳، ۱۸۵، ۲۱۷، ۲۲۴
رفیع	۱۰۷، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۸۰	سعید	۱۴۹، ۱۹۹، ۲۰۴
رفیعی	۱۰۸	سعید بن عاص	۱۵۲
روبرت	۷۲	سلار، ۱۲۱، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۱۱، ۱۱۰، ۸۱، ۶۸، ۶۷	۱۴۲، ۱۵۵، ۱۸۴
روزہ	۹، ۱۸۸	سلامہ	۱۰۸، ۲۵۰، ۲۶۶
روینی	۷۲	سلیم بن قیس	۴۳
ریاض العلماء	۹۳، ۹۴	سلیمان، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۱۴، ۱۰۶، ۹۴، ۹۱، ۸۷، ۸۴، ۱۶	۱۷۶، ۱۹۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۳
ریچارد	۵۴، ۵۵، ۵۶	سماہیجی	۹۵، ۲۶۶، ۲۶۷
زیرین	۱۹	سورہ، ۷۰، ۶۳، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۰	۷۴، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۱
زرارہ	۱۸، ۴۵، ۶۴، ۹۷، ۱۲۴		
زراری	۴۰، ۱۸۵		
زکاوٹ	۱۵۹		

سوريه ۱۴، ۱۶۵
 سيره ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۲۳، ۱۲۲، ۳۵، ۳۴، ۳۳
 سيستاني ۱۱، ۱۰۸، ۲۲۱، ۲۴۷
 سيمونود ۱۸
 سينا ۶۰
 سيوطي ۳۵، ۲۰۳، ۲۲۱
 شاخت ۷۳
 شافعي، ۱۸۳، ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۳۹، ۵۱، ۵۰، ۴۷
 ۱۸۶
 شاكر ۱۷۵، ۱۹۴
 شامات ۳۳
 شاملو ۸۸، ۱۰۷
 شامي ۳۴
 شاه ۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۱، ۹۹، ۹۶، ۸۶، ۶۸، ۶۰، ۵۸، ۵۶، ۲۵
 ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۷،
 ۱۵۶، ۲۰۳، ۲۶۲، ۲۷۱، ۲۸۲
 شاه طهماسب، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۱۴، ۱۰۲، ۶۸، ۵۷
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۷، ۲۷۱
 شبات ۱۶
 شحاته ۱۸۶، ۱۸۷
 شرف الدين ۱۰۸
 شريف ۶۸، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۶۷
 شلومو ۱۶
 شمس ۳۴، ۵۰، ۶۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۶۴
 شمس الدين ۱۸۴، ۱۸۷
 شمشيري ۷۰
 شمع ۱۶
 شوشتری، ۲۷۷، ۲۶۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۹۱، ۹۰، ۸۴

شوقي ۱۸۶، ۱۸۷
 شوکاني ۱۸۸، ۲۲۵
 شهاب ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۷۴
 شهرستاني ۱۸۷، ۲۶۹، ۲۸۷
 شهيد اول ۶۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۴۰، ۱۸۷، ۲۴۸
 شهيد ثاني، ۱۰۲، ۱۰۰، ۹۱، ۸۴، ۸۰، ۶۶، ۵۳، ۴۰، ۲۴
 ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۲۸، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۱۲، ۱۰۶،
 ۲۶۹، ۲۶۳، ۲۶۰، ۲۵۶، ۲۲۲، ۱۸۷، ۱۴۷،
 ۲۷۸
 شيباني ۱۸۸، ۱۹۰
 شيخ بهايي ۸۵، ۸۶، ۱۳۲، ۲۵۷، ۲۷۸
 شيخ طوسي ۵۶
 شيرازي، ۱۵۱، ۱۲۲، ۱۰۸، ۱۰۴، ۹۳، ۸۶، ۵۳، ۵۰
 ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۰
 شيعه ۳۸، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۲۱، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۵
 ۶۷، ۶۶، ۵۶، ۵۳، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۴، ۴۲، ۴۰، ۳۹
 ۱۰۹، ۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۰، ۹۹، ۹۳، ۹۲، ۸۰، ۶۸
 ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰،
 ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۳۰،
 ۲۵۸، ۲۵۲، ۲۲۴، ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۵، ۱۸۰، ۱۵۷
 شيعيان ۱۲۵، ۱۰۹، ۶۵، ۶۴، ۵۶، ۴۷، ۴۴، ۲۲،
 ۱۳۰، ۱۴۲، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۳
 شيعه اماميه ۱۳۶، ۲۲۷
 صاحب جواهر ۴۱، ۸۳، ۸۸، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۴۱
 صادق ۲۲۳، ۱۹۰، ۱۳۸، ۱۲۴، ۱۲۱، ۶۶، ۶۴، ۴۴، ۴۰
 صافي، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۲، ۹۹، ۹۳، ۹۲، ۴۲
 صالح، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۰، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۵۷، ۹۵، ۸۸
 صالح بيك ۸۸، ۲۷۰
 صحيفه ۴۱، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۵۷
 صحيفه سجاديه ۴۱، ۱۱۴، ۱۲۶

صدراى ۱۰۸
 صدقات ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۰، ۲۰۰
 صدوق ۳۰، ۹۷، ۱۴۳، ۲۴۸، ۲۶۹
 صديقه ۲۰۵
 صفوى ۲۳، ۲۴، ۴۹، ۵۶، ۶۸، ۶۹، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۴
 ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴،
 ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۱، ۲۵۰،
 ۲۶۶، ۲۷۶
 صفويه ۶، ۲۳، ۲۴، ۷۹، ۸۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۶
 ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۷
 صفوى ۹۹، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۵
 ۱۹۰، ۲۰۲
 ضياء آبادى ۱۹۱
 طالقانى ۶۰، ۱۹۱
 ظاهر ۹۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۵۵، ۲۷۷
 طباطبايى ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۵۷، ۹۴، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۱،
 ۱۴۷
 طباطبايى ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۹۱، ۲۷۰
 طبرى ۱۹، ۳۴، ۶۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۹۱، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۳
 ۱۹، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۱۰۸، ۱۹۱
 طبرى ۲۱۶
 طبرى ۱۰۸
 طوسى ۴۶، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۸۵، ۹۸، ۹۹، ۱۱۶،
 ۱۲۳، ۱۵۵، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۹۱
 طوفيلى ۱۴
 طهرانى ۱۳۱، ۱۹۲
 طيرانى ۳۲

ظهر ۱۰، ۱۱، ۱۹، ۳۵، ۴۲، ۴۶، ۶۵، ۸۰، ۸۵، ۸۷، ۹۷،
 ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۴۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱،
 ۲۶۰، ۲۹۰
 عاشورا ۱۶۶
 عاملى ۲۴، ۳۵، ۴۰، ۸۴، ۸۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۳۳،
 ۱۴۹، ۱۹۲، ۲۰۲، ۲۴۸، ۲۶۹، ۲۷۱
 عباس ۳۵، ۸۶، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۶، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۵۲
 ۴۴، ۸۶، ۸۷، ۱۰۳، ۱۶۵
 عباسيان ۲۲، ۲۴، ۳۹
 عبد ۲۳، ۳۰، ۴۷، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹،
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶،
 ۱۱۸، ۱۵۵، ۱۷۵، ۱۸۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۵۱، ۲۵۲،
 ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱،
 ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷،
 ۲۸۸، ۲۹۱
 عبد السلام ۱۰۸
 عبد الصمد ۸۵، ۲۵۷
 عبد العالى ۲۳، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۷۹
 عبد الكريم ۱۰۸
 عبد اللطيف ۱۰۸
 عبدا لله ۴۴
 عبدالجبار ۱۹۵
 عبدالجليل ۴۷
 عبدالحسين ۴۲، ۹۰، ۲۰۱
 عبدالرحيم ۱۲۲، ۱۳۴
 عبدالرزاق ۱۷۶
 عبدالعزيز ۳۹، ۶۳، ۱۱۰، ۱۷۴، ۱۸۴
 عبدالقيس ۱۹
 عبدالكريم ۱۸۷، ۱۹۶

عبداللهين مسعود ١٥١
عبدالنبى ١٩٦
عثمان ٤٥، ١٥١، ١٥٤، ١٨٦
عثمانى ١٢٩، ١٣٠، ١٣٩، ١٩٣
عثمانيان ١٣٠
عراق ١٣٠، ١٥٢
عراقى ١٨٢، ١٩٣، ٢٠١، ٢٧١
عربستان ١٦٥، ٢٠٤
عرفات ١٥٤
عزالدين ١٨٨، ٢١٥
عزّالدين ١١٠
عسقلانى ٤٢، ١٧٤، ٢٢١، ٢٢٣
عصا ١٢، ٥٥، ٥٦، ٢٤٠
عقيقى ١٣٤
علاءالدين ١٥٢
علامه حلى ١٦٧
علامه ٩٠، ٩٢، ١٥٦
علوى ١٠٥، ٢٠٣، ٢٧٢
على ٦، ١٩، ٢١، ٢٣، ٢٥، ٣١، ٣٩، ٤٢، ٤٣، ٤٤، ٤٦، ٤٦، ٥٣، ٥٧، ٦٣، ٦٨، ٧٣، ٨٠، ٨٤، ٨٥، ٨٧، ٨٨، ٨٩، ٩٠، ٩٣، ٩٤، ٩٦، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٠١، ١٠٤، ١٠٨، ١١٠، ١١١، ١١٢، ١١٥، ١١٦، ١١٧، ١٢١، ١٢٢، ١٢٥، ١٢٦، ١٢٩، ١٣٨، ١٣٩، ١٥٠، ١٥١، ١٥٢، ١٥٤، ١٥٧، ١٧٤، ١٧٥، ١٨٠، ١٨٢، ١٨٣، ١٨٤، ١٨٦، ١٨٧، ١٨٨، ١٨٩، ١٩٠، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٤، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨، ١٩٩، ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤، ٢١٥، ٢١٨، ٢٢١، ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٥١، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٦٤، ٢٦٦، ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٧٤، ٢٧٥، ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٦، ٢٨٧، ٢٨٨، ٢٨٩، ٢٩٠، ٢٩١
عليين ابيطالب ١٥١

عماد الدين ٦٩، ١٠٨، ١٧٧
عماد بن يونس ٩٤
عمان ١٤
عمر ٣٩، ٤٣، ٦٢، ١١٣، ١١٥، ١٧٣، ١٧٩، ١٨٤، ١٨٨، ٢٠٤، ٢٦٨، ٢٨٠
عمررضا ١٩٧
عمر بن عوف ١٩
عمرى ١٥
عمير ١٨، ٣٤
عنایت ١٣٨
عوف ٣٣، ٣٤
عيد ١٠، ٥٤، ٨٥، ١١٠، ١١١، ١٢٥، ١٥١، ١٥٣، ٢٢٩، ٢٣٠
عيد فطر ١٠، ١٦٠، ٢٤٤، ٢٤٦
عيد قربان ١٦٠، ٢٤٤، ٢٤٦
عيسى ١٨، ٧٢، ٨٨، ٢٥٧، ٢٧٠
عيسى بيك ٨٨، ٢٥٧، ٢٧٠
عيني ٥، ٢٣، ٢٤، ٥٤، ٧٩، ٨٠، ٨٣، ٨٤، ٨٥، ٨٦، ٨٧، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٣، ٩٤، ٩٥، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٩، ١١١، ١١٢، ١١٧، ١١٨، ١٢٤، ١٢٧، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٣، ١٣٦، ١٣٧، ١٣٩، ١٤٠، ١٤١، ١٤٧، ١٥٦، ٢٥١، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٥، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٧٠، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤، ٢٧٦، ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٣، ٢٨٤، ٢٨٩، ٢٩٠، ٢٩١، ٢٩٢
غازى ١١٧، ٢٧٤
غربى ١٢، ٤٩، ٧٥
غزوى ٩، ١٨، ١٥٧، ١٩٤، ٢٧٢
غريفى ٨٤، ٢٥٥
غزالي ١٩٠، ٢٢٤

غفاری.....	۱۷۳، ۱۸۳	قاجار.....	۵، ۲۴، ۹۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷
غفاری.....	۴۵	قاجاری.....	۱۴۵
فاتحه.....	۳۳۲	قاسم.....	۱۹۵
فاضل، ۱۱۳، ۱۰۴، ۱۰۳، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۸۹، ۶۸، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۱۹، ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۳۳، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۱	قاضی، ۱۴۶، ۱۲۲، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۶۵، ۶۶، ۶۸، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۹۵، ۲۶۸، ۲۸۰
فاضل تونی، ۲۶۶، ۲۶۵، ۱۱۹، ۱۰۴، ۱۰۳، ۹۳، ۸۹، ۶۸، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۲۷۲، ۲۸۵	قاهره.....	۲۲، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵
فاطمه.....	۱۹	قبا.....	۱۹
فتوت.....	۱۵۶	قدمی.....	۸۷، ۲۷۴
فخرالدین.....	۱۷۹	قرائتی.....	۱۹۶
فردوسی.....	۱۷۵، ۲۰۳	قرآن، ۷۴، ۷۳، ۷۰، ۶۳، ۵۳، ۴۷، ۴۵، ۲۹، ۲۰، ۱۱، ۵	۵، ۱۱، ۲۰، ۲۹، ۴۵، ۴۷، ۵۳، ۶۳، ۷۰، ۷۳، ۷۴
فرسنگ.....	۱۲	قریبان.....	۷۵، ۹۵، ۹۷، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰
فرهنگ، ۱۹۱، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۷۷، ۱۷۵، ۱۴۶، ۸۸، ۴۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۹۶، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸	۱۹۵	قزوینی.....	۴۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۹۶، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸
فسوی.....	۹۲، ۲۸۷	قطب.....	۳۴، ۶۹
فضل، ۲۱۶، ۲۰۴، ۱۹۱، ۱۹۰، ۳۴، ۳۹، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۱۶	قطعیه.....	۱۲۲
فطر.....	۶، ۱۰، ۸۵، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶	قطیفی.....	۵۷، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۷
فقه، ۸۰، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۲، ۳۷، ۳۴، ۲۳، ۱۱، ۹، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۲۳، ۳۴، ۳۷، ۴۲، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۸۰	قلقشندی.....	۲۲، ۱۹۶
فوری.....	۱۳، ۱۴	قمی.....	۳۱، ۹۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۵۵، ۱۹۶، ۲۶۹، ۲۷۷
فهمی.....	۱۸۷	قندور.....	۱۵
فوطی.....	۱۷۶	قوام الدین.....	۱۰۹
فیروزآبادی.....	۲۱۹	کابالات.....	۱۶
فیض، ۱۲۷، ۱۱۸، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۳، ۹۳، ۸۹، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۵، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴	کاشانی.....	۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۱
قاسمی.....	۸۹، ۲۵۲، ۲۷۸	کاشف القطا.....	۹۶
قاسم.....	۱۹۵	کاظم.....	۱۰۸، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۵۸، ۲۷۱
قاضی، ۱۴۶، ۱۲۲، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۶۵، ۶۶، ۶۸، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۹۵، ۲۶۸، ۲۸۰	کاظمی.....	۸۹، ۲۵۲، ۲۷۸

کالدر ۵۰، ۵۲

کبری ۱۶۳

کتویم ۱۶

کربلا ۱۶۶

کرکی ۲۳، ۲۴، ۵۷، ۶۸، ۶۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲

..... ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،
 ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۲۶، ۲۷۶،
 ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۶

کرنلی ۷۳

کریم ۱۹۷

کشاورز ۱۹۷

کشفی ۱۵۷، ۱۸۹

کشمیری ۹۰، ۲۸۰

کشوری ۱۹۷

کلباسی ۱۹۷

کلبرگ ۵۳

کلجیت ۴۹

کلیسا ۱۷

کلینی ۴۰، ۸۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۸۹، ۱۹۷

کمره‌ای ۱۱۵، ۲۸۰

کوپایی ۱۰۸

کوفه ۲۱، ۱۵۱، ۲۴۳، ۲۴۵

کوفی ۱۹۸

کیلفورد ۱۷۹

کیلومتر ۱۲

کافی ۴۵، ۵۵

گاریبالدی ۷۲

گرگانی ۱۹۹

گلپایگانی ۴۲، ۹۲، ۹۳، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۵،
 ۱۱۸، ۲۵۱، ۲۷۸

گوستاو ۷۱

گوهرشاد ۶۰

گیلانی ۱۰۴، ۱۰۶، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۱

لا یحضره الفقیه ۲۱، ۲۴۳

لبنان ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۷۴، ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۶۹، ۲۰۰

لطف الله ۱۰۸، ۱۳۲

لطیفی ۱۹۸

لمیتون ۱۹۸

لوبن ۷۱

ماحوزی ۹۴، ۲۵۵، ۲۸۳

مار کوپولو ۱۹۸

ماریوما ۲۱۸

مالکین انس ۱۴۹

مالکی ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴

مأموم ۱۰، ۱۱، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳،
 ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۰

ماوردی ۵۰، ۵۱، ۵۲

مبارک ۲۰، ۱۹۹

مبسوط ۵۰، ۵۱، ۹۸، ۱۴۰، ۲۱۷

مبشر ۱۷۹

متر ۱۹۹

متقی ۱۹۹

مجتبی ۳۹، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۰۱

مجتهد الزمانی ۲۳

مجدالدین ۲۱۹

مجلسی ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۹۲، ۹۰، ۸۸، ۸۷، ۸۴، ۴۰

۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۲۱، ۲۲۳،
۲۲۴، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۱

مجلسی اول ۸۸، ۱۴۳، ۲۸۹، ۲۹۱

محسن ۱۹۶، ۲۵۲

محسنی ۱۹۹

محقق کرکی ۹۹

محمد، ۵۰، ۴۷، ۴۳، ۴۲، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۵، ۲۱، ۱۸، ۹، ۶،
۵۵، ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۳، ۸۴،
۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸،
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲،
۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۴۵،
۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸،
۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷،
۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،
۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۶،
۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶،
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵،
۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴،
۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳،
۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱

محمد باقر ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۶۷

محمد تقی ۸۷، ۱۳۲

محمد علی ۱۶۱، ۱۶۴

محمدباقر ۱۴۳، ۲۰۰، ۲۲۱

محمدبن جریر ۱۹، ۳۳

محمدبن عبدالرحمن ۲۱۸

محمّدی ۷۵، ۱۷۷، ۲۵۱

محمود ۱۸۲، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۰۲، ۹۸، ۸۵، ۶۰،
۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۵۵، ۲۶۹، ۲۸۷

محمودی ۴۳، ۲۰۰

مختاری ۱۲۸

مخلوف ۲۰۰

مدنی ۳۳، ۹۵، ۲۶۰، ۲۸۷

مدینه النبی ۱۹

مدینه ۱۸۳، ۱۵۲، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۰، ۱۹، ۱۸،
مراکش ۱۴، ۷۰

مرتضی ۱۹۲، ۱۸۱، ۱۷۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۸۵، ۶۸، ۳۵،
۱۹۵، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۸۸

مرشدی ۱۹۸

مرعشی ۱۰۶، ۱۰۵، ۹۹، ۹۵، ۹۳، ۹۰، ۸۶، ۸۵،
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۶، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰،
۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴،
۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰

مروارید ۱۵۰، ۱۵۲، ۲۰۰، ۲۵۳

مروان ۴۲، ۴۴

مروت ۱۵۶

مریم ۸۶

مستدرک ۴۶

مستغفین ۱۳

مسجد ۵۲، ۴۶، ۴۲، ۴۱، ۳۳، ۳۲، ۳۲، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۴، ۱۲،
۶۱، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۵۲، ۲۴۳

مسعود ۱۵۴، ۱۹۴، ۱۹۷

مسلم ۴۷، ۶۶، ۸۳، ۱۴۳، ۱۸۱

مسلمان ۲۲۷، ۲۱۸، ۱۹۰، ۹۰، ۷۵، ۶۳، ۱۵، ۱۲، ۱۱،
۲۳۸

مسیح ۱۷، ۹۲، ۱۴۶، ۲۸۷

مسیحا ۹۲، ۲۸۷

مسیحیان ۱۶، ۱۷

مشهدی ۸۷، ۲۶۰، ۲۸۸

مصر ۲۰۵، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۸۸، ۱۸۳، ۱۷۴، ۷۰، ۶۴، ۱۴	مهلوی..... ۱۷۵، ۱۴۵، ۱۴۴
مصطفی..... ۲۸۸، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۷۴، ۱۱۰	مهلی..... ۲۷۶، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۳۵، ۵۶
مُصَبِّ..... ۱۸	مهذب..... ۵۱، ۵۰
مصلح الدین..... ۱۴۵، ۱۴۴	مهران..... ۳۰
مطلقه فقیه..... ۲۵	مؤمن..... ۲۸۵، ۲۶۵، ۲۱۷، ۸۹
معز..... ۱۰۸	میانجی..... ۲۰۲، ۱۸
مغول..... ۱۷۷، ۱۶۷	میت..... ۱۰
مفید ۲۱۶، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۱۰، ۸۵، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۳۸، ۳۶	میر داماد..... ۲۹۰، ۲۸۹، ۱۴۳، ۱۳۲، ۱۰۵، ۱۰۲
مقداد..... ۱۸۶، ۱۱۶	میر قاسم..... ۱۰۸
مقصود..... ۲۲۵، ۱۹۹، ۱۰۹، ۳۵، ۳۴	میر احمدی..... ۸۶
مقیم یزدی..... ۱۴۵، ۸۴	میرزا..... ۲۰۰، ۱۳۳، ۱۱۸، ۱۱۲، ۱۰۸، ۱۰۴، ۹۴، ۸۸، ۸۴
مکارم..... ۱۵۷، ۲۵، ۲۱	۲۹۰، ۲۸۶، ۲۸۱، ۲۶۹، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۵۲
مکه..... ۱۶۶، ۱۳۹، ۳۵، ۳۴، ۳۲، ۱۸	میرزا عبدالله..... ۱۳۳، ۸۴
مکی..... ۱۸۷، ۱۱۱	میلانی..... ۲۰۳
ملا رجب..... ۱۰۸	مینخا..... ۱۶
ملا عبد الله..... ۲۶۸، ۹۰، ۸۴	ناصبی..... ۵۳
ملا محسن... ۲۷۷، ۲۷۳، ۱۴۲، ۱۲۷، ۱۰۹، ۸۹، ۸۷	ناصر..... ۲۸۲، ۲۵۰، ۲۱
ملا مراد..... ۱۰۸	ناصر خسرو..... ۲۰۳
ملا محسن..... ۱۴۱، ۱۳۲، ۸۶	نائینی..... ۲۷۰، ۱۰۸، ۱۰۷
ملکی..... ۲۰۱	نبطی..... ۱۱۱
من لایحضره الفقیه..... ۱۶۲، ۳۰	نجات بخش..... ۳۰
منتظری..... ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۳۱	نجاشی..... ۲۰۳
منصور..... ۲۴۹، ۱۹۳، ۱۸۳	نجف..... ۲۷۱، ۲۰۱، ۱۹۸، ۱۸۶، ۱۴۳، ۸۷، ۸۵
منوچهر..... ۲۰۰، ۱۹۵	نجفی، ۲۰۳، ۱۴۶، ۱۳۴، ۱۲۶، ۱۰۸، ۱۰۷، ۹۹، ۸۸، ۸۳
موسی..... ۴۴	۲۹۰، ۲۷۱، ۲۵۶، ۲۲۱
مولانا..... ۲۷۷، ۱۱۷، ۱۱۱، ۱۰۸، ۹۰	نحل..... ۲۱۷
	نرمن..... ۵۰

نسایلی ۱۰۸
 نصر الله ۱۰۸
 نصر الله ۳
 نظام الدين ۱۰۹، ۲۶۵
 نعمان ۴۲، ۱۱۴، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۱۶
 نعمت ۱۹۲، ۱۹۳
 نعيم آبادی ۲۰۴
 نفیسی ۲۰۴
 نقض ۴۷
 نفی ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۸۰، ۲۸۰
 نماز ۳، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۱۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۲۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲
 نماز باران ۶۷

نماز جمعه ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۲
 نماز وتر ۲۴۸
 نور الله ۱۱۱
 نوری ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۱۱۴، ۲۰۴، ۲۲۳
 نیشابوری ۱۸۱، ۲۹۱
 نیومن ۵۴
 واحد ۶۰، ۱۳۱، ۱۵۹
 وتر ۷۳
 وجوهات ۳، ۷
 وحید ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۷۵
 وحید بهبهانی ۱۰۷، ۱۴۱
 وسمقی ۲۰۵
 وفا ۱۲، ۵۳، ۵۶، ۷۴
 ولی قلی ۸۸، ۱۰۷
 ولیدبن عقبه ۱۵۱
 هادی ۲۰۳
 هالوی ۱۶
 هانینا ۱۶
 هبوس ۱۴

هدایت الله	۱۹۱	يعقوب بن اسحاق رازی	۸۳
هلالي	۴۳	يعقوبی	۴۳
هندي ۲۹۱، ۲۸۷، ۲۷۳، ۲۶۰، ۱۹۴، ۱۱۳، ۹۵، ۶۸، ۶۶		يكشنبه	۱۷
هوسيشويز	۱۸	يوسف، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۷۸، ۱۷۴، ۹۱، ۸۸، ۳۴	
ياسين	۱۴	۲۵۴، ۲۵۵	
يان ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۳۳		يوم العرويه	۱۸
يثرب	۱۹، ۳۳	يونان	۱۶۵
يحيى	۱۷۶، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵	يونس	۱۸۳، ۲۹۲
يزدي ۲۸۸، ۲۴۸، ۲۰۵، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۴۵، ۱۰۸، ۸۸		يهود	۵، ۱۶، ۲۹، ۳۳، ۳۶
۲۸۹، ۲۹۱		يهوديان	۱۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶
يعقوب	۸۳، ۱۴۶، ۱۶۲، ۱۸۹، ۱۹۸		

تا پیش از دوران صفوی، نظریه های مختلفی مبنی بر وجوب یا تحریم نماز جمعه وجود داشت، مثلا نظر شیخ طوسی (۱۰۶۸/۴۶۰) مبنی بر وجود امام عادل یا کسی که از جانب امام عادل گمارده شده باشد را شرط برپایی نماز جمعه می دانست. در مقابل، سلار دیلمی (۱۰۷۱/۴۶۳)، یکی از فقهای بزرگ سده پنجم، نخستین دانشمندی بود که برپایی نماز جمعه را در نبود امام معصوم خطا می دانست. اگر چه او ابتدا گفته بود که «نماز جمعه با فرض حضور امام یا جانشین او واجب است» اما در بخش پایانی کتاب خود، اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت برای فقها نا حق می داند. (ابو یعلی سلار بن عبد العزیز دیلمی، المراسم فی الفقه الامامی، ص ۶۳۵).

بین فقهای امامیه برگزاری نماز جمعه مورد اختلاف است. برخی از علمای شیعه آن را واجب تعیینی، بعضی تخییری و بعضی حرام می دانند. منشا و محور اختلافات در مسئله، وجود و لزوم امام معصوم یا مجوزی برای نماینده آن امام برای اقامه نماز جمعه است. در این اختلاف نظر از وجوب عینی تا تحریم کامل، آراء و نظرات فقهی متعددی وجود دارد که مهم ترین آنها ابهام در نقش رهبری در اجرای نماز جمعه است.

نمونه ای از این ابهامات که سبب سرگردانی خود فقها شد را در استدال های فیض کاشانی (۱۶۸۰/۱۰۹۰) (که خود امامت نماز جمعه اقامه میکرده و مورد توجه شاه عباس دوم نیز بوده است) میتوان دید. وی در رساله اعتدال یا شکوائیه در موضوع نماز جمعه در پاسخ به عالمی از خراسان چنین نوشته : اکنون من در کار خویش سرگردان شده و نمیدانم چه کنم، و به کجا بگیریم. فتوت و مرآت از من پنهان گشته و کسی را از میان مردم برای برادری و شایسته برای مرآت نمییابیم، مردمانی که چیزی را از چیزی تشخیص نمیدهند و اهل مراعات دین نیستند، حتی خانواده و یارانم هم؛ همه آنان راهی جز راه من میروند و هیچ کدام از سخ من نیستند.

استاد سابق دانشگاه اصفهان

پژوهشگر در علوم دینی اکل پراتیک دانشگاه سوربن



ISBN 978-2-9555549-3-7



9 782955 554937